کارگران

دوشنبه چهارم مرداد ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی - شماره هیجدهم - بها: ده ریال

18

کارگران بارفروش
ومیدانهای میوه وتره بار تهران

خبرنگاران ما ۸ ساعت درکنار کارگران یک کارگاه

کارگران چاپخانه ها

در کار ترویج دانش وفرهنگ

COLLECTION OF TAHEREH FOUNDATION

برای رفع خستگی کوکاکولا بنوشید

کوکاکولا

در تمام شهرهای ایران
و در شهرهای خارج از کشور:
لندن ـ پاریس ـ نیویورک ـ مونیخ ـ هامبورگ ـ
ابوظبی ـ جده ـ شارجه ـ دبی ـ بحرین ـ مسقط ـ
میتوانید از دفترچه حساب پس انداز
در گردش استفاده نمائید
دفترچه حساب در گردش
بانک ملی ایران
بانک ملی ایران
صندوق پس انداز بانک ملی ایران

رستاخیز **کارگـــران**

دوشنبه چهارم مرداد ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی - شماره هجدهم

«نشریه حزب رستاخیز ملت ایران» این نشریه ماهی دوبار منتشر میشود

مدیر مسئول: محمد حسین کردبچه

نشانی: خیابان وصال شیرازی چهارراه بزرگمهر پلاک ۱/۱۴۸

تلفن مدیر مسئول و سردبیر ۶۴۰۴۲۲ هیئت تحریریه ۶۶۳۷۵۵

تلفنخانه ۶۶۶۰۴۴-۶۶۷۱۵۹-۶۴۰۷۹۹

عامل شرف کارگری...

توصیه های مؤکد نخست وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز ملت ایران در جلسه اخیر هیئت اجرائیه سازمان کارگران ایران، در واقع یاد آوری مجدد او امری بود که شاهنشاه آریامهر همواره در باره لزوم ارتقاء سطح مهارتهای فنی کارگران ایران صادر فرموده اند.

مسئله بالا بردن روزافزون سطح مهارتهای فنی و دانش شایسته و بایسته برای ازدیاد کارآئی عامل کار یک ضرورت عینی است که اگر هر لحظه — در هر جامعه ای که میل صنعتی شدن دارد — از آن غفلت شود، در واقع عقب نشینی از صحنه رقابت و پیشرفت صنعتی شدن تلقی میشود...

در عصری که اصولا صنعتی شدن کامل تنها وسیله عبور از مرحله عقب ماندگی های قرون و اعصار است، طبعاً تمام ملتها باین ضرورت پی برده اند و هریک بفراخور امکانات گوناگون ملی خود این برنامه را هدف نهائی خود قرار داده و میدهند... در چنین عصری هر کس میکوشد که وابستگی خود را بجهان پیشرفته فقط با توسعه و پیشرفت صنایع خود نشان دهد و باین دلیل است که رقابت در بدست آوردن بازارهای جهانی در درجه اول، و همزمان با آن کوششی برای رفع نیازمندیهای کامل هموطنان، خود، شاه بیت برنامه صنعتی شدن هر کشور محسوب میشود...

رقابت برای کسب شهرت و جا باز کردن در بازارهای جهان، و کوشش برای اینکه مصرف کنندگان داخلی از کالاهای خارجی واقعاً بی نیاز باشند ... واین ممکن نخواهد بود، مگر اینکه واقعاً محصول کار صنایع کشور جالب و راضی کننده و مقرون بصرفه برای مصرف کنندگان خارج و داخل باشد... و مقرون بصرفه ساختن مصرف یک کالا را تا مدت کوتاهی میتوان (وباید) بنام حمایت صنایع ملی از طریق مساعده های دولتی و دیگر اقدامات حمایتی حکومت ها انجام داد، ولی برای همیشه ادامه چنین روشی خود بخود وسیله شکست تمام برنامه های اقتصادی یک کشور خواهد بود. و باید که خود محصولات صنعتی بتوانند در اثر جذب بهترین تکنولوژی و سالمترین نیروی کار، کالاهائی مقرون بصرفه اقتصادی باشند...

با توضیع بیشتر اینکه باید کارگران و سازندگان واقعی کالاهای صنعتی یک مملکت با افزایش منظم و دائمی سطح مهارت های فنی خود از یک سو و با صرف وقت مؤثر بیشتر — بطوری که واقعاً قسمت تمام شده کالاها منعکس کننده ارزش حقیقی و شرافتمندانه کار و مهارت باشد — کالاها را تا سرحد امکان خوب و مرغوب و ارزان و اقتصادی و مقرون بصرفه بسازند...

و باین ترتیب است که اثر وجودی یک جامعه کارگری سالم و شریف و ملی در اقتصادیات و حیثیت ملی یک مملکت قابل حس شده و احترام (مارک) و نام و نشان صنایع یک ملت را در سرتاسر جهان توأم با آبرو و افتخار میسازد...

شاید درست درهمین رهگذر از سخن ضرورت داشته باشد که یکبار دیگر نکته اساسی موسوم به «وجدان» را یادآوری کنیم...

شاید تامدتی بسیار آسان و خوشایند باشد که یک کارگر و یا یک گروه کارگری با همان سطح مهارت کهنه و دانش سازندگی حقیر در کارگاه و کارخانه حضور یابند و در مدت زمان مقرر هم محصول متناسب با استانداردهای پیشرفته تولید نکنند، و بالنتیجه کالاها نامرغوب و گران بدست آیند، ولی یقیناً هنگام رسیدگی به ترازهای مالی و اقتصادی کشور — خصوصاً به تراز فعالیتهای صنعتی — گناه عدم موفقیت بگردن همان فرد یا گروه (و یا خدای نخواسته) جامعه کارگری متوجه خواهد شد....

واین همان حقیقت است که برای پرهیز از گناه بدسازی و کم سازی باید مجهز به عامل باطنی مقدس بنام (وجدان کار) باشیم... وجدانی که به کارگر و عنصر شریف سازنده ندامیدهد که: «کالائی که میسازی با نام وطن تو، با حیثیت ملت تو، با منافع حیاتی مردم تو و بالاخره با آینده خود تو ارتباط مستقیم وجدائی ناپذیر دارد» و گویا این مهمترین و تنها عاملی باشد کـــه میتواند کلمه کارگـــر را با کلمه «شریف» جدائی ناپذیر سازد و بس.

در این شماره

کارگران چاپخانه ها، در کار ترویج دانش و فرهنگ

کارگران چاپخانه ها که کلمات فرمان های رهبر انقلاب شاه و ملت را می چینند، بخوبی از رفاه و آسایش و پیشرفت مداوم کشورمان آگاهند... آنان، در کار ترویج دانش و فرهنگ، طبقهٔ مشخصی از کارگران ما را تشکیل می دهند، که بیگمان ثمرهٔ کارشان ارزشی والا دارد.

در اینشماره، رپرتاژ جالبی از کارگران چاپخانه ها داریم، که بسیار خواندنی است.

صفحات [illegible]

خبرنگاران ما، ۸ ساعت، در کنار کارگران یک کارگاه

در این شماره، رپرتاژ جالبی را می خوانید، که تصمیم داریم چنانچه مورد توجه شما قرار گرفت آنرا دنبال کنیم. این سری رپرتاژ که مانند آئینه یی، زندگی و کار خواهران و برادران عزیز کارگر را در حین کار در کارگاهشان نشان می دهد، می تواند از جهات گوناگون برای خوانندگان عزیز جالب باشد. ما گزارشگر و خبرنگار عکاسمان را به کارگاهها می فرستیم و آنها هشت ساعت در کنار کارگران عزیز میمانند، و از کار آنها، گفتگوهایشان با یکدیگر — مطالب شوخی و جدی که با همدیگر مطرح می کنند، ساعت فراغت، دوران ناهار — خوری، هنگام استراحت، همه و همه آنچه را که در کارگاه می گذرد، در این رپرتاژ منعکس می شود....

صفحات [illegible]

میزگرد رستاخیز کارگران

«رستاخیز کارگران» منعکس کننده نظرات، خواست ها و مسائل مختلف جامعه کارگری ایران است. از جمله راههائی که برای دست یافتن به این امر در اختیار داریم، برگذاری جلسات میزگرد با حضور نمایندگان کارگران، و نمایندگان وزارتخانه های کار و امور اجتماعی و بهداری و بهزیستی است. در اینشماره نمایندگان سندیکا های کارگـــران فروشنده گوشت گوسفند، و کارخانه دارو سازی اسکویب، در جلسه میزگردی مسائل مختلف خود را مطرح کرده اند، که از طرف نمایندگان وزارتخانه های کار و بهداری پاسخ گفته شده است.

صفحات ۳۰-۳۱

صفحه خودمون

گرچه تمام صفحات «رستاخیز کارگران» متعلق به عموم کارگران عصر رستاخیز است، و پیوسته از خواهران و برادران عزیز کارگر که ذوق و استعداد نویسندگی دارند خواسته ایم با مجله خودشان همکاری کنند، و پاسخ مثبت هم دریافت داشته ایم، اما دو صفحه را بنام «صفحه خودمون» اختصاص به مطالب کوتاهی که خوانندگان عزیز ارسال میدارند، داده ایم. تمام مطالب این دو صفحه را خود کارگران مینویسند و برای ما ارسال میدارند. مـــا همکاری بیشتر شما را خواهانیم.

صفحات [illegible]

خود ساخته ها

او، یک کارگر ساده بود. گاه باربری میکرد، گاه رفتگری، زمانی در راه آهن مشغول می شد، و یک زمان به پادوئی در مغازه ها می پرداخت ... اما هیچگاه از آموختن غافل نمی ماند ... و سرانجام پس از بیرون آمدن از کوره زندگی، به مقامی بس رفیع دست یافت، و توانست جایزه ادبی نوبل را در چنگ خـــود بگیرد... این کارگر خود ساخته، «کنوت هامسون» نویسنده کتاب معروف «گرسنگی» است.

در این شماره «رستاخیز کارگران»، بجز مطالب بالا، ده ها خبر و مطلب جالب می خوانید..

خواست خدای ایران و ایمان شاه ایران...

نوشته: م. سعیدوزیری

دوست عزیزم...

اکنون که رشته سخن را بدست من سپرده‌اید من این نکته را نادیده نمیتوانم گذاشت که:

با اینکه بهنگام روی کار آمدن اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر امکاناتی در کشور وجود داشت که در زمان پهلوی اول پدید آمده بود— و رضاشاه کبیر در آغاز کار از چنان امکاناتی محروم بود— ولی یکباره با مسائل و مشکلاتی روبرو گردید که وسایل مقابله با آنها را در اختیار نداشت...

بزبان دیگر باید بگویم که دشمنان داخلی و خارجی ایران از دوران کوتاه (رنسانس رضا شاهی) تجاربی اندوخته بودند که میدانستند چگونه باید این بار ایران را به زانو درآورند که دیگر باسانی برنخیزد و طرحی نو نریزد و زندگی از سر نگیـــــــرد !.....

پیش از هر کار بازار شایعه و تهمت را رواج دادند ، سپس ارتجاع و فئودالیزم کهن و ریشه دار را که بقدرت پهلوی اول در واقع خانه نشین شده و خارج از گود رفته بود از نو وارد میدان کردند و دستش را در دست جناحی از افراطیون چپ گذاشتند که در سرفع لزوم آب توبه بر سر یکدیگر بریزند و به نوبت ملت ایران را بازیچه خود سازند....

فعالیت های موسوم به ضد استعمار نه تنها جای پای تازه‌ای برای نوعی استعمار تازه نفس تر و با فلسفه فریباتر گشودند ، بلکه موجب تبرئه و آبروبندی ! استعمار کهن نیز گردیدند ....

اصولا پیشنهاد ها و شعار هائی که در قالب طرد استعمار داده میشد ، موجب تحریک بیشتر استعمار کهن و طبعاً بهانه گیری استعمار جدید بــرای احـــراز شــرایـــط متســـاوی بـــا رقیـــب مـــی‌شد ! استعمـــار گـــران رنگارنگ دست به تشکیل گروههای رنگارنگ وابسته زدند که واقعاً تشخیص نوع و میزان وابستگی آنها برای ملت واقعی ایران مشکل و حتی محال می نمود ، گاهی تند ترین شعار های افراطی چپ از زبان افراطی ترین راست ها شنیده می شد و گاه گاه عناصری کوس ملی بودن می نواختند و سنگ ملت برسینه می زدند که وابستگی های شخصی و تعلقات خانوادگی شان به قدرتهای غیرملی از خورشید هم روشنتر بود ...

و بهرصورت اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی از هنگام آغاز سلطنت خود که در میان مجموعه‌ای از خون و آتش و ویرانی از یک سو و از سوئی در آغوش بستری از امید ها و آرزو ها و دعاهای خیر ملت ماموریت برای وطن خود را بعهده گرفتند ، با یک سلسله مسائل جدید و ناشناخته حاد روبرو شدند که اگر تنها پشتیبانی خدای ایران و اعتقاد شخص ایشان به حقانیت ملت خود نبود ، هرآینه تیر دشمنان ایران بهدف می‌خورد و از ایران آرام و پیشرو امروز اثری نبود....

* عقیده شخص نگارنده بعنوان کسی که بیشتر ملت عمرم را در بررسی مسائل و رویداد های اجتماعی زمانه‌ام ، اعم از داخلی و خارجی ، سپری کرده‌ام ، بطورخلاصه اینست که حاصل توطئه ها و کارشکنی ها و سعی و کوشش های دانسته و فهمیده‌ی جبهه مشترک عمال بیگانه را باید در دو مطلب و دو برنامه و (متاسفانه در دو دستاورد لعنتی) خلاصه کرد و آن اینست:

* الف— در همه جا و در تمام موارد این فکر را بوجود آوردند و به اصطلاح این تخم لق را شکستند که در مملکت ایران موجبی و نیازی و موردی و محلی برای کار اصیل و صحیح نبوده و هر کس میتواند با هو و جنجال و شانتاژ و ارائه کار کاذب به خواسته هایش برسد و خود را به جامعه و مملکت تحمیل نماید و ضرورتی ندارد که برنامه و کاری بطور حقیقی انجام گیرد !

* ب— بهترین و شایسته ترین و آرمانخواه ترین فرزندان این مملکت را آنقدر بدنبال شعار های پوچ و توخالی و بیمورد غیرسازگار با مزاج مادی و معنوی ایران به زنده باد مرده باد گوئی واداشتند و در کوچه و بازار باین سوی و آن سوی دوانیدند که ذخیره نیروی انقلابی (و باصطلاح کارآئی و پتانسیل انقلابی اصیل و ملی) ملت را بحداقل ممکن تقلیل دادند و بدست باد فنا و بیهودگی سپردند . به نهال نوپای انقلاب ملی وارد نشود و آنرا از تند باد تحریکات و توطئه های مخالفان ملت ایران حفاظت میکردند...)

* بنظر این نگارنده توصیف و گزارش آن روزی که ولیعهد رضاشاه کبیر ، یعنی اعلیحضرت محمدرضا شاه ، شاهنشاه جوان ، بجای پدر عظیم الشان خود ، یعنی بجای شاهنشاه کبیر ایران ، یعنی بجای مرد بزرگ تاریخ ایران و خلاصه بجای مظهر ناسیونالیزم ایران به سلطنت میرسید و برای انجام مراسم سوگند و اعلام قبول ماموریت برای وطنش به مجلس شورای ملی میرفتند ، دیگر مطلب تازه‌ای نیست....

بین دیروز و پریروز بود که چند روزنامه پایتخت شرح آن روز را با سبکی بسیار دل انگیز و زیبا چاپ و منتشر کرده بودند— که خواندیم و تجدید خاطره‌ای کردیم— و من هرچه بخواهم آن جریان را جالب و دلنشین بنویسم ، بی‌گمان بپای آن نوشته ها نخواهد رسید ... بلکه مسئله مهم این بود که تاریخ داشت ورق میخورد و هنوز که هنوز است صدای آن ورق خوردن را بگوش جان می‌شنوم...

آنروز و از چند روز جلوتر از آن ، گروه گروه جوانان ایرانی حتی آنانکه هنوز به سن قانونی خدمت نظام وظیفه نرسیده بودند ، به اداره نظام وظیفه عمومی واقع در خیابان سوم اسفند هجوم میاوردند که بزیر پرچم رفته و بمیدان های جنگ در مقابل نیرو های مهاجم فرستاده شوند.

ولی توطئه گران علیه پابرجائی ارتش ایران دستور انحلال یکان های ارتش را صادر میکردند و دیدنی بود اشک چشم جوانان ایرانی که خبر های ناگوار از هم پاشیدگی ارتش را می‌شنیدند و می دیدند که این شور و هیجان آنان برای پیوستن به صفوف ارتش بیهوده می‌ماند...

دیدنی بود قیافه مردمی که از گوشه و کنار خبر استعفای رضا شاه را می‌شنیدند و احساس بی پدری و بی سرپرستی می کردند... و تمام آن قیافه ها در روزی که شاه جدید میرفت مراسم قبول مسؤولیت سلطنت را بجای آورد ، برسر راه او امید و آرزو می‌فشاندند...

ولی از فردای آنروز توطئه گران و رباینده گان استقلال و شرف ملت ها— از خودی و بیگانه— دست بکار شدند تا نگذارند آن دانه های امید و آرزو بروبند و ببار نشینند ... و کردند آن کار- هائی را که از پیر استاد فرا گرفته بودند.. با بحالت ، با بحیلت ، با بزاری ، با بزور...

بنیان ایران دستخوش ضربـــــات ناجوانمردانه خود قــرار دادند .... روشنفکر کاذب ساختند ، انقلابی کاذب ساختند دست راستی آفریدند ، دست چپی درست کردند ، خان بمیدان فرستادند ، سوداگران ایمان و عقیده روانه بازار نمودند ، عشایر کشاورز و دامدار شده را از نوبه یاغیگری و راهزنی رهنمون شدند و آنگاه ارتش را ملامت کردند که چرا دست به برادر کشی نمیزند ، غله و گوشت و مـــواد خوراکی کشور را بخارج فرستادند و دولت را باد ناسزا گرفتند که چرا فکری برای تأمین

بقیه درصفحه ۸۹

چهره کارگر در آینهٔ درخشان پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی

وکارفرما، بتدریج رنگ میگیرد مقررات کار و روابط کارگر

نوشته‌ی: شاهرخ تویسرکانی

مهرماه ۱۳۲۷ (۲۵۰۷ شاهنشاهی) شاهنشاه اندیشمند و آینده‌نگر ایران در بازدید از کارخانه ریسندگی و بافندگی کاشان اوامر موکدی برای توسعه و گسترش این قسمت از صنایع کشور صادر میفرمایند و رفاه و آسایش کارگران را مورد تاکید قرار میدهند.

همانطوریکه در شماره قبل ملاحظه گردید، روشن شد کشاندن دامنه جنگ جهانی دوم به داخل خاک کشور بی طرف ما به چه صورت انجام گرفت، و چه تحولاتی در این کشور کهن سال بوقوع پیوست. بدون شک نتایج حاصله از این اشغال و شدت فعالیتهای سیاسی بیگانگان در ایران، برای کشور ما گذشته از نتایج شوم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فعالیتهای سازندگی کارخانه‌ها و کارگاههای نوپای ما را مجبور ساخت مسیر قهقرائی به پیماید. و با بروز هرج و مرج و آشوب حاصله از این اشغال از جهت مسائل کارگری مشکلات زیر روی نمود، مشکلاتی که هریک بنوبه خود سدی شد برای پیشرفت و ترقی صنایعی که از برکت حکومت سردودمان پهلوی راه خود را باز یافته بود و میرفت تا جای خود را در جهان صنعتی آنروز باز کند.

۱ — معلق ماندن برخی از طرح های دولتی و بیکار شدن کارگران کارگاههای دولتی راهها، راه‌آهن و کارخانه‌ها، هجوم کارگران و کشاورزان بشهرها.

۲ — ترقی هزینه زندگی و بروز عدم تناسب بین درآمد و هزینه.

۳ — تمایلات فئودالی صاحبان صنایع در بهره کشی ظالمانه از کارگران که با ضعف دولت فزونی میگرفت.

۴ — ایجاد احزاب و گروه‌هائی که تنها از راه تحریک کارگران شهری میخواستند به نتیجه برسند.

۵ ـ مداخله های خارجی در وضع کارگران.

۶ — بروز احتکار و سودجوئی بین بازرگانان و برخی از عناصر دولتی که وضع آشفته را بسود خود میدیدند.

درنتیجه بروز این مشکلات و با تبلیغاتی که دشمنان ایران در میان توده مردم شهرها (که اغلب کارگر و صنعتگر بودند) میکردند، وضع آشفته‌ای در کشور ما پدیدآمده بود.

این دوره مطلق العنانی که چون لکه سیاهی در تاریخ زندگی کارگری کشور جلب نظر میکند از اوائل ۱۳۲۰ شروع گردید و تا آخر سال ۱۳۲۵ صحنه های مختلفی را بوجود آورد که کارگردانی آن ماجراها به عهده معدودی خائن و مزدور بود و اکثریت قریب باتفاق کارگران، دراین میان گناهی جز اغفال شدن نداشتند.

درچنین وضعی افراد مزدور و خیانت پیشه که بتحریک و بحمایت قوای بیگانه شروع بترویج اصول وطن فروشی و اقدام برعلیه مصالح آب و خاک نموده بودند چون جز وعده‌های فریبنده و زبان اغفال، پایه و مایه‌ای نداشتند و طبعاً نمیتوانستند در عقاید افراد پراکنده که فاقد منافع مادی مشترک بودند رسوخ کنند، کارگران مجتمع و نگران را مناسبترین وسیله و بهترین ابزار کار تشخیص و با استفاده از نقاط ضعف برخی از آنان تا حدودی موفق شدند آنها را فریب داده بدنبال خود بکشانند و ملعبه اغراض خصوصی خود سازند.

اداره کل کار

متأسفانه در آن دوران علاوه بر فقدان مقررات قاطع و نافذ، دولتها نیز چندان بر اوضاع مسلط نبودند وغالب ماموران، گذشته از طرز تفکر خاصی که نسبت به کارگران داشتند اطلاع کافی درمورد روابط کارگر و کارفرما نداشتند و نمیتوانستند بین آنها ایجاد حسن تفاهم نمایند. بهمین مناسبت هرجا که گروهی به عنوان اعتراض دست از کار می کشیدند، فوراً هیئتی از مرکز به آن محل اعزام و بطور موقت دفع فساد میکردند.

سرانجام پیشرفتهائی که در زمینه صنعتی، اقتصادی و اجتماعی در کشور پدید آمد، لزوم ایجاد واحدی برای رسیدگی بامور کارگران را ایجاب کرد ولذا درسال ۱۳۲۳، اداره کل کار در وزارت بازرگانی و پیشه و هنر تأسیس شد، ولی تا مدتی تمام کوششهای آن در راه ایجاد یک قانون کار عقیم ماند وطرحی که بعنوان قانون کار بوسیله این وزارتخانه به مجلس داده شده بود، تا پایان کار مجلس شورای ملی به تصویب نرسید.

ولی با کوشش های همه‌جانبه دولت هیئت وزیران درفروردین ۱۳۲۴ تصویبنامه‌ای را تصویب کرد که تا تصویب قانون کار در موارد بروز اختلاف در کارخانجات یا مؤسسات معدنی و باربری و ساختمانی کمیسیون‌های داوری محلی تشکیل شود.

وزارت کار و تبلیغات

تنها درسال ۱۳۲۵ دولت وقت موفق شد قانون کار را در هیئت وزیران مطرح کند و هیئت وزیران پس از رسیدگی لازم آنرا در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۵ تصویب نمود وقانون فوق الذکر از این تاریخ به مرحله اجرا نهاده‌شد.

عامل اجرائی این قانون طی ماده یک آن، اداره کل کار بود. ازآنجا که سازمان وهدفهای این اداره با قانون تصویب شده تناسب نداشت در مردادماه ۱۳۲۵ اداره کل کار از وزارت پیشه و هنر جدا شد و بصورت «وزارت کار و تبلیغات» مستقلا بکار پرداخت، ودرسال ۱۳۲۸ طبق تبصره ۱۱ ماده واحده بودجه کل کشور بنام وزارت کار تغییر نام یافت.

وزارت کار با سازمان کوچک خود تاسال ۱۳۳۲ به یک رشته فعالیتهائی درمورد تهیه و تدوین قوانین ومقررات مربوط بکار دست زد. اهم این فعالیت‌ها عبارت بودند از:

تدوین آیین‌نامه‌های شورای عالی کار، بیمه کارگران، شورای کارگاهها، حداقل دستمزد، هیأت داوری وحل اختلافات، تشکیل اتحادیه ها و آموزش کارگران و اقدامات قانونی دیگر، جهت ممانعت ازاخراج کارگران هریک بنحو مؤثری درسروسامان دادن وضع کارگران ایران سودمند واقع شد. تثبیت حداقل مزد و اعلام مزد عادلانه وایجاد ضوابطی برای کنترل آن، تحدید ساعات کار، جلوگیری از هرج ومرج در روابط کارگر و کارفرما، تأمین بهداشت و ایجاد شرکتهای تعاونی، تهیه دفترچه‌های کارگری و تأسیس دفترهای مشاغل درشهرها، کمک به ایجاد سندیکاهای کارگری وتأمین وسائل راهنمائی، تأسیس دفتر تبلیغاتی برای هدایت کارگران ازطریق ایجاد مجله وبرنامه‌های رادیوئی، راهنمائی در مورد تأسیس شرکتهای تعاونی، تهیه‌مسکن برای کارگران، شرکت در کنفرانس های جهانی، ایجادمدارس صنعتی و کلاسهای راهنمائی صنعتی، استفاده از کارشناسان خارجی وایجاد بورسهای تحصیلی وغیره.

در تاریخ ۲۸/۳/۱۷ قانون کار دیگری مشتمل بر ۱۲ ماده و ۴ تبصره بتصویب مجلس شورای‌ملی رسید ودرواقع میتوان گفت که تنها ازاین تاریخ قانون کار بمعنی واقعی آن بمرحله اجرا درآمد.

همزمان با این اقدامات، آیین‌نامه‌های قانونی کار نیز تکمیل شد ومخصوصاً باتوجه بشرکت نمایندگان ایران درمجامع بین‌المللی کار وایجاد رابطه با مراکز آموزش کارگری اروپا و اعزام کارگر برای گذراندن دوره‌های آموزشی به خارج از کشور و آشنائی آنان با مسائل نوین کارگری و نیز تحولاتی که در کشورما درزمینه‌های اقتصادی و اجتماعی رخ داده بود، لزوم تهیه وتنظیم قانونی که بتواند پاسخگوی نیازهای جامعه متحول ما باشد احساس میشد وبخصوص پس ازمردادماه سال ۱۳۳۲، اقداماتی در جهت تکمیل قانون کار صورت گرفت، ولی این امرمهم تاسال ۱۳۳۶ بطول انجامید وسرانجام طرح قانون کار مشتمل بر ۱۲ فصل (۹۰ ماده، ۱۲ تبصره) درابتدای سال ۱۳۳۷ بمجلس شورای ملی تقدیم شد.

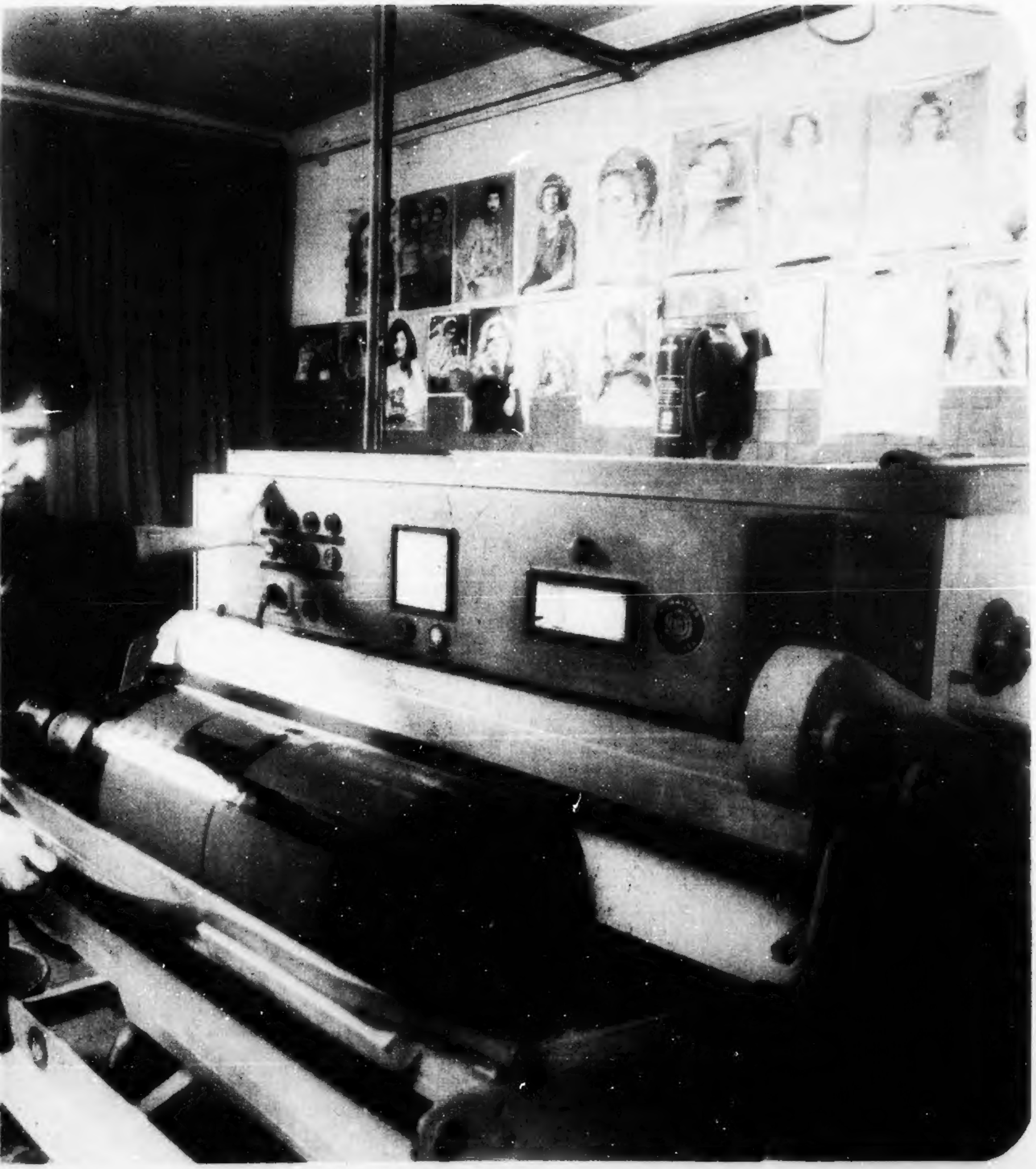

باپیشرفت صنعت چاپ و اختراع ماشینهای گوناگون، کارگران این حرفه ناگزیرند کار با پدیده‌های جدید را بیاموزند. اینجا قسمت سیلندرسازی است، که صفحات برروی این سیلندرها منعکس میشود و درماشین قرار میگیرد.

کارگران چاپخانه‌ها

درکار ترویج دا

کارگران چاپخانه، بجهت پیشرفت مداوم وسایل چاپ، ناگزیرند پیوسته مهارت خود را افزایش دهند و با کار با پدیده‌های جدید صنعت چاپ آشنا شوند.

این کارگران که کلمات فرمان‌های رهبر انقلاب شاه و ملت را می‌چینند، خیلی خوب از رفاه و آسایش وپیشرفت مداوم کشورمان آگاهند...

اکنون دیگر کتاب، روزنامه ومجله به همه جا راه یافته است، به همه جای ایرانزمین، سپاهی دانش در دورافتاده‌ترین روستای کشور به کمک کتاب به فرزندان این آب وخاک دانش می‌آموزدودرهمان حال دردانشگاههای کشورمان استادان از کتاب یاری می گیرند تا عالیترین سطح دانش رابه دانشجویان بیاموزند.

روزنامه ها آخرین اخبار را در خود جای می دهند ودر اختیار مردم می گذارند، چه در بازرگان آذربایجان وچه در چاه‌بهار سیستان دستان مردمان پذیرای روزنامه ها و مجلات کشوراست، بدین ترتیب صنعت چاپ به گونه‌ای فزاینده دربارورى مردمان کشورمان از دانش امروزسهمی بزرگ دارد وازسوی دیگر به عنوان بنیان یکی از ارکان رسانه های گروهی عطش مردم را برای دانستن آنچه که در کشورمان میگذرد فرو می نشاند وآنها همه‌مدیون کارگران چاپخانه هاست، بیست‌هزار کارگر چاپخانه درسراسر کشور که با خانوادشان تقریباً نزدیک به هشتادهزارنفر را تشکیل می دهند.

این کارگران درسراسر ایران پرا کنده‌اند، آنان با چیدن حروف دستی در کارگاه‌ها تا کار در کنار ماشینهای مدرن حروف‌چینی و یا چرخاندن دسته های ماشین چاپ مسطح تا کار با ماشینهای غول پیکر چاپ مخصوص برای فزونی دانش و آگاهی عرضه می کنند.

کارگران چاپخانه ها ازجمله باسوادترین و آگاه‌ترین کارگران هستند که بازوهایشان در خدمت چرخهای سازندگی کشوراست، آنان در کار خود نه تنها از بازوان توانا وانگشتان ظریف وفرهنگ پرورشان مایه می گیرند بلکه در هرحال ازفکرشان نیزمدد می جویند.

کارگران چاپخانه دراین سالها

کاررتوش درچاپ افست و هلیوگراور، ازحساس ترین کارهای حرفه چاپ است... علیرضائی، سرگرم رتوش فیلم یک صفحه ازمجله رستاخیز کارگران است.

تا در دنیای پرتلاطم وناآرام بهتری شناسند.
ایرج مظفری دبیر اتحادیه کارگران صنعت چاپ استان مرکز بدینگونه از ثبات سندیکای کارگری امروز وناآرامی دیروز سخن می گوید:

ریختند او با افسوس اضافه میکند که این سندیکا ودیگر سندیکاها که در پی آن بوجود آمدند، عمر کوتاهی داشتند واز آنجا که حس بینی در بین نبود یکی پس از دیگری متلاشی می شدند.
ایرج مظفری در اینجا از سندیکاهائی

تشکیلات مرتب ومنظمی بی ریزی شد . براساس ضوابط در استان مرکز که بیش از ۱۰ هزار کارگر از ۲۰ هزار نفر را در خود دارد و سندیکای وابسته به اتحادیه بوجود آمد که اکنون چاپخانه‌های با یکصد نفر ویا بیشتر کارگر هر کدام یک سندیکا دارنــد و تعداد سندیکاهــا از این نوع با پنج هزار کارگر به ۹ واحد می رسد وهفت هزار کارگر دیگر استان مرکزی که در واحدهای کوچک کار می کنند ، سندیکائی بنام سندیکای صنفی دارند.
بدین ترتیب کارگران چاپخانه های استان مرکزی عضو سندیکای کارگران ،

با استفاده از ماشینهای مدرن حروفچینی درمدت زمانی که ۳۰۰ سطر در گذشته چیده می‌شد، اکنون در همان مدت زمان ۲۰۰۰ سطر حروف چیده می‌شود.

ماشین هلیرگراور در هرساعت ۳۰ هزار فرم ۳۲ صفحه یی که هشت صفحه آن چهاررنگ است چاپ میکند...

نش وفرهنگ

از صفحات کشور بحث کرده‌اند و آن را شنوانه‌ای برای زندگی می دانند ، آنان که خبر جنگها ، برادر کشیها ، ناامنی ها و ... در دنیای خارج را برصفحات روزنامه ها نقش می کنند ، به راستی باغرور و افتخار ، حروف دستاوردهای زندگی‌ساز کشورمان را در کنار هم می‌چینند و قدر ثبات وآرامش کشورمان را در

اولین سندیکای کارگری که در ایران بوجود آمد سندیکای کارگران صنعت چاپ بود واین سخن به ۶۰ سال پیش است ، در آن زمانها که دیگر کارگران کشور از سواد بهره‌ای نداشتند و در دنیای سیاه بی‌سوادی گذران می کردند ، این کارگران صنعت چاپ بودند که گردهم آمدند وسندیکای خود را بی

سخن گفت که بجای آنکه به خواسته‌های کارگران توجه کنند ، اسیر انحراف می‌شدند و لامحاله سرنوشتی جز ازهم پاشیدگی نمیتوانستند داشته باشند.
دبیر اتحادیه کارگران صنعت چاپ از آرامش کنونی نیز صحبت داشت از محیط سالم و گروههائی کارگران براساس برآورد نیازها شان سخن او در این زمینه از نخستین سال انقلاب شاه وملت بود ، او گفت:
در این میان سندیکاهای کارگران صنعت چاپ به یکی از شکل گذشته خود خارج شد و سندیکاها در سایهٔ ثبات وآرامش وآغاز پیشرفت حیرت‌انگیز وبرق‌آسای کشور باقوانین و نظامهای موجود کشور منطبق شدند ودر تهران وشهرستانها سندیکاهای کارگران صنعت چاپ بوجود آمد . در سال ۳۳ شاهنشاهی نیز با احساس نیاز شدید به داشتن اتحادیه بنیان اتحادیه کارگران صنعت‌چاپ را گذارد و

روزنامه های اطلاعات ، کیهان و چاپخانه های ۲۵ شهریور ، آبادانا ، وزارت اطلاعات و جهانگری ، سپهر ، سلطان‌چاپ ، گوتمبرک و صنفی هستند.
واینجا سخن درباره خود کارگران گفته میشود ، کارگران صنعت‌چاپ هرروز بیشتر به خواسته هایشان می‌رسند ، مثلا امسال در یک چاپخانه کارگران ۶۰ درصد اضافه حقوق گرفته‌اند واین خود رقم بزرگی است ولی افسوس که بیشتر کارگران در جلسات سندیکای خود شرکت نمی کنند وهمین امر آگاهی به خواسته هایشان را دشوار می کند بیشتر کارگران وقتی به سندیکا مراجعه می کنند که مشکلی دارند ولی در حالت عادی شرکت در جلسات سندیکا را فراموش می کنند.
حقوق کارگران چاپخانه ها با توجه به مهارت وسالهای خدمت ، مختلف است .

لطفاً ورق بزنید

کارگران چاپخانه‌ها

در کار ترویج دانش و فرهنگ

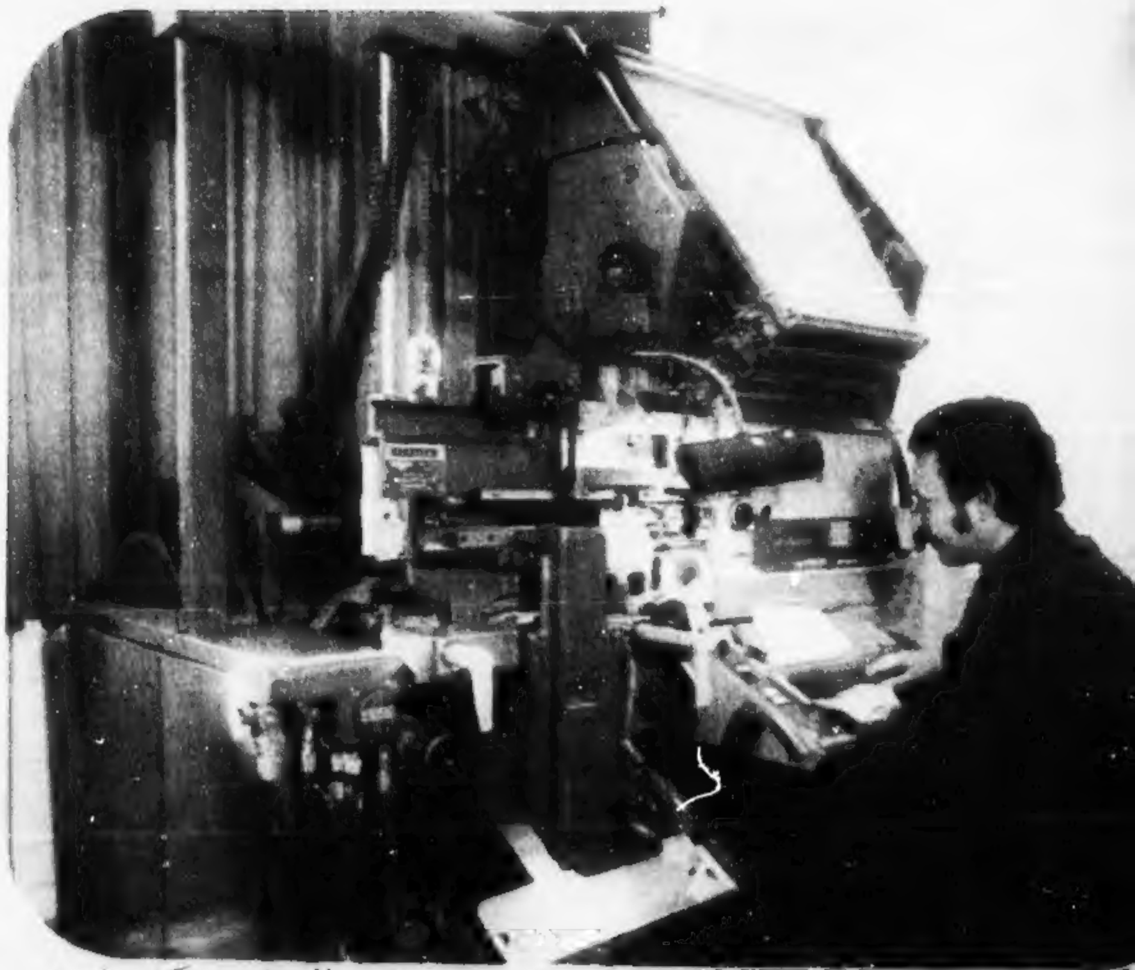

گرچه اکنون حروفچینی با کامپیوتر هم انجام میشود، اما ماشینهای انترتایپ ولاینوتایپ نیز که حروف‌سربی میچینند، هنوز جای خود را حفظ کرده‌اند. این کارگر ماهر، علی سخانش، در هر روز بیش از ۲۰۰۰ سطر حروف میچیند.

بعضی از کارگران متخصص حتی ۸ هزار تومان حقوق میگیرند و ساده‌ترین کارگران چاپخانه که «سندی» یا «بادو» نام دارند وتازه کار خود را آغاز کرده‌اند کمتراز هزارتومان دریافتی دارند.

البته پاره‌ای از کارگران چاپخانه‌ها در سالهای اخیر کار تخصصی خود را رها کرده‌اند وبه دنبال کارهای صنعتی پردرآمد رفته‌اند.

در زمینه سودویژه چاپخانه‌های بزرگ کشور در سال گذشته هر کدام ۱۰۴ روز حقوق به کارگران خود پرداخت کردند و در چاپخانه‌های کوچک پرداختی سود ویژه بین ۶۰ تا ۹۰ روز بوده است. باید افزود که برای بالا رفتن این رقم از اتحادیه کارآمایان صنعت چاپ دعوت شده است تاقرارداد جدیدی را امضاء کنند.

غیر از تفاوت محسوس در پرداخت سود ویژه درچاپخانه‌های کوچک وبزرگ تفاوتهای دیگری هم به چشم میخورد. کارگران چاپخانه‌های بزرگ کشور نسبت به چاپخانه‌های کوچک که پاره‌ای از آنها حتی یک یا دو کارگر دارند در رفاه بیشتری هستند. کارگران چاپخانه‌های بزرگ از ناهارخوری، غذای ارزان، سرویس و دیگر امکانات رفاهی بهره می‌گیرند ولی در چاپخانه‌های کوچک به‌علت کمی تعداد کارگران هرواحد از این خدمات اختصاصی سود برده نمیشود.

به‌خلاف چاپخانه‌های بزرگ کارآمایان پاره‌ای واحدهای کوچک قوانین کار را به‌طور کامل اجرا نمی کنند که ازجمله آنها می‌توان از اهمال در پرداخت حق بیمه کارگران نام برد.

حروف‌چین‌های دستی درواحدهای کوچک نسبت به همکارانشان در واحدهای بزرگ که با ماشینهای غول‌پیکر و مدرن چاپ سروکار دارند، ازمزایای کمتری برخوردارند ودرمیان آنان گروه سالمندان صنعت چاپ نیز به‌چشم می‌خورد. افراد این گروه که همه بیشتر از ۵۰ سال دارند وسالیان درازی بادست حروفچیده‌اند اکنون درسنی هستند که احتیاج به بازنشستگی دارند. آنان می‌گویند در گذشته‌ها مثل امروز قوانین به‌خوبی اجرا نمی‌شد و به‌این ترتیب به‌علت عدم رعایت و اجرای قانون از سوی کارآمایان بیمه نبوده‌اند. آنان حمایت دولت را از خودمی‌خواهند.

گشت‌وگذاری در چند چاپخانه ما را با کارگران بیشتر آشنا می کند، کارگرانی که کار خود را دوست دارند و به‌آن می‌بالند، کارگرانی که ازهمه زودتر درجریان پیشرفت‌های مملکت قرار می‌گیرند. کارگرانی که کارشان در آینده دور و نزدیک صفحه‌های تاریخ امروز کشورمان است. آنان وقتی فرمانهای رهبر انقلاب [illegible] را می‌بینند خیلی خوشحال می‌شوند که رفاه، آسایش و پیشرفتشان [illegible] هر روز بیشتر می‌شود و به‌این ترتیب با جان و دل به کار مشغولند و اطمینان دارند که حاصل کارشان درآینده مورد استفاده تاریخ نویسان و محققانی قرار می‌گیرد که درباره پیشرفتها و جهش برق‌آسای کشور مطلب خواهند نوشت. این کارگران گذشته را بیاد دارند و قدر امروزشان را به‌خوبی میدانند. احمد تهرانی یکی از آنهاست با ۴۰ سال سابقه کار که اکنون در چاپخانه روزنامه کیهان کار می‌کند. به‌سخنان او گوش می‌کنیم.

- کار کارگری چاپخانه را از ۴۰ سال پیش شروع کردم واولین کارم درچاپخانه کوچک روزنامه ایران آغاز شد. درآن زمان ماهیانه ۲۰ تومان حقوق می‌گرفتم که اکنون به ۸۵۰۰ تومان رسیده است و خوشحال هستم که توانسته‌ام به‌پنج فرزندم در سایه پیشرفتهای کشور رفاه و آسایش ببخشم. دو نفر از آنها ازدواج کرده‌اند، دو فرزندم در آمریکا تحصیل می کنند و یکی ازآنها نیز هنوز به‌مدرسه می‌رود.

درآن زمان کار درچاپخانه و حروفچینی کار بسیار مشکلی بود، وسیله به‌قدر کافی وجود نداشت، درچاپخانه‌ها برق نبود و به‌این

*** این کارگر، دراثرپشتکار و کوشش خویش، به‌مقام معاونت‌فنی چاپخانه‌یی که درآن کار می کند، رسیده است.**

او می‌گوید: لازم است یک‌مدرسه حرفه‌ای درامورچاپ تأسیس شود، که جوانان علاقه‌مند به کار درچاپخانه را، بااصول علمی این حرفه آموزش دهد.

فرم های چاپ افست، پس از چاپ دو رنگ اول برای چاپ دو رنگ دوم آماده می شود.

چگونه ماشین های غول پیکر رتاتیو و هلیوگراور جای ماشین های دستی چاپ را گرفت؟...

ترتیب ۲ یا چهار صفحه روزنامه با کار شبانه‌روزی و با تیراژ محدود به‌وسیله ماشین چاپ مسطح و به کندی آماده می‌شد و در اختیار مردم قرار می‌گرفت، اکنون بر اثر استفاده از آخرین تکنیک و ماشینهای جدید زحمات کمتر شده است در همان مدت زمانی که در گذشته ۳۰۰ سطر با زحمت بسیار چیده می‌شد، اکنون بیش از دو هزار سطر چیده می‌شود. آن زمانها از دستمزد اضافه کاری خبری نبود، ولی اکنون براساس قوانین هر کارگر در مقابل اضافه کاری مزد می‌گیرد و این مبلغ در شبها بیشتر است، در گذشته از لباس کار خبری نبود، ولی الان هست.

قهرمانی اضافه می‌کند: امسال وزارت کار یک درصد اضافه حقوق را تصویب کرده، ولی کارفرمای او ۲۰ تا ۲۵ درصد اضافه حقوق به کارگران داده است. البته او بلافاصله اضافه کرد که چاپخانه و مؤسسه‌ای که او در آن کار می‌کند حتما درآمد خوبی داشته است و از کارگرانش بخوبی بهره گرفته است که این مبلغ اضافه حقوق داده است.

او در اینجا می‌گوید: البته کار ما مشکل است و با سرعت سرو کار داریم و به‌این ترتیب زیان‌آور نیز هست. از سوی دیگر استفاده از فکر کارمان خیلی زود خسته‌مان می‌کند. او در مقابل یک سؤال من اضافه می‌کند که کار در حال حاضر راحت‌تر و سریعتر از گذشته شده است. به‌عنوان مثل ۴۰ تا ۵۰ صفحه مجله با سرعتی که امروز چاپ می‌شود یا ۴ صفحه روزنامه گذشته قابل قیاس نیست و تازه این راحتی و سرعت در راه تکامل است و حتی بزودی امر چاپ، با بهره‌گیری از فیلم و کامپیوتر انجام خواهد گرفت.

او از بالا رفتن سطح سواد، درآمد بیشتر، صاحب‌خانه بودن نزدیک به ۹۰ درصد همکارانش و استفاده آنها از صددرصد لوازم زندگی مدرن مانند یخچال، تلویزیون، ماشین‌ برقی و غیره سخن زیادی می‌گفت.

ناصر مکفی کارگر دیگر با ۴۲ سال سابقه‌کار گراورسازی که اکنون در سمت رتوش افست کار می‌کند، از جمله کارگرانی بود که از زندگیش و کارش سخن گفت. او از پیشرفتهای ۱۴ سال گذشته صنعت‌چاپ و دستمزد خوبش صحبتها داشت. او که متأهل و دارای سه‌فرزند است از کمبودها از نظر بازنشستگی گله داشت و از کمی روزهای مرخصی سالیانه، که در قانون در نظر گرفته شده است.

عباس علیرضائی و کارگر دیگر تقاضای کمترشدن ساعت کار به خاطر کار ویژه‌اش داشت و همچنین می‌خواست که امکانات ورزشی کارگران بیشتر شود.

رحیم کمالی نیز که به گفته خودش کار را از پادوئی شروع کرده و در حال حاضر در کارش تخصص دارد، از کمبود امکانات تفریحی و به‌ویژه تفریح سالم برای خود و همکارانش سخن می‌گفت.

اصغر حاجی بابایی نیز تنها گله‌اش از تأمین خدمات درمانی بود، او می‌گفت در گذشته بیمه‌های اجتماعی جوراب واریس به کارگران می‌داد ولی با سازمان جدید بهداشتی درمانی دیگر به او جوراب واریس نمی‌دهند.

محمود شیخیان که تا کنون سه بار برای تخصص بیشتر به خارج از کشور اعزام شده است و اکنون مسؤولیت رتوش افست نشریات کیهان را دارد، از تصمیم جدید در مورد بازنشستگی سخن گفت و تقاضای بازنشستگی بعد از ۳۰ سال کار را داشت. او به تفصیل از اصول رفاهی انقلاب شاه و ملت سخن گفت و از این که این اصول در او و همکارانش علاقه بیشتر بر کار و فعالیت را به‌وجود آورده است.

اقدام سریع در مورد تأمین مسکن نیز از جمله خواسته‌های محمود شیخیان بود که در گفتگویش با ما در میان گذارد.

در چاپخانه شرکت ایران‌چاپ، روزنامه اطلاعات نیز چندین از کارگران از زندگیشان دستاوردهایشان و کمبودهایشان سخن بسیار گفتند. عزیز ابراهیم‌زاده شیرازی یکی از آنان بود که دبیر سندیکای کارگران این واحد مطبوعاتی نیز هست. او از نبودن آرامش در گذشته و آرامش این روزها سخن گفت. ابراهیم‌زاده از ۲۰ سال پیش کار خود را با ۱۵۰ تومان حقوق شروع کرده است. او از کمبودها و نارسائیهای سالهای پیش از انقلاب سخن می‌گفت و در پایان از این که اکنون ثبات و امنیت در کشور وجود دارد و می‌تواند خواسته‌هایش را در میان بگذارد احساس رضایت می‌کرد. او از خانه دار بودن ۸۰ درصد از همکارانش سخن گفت و امید زیاد به رفاه بیشتر و گرفتن وامهای رفاهی را داشت.

احمد ساعت‌نیا نیز از گذشته دل پری داشت. او از زندگی گذشته‌اش در شرایطی سخن گفت که بهداشت وجود نداشت و کارگران داشتن یخچال و یا رادیو و تلویزیون را آرزو می‌کردند. وی افزود: ولی اکنون این مسائل جزو احتیاجات اساسی و پیش پا افتاده‌ای شده است که در خانه هر کارگری یافت می‌شود. او، با در میان گذاردن خواسته‌هایش انکار هم نکرد که سطح توقع او و همکارانش با توجه به پیشرفتهای اخیر کشور بالا رفته است، ساعت‌نیا اضافه شدن دو درصد حق بیمه را در مقابل تشخیص افزایش یک درصد حقوق تعجب‌آمیز خواند

او از تأمین خدمات درمانی نیز گله داشت، می‌گفت قبل از این که دفترچه تأمین خدمات درمانی به کارگران مؤسسه اطلاعات داده شود، آنان از بیمه قراردادی خود مؤسسه استفاده می‌کردند و از آن بسیار راضی بودند ولی اکنون وضع به‌خوبی گذشته نیست و تقاضای تجدید نظر در این زمینه را داشت.

غلامعلی سهرابی از دیگر کارگرانی است که گفته‌های همکارانش را تایید می‌کند. در زمینه پیشرفتهای کارگری کشور و سودبری از آنها او نیز نظری مشابه همکارانش دارد، ولی انتقاد او بیشتر از شرایط مشکل بانک رفاه کارگران است برای خانه دار شدن کارگران.

سهرابی می‌گوید ۷۵ هزار تومان بیشتر وام داده نمی‌شود که این مبلغ در شرایط فعلی دردی را دوا نمی‌کند. او در دنباله حرف‌های خود تقاضای شرایط سهل‌تری را برای گرفتن وام داشت و می‌گفت برای خرید وسائل زندگی که نتیجه آن رفاه بیشتر است، لازمست او و همکارانش بتوانند وامهایی با شرایط آسان بگیرند.

اصغر عادل نیا یکی از کارگران قدیمی که از سال ۱۳۲۲ شروع به کار در چاپخانه کرده است خاطرات جالبی داشت او می‌گفت ۴۲ سال پیش در ۱۳ سالگی با روزی ۵ تومان شروع به کار کردم که بعدها به روزی ۱۲ تومان و سپس به ماهی ۳۲۰۰ تومان رسید. اصغر عادل‌نیا به کوشش برای یافتن راه‌حلهای جدید در جهت پیشرفت هر چه بیشتر کارگران اشاره کرد.

اصغر عادل‌نیا از نارسائی در تأمین خدمات درمانی گله داشت و می‌گفت. وقتی به یک پزشک مراجعه می‌کنیم و او نسخه‌ای می‌نویسد، گاهی اوقات ناچاریم چند داروخانه را برای یافتن دارو بگردیم.

سید رضا ناصری کارگر دیگر چاپخانه نیز از جمله کسانی بود که با ما به گفتگو نشست.

او از زیاد شدن کارهای چاپی بر اثر بالا رفتن سواد مردم و سطح درآمد سخن گفت. ناصری که در اثر کوشش و پشت کار اکنون عنوان معاونت فنی شرکت ایران چاپ را دارد، از پدید شدن طبقه‌بندی مشاغل و رضایت همه از آن با هیجان صحبت می‌کرد. خواسته او ازدواج ایجاد مدرسه حرفه‌ای در امور چاپ بود که بتوان جوانان کشور را با اصول علمی آموزش داد. مسأله غرامت از کار افتادگی را نیز وی عنوان کرد. او می‌گفت قانونی که در سال ۲۵۱۲ در این زمینه نوشته شده با توجه به وضع زندگی و شرایط آن زمان است و باید در آن تجدید نظر به‌عمل آید.

عباسقلی ارجمندی، عبدالله عبداللهی و رمضان نیکان و دیگر کارگران نیز حرفهایی مشابه حرفهای همکارانشان داشتند و محمود رضائی از عدم توجه به بیماریش براثر کار گله داشت. او می‌گفت. جوراب واریس و دندان مصنوعی باید طبق قانون به او و همکارانش داده شود.

کار چاپ و چاپخانه در کشور ما تاریخچه‌ای جالب دارد و این تاریخچه با تاریخ ادبیات کشورمان در صد و پنجاه سال اخیر آمیخته است.

بقیه در صفحه ۸۸

گوشه‌ای از سالن صفحه‌بندی... قهرمانی سرگرم بستن یک صفحه سری است.

... [illegible] است.
که هنوز ... [illegible] ... تهران را ... است ... اما به جای ... میروند. من و رهبر خبرنگار عکاس مجله، روبروی کارخانه منتظر یک اتوبوس در کنار جاده ... ایستاده‌ایم. اتوبوسها، کامیونها و اتومبیلها با سرعت از روبروی ما میگذرند. برخی بسوی تهران و بعضی دیگر به طرف ... [illegible] در چهره مسافرین اتوبوسهائی که از تهران بیرون آمده‌اند، با آنکه اتوبوسها به سرعت از جلوی ما میگذرند، شادی خاصی می‌بینم. چرا که هر کدام از آنها پس از ماهها ... در محیط شلوغ و پر سر و صدای تهران، اکنون میروند تا به یکباره چند روزی استراحت کنند.

در همین موقع، اتوبوس بزرگی که روی آن نام سرویس کارخانه ... نوشته شده به ما نزدیک میشود. سرعتش را کم میکند و سپس بطرف در بزرگ کارخانه می‌پیچد.

چند لحظه بعد، ما بدنبال اتوبوس وارد محوطه کارخانه میشویم. این اتوبوس سرویس مخصوص میدان سینما ... [illegible] ... چند دقیقه ... کارگران ... پیاده میشوند و در گروههای چند نفری، با هم گفتگو میکنند. بسوی اتاق رخت کن کارخانه راه می‌افتند. گوناگونی چشمگیری در چهره و ... آنها دیده میشود. بعضی ها

... برخی توی فکر هستند. گروهی ... [illegible] ... با یکدیگر گفتگو میکنند. صحبت‌ها متفاوت است. من جلو میروم. سعی میکنم توی آن ولوله حرفهای آنها را بشنوم.

... ساعت یک بعد از ظهر ... [illegible]

- ... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... کردی

... [illegible] ...

- ... [illegible] ...

- بابا این لباسها هم خوب از آب در نیامد...

توی ... شلوغی بهیچوجه نمیشود ... [illegible] ... گرفت.

ناچار بدنبال گروهی از کارگران که به اولین سالن ... میروند راه می‌افتیم.

آنها پنج نفر هستند. محمد عظیم‌وند، پرویز عباسی، حیدرقلی سلیمانی، غلامعلی جهری و محمد باقر ... [illegible] ... در

... [illegible] ... پرویز عباسی به حیدرقلی ... میگوید:

- بالاخره رفتی ولایت؟

سلیمانی با لهجه غلیظ آذربایجانی میگوید:

- ول ... [illegible]

پرویز عباسی خنده‌ای میکند و میگوید:

- حالا همشهری‌هات برات طاق نصرت بسته‌اند!!

محمد عظیم‌وند، به محمدآباد و غلامعلی جهری میگوید:

- ... ساعت ... سینما منتظر

لطفاً ورق بزنید

... [illegible] کارگران: پیوسته منعکس کننده نظرات، خواسته‌ها و زندگی خواهران و برادران ... [illegible] ... بوده است. در این زمینه، هیئت تحریریه مجله شما تصمیم گرفته است ... [illegible] ... گزارشگر و خبرنگار عکاس مجله را به یکی از کارگاه‌ها بفرستد. و از لحظه‌ای که کارگران در کارگاه حضور می‌یابند و مشغول بکار میشوند تا زمانی که دست از کار می‌کشند ... [illegible] ... و لحظه‌های گوناگون زندگی آنها را ... منعکس کنند... ما از این طریق، شما با زندگی خواهران و برادران کارگر خویش در کارگاه بیشتر آشنا میشوید...

در این کارگاه، کارگران ضمن کار، از اتومبیل، سینما، ورزش، درس خواندن و تفریحات خود گفتگو کردند...

خبرنگاران ما
۸ ساعت در کنار

پس از صرف ناهار نماز میگزارند. و فارغ از هرچه در دل به خدای یگانه میسپارند

کارگر ایرانی، همکار پاکستانی خود را روی دست بلند کرده، او را به شاخه‌های درختی نزدیک ساخت و گفت: حالا مثل تارزان تاب بخور...

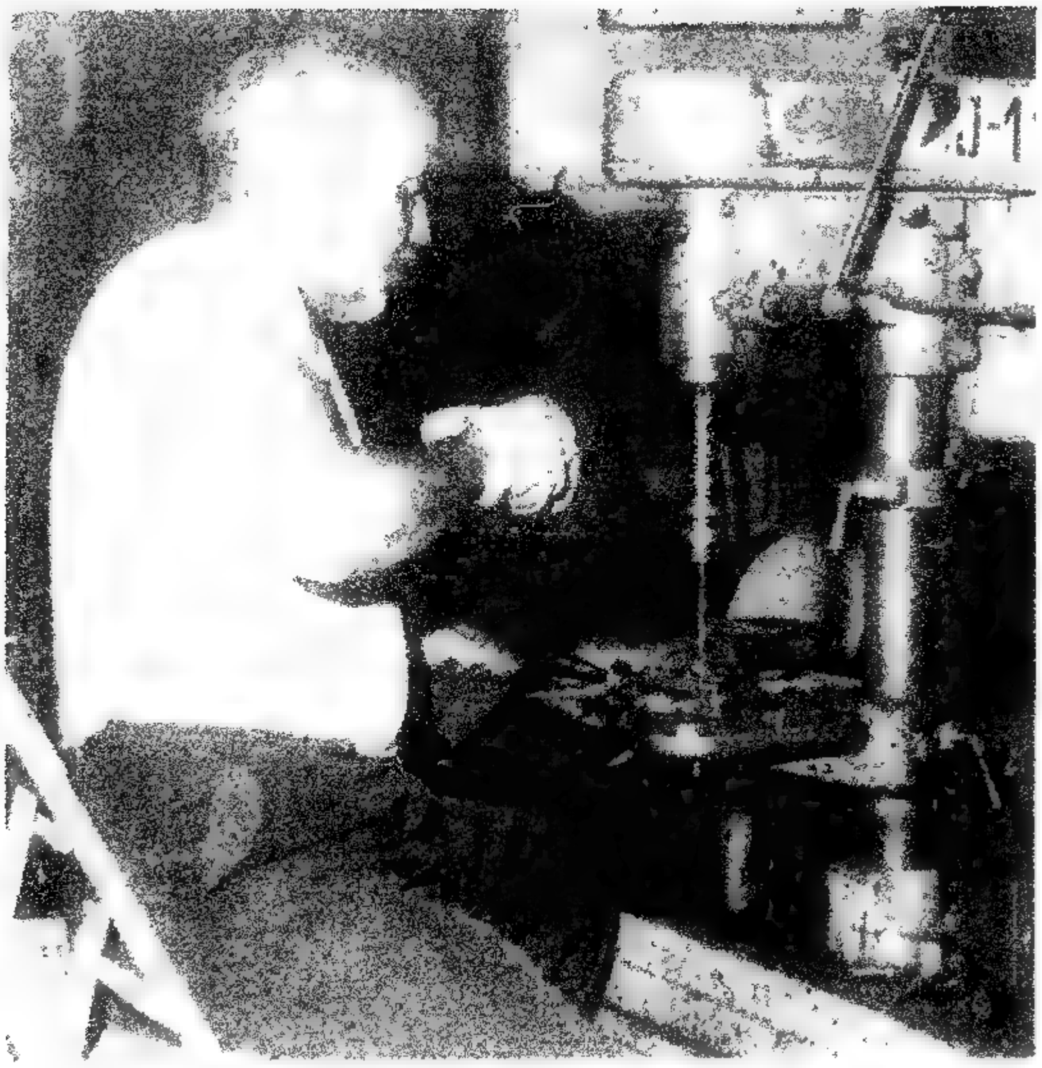

در این کارگاه جفتک‌چهارکش، یکی از سرگرمی‌های بعضی کارگران در ساعت فراغت از کار بود

در هنگام کار، نماز جدی بود و دقیق.

کارگران یک کارگاه

یک رقص باباکرم، پس از صرف ناهار می‌چسبد ...

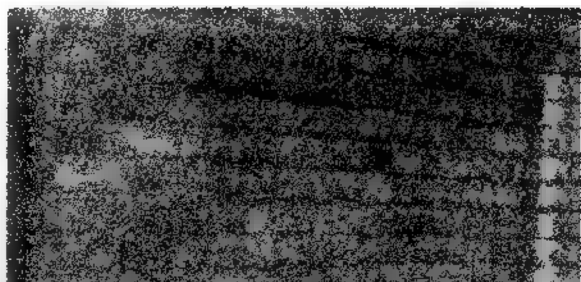

حسنعلی مهران - رئیس کل بانك مرکزی ایران- از شخصیت‌های صاحب نظر و معروف اقتصادی کشور است. مهران پس از اتمام تحصیلات متوسطه خود در تهران برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت و پس از گذراندن دوره کلاسهای کالج فنی کمبریج، وارد دانشگاه نایتینگهام شد و تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی و اقتصادی در آن دانشگاه بپایان رسانید.

* حسنعلی مهران از سال ۱۳٤٤ تا ۱۳٤۷ در دانشگاه بریستول انگلستان در زمینه مسائل اقتصادی و آماری تدریس میکرد و از سال ۱۳٤۷ تا ۱۳٤۸ کارمند صندوق بین‌المللی پول در اداره روابط ارزی و بازرگانی در شهر واشنگتن بود.

* در سال ۱۳۵۰ حسنعلی مهران به سمت معاون کل وزارت امور اقتصادی و دارائی منصوب شد و از روز چهارم آبان سال ۱۳۵٤ تا کنون بعنوان رئیس کل بانك مرکزی ایران به خدمت اشتغال دارد.

* حسنعلی مهران چند کتاب در زمینه مسائل اقتصادی تالیف کرده است که عبارتند از:

۱ - «اصول فنی برنامه ریزی مالی» (سال ۱۹٦۹)

۲ - «اصول و روشهای حسابداری اجتماعی» با همکاری پروفسور آلن برون (بریستول سال ۱۹٦۸) .

۳ - «میعان بین‌المللی و استفاده از منابع صندوق» (بریستول سال ۱۹٦۸)

٤ - «سیاست پولی و توسعه اقتصادی» (بریستول سال ۱۹٦۷)

* حسنعلی مهران، علاوه بر تبحر و تسلط در زمینه مسائل و علوم اقتصادی و ارزی، در زمینه ادبیات و نویسندگی نیز مطالعات عمیق و گسترده‌ای دارد و صاحب قلم شیوائی است و تا کنون مقالات متعددی در زمینه مسائل اقتصادی و اجتماعی منتشر کرده است.

* در کنگره اخیر سازمان کارگران ایران، شورایعالی سازمان کارگران مسئولیت کمیته بهره‌وری کار را بعهده حسنعلی مهران محول ساخت و بهمین مناسبت (در دنباله گفت و شنود با مسئولان کمیته‌ها) در این ماه در باره هدفها و وظائف کمیته بهره‌وری کار و کم و کیف این مسائل گفتگوئی با مهران بعمل آورده‌ایم که در این صفحات می‌خوانید.

-«آقای مهران خیلی ممنون از اینکه پذیرفتید گفتگوئی داشته باشیم در زمینه مساله بهره‌وری کار و کم و کیف این مساله. در وهله اول این سئوال عنوان می‌شود که اصولاً و بطور اعم بهره‌وری کار چه تعریف و سطوحی را شامل می‌شود و اصولاً بهره‌وری کار در تعریف شمولی آن کدام است؟»

حسنعلی مهران:-«یکی از مسائلی که درحال حاضر در کمیته بهره‌وری در مورد آن بحث می‌شود همین تعریف بهره‌وری ونحوه محاسبه بهره‌وری کار است، زیرا عوامل تولید صرفاً محدود به کارگر نیست، بلکه کارگر یکی از عوامل مهم تولید است وسرمایه ومدیریت وهمچنین تکنولوژی- بی‌گمان- از عوامل اساسی تولید بشمار میروند. حال باید دید دراین تابع تولید سهم هر کدام ازاین عوامل تولید چیست؟

هنگامی که از افزایش بهره‌وری بحث میشود، منظور ما این است که با همان عوامل تولید میتوانیم موفق شویم که میزان تولید را افزایش دهیم.

نکته مهم دراین بین این است که باید دید دربین این عوامل، کدامیك درمورد افزایش بهره‌وری عامل تعیین کننده است؟

همانطور که میدانید یکی از طرقی که معمولا برای محاسبه بهره‌وری بکار برده می‌شود، این است که سهم سایر عوامل را ثابت میگیرند و افزایش بهره‌وری را به کارگر میدهند. باین معنی که اگر تولید با همان نیروی کار، ۱۵ درصد افزایش یابد، می‌گوئیم بهره‌وری کارگر پانزده درصد افزایش یافته است بااینکه ممکن است این افزایش بهره‌وری احیاناً ناشی از بهبود مدیریت و یا براثر استفاده از ماشین آلات جدید و تکنولوژی مدرن در امر تولید بوده باشد، ولی بهرحال- همانطور که اشاره کردم- می‌گوئیم بهره‌وری کارگر پانزده درصد بالا رفته است. بطور کلی بررسی مساله بهره‌وری این فرصت را در اختیار ما می‌گذارد که شناخت دقیق و صحیحی از روابط

گفت و شنود از: «دیروز»

بهره‌وری کار، تمام گروهها و طبقات جامعه را دربرمیگیرد

عوامل مختلف تولید داشته باشیم.»

●:- «دراینجا این مساله مطرح می‌شود که اصولاً رابطه کار با بهره‌وری یك رابطه مستقیم است، یا عوامل جنبی دیگر دراین زمینه موثرند؟»

مهران:- «وقتی ما از «کار» حرف میزنیم منظورمان کار در سطح کل کشور است و بی‌گمان شامل تمام طبقات و گروههای جامعه می‌شود و وقتی هم از مساله بهره‌وری بحث می‌کنیم هدفمان فقط افزایش بهره‌وری در صنایع کشور نیست.

وقتی شاهنشاه اریامهر به مساله کاهش ضایعات و کم کاری اشاره می‌فرمایند، روی سخن معظم‌له با تمام گروههای کارگری کشور- اعم از کشاورزی و صنعتی و معدنی و کارمندان بخش دولتی و بخش خصوصی- است.

وقتی شاهنشاه میفرمایند که از کار دزدیدن خودش دزدی است و کسی که بتواند بیشتر کار کند ولی آن کار را نکند و بالاخره در حدود استعداد و توانائی خودکار نکند، عملاً به وطنش خیانت کرده است، استنباط من از فرمایشات شاهنشاه این است که فرمایشات رهبر گرانقدر ایران شامل تمام گروههای جامعه و مردم ایران می‌شود.

مثلا اگر کشاورزی را در مد نظر قرار دهیم، دراین زمینه این سئوال به ذهن متبادر خواهد شد که حداکثر برداشت محصول از یك هکتار زمین چگونه باید انجام شود و آنچه درحال حاضر از این یك هکتار برداشت می‌کنیم، چقدر است و به چه نحوی میتوانیم وضع موجود را به وضع ایده‌آل مبدل کنیم؟

این، یعنی افزایش بهره‌وری در کشاورزی و تنها بوسیله افزایش بهره‌وری است که میتوان سطح درآمد کشاورز را در بخش کشاورزی افزایش داد.

البته این امر مستلزم این است که بسیاری از عوامل مؤثر دیگر (مانند: شبکه ابیاری صحیح، کود بیشتر و غیره) نیز دراین امر بکار گرفته شوند و در مجموع نتیجه چنین وضعی بهبود و افزایش درآمد زارع است. یا در سیستم اداری مساله این است که بهره‌وری کارمندان را باید به چه صورت افزایش داد؟

دراین مورد احیاناً باید در سیستمها و روشهای کار تجدید نظر بشود، ولی ما حصل تمام این تحولات و تغییرات این است که بتوانیم خدمات بیشتری در مقابل همان ساعت کار به مردم عرضه کنیم. پس مساله بهره‌وری کار محدود به صنایع یا کشاورزی نیست، بلکه افزایش آن یك هدف همه جانبه و شمولی در سطح کشور است.»

●:- «کمیته بهره‌وری که مسئولیت ان را شما بعهده دارید چه هدفهائی را دنبال می‌کند ووظایف ان در کدام سطوح تبیین می‌شود؟»

مهران:- «این کمیته بدستور شورایعالی کارگران که ریاست ان بعهده جناب اقای هویدا نخست وزیر است تشکیل شد و فکر می‌کنم علت اینکه این مسئولیت را آقای نخست وزیر و شورایعالی سازمان کارگران بعهده بنده محول کردند این بود که قصد داشتند چون بانك مرکزی ایران (علاوه براینکه بانك دولتی است) یك دستگاه مستقل پژوهشی و اماری دررمینه اقتصاد کشور نیز است بتواند مطالعات و تحقیقات مستقلی از دستگاه کارفرما و دستگاه کارگری و همچنین سازمان‌های دولتی درامر بهره‌وری کار انجام دهد و حاصل و نتیجه مطالعات و تحقیقات را از طریق این کمیته دراختیار سازمانهای مربوطه (سازمانهای کارگری و کارفرمائی و دولت) قرار بدهد تا بطور کلی همکاری این دستگاهها از طریق کمیته بهره‌وری جلب شود

لازم است ما نظام جدیدی برای ارتباط دادن افزایش بهره‌وری به افزایش مزد و حقوق بوجود آوریم (یعنی بصورتی که همه در جهت افزایش سطح بهره‌وری و کاهش ضایعات همکاری کنند) تا منافع و سودهای حاصله از این افزایش بهره‌وری بشکل عادلانه‌ای بین عوامل تولید (به کارگر بصورت افزایش مزد و به کارفرما بصورت سود معقول) تقسیم شود.

●:- «برای پیشرفت و گسترش هرچه بیشتر امور کمیته بهره‌وری چه اقداماتی را لازم می‌دانید و چه توصیه‌هائی دارید؟»

مهران:- «مهمترین مساله دراین مورد این است که جلب همکاری و همفکری افراد مؤثر با کمیته بهره‌وزی ضرورت تام دارد و مادر کمیته بهره‌وری از افراد دعوت بعمل اورده‌ایم که واقعاً بتوانند کمك فکری بکنند. مثلا از جامعه کارگری و کارفرمائی واز صاحب نظران وزارت کار و امور اجتماعی هم دعوت شده که در مورد تحقیقات و مطالعات انجام شده اظهار نظر کند.

البته مطالعات و تحقیقات کمیته بهره‌وری هنوز درمراحل مقدماتی قرار دارد و پس از اینکه به نتایج کافی رسیدیم گزارش آنرا خدمت جناب آقای نخست وزیر بعنوان رئیس شورایعالی سازمان کارگران، تقدیم خواهیم کرد.

●:- «متشکریم.»

اینهمه پیشرفت زندگی کارگر

بقیه از صفحه ۱۱

دقیق هرروز یك واحد صنعتی دراین مملکت بوجود امده و تا به انجا که امروزه ما با کمبود نیروی کارگر روبرو شده‌ایم. تفاوت دوران سیاه با سالهای انقلاب شاه و ملت دراین است که در آن زمان چندین برابر کارگران شاغل کارخانه‌ها در پشت در کارخانه‌ها کارگران بیکار بانتظار ایستاده بودند و امروز همه کارخانه‌های مملکت از کمبود نیروی انسانی کارگر شکوه دارند. البته من علت کمبود کارگر را در این میبینم که انچه ما کارگر بیکار داشتم جذب کارخانه‌ها شدند و از آنجائیکه این کارخانه‌ها ظرفیت پذیرش کارگران بیشتری را دارند، در ساختن و آماده کردن نیروی کارگری جدید از خود اهمال و سستی نشان داده‌اند، چون این دسته از کار فرمایان و صاحبان صنایع کارخانه را تأسیس کرده‌اند، اما در کنار آن آموزشگاه حرفه‌ای و کارآموری فراهم نکرده‌اند و با اینکه دولت اموزشگاه‌های حرفه‌ای و هنرستانهای صنعتی زیادی در سطح مملکت تأسیس کرده است، ولی کارفرمایان چندان اقدامی نکرده‌اند اما از آنجائیکه زمان لازم است تا این نیروی عظیم آموخته شده به کارخانه‌ها و کارگاهها جذب شوند، لذا همین زمان لازم باعث میشود که آنها در کار خود احساس رکود و کمبود و نیروی انسانی بکنند. از طرفی دیگر همین کارخانه‌ها به افزایش معلومات و هنر صنعتی کارگران چندان توجهی نکرده‌اند و همین مسئله باعث شده که با کمبود کارگر مواجه شوند. امروزه فرزند هیچ کارگری وجود ندارد که نواند از کلاس اول ابتدائی تا مراحل آخر دانشگاهی درس بخواند. این امکانات برای همه کارگران آماده است و بطورکلی میتوانیم ادعا کنیم که زندگی کارگر ایرانی در طی ۱۵ سال اخیر از صفر به صد رسیده و اصولاً قابل مقایسه با دوران قبل از انقلاب نیست. خوب دقت کنید، در گذشته، که البته منظورم همان قبل از دوره انقلاب است، در خانه کدام کارگر یخچال بود؟ دیدن یخچال و احیاناً خوردن یك تکه یخ از یخچال از آرزوهای ما کارگران فقیر بود. در کدام منزل ما میتوانستیم تلویزیون و اجاق گاز و رادیو و مبل و فرش و حمام گرم و سایر لوازم لوکس امروزی را داشته باشیم؟ ما هرگز از کولر خبر نداشتیم و حتی قادر نبودیم بادبزن حصیری هم خریداری کنیم. در صورتیکه در خانه کارگران کولر و یخچال و تلویزیون و اجاق گاز و خلاصه تمام وسایل رفاهی که یك اعیان و ثروتمند از آن برخوردار است یافت میشود. زندگی امروز مردم ما با زندگی آن روز مثل افسانه است و جوانان امروز فکر میکنند که ما با گفتن این مسایل برای آنها افسانه پردازی و خیالبافی می‌کنیم. درست مانند کسانیکه که در قرنها پیش زندگی میکردند اگر امروز بیدار شوند و ترقی و پیشرفت امروزی بشر را ببینند برایشان غیر قابل باور است. عباس میرزائی درباره کمبود کارگر نظریات دیگری هم دارد:

-«من با توجه به تجربیات ٤٠ ساله خودم در کارگاهها و همچنین تجربیاتی که در لباس نمایندگی کارگران در مجلس قانونگزاری بدست اورده‌ام فکر میکنیم هر کارفرمائی که کارگاهی ایجاد میکند باید در همان مدت زمانی که مشغول ساختن بنای آن کارخانه و یا کارگاه است در کنار آن ابتدا یك واحد یك مدرسه کوتاه مدت زمانی برای تعلیم و تربیت کارگران مورد نیاز خود بوجود اورد تا پس از اینکه آن واحد صنعتی آماده بهره‌برداری شد این کارگران دوره دیده در آنجا مشغول بکار شوند و طبعاً مقدار زیادی از نیازمندی‌های آن کارخانه با این عمل مرتفع خواهد شد و اگر مسئولین آن واحد صنعتی بتوانند مدرسه خود را بازهم برای تربیت کادر بیشتری دایر نگهدارند مسئله بسیار جالب توجه خواهد بود.

البته این طرحی است که از زمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر برای ما بیادگار مانده است، چون وقتی رضاشاه کبیر کارخانه پارچه بافی شاهی و حریربافی چالوس را به این مملکت وارد کردند، در کنار آن مؤسسه آموزشی تهیه فرمودند تا کارگران مورد نیاز کارخانه تأمین شود. متأسفانه صاحبان صنایع که اخیراً در سایه رشد اقتصادی دست بکار ایجاد کارخانه و واحدهای صنعتی زده‌اند از چنین رویه منطقی پیروی نکرده‌اند و بهمین سبب امروز میبینیم از لحاظ کارگر متخصص در مضیقه هستیم، در صورتیکه از لحاظ کارگر ساده چندان در مضیقه نیستیم امرور کارگر ساده زیاد مورد احتیاج نیست، بلکه کارگر ماهر و متخصص مورد نیاز است. بطورکلی هر کارگر ساده هم باید اطلاعات اولیه‌ای از وضع ماشین آلاتی که در کنار آن کار خواهد کرد داشته باشد امروز ما نیروی انسانی برای تربیت داریم باید صاحبان کار و مسئولان امر در اندیشه تربیت این نیروی متخصص باشند. بنظر من هنرستانهای حرفه‌ای خود سرمایه‌ای است برای اینده مملکت، چون هر سال چندین هزار نفر از جوانان مملکت را برای جذب در واحدهای صنعتی و تولیدی تربیت میکنند ولی این کافی نیست و وزارت صنایع و معادن باید هر کس که تقاضای امتیاز تأسیس یك واحد صنعتی را می‌کند وی را قبلاً وادار کند که در ابتدا یك اموزشگاه کوچك درحد احتیاجات خود برای تربیت کارگر مورد نیاز خود تأسیس کند و پس از آن اجازه بهره‌برداری از واحد صنعتی داده شود.

این طرح باید در تمام رشته‌های تولیدی اجرا شود تا وقتی کارگاه از لحاظ ساختمان و نصب دستگاه تکمیل شد کارخانه جدید معطل کارگر و یا تکنیسین نشود. این مسئله در تمام رشته‌ها صادق است من معتقدم باید اصولاً مسئله دست مزدبین هر رشته صنعتی در تمام کارخانه‌های مشابه یك سان شود و اگر چنین طرحی پیاده شود دیگر مسئله فرار یك کارگر از این کارخانه به آن کارخانه بخاطر مزد بیشتر، متتفی خواهد شد. صاحبان صنایع باید از دولت و وزارت کار پیروی بکنند و با تشکیل کلاسهای ۳ ماهه و شش ماهه نیروی کارگر مورد نیاز خود را راساً تأمین کنند و بعد هم همین کلاسهای اموزشی را بسایر کسانیکه قصد تأسیس کارخانه دارند واگذار کنند. بنظر من یکی از مواد قراردادی که مسئولان امر باید با درخواست کننده تأسیس کارخانه امضاء میکنند باید این باشد که تا شروع بهره‌برداری باید تعداد کارگرانی که آن واحد صنعتی نیازمند آن است بهمان اندازه و دران مدرسه صنعتی موقتی ان کارگاه تعلیم ببینند و در این صورت ما هم تولید خوب خواهیم داشت و هم بازده خوب.

● آقای عباسمیرزائی حال این مساله مطرح است که کارگران در مقابل این همه مزایا و مواهب که نصیبشان شده چه کرده‌اند و باصطلاح ساده‌تر در مقابل این همه که گرفته‌اند چقدر بازده داشته‌اند؟

«البته اگر بخواهم سئوال شما را نفی بکنم و بگویم کارگران همه وظایفی را که بعهده داشته‌اند بطور کامل انجام داده‌اند خالی از حقیقت است، ولی باید بگویم که در اینجا باز هم قصور از کارگر نبوده چون به همان اندازه که ما در جامعه خود بکارگر ورزیده احتیاج داریم بهمان حد هم به مدیران با تجربه و کاردان نیازمندیم و متأسفانه امروز در کارگاهها تعداد اینگونه مدیران زیاد نیست که بتوانند آموزش و بهره‌وری کار کارگران را بالا ببرند و آنان را با بهره‌وری کار و وظایف خود آشنا بکنند و همین مسئله خود یکی از کمبودها و مشکلات تشکیلات کاری ما است

گفتگو بادکتر محمدعلی زرنگار، مسئول کمیته تشکیلات و روابط عمومی سازمان کارگران ایران

سیمای کارگر در عصر رستاخیز

هر روز درخشان و شاداب تر میشود

گفت‌وگو از: عباس پزشکی

رستاخیز کارگران:

-در اغاز بد نیست از هدفهای کمیته تشکیلات و روابط عمومی سئوال کنم. ممکن است در این مورد توصیحاتی بدهید و هدفهای کمیته را تشریح کنید؟

دکتر زرنگار:

-کمیته تشکیلات و روابط عمومی سازمان کارگران ایران دراجرای ماده ٤ اساسامه سازمان کارگران ایران تشکیل شده و درچهارچوب هدفهای سازمان کارگران ایران و درنتیجه تأمین و حفظ حقوق صنفی و منافع حرفه‌ای و اجتماعی کارگران و بهریستی و رفاه روزافزون آنان و نیز توسعه و گسترش سازمانهای کارگری برنامه‌های خود را پیاده می‌کند. وظیفه این کمیته درحقیقت نظارت برکار کلیه ارکان و تشکیلات سازمان کارگران ایران و گسترش مبانی روابط عمومی و انسانی و توسعه تشکیلات این سازمان است. باتوجه به این وظیفه خطیر و حساس، کمیته تشکیلات و روابط عمومی، بطورکلی دو هدف مهم و اسای را دنبال می‌کند که هدف اول بررسی و تحقیق درامر نیازهای امروز و احتیاجات فردای جامعه کارگری ایران و برنامه‌ریزی در زمینه تشکیلات نوین سازمان کارگران است. زیرا باتحولات اقتصادی و صنعتی مملکت درچند سال اخیر، که ببرکت انقلاب شاوملت و تحت‌رهبری خردمندانه شاهنشاه اریامهر حاصل شده است، طبیعی است که بایستی تشکیلات سازمان کارگران ایران بااهداف حزب رستاخیز ملت ایران و باپیشرفتهای امروز و تحولات فردا هماهنگ گردد.

هدف دوم، بررسی و تحقیق درافکار جامعه کارگری، درك مشکلات کارگران و کوشش در راه انعکاس نظرات و خواسته‌های کارگران بمنظور تامین ان است و درکنار آن نسبت به ایجاد و گسترش روابط حسنه بین کارگر و کارفرما، و میان جامعه کارگری و سایر جوامع متحول مملکت و اشنانمودن طبقات مختلف مردم بازندگی امروز کارگران مملکت کوشش بعمل می‌اید.»

رستاخیز کارگران:

اشاره‌ای داشتید به تشکیلات سازمان کارگران ایران و برنامه‌ریزی در زمینه تشکیلات نوین این سازمان. خواهش می‌کنم در باره انگیزه‌ها و عواملی که چنین تغییراتی را ضروری می‌نماید توصیح بیشتری دهید.

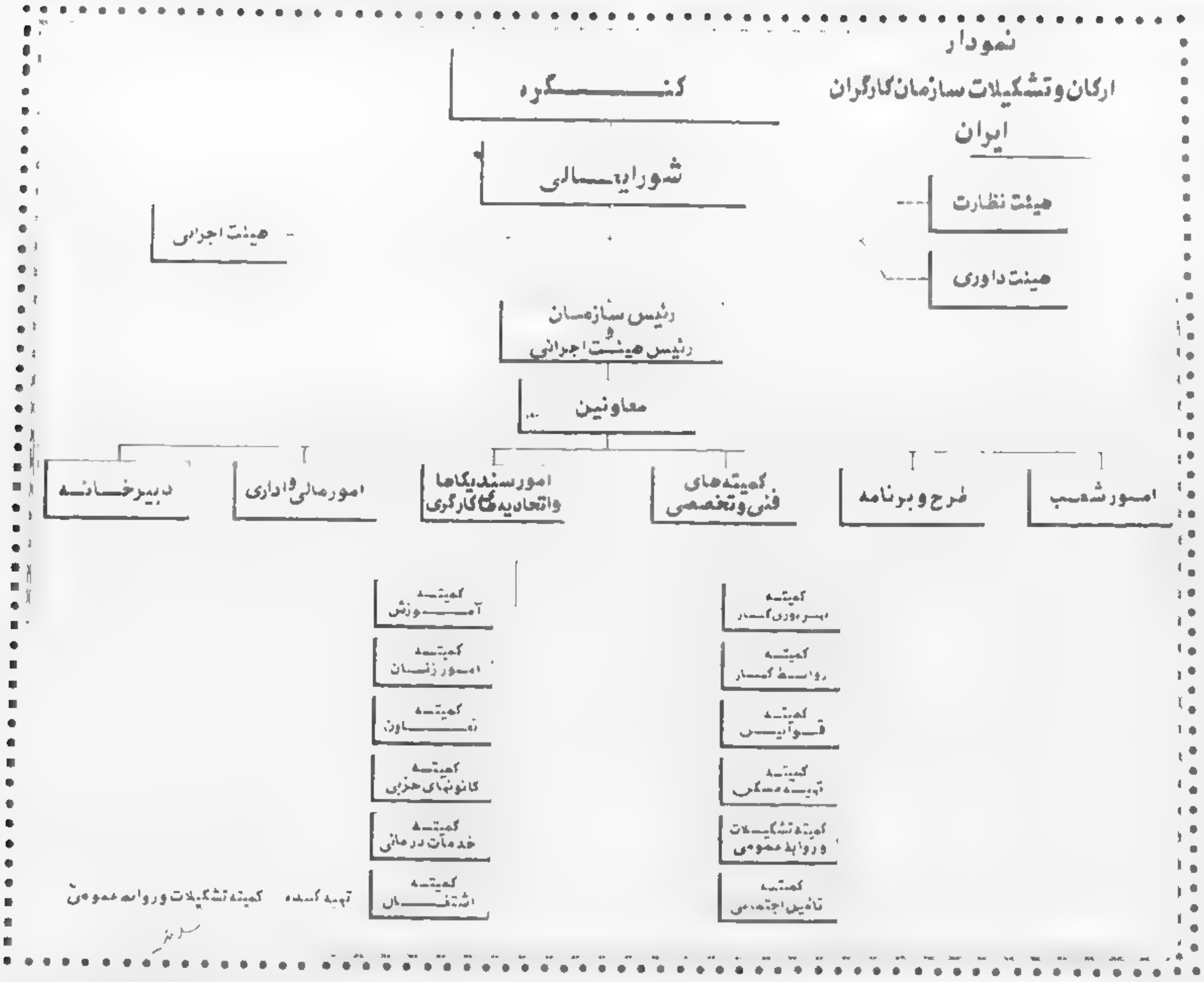

دکترزرنگار:

مهمترین عواملی که ضرورت دگرگونی عمیقی را درتشکیلات فعلی سازمان کارگران ایجاب کرده است، پیشرفت جامعه کارگری ایران چه ازنظر کیفیت و چه ازلحاظ کمیت است که می‌توان ازآن بعنوان یکی از مهمترین معیارهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مملکت در ١٤ سال اخیر یاد کرد. امروز تعداد کارگران در کارگاهها و در سرویسهای خدمات از مرز سه‌میلیون نفر گذشته است و افزایش تعداد کارگران که ناشی از عوامل چند و ازجمله رشد سریع صنایع ایران می‌باشد، طبعا موجب افزایش تعداد سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری میگردد چنانکه امروز تعداد سندیکاهای کارگری که به ثبت رسیده‌اند، از مرز ۱۰۰۰ سندیکا متجاوز است و نیز تعداد اتحادیه‌های کارگری که از سندیکای هم‌شکل تشکیل یافته‌اند، به ۱۷ اتحادیه بالغ گردیده است. این اتحادیه‌ها و سندیکاها، برای اداره خود و برای چند منافع حرفه‌ای و حقوق صنفی و رفع مسائل مختلف کارگری، بررسی مسائل گوناگون انسانی، آگاهی از چگونگی شرکت اعضاء خود در برنامه‌های مملکتی و میهنی و آشنا ساختن آنها به قوانین کار و تامین اجتماعی-انعقاد قراردادهای کار- سهیم‌کردن- خرید سهام کارخانجات- تعاونیهای گوناگون کارگری، نیاز به همفکری و دردست داشتن طرحها و برنامه‌های جامع و پیشرفته دارند. و باید این طرحها و برنامه‌ها پس از بررسی‌های لازم و تحقیق‌های پی‌گیر، درهر زمینه بصورت طرحهای بنیادی، تهیه گردد.

چون دامنه نیازمندیهای جامعه کارگری ایران باتوجه به روند فعالیتهای صنعتی کشور و گسترش کارخانه‌ها و درنتیجه افزایش روزافزون کارگران، هرروز گسترده‌تر میشود و لزوم تهیه و تدوین طرحهائی که بتواند نیازهای امروز و احتیاجات فردای جامعه کارگری ایران را مرتفع سازد، بیشتر احساس میشود طبعا تشکیلات فعلی سازمان کارگران ایران که باتوجه به نیازهای دیروز پاگرفته است، باید جوابگو باشد. از همین رو کمیته تشکیلات و روابط عمومی ضمن تدوین نمودار تشکیلاتی سازمان کارگران، بررسی‌های مقدماتی درباره تشکیلات این سازمان بعمل اورده و پس از اخذ نظرات کارشناسان و صاحبنظران مسائل کارگری و تحقیق درافکار جامعه کارگری ایران و کسب نظرات کارگران، طرح لازم را دراین زمینه تهیه و تسلیم خواهد داشت. لازم بیادآوری است که دراین زمینه تاکنون از همکاری

تشکیلات سازمان کارگران ایران باپیشرفتهای امروز وتحولات فردای جامعه کارگری هماهنگ میشود.

پیشرفت جامعه کارگری ایران بهترین معیار توسعه اقتصادی، اجتماعی وسیاسی مملکت است

اشاره:

«بازشناسی و شناساندن سیمای درخشان و چهره شاداب کارگر عصر رستاخیز، که امروز از برکت انقلاب شاه و ملت و دراثر توجهات رهبر عالیقدر ملت ایران شاهنشاه آریامهر، خود مالك کارخانه‌ایست که درآن کار می‌کند و ازسود کارخانه بهره می‌برد، ازجمله وظائف کمیته تشکیلات و روابط عمومی سازمان کارگران ایران است.»

روابط حسنه بین کارگران و کارفرمایان را در کارگاهها بسط خواهیم داد و سعی خواهیم کرد باتلفیق کوششهای کارگران روح همکاری و علائق متقابل را درجامعه کارگری تقویت کنیم»

«برای بهبود کیفیت کار و بالابردن سطح کا آئی کارگران، زمینه‌های مختلف مسائل کارگری بررسی می‌شود و آمار دقیقی از نیروی کار ومشخصات سنی، آموزشی و نیازهای کارگران تهیه میگردد.»

این نکات، رئوس مطالبی است که دکتر زرنگار، رئیس روابط عمومی حزب رستاخیز ملت ایران و مسئول کمیته تشکیلات و روابط عمومی سازمان کارگران، در گفتگو باعباس پزشکی نویسنده رستاخیز کارگران به آن اشاره کرد. بهتر است این گفتگو را ازآغاز بخوانیم.

و همفکری مقامات وزارت کار و امور اجتماعی بهایت استفاده را نموده‌ایم. و بعنوان نخستین گام برای ایجاد تشکیلات جدید، برابر اساسنامه مصوب هیات اجرائی، انتخابات هیات مدیره شعب سازمان کارگران درسراسر کشور تجدید میشود و برای اجرای این امر هیئتهائی برای نظارت درامر انتخابات مرکب از نمایندگان سازمان کارگران ایران به کلیه استانها و شهرستانها اعزام میشوند.»

رستاخیز کارگران:

-«از آنچه گفتند بنظر میرسد، کمیته تشکیلات و روابط عمومی در صدد تدارك اطلاعات لازم در زمینه مسائل کارگری، تهیه آمار و ارقام دقیق ازنیروی کار درایران و پراکندگی آن در صنایع مختلف است؟ هدفتان ازاین کار که برنامه‌ای سنگین ولی اقدامی اساسی و بنیادی خواهد بود، چیست؟

دکترزرنگار:

-«کمیته تشکیلات و روابط عمومی تهیه اطلاعات لازم در زمینه مسائل کارگری، تهیه آمار مربوط به تعداد کارگران و بررسی چگونگی اشتغال گروههای سنی نیروی کار را به دلائلی که به آن اشاره خواهیم کرد و درنهایت موجب بهبود هرچه بیشتر شرائط کیفی و کمی کار و نیروی کار خواهد شد، لازم میداند و باهمه مشکلاتی که درکار تهیه این آمار و اطلاعات و انجام بررسی و تحقیق دراین زمینه وجود دارد، این برنامه اساسی را باهمکاری اداره کل آمار و نیروی انسانی وزارت کار و اموراجتماعی دنبال خواهد کرد.

شاید بسیاری از کارگان ما و کسانی که قصد دارند در زمینه نیروی کار تحقیق کنند و یا برنامه‌ریزی نمایند از تاریخچه تشکیلات کارگری درایران و سیر تحول آن آگاه نباشند و اصولا ندانند فعالیتهای سندیکائی درایران از چه زمان شکل گرفت و سازمان کارگران چه مراحلی را گذرانیده تااینکه امروز بصورت یکی از سازمانهای متشکل و پیشرفته کشور ما درآمده است. از این‌رو کمیته تشکیلات و روابط عمومی برآن است که اطلاعات جامع و دقیقی از چگونگی فعالیتهای سندیکائی درایران تهیه و انتشار دهد و نیز آئین نامه‌های کارگری، قوانین کار و تامین اجتماعی، مسائل مربوط به تعاونی‌های کارگری، اساسنامه و چگونگی وظائف سازمان کارگران ایران و مصوبات هئیت اجرائی سازمان و اقداماتی که بهرنحو از طریق وزارت کار و امور اجتماعی و دیگر سازمانهای مسئول درجهت بهبود وضع کارگران بعمل می‌آید بصورت نشریات مختلف انتشار دهد تاهم کوششی وسیع برای اموزش کارگران و آشنانمودن آنان با ویژگیهای قوانین و آئین نامه‌های مختلف و آگاهی از فلسفه تدوین و تصویب این قوانین بعمل آمده باشد، و هم کارگران بابرخورداری از اطلاعاتی که در اختیارشان گذارده میشود، بدانند به چه نحو از مزایائی که قانون برایشان درنظر گرفته استفاده کنند.

بعنوان شروع کار، کمیته دریکماه اخیر، آئین‌نامه دریافت حق عضویت، آئین‌نامه مالی سازمان کارگران ایران، آئین‌نامه نحوه شرکت نمایندگان کارگران درسازمانهای کارگری و آئین‌نامه اداری سازمان کارگران ایران که به تصویب هیئت اجرائی رسیده است وسیله سازمان کارگران ایران تکثیر و برای کلیه سندیکاها و اتحادیه‌ها و شعب سازمان کارگران فرستاده است و مقدمات انتشار بولتن و نشریه خبری سازمان کارگران را فراهم آورده است.»

رستاخیز کارگران:

«هرچند آنچه که تاکنون گفتید به فعالیتهای کمیته، درزمینه روابط انسانی و مسائل روابط عمومی هم مربوط میشد، ولی میخواستم جدا از برنامه‌هائی که برای دگرگونی تشکیلات سازمان کارگران دارید، به فعالیتهائی که در زمینه روابط عمومی از سوی این کمیته بعمل می‌آید نیز اشاره کنید.»

دکترزرنگار:

«بهتر است ابتدا به تعریفی که دانشمندان از روابط انسانی میکنند، اشاره کنم» به اعتقاد بسیاری، روابط انسانی یعنی جمع‌کردن افراد دریك محیط متناسب کار و تلفیق کوششهایشان بصورتیکه باجدیت و روح همکاری و علائق متقابل، تشویق بکار شوند و از روابط خود درمحیط کار، رضایت خاطر حاصل کنند.

بنابراین ملاحظه میکنید که اساس برنامه‌های کمیته تشکیلات و روابط عمومی برپایه همین تعریف استوار است. گذشته ازاین، ما سعی خواهیم کرد رابطه‌ای منطقی بین جامعه کارگری و سایر گروههای اجتماعی بوجود آوریم. از طریق ترتیب برنامه‌های بازدید و به یاری وزارت اطلاعات و جهانگردی، طبقات مختلف مردم را نه تنها به کارگاهها و واحدهای مختلف صنعتی ببریم، بلکه به سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری برده و ضمن آشناساختن انها با پیشرفتهای صنعتی کشور، آنان را باتفاهم و روابط دوستانه‌ای که بین کارگر و کارفرما وجود دارد موجب دلپذیرشدن محیط کار و در نهایت توسعه اقتصاد مملکت و بهبود زندگی کارگران و بالاخص باتحولات جامعه کارگری آشنا سازیم. همچنین باتوجه به طرحهای انتشاراتی کشور، تسهیلات لازم برای شرکت کارگران دربرنامه‌های ملی و میهنی فراهم اوریم و در بازشناسی و شناساندن سیمای درخشان کارگر عصر رستاخیز که امروز از برکت انقلاب شاه‌وملت و دراثر توجهات رهبر عالیقدر ملت ایران شاهنشاه آریامهر، خود مالك کارخانه‌ایست که درآن کار میکند، گامهای مؤثری برداریم.

مطلب دیگر انکه درنظر است باهمکاری اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمائی وزارت کار و امور اجتماعی، این تعداد از سندیکاهای کارگری که به عللی فعالیت آنها متوقف مانده بصورت سندیکاهای فعال درآوریم و دراین مورد از کارشناسان سازمان کارگران ایران و بخصوص نمایندگان کارگران در مجلس شورای ملی که باروحیه کارگران آشنائی کامل دارند بهره خواهیم گرفت. مسائل دیگری که درچهارچوب روابط عمومی سازمان کارگران مطرح است، فعالیت‌هائی در زمینه خدمات رفاهی برای کارگران است. مسلما اطلاع دارید که هم‌اکنون اتحادیه تعاونیهای مصرف کارگران ایران باعضویت نزدیك به ۵۰۰ شرکت تعاونی کارگری فعالیت میکند و مایحتاج اعضای این شرکتها را ازدست اول تهیه و دراختیار کارگران قرار میدهد. این اتحادیه در اولول کار فقط درحدود ۳۲ هزارتومان سرمایه داشت و چون آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر همواره به مسائل رفاهی کارگران توجه خاص دارند مبلغ ده میلیون‌ریال به سرمایه این شرکت کمك کردند و هم‌اکنون سرمایه این شرکت به میلیونها ریال میرسد و معاملات این شرکت باکارگران در ظرف مدت کوتاهی از مرز یك میلیارد ریال گذشته است.

ما سعی خواهیم کرد که باهمکاری وزارت کار نه‌تنها در تقویت این اتحادیه بکوشیم، بلکه میخواهیم عموم کارگران ایران مانند کارگران صنوف که متشکل نیستند باتشکیل شرکتهای تعاونی صنفی دراین اتحادیه متمرکز تا ازاین طریق رفاه بیشتر کارگران تأمین شود.»

آقای دکترزرنگار درپایان گفتند: «کمیته تشکیلات و روابط عمومی درهرماه جلسه دارد و در نتیجه مطالعات و اقدامات خود را برای بررسی و اقدام به رئیس سازمان کارگران ایران تسلیم میکند و مسلما چون سازمان کارگران ایران هدفش پیشرفت امور اجتماعی، اقتصادی و صنفی کارگران است ازهرگونه اقدامی که موجبات پیشرفت امور را فراهم سازد، دریغ نخواهد نمود.»

آقای دکترزرنگار گفتند: «درچارچوب مسائل تشکیلاتی و روابط عمومی مادر آموزش کارگران غافل نیستیم. دراین زمینه باکمیته آموزش سازمان کارگران ایران همکاری لازم بعمل می‌آوریم. باین کمیته توصیه خواهد شد که برای باسواد کردن کلیه کارگران در اجرای برنامه جهاد ملی حزب رستاخیز ملت ایران طرحهائی ارائه دهد. ازطرفی چون همه‌ساله نمایندگان کارگران ایران در مجامع بین‌المللی شرکت مینمایند. سعی خواهد شد که یك کلاس زبان برای کارگران علاقه‌مند تشکیل شود تا نمایندگان کارگران بتوانند دراین کلاس شرکت نمایند.

رستاخیز کارگران:

-متشکریم آقای دکتر زرنگار

میزگرد رستاخیز کارگران باشرکت کارگران میادین

کارگران میادین تهران

باتشکیل یک کمیته

شرکت کنندگان در میز گرد کارگران میادین

۱ - حاجی بابا هاشم پور	بازرس سندیکای کارگران میادین
۲ - غلامرضا توکلی	دبیر سندیکا
۳ - حسن قادیان	رئیس هیات مدیره
٤ - محسن معصومی	عضو
۵ - مرتضی نورالله	عضو

از: قیصری

رستاخیز کارگران: این اولین بار است که با شما دوستان عزیز کارگر از میادین تهران، دیدار داریم و بیقین آخرین بار نخواهد بود. خوشوقتیم که دعوت مجله مارا پذیرفته‌اید و در این گردهمائی شرکت کرده‌اید. خواهشمندیم مطالب خودتان را در چهارچوب مسائل کارگری بیان کنید.

غلامرضا توکلی دبیر سندیکا: با تشکر متقابل از مجله رستاخیز کارگران که امکان این گردهمائی را فراهم کرده اظهار اطمینان میکنم که خواستهای ما منعکس خواهد شد و مسلما تاثیری هم خواهد داشت.

به پیشگاه رهبر انقلاب مان واقعا سپاس داریم و حقشناسی ما در مورد معظم‌له بحدی نیست که در قالب کلمات و اصطلاحات قابل بیان باشد.

مسائلی را که بیان میکنم ، با این برداشت تا کنون مطرح نشده است و شاید برای دیگران هم آموزنده باشد. امروز عصر انقلاب و رستاخیز است. انقلاب از ما بخاطر برخورداریمان از مواهب آن متوقع است، این وسائل، این گردهمائی‌ها و گفتوشنودها وسیله‌ای است تا کارگران اندیشه خودرا ارتقاء دهند.

مرتضی نورالله: به من هم اجازه بدهید تا از مجله رستاخیز کارگران تشکر و اظهار امیدواری کنم که این مجله در راه پیشبرد هدفهای کارگران، همانطور که پیشقدم شده، همواره پیشرو باشد. چون در مقدمه حل مسائل هستیم، لازم میدانم عرض کنم خواست ما خواست قانونی همه کارگران است و چیزی است که حق برخورداری از آن را قانون به ما داده است. و همانطور که دوست من گفت، هرکجا که منع قانونی وجود داشته باشد، حتماً، درخواست ما مورد قبول واقع نخواهد شد. ماتقاضا داریم قانون را چنانکه از نفس قانون باید متوقع بود، بنفع ذیحق تفسیر و تعبیر کنند.

سندیکای ما

اگر بخواهیم بر روی کار سندیکای خودمان قضاوت کنیم، باید به عرض برسانم که از سه سال قبل که عهده دار وظائف سندیکائی شده‌ایم تا کنون موفقیتهائی بدست آورده‌ایم و واقعا سندیکا را در مسیر سازندگی خود بحرکت واداشته‌ایم. وزارت کار هم - در حد امکان - به ما کمك کرده است. اتاق اصناف نیز تا انجا که مقدور بوده توجه لازم را بما داشته است.

روزی که فعالیت خودرا آغاز کردیم، کارگران میادین چیزی نداشتند و دستمزد قابل ملاحظه‌ای که متناسب با وضع شغلی انها باشد، دریافت نمیکردند. دستمزد به اینصورت پرداخت میشد که کارآما یك کارگر را در کارگاه خود بکار میگماشت و کارها را بدست او می‌سپرد. این کارگر وظیفه داشت تعداد دیگری کارگر استخدام کند و به مدد آنها به امور محوله رسیدگی نماید

در این بین هیچکدام از این کارگران مورد شناسائی کارآما واقع نمیشدند و دستمزدشان از محل پولهائی که به عنوان «زیرچوبی» از خریدار میگرفتند تامین میشد (زیرچوبی عبارت از گرفتن ۲ ریال از هرلنگه بار است که بعداز مدتی شهرداری این پولهارا وصول نمود)

البته این وضع مربوط به قبل از زمان انقلاب است و در گذشته کارگر هرگز نمی‌توانست در مورد ساعات کارش ادعائی

کند و کارآما هم با ارزانترین شکل ممکن، حداکثر استفاده را از نیروی انسانی کارگران می‌برد.

با این وضع بدیهی است که کارگر میدان ساعت کار نداشت، بیمه نداشت و از مزایای دیگری که کارگران بهره‌مند بودند، سودی عایدش نمیگردید. مرخصی سالانه به او داده نمیشدو بالاخره انچه در قوانین کار برای کارگران پیش‌بینی شده است، کارگران میادین از آن محروم بودند.

در دوران سازندگی سندیکا، اولین اقدامی که صورت گرفت این بود که در تاریخ (۲۵۳۲/۹/۵) بین سندیکا و اتحادیه بارفروشان پیمانی منعقد گردید که در انعقاد آن وزارت کار و اتاق اصناف هم دخالت داشته و کمکهای موثری کردند. در این پیمان دستمزد کارگران میدان مشخص شد و سیستم سابق بکلی در هم ریخت و در همین دوران کوشش برای بیمه کردن کارگران آغاز شد و دفترچه بیمه بتدریج در دسترس‌شان قرار گرفت. به مرور کارگران بحقوق خود آشنائی حاصل کردند و بعداز آن هم صورتجلساتی بین سندیکا و اتحادیه بارفروشان به امضاء رسید که در آن بعضی از شرایط بنفع کارگران تغییر یافت و مورد توافق اتحادیه بارفروشان نیز قرارگرفت.

درتاریخ ٥٤/٩/٢٣ (٢٥٣٤ شاهنشاهی) نیز قرار دادی بین سندیکا و اتحادیه بارفروشان منعقد شد که اتاق اصناف و وزارت کار نیز در این خصوص کمکهای موثری بعمل آوردند.

در حال حاضر که کارگران دفترچه بیمه دارند و با قانون کار نیز آشنائی پیدا کرده و قراردادهائی نیز با کارآما منعقد ساخته‌اند، مشکلات دیگری نیز دارند که بستگی بنوع اجرای قراردادها و قوانین در محیط میدان دارد.

اولین بن‌بست، عدم تنظیم لیست است که سازمان تامین اجتماعی بر اساس آن امکان استفاده از مزایای بیمه را بکارگران میدهد و این لیست هرگز وسیله کارآمایان تنظیم نشده است. در این جا یك سئوال دارم، اگر تنظیم لیست با بهرمجوئی کارگران از مزایای بیمه ملازمه دارد چرا سازمان تامین اجتماعی کارآمایان را ملزم به تنظیم لیست نمیکند؟

البته در این خصوص به سازمان تامین اجتماعی مراجعاتی داشته‌ایم . سازمان پاسخ میدهد که کارگر بدون اینکه لیستی تنظیم شود میتواند براساس گزارشهای بازرسان از بیمه استفاده کنددر صورتیکه در عمل چنین چیزی نیست. مثلا همین امروز آقای ستاری یکی از کارگران بارفروش به سندیکا آمده و گفته است برای دریافت حق ولادت به بیمه مراجعه کرده‌ام، بمن میگویند چون لیستی برای این منظور تنظیم نشده، از پرداخت این حق معذوریم همینطور است در مورد کارگری که از کار افتاده میشود. تا لیست نباشد، حقوق کاملی که سازمان تامین اجتماعی قانوناً بایستی به او پرداخت کند نمیکند، یا مثلاً اگر کارگری مریض شود، یا موارد دیگری پیش اید که ذکر یکایك آنها باعث اطاله کلام میشود.

ناگفته نمیگذارم که قسمت بازرسی سازمان تامین اجتماعی شعبه ۳ تا حدود امکان مساعدتهائی بکارگران میکند، اما شعبه شماره ۲ که قسمت اعظم کارگران میادین به آنجا مراجعه میکنند، آنگونه که باید احساس مسئولیت نمیکنند. حال آنکه کمك این بازرسی جز گرفتن یك دفترچه بیمه به طبیب چیز دیگری نیست.

در اینجا لازم میدانیم یك سئوال از سازمان تامین اجتماعی بکنم. گاه پاره‌ای از ماموران میگویند بوظائف خود عمل میکنند سئوال این است که اگر چنین ادعائی صحت دارد، خیلی سپاسگزار میشویم بما بگویند از مجموع کارگران میادین، بخصوص در شعبه شماره ۲، چه تعدادی بازرسی شده‌اند و چند درصد حق بیمه آنها را کارآما در لیست منظور کرده و به سخن دیگر، در مورد چند درصد

...پیشنهاد می کنند:

...کارگری در میدان، مشکلات ما حل میشود

لیست داده شده است؟ موضوع دیگری که مربوط بسازمان خدمات درمانی است، اینکه کارگرانی که میخواهند دفترچه بیمه خودرا تبدیل به دفترچه خدمات درمانی کنند، سازمان مدارکی بدین شرح از آنها میخواهد:

۱ - نامه‌ای از محل کار به امضای کارآما بعنوان سازمان تامین خدمات درمانی نوشته شود تا اداره کل بیمه‌گری در خصوص انتخاب روش درمانی تصمیم بگیرد.

در مورد تهیه این مدرك سؤالی از سازمان خدمات درمانی میکنم که چرا باید بیمه شده خودش برای انتخاب روش درمانی خویش اتخاذ تصمیم نکند. اگر کارگر بایستی درمان شود، چرا روش درمانی او را کارفرما انتخاب کند. بعلاوه ممکن است کارگر روش درمانی مستقیم را به‌پسندد و کارفرما غیر مستقیم را. به چه دلیل بایستی کارگر محبور به قبول نظرات کارفرما گردد و حال آنکه مورد بخود او مربوط است؟ مهمتر اینکه اگر کارفرما این نامه را بنویسد پس کارگر چه بایستی بکند؟

۲- سازمان خواسته است فتوکپی لیست آخرین پرداخت بیمه ماه قبل و فتوکپی اظهارنامه لیست مربوط فرستاده شود. در اینجا هم باز برمیگردیم به عدم تنظیم لیست وسیله کارفرما و سؤال میکنیم چرا کارفرما لیست تنظیم نکرده است؟ آیا بهتر نبود بجای خواستن فتوکپی لیست و فتوکپی اظهارنامه، شعبه محل تائیدنامه‌ای بدست کارگر بدهد که راساً بسازمان خدمات درمانی ارائه نماید؟ این نوعی سرگردانی برای کارگران است که متأسفانه تاکنون راه حلی در مورد آن نتوانسته‌ایم بدست آوریم.

و اما آنچه به وزارت کار مربوط میشود، اینکه وزارت کار تلاش بسیاری برای اجرای قوانین کار بخصوص در میادین بعمل میآورد، اما گاه در پاره‌یی موارد این تلاشها را رفتار کارفرمایان خنثی میکند و این معلول چند علت است.

۱- در میادین بعضی‌کارفرمایان، قوانین را کاملاً اجرا نمی‌کنند.

۲- خوبست اگر کارفرمائی قانون را اجرا نکرد، تحت تعقیب قرار گیرد.

۳- آیا وزارت کار و امور اجتماعی از یك شبکه نظارت قوی برخوردار است که این شبکه بر حسن اجرای صحیح قانون نظارت کند و حداقل از تخلف آنها جلوگیری کند؟

این روش صحیح نیست که هر کارگری در مورد وی قانون اجرا نشد، بطور فردی مبادرت به تقدیم شکایت کند. چه بطور قطع این اقدام انفرادی حس اعتماد و تفاهم فیمابین را خدشه‌دار میسازد.

وقتی شکایت کارگر در اداره کار متوقف شود، کارفرما طوری جسور میشود که دست به اخراج او خواهد زد. در این صورت هم ورارت کار فقط میتواند خسارات اخراج را تعیین کند.

سندیکای ما نمیخواهد کارنامه درخشان خدمتگزاریش را با تحویل یك عده کارگر اخراجی به جامعه مخدوش سازد. در یك کارگاه تولیدی و صنعتی فقط یك مدیر وجود دارد و چندین کارگر که اتخاذ تصمیم آنها میتواند عموم کارگران شاغل در کارگاه را تحت مشمول درآورد، اما در مورد صنوف و کارگران میادین این درست برعکس است، زیرا وقتی یك قرارداد و یا موافقتنامه بین سندیکا و اتحادیه بارفروشان بامضا رسید و اتحادیه از اجرای مندرجات موافقتنامه خودداری کرد، تازه مشکل کارگران از این نوع چهره مینماید و بعبارت دیگر کار تقدیم شکایات یکنفری شروع میشود.

در مورد کارگران میادین بخصوص پیشنهاد میکنم با توجه بمسئولیت اتحادیه بارفروشان در قبال کارگران میادین یك کمیته امور کارگری در محدوده میدان بوجود آید که مسائل مربوط به استخدام، پرداخت دستمزد، حق اولاد، مرخصی سالیانه، لباس کار و حق بیمه کارگران را تحت نظر بگیرد و لیست لازم را بنمایندگی از طرف کارفرمایان در برابر کارگران اجرا کند. این امکان هست که وزارت کار بگوید، این پیشنهاد عملی نیست. در پاسخ آن باید عرض کنم اولاً در مورد کارگران خباز نمونه این اقدام هست و در مجله رستاخیز کارگران هم شرح آن منعکس شده است. ثانیاً در قوانین کار هم اشاره‌هائی وجود دارد که وزارت کار میتواند از آنها در جهت منافع کارگران میادین استفاده کند. مثلاً تبصره ۳ ماده ٦ قانون کار و یا ماده ٤٥.

بقیه در صفحه ۸۳

بارفروشان، وسیدان های میوه‌وتره بارتهران

نقش شرکت های تعاونی، درعرضه میوه ارزان قیمت..

کامیون حمل میوه ، بسرعت تخلیه می‌شود ، زیرا باربرها پیوسته عجله دارندکه میوه‌را هرچه زودتربه مغازه برسانند.

پنج صنف دیگر

بجز بارفروش ها حدود پنج صنف دیگر هم ، درمیدان های میوه فعالیت می کنند و از منافع خریدوفروش سود نصیب می‌برند . وجود این اصناف لوبا لون قبل ازهرچیزناشی ازوضع میدان های میوه‌می باشد. شلوغی اینگونه میدان‌هاو نیازهای گوناگون کسانی که در آنجا فعالیت‌می کنند ، باعث ایجاد شغل های جنبی‌شده است رانندگان بارکش ها ،قهوه‌چی‌های اطراف میدان ، مغازه‌های کله‌پزی ، باربرها ازمهمترین این افراد هستند.

تنها دراطراف میدان‌انبار غله‌حدود ۴ قهوه‌خانه‌و دوکله‌پاچه‌فروشی‌وجود دارد. مشتریان این‌مغازه‌ها اکثرا همان کسانی هستند که به نحوی در فعالیت‌های میدان شریک می باشند . بیشتراین افراد صبحانه، ناهار وگاهی شام خودرا درهمین قهوه‌خانه‌های اطراف میدان صرف می کنند ،چرا که سحرخیزی وهمچنین فعالیت‌ممتد درمیدان‌فرصتی‌برای خوردن غذا درخانه به‌آنها نمی دهد.

ازاین‌گذشته بیشتر مغازه‌های اطراف‌میدان مثل خواربارفروشان ، نانوائی ها ، قصابی‌ها ، و حتی مغازه‌هائی مثل خیاطی و کفاشی رواج در حود را مدیون شلوغی میدان‌های میوه هستند.

گرانی‌میوه

از چندسال پیش گرانی‌میوه بصورت‌موضوع مهم مورد بحث‌مردم ، روزنامه‌هاو دیگررسانه‌های گروهی درآمده استو هرچندتا کنون راههائی برای رفع این گرانی پیشنهادشده ، اما هنوزهم این اقدامات نتیجه‌ئی‌را که‌مسوولان ومردم انتظار دارند ، نبخشیده است.علت‌این گرانی محتاج به بررسی زیادی است امابطور کلی‌بالارفتن میزان تقاضاو کاهش‌یاثابت ماندن عرضه ، مناسب‌نبودن عوامل‌طبیعی‌و وجود واسطه‌هاو سلف‌خرها درامر خریدوفروش میوه‌ازمهمترین عوامل گرانی‌این کالاست.

بررسیهائی که دراین زمینه صورت‌گرفته نشان می‌دهد که :در طول دسال‌گذشته ، نسبت افزایش جمعیت تهران ، بیش ازافزایش محصول میوه‌بوده است ،و ازاین گذشته‌افزایش مصرف راکه باتوجه به‌امکانات مالی مردم بسیارچشمگیراست،نبایدازنظردورداشت.

زمانی بود که بسیاری از مردم تهران ، و شهرستانها ، در طول زمستان ، حتی‌پیش می‌آمد که درطول روز یک پرتقال هم نمی‌خوردند ،و میوه‌های زمستانی بیشتر در خانواده‌های متمکن‌مصرف می‌شد. امااموروزه درتمام فصول سال پرتقال‌وسیب هست ،وهمهٔ خانواده‌ها ، خصوصاً دروقتی که زمان‌وفور پرتقال‌است، همه‌روزپرتقال‌می‌خورند.

روزگاری بود که‌مردم ، موزرا نمی‌شناختند، اما این روزها می‌بینیم که در تمام فصول‌سال موزهستو تمام طبقات هم مصرف می کنند. بهرحال ، این افزایش مصرف‌را که به نسبت افزایش تولید فزونی بیشتری دارد ، نبایدازنظر دورداشت ،وشاید بتوان‌گفت که یکی ازعوامل گرانی میوه ، همین افزایش مصرف نسبت‌به تولیداست.

کمی‌جا، یکی ازعلل گرانی!

محمدشیرنژاد ، یکی ازبارفروشان‌میدان انبارغله است ،که کارش را باحق‌العمل‌کاری فروش میوه شروع کرده وا کنون بیشترین درآمدها را دارد.

او در باره علت گرانی میوه می‌گوید: «نه تنها کمبود میوه، بلکه کمی جا هم یکی از علل اصلی گرانی میوه می‌باشد. در حال حاضر بعلت افزایش میزان تقاضا، ما باید میوه بیشتری وارد کنیم، اما بعلت کمبودجاو کوچک بودن فضای میدان‌ها نمی‌توانیم اینکار را بکنیم و همین امرتأثیر زیادی در افزایش بهای میوه دارد.»

این بارفروش ادامه می دهد: «این کمبود بقدری محسوس است که با وجود تردد کم شدن کامیون‌ها درمیدان‌ها باز هم نمی‌توانیم بقدر کافی میوه وارد کنیم. اینست که من عقیده دارم دولت بایدفکری برای این موضوع بکند، چرا که‌ما درصورت داشتن جای کافی‌می‌توانیم میوه‌بشتری عرضه کنیم.»

محمد باقریان یک بارفروش دیگر میدان است.بقول خودش درفصل تابستان تنها در روزهای جمعه آفتاب را در خانه‌اش می‌بیند، زیرا که جز روزهای‌جمعه، بقیه روزها را پیش ازسرزدن خورشید درمیدان است.او روزانه حدود ۹۰۰۰ ریال درآمد دارد که با محاسبه مزد باربرها،

کامیون پر از هندوانه ، درطول چند دقیقه تخلیه می‌شود.

دفتردارها و دیگر کسانی که برای او کار می کنند، تا حدود ۳۰۰۰ ریال تقلیل می‌یابد. او درباره علت گرانی میوه عقیده دیگری دارد. می‌گوید: «در چندسال اخیر جاری‌شدن سیل‌های پی در پی در بعضی از نقاط کشور، و همچنین خشکسالی در دیگر مناطق، باعث شده تا کمبود میوه بخوبی احساس شود.

مقصر بارفروشان

مرتضی نوبخت، یکی از میوه فروشانی است که برای خرید میوه به میدان بارفروش ها آمده است. او بارفروش ها را در گران شدن میوه مقصر می داند و می گوید: «بسیاری از بار فروش‌ها برای شانه خالی کردن از زیر بار نرخ های تعیین شده بوسیله مأموران اتاق اصناف دست به شگردهای سود جویانه‌ای می‌زنند و همین امر علت اصلی گرانی میوه می باشد.

بعد از رسیدن میوه‌ها ، بارفروشها آنها را به میدان حمل می کنند و پس از فروش تا میزان ده‌درصد به عنوان دستمزد از کشاورزان می‌گیرند . البته وام‌های خودرا همه روستائیان پرداخته‌اند نیز به تدریج از در آمد حاصله ازفروش میوه‌ها کسر میکنند.

با توجه به دخالت واسطه‌ها در امر خریدو فروش میوه ، در چند سال اخیر بسیاری از کشاورزان ازعقدقرارداد های جدید با بارفروش ـ ها خودداری می‌ورزند و محصولات خود را بطور مستقیم به میوه فروش ها تحویل میدهند .

گرانترین و ارزانترین

تقریبا تمام انواع میوه در میدان های میوه ، بفروش می‌رسد . گذشته از این ، تره‌بار و سبزیجات هم در فصول مختلف در این میدان‌ها عرضه می‌شود هم‌اکنون که این گزارش را می‌نویسیم . خیار بقیمت ۵۰ ، عدد ۷۰ ریال ارزان‌ترین و آناناس با کیلوئی ۱۰۰۰ ریال گران ترین میوه‌های موجود در میدان ها هستند . در زمستان انواع مرکبات ، موز و دیگر میوه های زمستانی ، و در بهار کاهو ، توت‌فرنگی . گوجه‌سبز و در تابستان و پائیز هندوانه ، خربزه ، طالبی و انار میوه‌های موجود در میدان ها را تشکیل می‌دهند .

هر کدام از این میوه‌ها معمولا از نقطه معینی به تهران می‌رسد مثلا طالبی بیشتر از ساوه ، ورامین و پل‌دختر ، سیب و گلابی از کرج ، هندوانه از اهواز ، خربزه از اصفهان و ایوانکی ، انار ازساوه ، انگور از ماکستان و ، مرکبات ازگیلان و مازندران ، هلو و سیب از خراسان به تهران حمل می‌شود ،

حساب سرراست

علی برزوئی یکی دیگر از میوه‌فروش های تهران می‌باشد . او در باره علت گرانی میوه میگوید :

من فکر نمی کنم باوجود کنترل شدید مأموران اتاق‌اصناف، هیچکدام ازمیوه‌فروش‌ها بتوانند دست به‌گرانفروشی بزنند. حساب مامیوه‌فروش‌ها کاملا « سرراست » است، باین ترتیب که مثلا هندوانه راکیلوئی ۳۰ ریال از بارفروش می‌خریم، برای هر کیلو دوشاهی خرج حمل می دهیم ودوشاهی هم حساب پوسیدگی و خرابی میوه می گذاریم. با این حساب هر کیلوهندوانه برای ما ۴۰ ریال تمام می‌شود، در حالیکه آن راکیلوئی ۴۰ ریال می‌فروشیم. اینست که فکر نمی کنم گران‌فروشی کرده باشیم.»

سحرخیزی و کامروائی

حسینعلی زمانی راننده‌بارکش مخصوص حمل میوه است. او درمورد طرز کارش می گوید: مثل معروف «سحرخیزباش تا کامروا باشی در مورد کار ما کاملا صدق می کند، چرا که راننده‌ای موفق‌تراست که صبح ها زودترخودش را به‌میدان برساند من هم‌اکنون روزانه ۵۰۰ الی ۶۰۰ ریال درآمددارم ، در حالیکه اگر فقط یک ساعت دیرتر ازموقع همیشگی، یعنی ساعت چهارصبح ازخواب بیدارشوم، این‌میزان به کمتر ازنصف می‌رسد.

این راننده ادامه‌می دهد :اما امسال وضع «بارگیری» چندان مساعد نیست. علت این امر همان کمبود میوه می باشد از طرفی بسیاری از بارفروش‌ها کامیون‌میوه را بطور دربست می‌فروشند واین جریان هم در رکود کارما تأثیرزیادی دارد.

دکانداران ودوره‌گردها

هم‌اکنون حدود ۳۰۰۰ مغازه میوه‌فروشی وبهمین‌تعداد میوه‌فروش‌های دوره‌گرد در تهران به عرضه‌انواع میوه‌وتره‌بار اشتغال دارند. نکته‌جالب اینکه شاید در چندسال پیش ، فروش نوع میوه‌ها در نقاط مختلف شهرمعین بود، اما باتوجه به‌افزایش امکانات مالی‌مردم این‌روزها، تقریباً میتوان گفت همه نوع میوه‌یی در همه نقاط شهر عرضه‌می‌شود و خریدار هم‌دارد، البته بامختصر تفاوت‌هائی مثلاآناناس که‌اصولا کمترمشتری دارد.

علی‌پورکاظم درخیابان خواجه نظام‌الملک‌یکمغازه میوه‌فروشی را اداره می کند. او در مورد شغلش می‌گوید: میوه فروش‌ها هم دست به دست هم داده‌اند تا مشتری های خودشان‌را مشخص کنند. مغازه‌ای محدوده‌ای را مشخص می‌کند که نوع میوه‌ای را که بیش از دیگر انواع میوه‌ها مورد تقاضای مشتری است عرضه کنند. مثلا من فکر نمی کنم آناناس در همه مناطق شهر فروش زیادی داشته باشد تا خیارهای درشت را همه به پسندند.

میوه‌فروش های بسیاری هستند که هر روز جور میوه‌ها جنس میوه می‌خرند در صورتیکه میوه‌فروش‌هائی هم هستند که بیش از ۱۰۰ نوع میوه خریداری نمی کنند.

چهره‌های جالب

در میدان بارفروش‌ها چهره‌های جالبی را می‌توان دید. محسن نوبخت سیزده‌ساله که دانش‌آموز است که تابستان‌ها به کمک خانواده اش در خیابانی مغازه‌ای را اداره می کند. صورت آفتاب سوخته‌و اندام لاغری دارد‌می‌گوید : سال گذشته پدرم‌که در خیابان شهباز یک میوه‌فروشی داشت ، بعلت مبتلاشدن به‌بیماری یرقان درگذشت. از آن موقع من اداره‌مغازه را بعهده گرفتم. صبح‌ها تحصیل می کنم و روزها بکارهای مغازه می‌رسم ، ولی الان که فصل تعطیل مدارس است ، کارم آسانتر است چون شب‌ها زودتر می‌خوابم‌و ساعت ۴صبح در میدان حاضر هستم.

او در مورد علت‌گرانی میوه عقیده‌تازه‌ای دارد. می‌گوید :«بسیاری از بارفروش‌ها ، میوه‌هائی را که بمیدان می‌آورند پس از فصل رسیدن‌و بهره‌برداری ، یعنی از همان‌موقع که بصورت گل به درختها هست ، پیش خرید کرده‌اند باین‌علت آن‌ها میوه رابه نرخی که بخواهند وبدون توجه به‌مقررات‌ونرخهای جاری وارد بازار می کنندو‌براحتی کمبود مصنوعی ایجاد می‌نمایند. درواقع اگر زمان سودشان باشد ، میوه کافی واردمی کنندواگر وضع را مناسب نه‌بینند ، بانگهداشتن میوه‌های خود درباغ ، گرانی آن‌را باعث‌می‌شوند.

محمدپور جلال ، میوه فروش در مورد دخالت‌واسطه ها درجریان توزیع میوه‌می‌گوید : برخلاف تصور بیشتر مردم و همچنین اظهارات

بقیه درصفحه ۷۷

نوبخت در ادامه حرف‌هایش می‌گوید: مسؤولین اتاق اصناف در بسیاری از مواقع نرخ های نازلی را برای میوه‌ها تعیین می کنند، اما بارفروش ها که ازاینگونه نرخ ها دل‌خوشی ندارند، سعی می کنند با ایجاد کمبود مصنوعی ، مأمورین اتاق اصناف را مجبور به بالا بردن نرخ بکنند یکی ازشگردهای آنها باین ترتیب است که میوه‌هائی را که نرخ نازلی برای آنها تعیین شده،احتکار می کنند وحتی دربرخی ازموارد آن ها را از بین می‌برند تا چنین وانمود کنند که میدان با کمبود میوه مواجه است .»

نقش بارفروش ها

برخلاف تصور بسیاری از مردم بارفروش‌ها صاحب‌میوه‌هائی نیستند که هر روز به میدان می رسد ، بلکه آنها تنها فروشنده اسکوبه میوه‌ها می‌باشند .

طرز کار آن‌ها باین ترتیب است که هر کدام ازبارفروش‌ها با چند کشاورز درمناطق مختلف کشور بویژه با کشاورزان اطراف تهران قرار دادهائی می‌بندند. برپایه اینگونه قراردادها طی مدتی که کشاورزان سرگرم پرورش میوه و سایر محصولات خود هستند از وام و مساعده‌های بارفروش‌ها بهره می‌گیرند .

تأمین اجتماعی

دکتر حمیدرضا (؟) عمرانی — رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی

مستمری از کارافتادگی و غرامت نقص عضو

«..... انقلاب ایران بنفع اکثر ملت ایران انجام گرفته است. انقلاب ایران بنفع زارع و کارگر وطبقات محروم ایران انجام گرفته است.....»

از بیانات شاهنشاه در شرفیابی هیئت رئیسه و رؤسای کمیته های هفتگانه انقلاب اداری ۱۸ بهمن ۱۳۴۶

به منظور آگاهی کارگران شرافتمند کشور و سایر بیمه شدگان از مزایای قانون تأمین اجتماعی، مجله کارگران هر هفته ضمن گفتگو با آقای حمیدرضا (؟) عمرانی معاون [illegible] وزارت رفاه اجتماعی و رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی، مواد قانون مزبور را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و فلسفه وجودی هر یک از مواد را ضمن مقایسه با وضع گذشته و موارد مشابه در قانون بیمه های اجتماعی بازگو می کند. لازم به تذکر است که خوانندگان عزیز می توانند نظرات و حتی انتقادات خود را طی نامه برای دفتر مجله ارسال دارند تا با آقای دکتر عمرانی مطرح شود، و پاسخ خود را در همین صفحه ملاحظه کنند.

[illegible]

باشد سازمان [illegible] حتی در موارد غیر ناشی از کار فقط مستحق مستمری از کارافتادگی کلی مطرح است و در مواردی که بیمه شده بعلت حادثه [illegible] غیر ناشی از کار به تشخیص کمیسیونهای پزشکی فقط قسمتی از توانائی کار خود را از دست داده باشد و در واقع از کار افتاده تلقی نشده باشد استحقاق دریافت مستمری [illegible] غرامت نقص عضو را نخواهد داشت (موضوع ماده ۷۵ قانون تأمین اجتماعی). بنابراین مستمری از کارافتادگی جزئی یا غرامت نقص عضو فقط در مواردی صادق است که از کارافتادگی جزئی بیمه شده یا نقص عضو او در اثر حادثه ناشی از کار برسد.

در قانون سابق (قانون بیمه های اجتماعی) بین دو حالت از کارافتادگی کلی ناشی از کار و از کارافتادگی کلی غیرناشی از کار، از نظر میزان مستمری نیز تفاوت وجود داشت ولی در قانون جدید تأمین اجتماعی به عنوان [illegible] قانون بیمه های اجتماعی سابق [illegible] که به بیمه شدگان مخصوص [illegible] داده شده است [illegible] برداشته شده است و ساده‌تر [illegible] تأمین اجتماعی [illegible] اینکه وقتی بیمه شده‌ای بهر نحو توانائی کار کردن را بکلی از دست داد و در [illegible] برای معاش خود و خانواده‌اش [illegible] نظام تأمین اجتماعی است که وی را [illegible] از اینکه در اثر کار توانائی خود را از دست داده باشد و سهم معاش او قطع شده باشد یا بعللی غیر از عوامل مربوط بکار، از

[illegible] اجتماعی [illegible] تلقی میشود که میزان مستمری ماهانه از کارافتادگی کلی بیمه شده به نسبت از یکسی و پنجم مزد یا حقوق متوسط بیمه شده ضرب در سنوات پرداخت حق بیمه مشروط بر اینکه این مبلغ [illegible] درصد مزد یا حقوق متوسط ماهانه بیمه شده کمتر نباشد و از [illegible] درصد مزد یا حقوق متوسط ماهانه بیمه شده هم تجاوز نکند. ضمنا بموجب قسمت آخر [illegible] قانون تأمین اجتماعی در مورد بیمه شدگانیکه دارای همسر بوده یا فرزند یا فرزندانی در تحت تکفل داشته باشند و مستمری استحقاقی آنان از نصف درصد مزد یا حقوق متوسط آنان کمتر باشد علاوه بر مستمری استحقاقی، معادل ده درصد آن بر عنوان کمک به بیمه شده پرداخت میشود مشروط بر اینکه در هر حال جمع مستمری استحقاقی و ده درصد کمک اضافی از نصف درصد مزد یا حقوق متوسط بیمه شده تجاوز نکند.

بموجب [illegible] قانون تأمین اجتماعی مزد یا حقوق متوسط ماهانه بیمه شده که مأخذ محاسبه مستمری [illegible] افتادگی قرار میگیرد [illegible] حقوق و یا مأخذ حق بیمه [illegible] صرف نظر [illegible] مشروع مقرراتی که مخبر [illegible] کارافتادگی تلقی شده است [illegible] درصد رعد سی. حاصل محاسبه بر این اساس رقمی است که در هر حال کمتر از میانگین حقوق ماهانه بیمه شده ظرف آخرین دو سال کار او نخواهد بود. و [illegible] در مواردی که بیمه شده از کارافتاده تلقی [illegible] شود یعنی درجه از کارافتادگی او از

نقص و سی درصد توانائی کار او کمتر باشد و فقط قسمتی از توانائی کار خود را در اثر حادثه ناشی از کار از دست داده باشد بر حسب اینکه درجه از کارافتادگی جزئی او بین سی و سه [illegible] و [illegible] درصد توانائی کار [illegible] استحقاق مستمری از کارافتادگی جزئی ناشی از [illegible] [illegible]

برای محاسبه [illegible] جزئی ناشی از کار با توجه [illegible] قانون تأمین اجتماعی میزان مستمری از کارافتادگی کلی بیمه شده را که قبلا گفته شد محاسبه [illegible] درصد [illegible] از کارافتادگی جزئی بیمه شده ضرب میکند و حاصل آن محاسبه هم خواهد بود که بعنوان مستمری جزئی ناشی از کار بطور ماهانه به بیمه شده پرداخت میشود.

بطور مثال [illegible] بیمه شده‌ای در اثر حادثه ناشی از کار [illegible] کمیسیونهای پزشکی [illegible] درصد قدرت کار خود را از دست داده باشد یعنی از کارافتادگی جزئی [illegible] فرض از کارافتادگی کلی میزان مستمری از کارافتادگی کلی استحقاقی او را حساب و در عدد [illegible] ضرب نموده و [illegible] عدد صد تقسیم میشود.

بیمه شده‌ای که [illegible] درجه جزئی بیمه شد در حالیکه از مستمری از کارافتادگی جزئی برخوردار است بکار هم اشتغال دارد و حق بیمه میپردازد و عنداللزوم میتواند از مزایای از کارافتادگی جزئی از [illegible] قانون تأمین اجتماعی استفاده میکند.

غرامت نقص مقطوع به بیمه شدگانی پرداخت میشود که به تشخیص کمیسیونهای پزشکی درجه از کارافتادگی آنان بین ده تا سی و سه درصد باشد، یعنی از ده تا سی و سه درصد توانائی کار خود را از دست داده باشند. در این حالت هم با فرض از کارافتادگی کلی بیمه شده مبلغ فرضی مستمری کلی از کارافتادگی او محاسبه میشود و [illegible] آن مبلغ یعنی معادل مستمری فرضی سه سال بیمه شده معین میگردد و این رقم را به درصد از کارافتادگی جزئی بیمه شده (درجه از کارافتادگی بین ده تا سی و سه درصد) ضرب میکنند.

بطور مثال اگر بیمه شده‌ای در اثر [illegible] [illegible] درصد توانائی کار خود را از دست داده و مستحق دریافت غرامت نقص عضو مقطوع باشد [illegible] محاسبه مستمری فرضی کلی ماهانه [illegible] هزار ریال گردد صورت محاسبه غرامت نقص عضو مقطوع استحقاقی او بشرح زیر خواهد بود:

$$\frac{۳۰۰۰ \times ۳۶ \times ۲۰}{۱۰۰} = ۲۱۶۰۰ \text{ ریال}$$

توضیح اینکه در مواردی که میزان از کارافتادگی ناشی از کار بیمه شده و در واقع درجه نقص عضو کمتر از ده درصد توانائی کار او باشد غرامت نقص پرداخت نمیشود زیرا این درجه از نقص عضو بدرجه ای نیست که بقدرت کار بیمه‌شده و مآلا بدرآمد او لطمه ای وارد سازد.

ادامه دارد

مدت کار
تعطیلات و مرخصی ها

اصولا باید این نکته را خاطرنشان ساخت که در یک جامعه صنعتی و درحال پیشرفت، یک رشته فعالیتهای دیگری نیز وجود دارد که طبیعتاً با کارهای صنعتی یاد شده متفاوت است و کارگران آن نمیتوانند بنحو کامل از مقرراتی که برای کارگران کارهای دیگر پیش بینی شده است بهره‌مند شوند و بدین لحاظ قانونگزار همواره این گونه موارد را پیش بینی کرده‌است.

چنانکه در قانون کار علاوه بر تبصره ۲ که از آن یاد شد، تبصره ۳ ماده یاد شده نیز چنین مواردی را پیش بینی کرده است چنانکه: درصورتیکه انطباق مقررات قانون کار با وضع کارگران بعضی حرفه‌ها و کارگاهها ممکن نباشد، وزارت کار و امور اجتماعی با کسب نظرات سازمانهای کارگری و کارفرمائی و تائید شورای عالی کار مقرراتی که منطبق با شرائط کار آنان باشد، تهیه و پس از تصویب کمیسیون های کار مجلسین بموقع اجرا خواهد گذاشت.

قانونگزار در این تبصره مواردی را پیش بینی کرده است که در اثر طبع کیفیت کار اجرای قانون و مقررات کار در مورد آن امکان پذیر نباشد و بدین لحاظ ضرورت ایجاب می کند که مقررات دیگری برای این قبیل کارگران وضع و بموقع اجرا گذارده شود.

با توجه به آنچه که درمورد علل مستثنی گردیدن این قبیل کارها از قانون و مقررات کار بیان گردید، اکنون میپردازیم به این امر که آئین نامه‌هائی که برای این قبیل کارها پیش بینی گردیده است، شامل چه مقرراتی است وچگونه در این آئین نامه‌ها مقرراتی برای این قبیل کارها پیش بینی شده‌است.

باید خاطر نشان ساخت که در اجرای تبصره یاد شده در آئین نامه به تصویب شورایعالی کار رسیده است که ذیلا مورد بررسی قرار میدهیم:

الف: آئین نامه مصوب اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۶ درمورد کارگرانی که کار آنها نوعاً متناوب میباشد و دیگر کارگران که قسمتی از مزایا حقوق آنها توسط مشتریان پرداخت میشود.

در آئین نامه پس از شمردن کارگرانی که مشمول آن هستند به تعریف کار متناوب پرداخته و خاطرنشان میسازد که کار متناوب کاری است که در ساعات متوالی انجام نگرفته و در ساعات معینی از شبانه روز صورت گیرد. باتوجه به این تعریف کارگرانی نظیر کارگران رستورانها و نانوائیها مشمول این تعریف خواهندشد.

در ماده دیگری از آئین نامه چنین مقرر داشته است که کارگر در فواصل تناوب کار در اختیار کارفرما نبوده و حضوراو در کارگاه الزامی نیست. بدون تردید اگر کارگر این آزادی را نداشته باشد که در فواصل مذکور از کارگاه خارج شود، این کار را نمیتوان متناوب خواند.

مساله مهم از لحاظ موضوع مورد نظر در این آئین نامه ماده ۳ میباشد که مقررمیدارد: درمورد کارگرانی که کار آنها متناوب است، ساعات کار نباید از ساعت شروع کار تا خاتمه آن با در نظر گرفتن فواصل تناوب و کار اضافی از چهارده ساعت بیشتر باشد.

چند نکته در این ماده مورد توجه قرار گرفته‌است:

اولا مدت کار در مورد کار متناوب نیز جمعاً نباید از ۸ ساعت تجاوز کند، بدین معنی در این چهارده ساعت، حداکثر ۸ ساعت کار باید وجود داشته باشد و نه بیشتر (البته بدون احتساب اضافه کار)

ثانیاً چون در ماده از کار اضافی نام برده شده است، چهارده ساعت یاد شده شامل مدت کار، فواصل بیکاری و کار اضافی است.

حال اگر مدت اضافه کار را بر طبق قانون کار چهار ساعت بدانیم چنانکه ماده ۳ آئین نامه هم بدین مطلب اشاره کرده‌است، بدین ترتیب جمع ۱۲ کار به ۱۲ ساعت بالغ میگردد و فواصل تناوب تنها ۲ ساعت خواهد بود و حال آنکه در بسیاری موارد این فواصل از ۲ ساعت بیشتراست.

البته نمیتوان در روز کارگر را مجبور کرد که بیشتر از ۱۲ ساعت وقت خود را صرف کار خویش بنماید، اگرچه در فواصل آن بیکار باشد. پس بدین طریق میتوان نتیجه گرفت که مدت اضافه کار باید کاسته شود.

در این زمینه آئین نامه توافق طرفین ومقتضیات کارخانه را نیز مورد توجه قرار داده است.

آنچه در این قبیل کارها واجد اهمیت میباشد، مدت کار است ولی در سایر زمینه‌ها مثلا تعطیلات و مرخصی، استفاده این قبیل کارگران از تعطیلات و مرخصی ها با اشکالی مواجه می گردد، بدین لحاظ این دسته از کارگران نیز میتوانند از تعطیلات و مرخصی های پیش بینی شده در قانون استفاده کنند.

با توجه به چنین واقعیتی آئین نامه چنین مقرر میدارد. «استفاده از تعطیلات هفتگی و تعطیلات رسمی و مرخصی های سالانه و طبق مواد ۳۱ و ۵۵ قانون کارمیباشد» وما درمقالات گذشته به تفصیل در مورد آن سخن گفته‌ایم.

درمورد مزد این دسته از کارگران نیز همین قاعده جاری است، بدین معنی که این کارگران نیز از لحاظ دریافت مزد تابع مقررات قانون کارمیباشند و ما بعداً درجای خود بدین بحث اشاره خواهیم کرد.

گروه دیگری از کارگران که آئین نامه در مورد آنها اجرا خواهد شد، کارگرانی هستند که قسمتی از مزد آنها بوسیله مشتریان پرداخت میشود.

بموجب مواد ۸ و ۹ آئین نامه، در کارگاههائیکه درآمد کارگران ازمشتریان و یامراجعین بدست میاید، تقسیم آن بین کارگران بر اساس توافق کتبی بین کارآما و نماینده کارگر و یا کارآما و کارگران خواهد بود.

ولی قانونگزار بهمین اکتفا نکرده زیرا در بسیاری مواقع ممکن است میزان پولی که از طرف مشتری پرداخت میشود، بسیار اندک باشد بنحوی که حتی ازحداقل مزد نیز پائین تر باشد، بدین لحاظ آئین نامه در ماده ۹ چنین پیش بینی‌میکند که کار آمایان باید برای چنین کارگرانی مزد ثابتی با توجه به عرف بر اساس توافق کتبی با نماینده کارگران کارگاه و یا بموجب انعقاد پیمان دستجمعی با سندیکای کارگران کارگاه و یاحرفه مربوطه تعیین نماید.

بدین ترتیب این مزد ثابت که بدون تردید خیلی بالاتر ازحداقل مزد خواهد بود، میتواند مانع ازآن شود که کارگران ازحداقل معینی کمتر مزد دریافت دارند و هر گاه جمع پولی که ازطرف مشتریان پرداخت شده نتواند میزان مزد دریافتی را به مزد ثابت مذکور برساند، کارآما باید بقیه آن راجبران کند.

بدین ترتیب آئین نامه یاد شده وضع کارگران را که بکار متناوب اشتغال دارند و کارگرانی را که قسمتی از مزد آنان بوسیله مشتری پرداخت میشود، روشن ساخته است.

مزد و حقوق

مزد مهمترین مساله ایست که همواره مورد توجه کارگران بوده از جهت مسئله‌ای که [illegible] در اقتصاد یک واحد تولیدی و نیز اقتصاد کشور [illegible] مورد توجه [illegible] اقتصادی کشور نیز میباشد. بویژه آنکه این مسئله هم از نظر اقتصادی واجد اهمیت بسیار است و هم اجتماعی [illegible] یکی از مسائلی که از آغاز [illegible] تحولات صنعتی شدن کشورها همواره مورد بحث و گفتگوی محافل صنعتی و مورد [illegible] کارگران بوده [illegible] و [illegible] دارد [illegible] بحث و گفتگو شود.

[illegible] مزد که مورد بحث [illegible] کارگران [illegible] حساس [illegible] و [illegible] مربوط به [illegible] مزد این حقایق را مورد توجه قرار دهد، زیرا در بسیاری مواقع این امکان وجود دارد که افزایش بی رویه و بدون مطالعه مزد حتی بزیان خود کارگران تمام شود.

تعریف مزد

تاکنون تعریفهای زیادی از مزد و حقوق بعمل آمده که هیچیک از آنها چنانکه باید جامع و کامل بوده است. بعقیده ما هنگام تعریف مزد باید چند مساله مورد توجه قرار گیرد. اولا یک کارگر علاوه بر مزد نقدی که دریافت میدارد وجوه دیگری نیز ازقبیل کمک عائله مندی پاداش، حق ایاب و ذهاب، هزینه لباس کار و غیره نیز بوی پرداخت میشود که هنوز معلوم نیست این وجوه باید جز مزد وی محسوب شود و در تعریف مزد بنحوی مورد توجه قرار گیرد، یا خیر. ثانیاً — موضوع دیگر حقوق کارگران و متخصصان ومدیران است، آیا میتوان حقوق این افراد را نیز در تعریف مزد محسوب داشت؟

ثالثا — علاوه بر حقوق ومزایای فوق الذکر کارگر وجوه دیگری نیز ازقبیل کمک بیکاری غرامت اخراج و کمک از کارافتادگی و غیره دریافت میدارد که باوجودیکه مبنای محاسبه این کمکها دستمزد کارگر است، معهذا نمیتوان این گونه وجوه را در تعریف مزد منظور داشت.

عده‌ای از اقتصاددانان معتقدند که چون افرادی نظیر مدیران و کارآمایان جزء مالکین و صاحبان کارخانه ومسئول کارخانه تلقی میشوند، مبلغی را که به آنان پرداخت میشود جزء مزد محسوب نمیگردد، ولی نکته‌ای را که باید در این زمینه مورد توجه قرار داد اینست که هرگونه مبلغی که درازای کار به افراد داده میشود، اعم از اینکه کارگر باشد یا کارمند متخصص و یا مدیر، چون بموجب قرارداد کار ودر مقابل کار روزانه و یاماهیانه بوی پرداخت شده است، مزد تلقی میگردد. فی‌المثل ممکن است برخی از مدیران یا مدیرعامل خود درعین حال که درمؤسسه و شرکتی کار موظف دارند و حقوق دریافت میدارند، دارای تعدادی سهم نیز باشند که از بابت آن منافعی داشته باشند و لذا قسمت اول همین مبلغی که بعنوان مزد به آنها پرداخت میشود، بدون تردید درمجموع پولی که بعنوان هزینه نیروی انسانی در کارگاه محاسبه میشود، مورد توجه قرار میگیرد.

ناتمام

در میزگرد «رستاخیز» کارگران گفتند ...

همکاری کارگران

با وزارت کار و خدمات درمانی، ب

از: قیصری

در میزگرد این شماره «رستاخیز کارگران» گفت‌وشنودی را شاهد خواهیم بود که حاصل مسائل و مواردی است که از طرف دو گروه از کارگران مطرح شده است. گروه اول را کارگران سندیکای گوشت گوسفندی تشکیل میدهند و گروه دیگر را اعضای سندیکای کارگران کارخانه داروسازی اسکویب. در این جلسه گفت‌وشنود نمایندگان وزارت بهداری و بهزیستی و کار و امور اجتماعی حضور داشتند و به پرسش ها و مسائل مطرح شده در این میزگرد پاسخ گفتند و آنچه در پی خواهد آمد، خلاصه ایست از این گفت‌وشنود که بمدت ۴ ساعت بطول انجامید.

<u>شرکت کنندگان در میزگرد مشترک</u>

نمایندگان وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداری و بهزیستی و سندیکاهای کارگران گوشت گوسفندی و داروسازی اسکویب

۱ — حبیب‌الله حسامی — مدیر کل نظارت برفروش سهام و نماینده وزارت کار و امور اجتماعی
۲ — آقای دکتر ابوالفضل رحمانی — مدیر کل دفتر پاسخگوئی امور درمانی سازمان تأمین خدمات درمانی و نماینده وزارت بهداری و بهزیستی
۳ — آقای حسن درویش — دبیر سندیکای کارگران گوشت گوسفندی
۴ — آقای غلامرضا کربلائی علی — عضو هیأت مدیره سندیکا
۵ — آقای احمد نوروزی — خزانه دار
۶ — آقای حسن جامه دار — عضو هیأت مدیره سندیکا
۷ — آقای حاجی رضا ایزددوست — رئیس هیأت مدیره
۸ — آقای تقی مولائی — خزانه دار سندیکای کارگران داروسازی اسکویب
۹ — آقای اندرانیک هارطونیان — رئیس سندیکا
۱۰ — آقای دکتر سعید اردوباری — نماینده کارآما (مدیرعامل)
۱۱ — آقای علی کفائی — عضو هیأت مدیره سندیکا
۱۲ — آقای علی بوالقدر — دبیر سندیکا
۱۳ — آقای منصورجان نثاری — نایب رئیس سندیکا
۱۴ — آقای محمود تهرانی — مدیر کارخانه و نماینده کارآما

رستاخیز کارگران: از اینکه دعوت ما را قبول کرده و در این میزگرد شرکت جسته‌اید، سپاسگزاریم. خواهشمند است مطالب خود را با توجه به برداشتی که از میزگردهای این مجله دارید بیان کنید.

غلامرضا کربلائی علی (عضو هیات مدیره سندیکای کارگران گوشت گوسفندی): مشکل کارگران ما مشکل مسکن و دارو نیست، بلکه نگرانی هائی است که از جهت اشتغال داریم، برابر صورتجلسه مورخ ۵۴/۱۰/۲۸ (که فتوکپی آنرا تقدیم میکنم) هیاتی مرکب از نمایندگان سازمان گوشت کشور، اتاق اصناف پایتخت، اداره کل بهداری استان مرکز، اتحادیه صنف دارندگان دکان گوشت گوسفندی و بالاخره سندیکای کارگران فروشگاههای گوشت گوسفندی در یک نشست اقدام به اجرای طرح تقلیل دکاکین قصابی کردند. در اجرای این تصمیم، از مجموع ۲،۱۴ ... باب مغازه قصابی با توجه به ... هیات مدیره ... تعدادی از آنها در یکدیگر ۴۲ باب دکان مفتوح باشد در خلال انجام عملیات مربوط به ادغام مغازه‌ها، بعضی از آنها بعللی که ذکر آن موجب اطاله سخن میشود و بنابه رسیدگیهای مجددی که وسیله سازمان گوشت بعمل آمد، باز دیگر گشوده‌شدند، که تعداد این مغازه بالغ بر ۲۰ باب میشود. در همین نشست مقرر گردید کسانی که به تنهائی بیش از ۳ باب مغازه قصابی داشته باشند مازاد بر چهار باب را بکارگران واگذار کنند. در چند مورد هم برای انتقال سند، به اتاق اصناف پایتخت مراجعه شد، اتاق یاد شده اجرای آنرا موکول بخاتمه طرح تقلیل مغازه ها کرد.

در مورد تقلیل و ادغام مغازه‌ها، چون هیأت منتخب از نقاط مختلف بازدید بعمل آورد، با توجه به تراکم جمعیت هر محل و لزوم تأمین نیاز گوشت ساکنین پایتخت وجود این مغازه‌ها فعلاً ضروری تشخیص داده‌شد، اما در مورد انتقال اسناد و واگذاری مغازه‌ها بکارگران تاکنون اقدامی نشده‌است.

مساله دیگر بیمه کارگران است، از سال ۵۳ (۲۵۳۳) برای بیمه کارگران ما اشلی منظور شد که براساس آن کارآمایان نیز میبایستی درصد مربوط بخود را از این جهت بپردازند اما متأسفانه تاکنون تعهدی نسبت به پرداخت حق بیمه قبول نکرده و میگویند، بیائید حقوق بگیرید

...نفع خود کارگران است

اعضای سندیکای فروشندگان گوشت گوسفند، و سندیکای کارگران کارخانه اسکوپ در میزگرد رستاخیز کارگران، که با حضور نمایندگان وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداری و بهزیستی تشکیل شد، مسائل مربوط به خود را مطرح کردند...

مگر همین ضابطه‌ای که ... کارمند حالت دارد، چه اشکالی بر آن مترتب است که آنرا بر هم زده و در شکل و فرم دیگری درآوریم؟...

کارآمائی چندی قبل یک مغازه را مبلغ بیست هزار تومان خریده والان دویست هزار تومان قیمت آن است این افزایش سرقفلی مرهون خدمت مداوم کارگران است، حالا باید پرسید از این افزایش سرقفلی چه میزانی عاید کارگران میشود؟

ما جز حق خودمان، چیز دیگری را مطالبه نمیکنیم میخواهیم قانون بهر نحوی که مصلحت است در این مورد اجرا شود اگر صلاح است حقوق بگیریم، هیچ مخالفتی نداریم، بیائید حقوق و ساعت کار را تعیین کنید، و در چهارچوب قانون، حقی را که به ما تعلق میگیرد، بکارآمایان بگوئید بپردازند.

البته تذکر باید بدهم که تاکنون بوزارت کار مراجعه نکرده‌ایم و در این زمینه شکایتی مطرح نساخته‌ایم

احمد نوروزی (خزانه‌دار سندیکای کارگران گوشت گوسفندی): بخشی از مسائل ما مربوط به سازمان خدمات درمانی میشود، از آذرماه سال ۵۳ (۲۵۳۳) که بیمه شده‌ایم، کارآمایان فکر میکردند کار بیمه را هم مثل بعضی از موارد میتوان بصورتی حل کرد که بعکس انتظار آنان هیچ گونه راهی برای حل موضوع نیست، از طرفی کارآمای ما سازمان گوشت است، اصولا صاحبان مغازه ها را نمیتوان کارآما تلقی کرد، زیرا عنوانشان واسطه گری است و نقشی در کار ندارند آقای ایکس که مثلا ۵۰ مغازه دارد، شاید سال بسال او را نبینیم، چون از طرف سازمان گوشت هرچند عدد لاشه که مورد مصرف باشد، در اختیار ما میگذارند پس از فروش وظیفه ما این است که پول آنرا برگردانیم کارآما براساس بارنامه های صادر شده سهم خود را میگیرد و هیچ نیازی هم بمراجعه در مغازه ندارد.

برای بیمه‌شدن فی‌المثل، بنده به بیمه مراجعه میکنم. دو پرسشنامه بمن میدهند که یکی را خودم پر کنم و یکی هم بکارآما بدهم. او هرگز قبول نخواهد کرد دیناری بابت بیمه‌ی ما بپردازد، خودم هم که نمیتوانم ۲۷ درصد بیمه را یکجا پرداخت کنم. این است که کار ما تاکنون سامانی نگرفته است. میخواهم سؤال کنم اگر در این خصوص سازمان تأمین خدمات درمانی برای ما حقی قائل است، چرا از قوه ضمانت اجرائی تصمیماتش بنفع ما استفاده نمیکند؟ اصولاً باید وقتی کارگر مراجعه کرد و دفترچه به او دادند، سازمان از نیروی قانونی خود در جهت اجرای قانون استفاده کند و هیچ نیازی هم بقبول یا رد کارآما نداشته باشد!

این واقعیت برسازمان گوشت هم روشن است که کارآما دیناری حق بیمه نمیپردازد. این است که مدت ۱۰ ماه از بیمه ما میگذرد و تاکنون هیچ بهره‌ای از آن نبرده‌ایم، چون امکان دسترسی بکارآما نداریم، چه بسا به آمریکا یا اروپا رفته باشند.

ما آنچه در وظیفه داشتیم عمل کرده‌ایم، ۷ درصد حق بیمه خود را پرداخته‌ایم، سهم کارآما مانده است که بعقیده من سازمان گوشت کارآمای ما است و این سهم را او باید پرداخت کند.

حبیب‌الله حسامی (مدیر کل نظارت بر فروش سهام و نماینده وزارت کار و امور اجتماعی): شما میتوانید بفرمائید در بین صاحبان دکاکین قصابی چند نفر هستند که بیش از ۵۰ مغازه دارند؟ چون در مورد نانوایان هم همین حرف بود که پس از بررسی معلوم شد بیش از ده نفر نیستند

احمد نوروزی: در حدود [illegible] میشوند.

حاجی رضا ایزد دوست (رئیس هیأت مدیره سندیکای گوشت گوسفندی): بعضی‌ها هم بیش از پنج مغازه داشتند که بنام فرزندان خود، آنها را منتقل کرده‌اند.

غلامرضا کربلائی علی: کسانی هستند که سه پسر، سه دختر و سه داماد و یک زن دارند، در قانون هم پیش بینی شده است که کسی حق ندارد بیش از سه مغازه قصابی داشته باشد اینها هستند که مغازه‌هاشان را واگذار کرده‌اند، با این حد هم، حرفی نداریم که سه مغازه را بصاحب مغازه بدهند، ولی حق انتقال به افراد فامیل را از آنها سلب کنند مثلا کسی که بیش از پنجاه مغازه قصابی دارد، نتواند آنها را به بستگان خود انتقال دهد.

دکتر ابوالفضل رحمانی (مدیر کل دفتر پاسخگوئی امور درمانی سازمان تأمین خدمات درمانی و نماینده سازمان): در قانون پیش بینی شده است که کارگری که کارآما داشته باشد، بایستی تحت پوشش بیمه قرار گیرد. حتی کارگران ساختمانی با همه مشکلات کارشان مشمول بیمه شدند. خوشبختانه در کنگره اخیر کارگران، بیمه بیکاری هم پیشنهاد شد که این یکی از مترقی‌ترین قوانینی است که در جهان وجود دارد شما یا کارگر هستید یا نه، اگر هستید باید بیمه شوید. نمیتوانیم بصرف اینکه کارگری ادعا کرد تمام خدمات را در اختیار او بگذاریم، باید براساس ضوابطی که در اختیارمان هست و طبق مقررات عمل کنیم. بنابراین بهرشعبه‌ای که مراجعه کنید، مجبورند بشما بگویند، باید کارآما یادداشت مربوطه را پر کند. در کمیته‌ای که در اورژانس تشکیل شد، اینگونه موارد را بررسی کردیم شما باید بسازمان تأمین اجتماعی بروید اگر کارآما لیست نمیفرستد، بیقین سازمان اقدام خواهد کرد و هیچ ایرادی هم در کار نیست، اگر شما خودتان نخواسته‌اید، کسی مقصر نیست قوانین مترقی تأمین اجتماعی ما از جمله قوانینی است که حتی در بسیاری از کشورهای مترقی جهان هم وجود ندارد در بیمه گذشته لازم بود کارگر سه ماه کار بکند تا از مزایای بیمه بتواند استفاده کند، ولی امروز به‌محض اشتغال از بیمه استفاده خواهد کرد و موارد کوچکی هم اگر باشد، این نواقص مربوط به قانون نیست.

احمد نوروزی: در مراجعاتی که داشته‌ایم، بما وعده مساعد داده‌اند، ولی متأسفانه تا به امروز اقدامی در جهت رفع مشکل ما نکرده‌اند.

دکتر ابوالفضل رحمانی: مشکلاتتان را به خود من شخصاً ارجاع کنید، اینجا مسأله را شماهی عنوان نکنید، من خواهش میکنم کتباً بنویسید، دنبال کارتان خواهم بود. البته این نکته را ناگفته نگذارم که پیشه‌ورها بیمه نیستند و بزودی بیمه خواهند شد، نمیدانم وضع شما چیست. اگر در زمره پیشه‌وران باشید، کار مربوط به بیمه شما هم بزودی به انجام خواهد رسید، وگرنه در صورتیکه مشمول تعریفی که قانون کرده یعنی کارآما داشته باشید، مشمول بیمه خواهید شد. بهرصورت خواستتان را بنویسید، بشما اطمینان میدهم مورد توجه واقع میشود.

راستی ممکن است روابط شما با صندوق حمایت باشد که در اینصورت ضوابط دیگری شامل حال شما میشود.

سهم این است که مراجعه کنید، راهنمائی بفرمائید تا اقدامی صورت گیرد.

بقیه در صفحه ۸۳

ابزارشناشی

کتابی برای گروه

نام کتاب: ابزارشناسی (فلزکاری)
مؤلف: گروهی از کارشناسان و مهندسان
ناشر: صندوق کارآموزی
ارزش: ۱۰۰ ریال

معرفی و بررسی کتابهای فنی

هنگامی [illegible] صنعتی افزایش می‌یابد که [illegible] و وسایل و ابزارهای مورد نیاز در فعالیت فنی و حرفه‌ای مربوط آشنایی کامل داشته باشند. البته دارا بودن مهارت و ورزیدگی کافی نیز از دیگر عوامل فزاینده و کارآیی دست‌اندرکاران مراکز تولیدی و صنعتی بشمار می‌رود. لیکن شناخت ابتدایی کار در هر حرفه، همواره بعنوان مهمترین عامل پیروزی و جهندگی در همان فعالیت مورد توجه کارشناسان قرار گرفته است و طرز کار با ابزارها و چگونگی بکارگیری انواع متفاوت آن در رشته‌های گوناگون صنعتی، سازنده و جهنده قلمداد شده است.

تا کنون در ایران با کمتر کتاب فنی مواجه شده‌ایم که پیرامون ابزارها و آلات مورد نیاز برای فعالیت و ادامه در زمینه‌های صنعتی انتشار یافته باشد.

از سوی دیگر دو سه جلد کتابی هم که در این محدوده بچاپ رسیده، خالی از نقص نیست و متاسفانه آنچنانکه باید «کلاس بندی» و طبقه‌بندی موضوعی و تکنیکی را رعایت نکرده‌اند. چرا که بعنوان نمونه کتاب «ابزار شناسی در فلزکاری» که به همت صندوق کارآموزی منتشر شده، معلوم نیست برای کدام دسته از کارگران یا تکنسین‌های رشته فلزکاری تدوین شده و چه معلومات — اطلاعات ابتدایی را پشت سر گذاشته است.

کتاب «ابزارشناسی» در سه بخش جداگانه مباحث گوناگون صنعت فلزکاری را مورد توجه قرار داده و از جنبه‌های متفاوت آلات صنعتی یاد کرده است.

لباس کار و ویژگیهای آن نخستین مطلبی است که در بخش اول این کتاب مورد بحث قرار گرفته و نکات چشمگیری که باید در دوختن و انتخاب لباس کار در این حرفه دنبال شود بگونه‌ای خلاصه ذکر شده است:

— مناسبترین لباس کار در فلزکاری، لباس یک تکه است که هیچ پارگی نداشته باشد: چون پارگی های لباس به قطعه‌های متحرک ماشینها گیر می کند.

دکمه‌های لباس نباید شل باشند — از کراوات و شال گردن نباید استفاده کرد ...

برای حفاظت چشم باید از عینک‌های ایمنی استفاده کرد ...»

در بخش نخست که تنها چهار صفحه را در بر می گیرد، به نکات ایمنی پیرامون حفاظت در برابر ابزار کار نیز اشاره شده و چگونگی بلند کردن و حمل بار و نظم و ترتیب کارگاهی نیز به بحث آورده شده:

«... هرگز از ابزار فرسوده و معیوب استفاده نکنید ... در موقع بلند کردن بار از عضلات پا و ران خود استفاده کنید. پاها را کمی دور از هم نگهدارید تا تعادل کامل داشته باشید. زانوها را خم کنید. پشت را راست نگهدارید و چانه را پایین بگیرید....

آغاز بخش دوم کتاب ابزارشناسی در فلزکاری در حقیقت نخستین بخش تخصصی کتاب است که از ساده‌ترین وسیله در فلزکاری (که همان چکش است) تا روش کار با دستگاهها و ماشین های این حرفه مباحث متعددی بچشم می‌خورد. که البته با توجه به پاره‌ای از تصاویر مناسب، مطلب ساده‌تر و زمان تفهیم آن کمتر جلوه می کند:

.. کارگر ماشین کار از سه نوع چکش استفاده می کند:

۱—چکش کروی
۲—چکش تبری
۳—چکش تیشه‌ای

وزن چکش های تیشه‌ای و تبری از ۲۵۰ گرم تا ۰۰ ۸ گرم است و بیشتر برای کشیدن قطعات فلزی یعنی درازتر و پهن تر کردن آنها

زیرنظر: گوئل کهن

...های صنعتی و حرفه‌ای

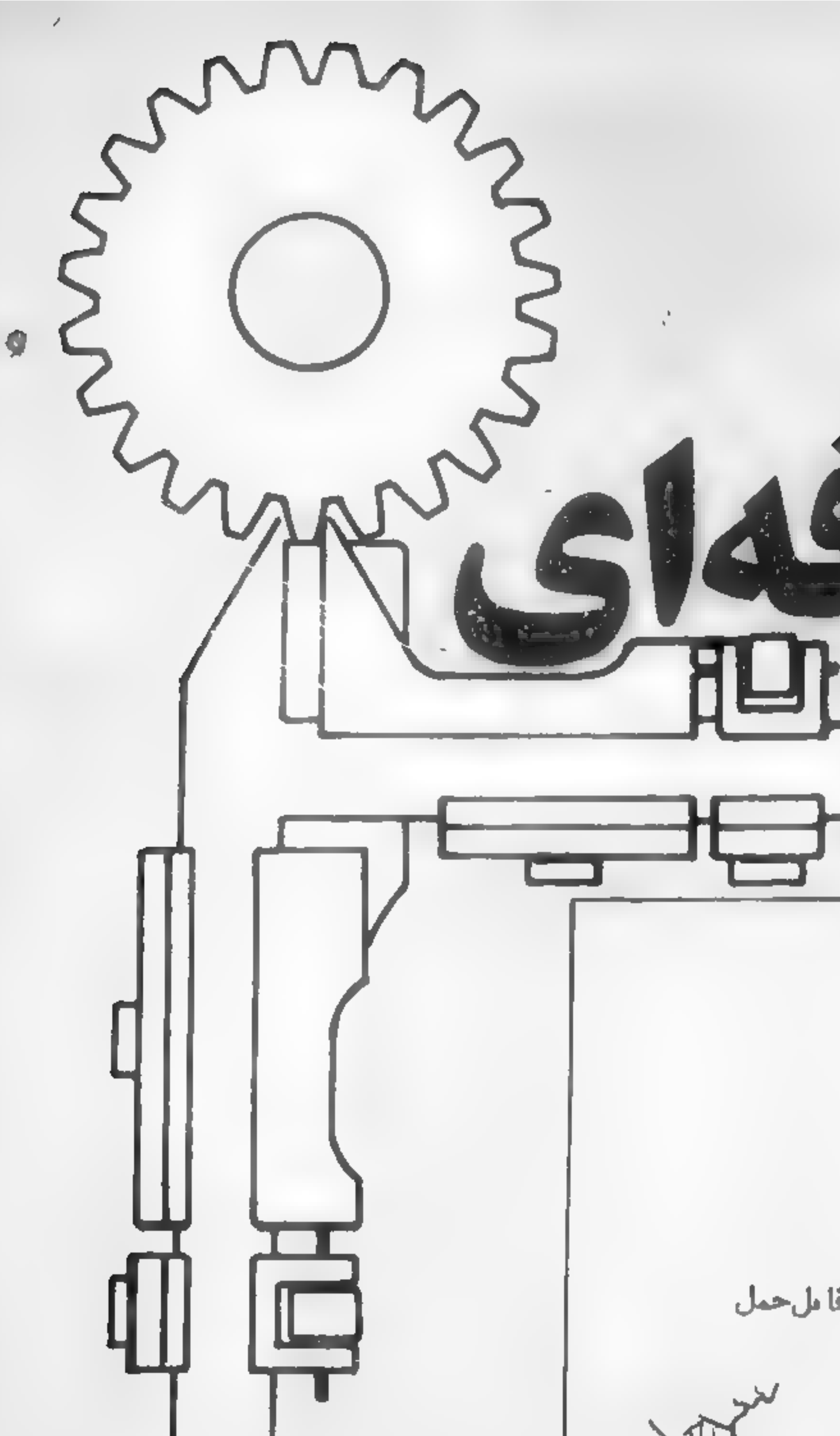

با تخت کردن انتهای پرچها یا پهن کردن «پایپت» بکار می‌رود....»

نویسنده یا نویسندگان این کتاب پس از شناسایی چکش و روشهای ساخت آن به‌چگونگی استفاده ازچکش می‌پردازند:

چگونه باید ازچکش استفاده کرد:

۱ — مطمئن شوید که دسته چکش محکم است.

اگر دسته چکش، محکم نبود روی گوه آن بکوبید تا بیشتر دردستهٔ چکش فرو رود. چکشی که دسته آن محکم نباشد، خطرناک است.

۲ — دسته چکش را نزدیک به انتهای آن محکم بگیرید تا از خاصیت اهرمی آن کاملا استفاده کنید.

۳ — چکش زدن تمام کارها را با ضربات سبک‌شروع کنید....»

سوزن خط کش و روش استفاده‌آن، سنبه—نشان، سنبه‌دستی و انواع آن همراه با شرح قطعه‌های جنافی از دیگر مطالبی است که در بخش دوم کتاب ابزارشناسی بچشم می‌خورد. متاسفانه اکثر این وسایل و ابزارها آنچنانکه باید مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته‌اند و تنها فهرست‌وار وخلاصه ذکرشده‌اند.

«آچارها» نیز در این‌بخش از کتاب جای مناسبی دارند و تا حدودی مورد بررسی و معرفی قرارگرفته‌اند:

«...آچار وسیله‌ای است که با آن می‌توان پیچ و مهره‌ها را بست یا باز کرد. آچارها را بسته به نوع استفاده‌ایکه از آنها می‌شود، به گونه‌ها وشکلهای گوناگون می‌سازند و تقسیم—بندی می‌کنند...

آچار رینگی برای بستن و باز کردن مهره—های ۶گوش بکار می‌رود. دهانه آچار رینگی تمام محیط مهره‌ها یا سرپیچ را دربر می‌گیرد و ازروی مهره رد نمی‌شود...

آچارفرانسه مانند آچار تخت است با این تفاوت که‌اندازه دهانه‌آن بوسیله پیچ بدلخواه بزرگ و کوچک می‌شود. این نوع آچارها به اندازه‌های گوناگون‌ساخته می‌شود...»

انبردست وگیره‌فلز کاری و انواع گیره‌های ماشینی نیز پس از آچارجای خوبی را در کتاب ابزارشناسی دراختیارگرفته ولی در اینجا مطلب جامع است و از اکثر ابزارهای مربوط یاد شده، اما تصاویر کم و توضیحات ناچیز از ارزش آن تاحدودی کاسته است!

در این کتاب کمتر به روشهای بکارگیری غلط ونادرست ابزار اشاره شده و تنها در پاره‌ای موارد چگونگی کاربرد و درست و نادرست آلات‌مورد بحث‌قرارگرفته است.

در مبحث اره‌های «آهن بر» و «اره کاری» وجود اشکال مناسب و کافی با توضیحات نسبتاً بجا، خواننده علاقمند را راضی می‌کند. دراینجا با توجه به تصاویر اره کاری درست واره کاری نادرست. آموزش سازنده‌ای دنبال می‌شود. که اگر در سایر بخشها نیز بر این روش تاکید می‌شد، کتاب می‌توانست کارسازترباشد:

«..قبل ازشروع به اره کاری باید قطعه کار را خط کشی کرد. برای انجام این عمل ابتدا بوسیله ابزار اندازه‌گیری مانند خط کش مدرج و یامتر، اندازه لازم راجدا کنید و سپس، بسته به نوع کار، با استفاده ازسوزن‌خط کش و گونیای درجه‌دار یا زاویه‌سنج یا خط کش و یا «شابلون» عمل خط کشی را انجام دهید...

برشکاری با اره بافشار و حرکت دست انجام می‌گیرد. هنگام بستن تیغه اره به کمان باید دقت کرد که دندانه‌های آن رو به جلو باشد. چون اره فقط موقع جلو رفتن عمل براده برداری را انجام می‌دهد، باید در موقع جلو بردن اره روی آن فشار وارد کرد...»

سوهان و سوهانکاری مبحث دیگری است که در بخش نخست. کتاب ابزارشناسی در فلز کاری‌مورد بررسی‌قرارگرفته است.

مولف یا مولفان این کتاب، سوهان را به اجزای مختلفی تقسیم کرده و «پاشنه، پهلو، دسته، سطح، نوك و طول»را اجزای یک سوهان درنظر گرفته‌اند.

برای آشنایی بهتر ازشکل های گوناگونی نیز استفاده شده که تاحدودی تفهیم مطالب را ساده‌تر ساخته است.

«ماشین‌سوهانکاری» نیز در این کتاب به بحث کشیده شده که البته تصویر موجود مربوط می‌شود به مدلهای بسیار قدیمی این ماشین در صنعت.

سمباده کاری، انواع مته و مته کاری، روشهای سوراخکاری، ماشین‌های مته و کاربردهای قلم‌چکش نیز هر یک بطوراجمال مورد بحث قرار گرفته و با تصاویر و توضیحات مربوط، خواننده را در جریان بکارگیریهای این دسته‌ازابزارصنعتی قرارمی‌دهد.

حدیده کاری یکی از‌جالبترین مباحث کتاب ابزارشناسی است که همراه با برقو کاری و شابر وسنگ‌سمباده، پایان دهنده بخش دوم کتاب بشمارمی‌آید.

در قسمت سوم کتاب ابزار شناسی به روشهای گوناگون اندازه‌گیری و وسایل اندازه‌گیری درصنعت آشنا می‌شویم:

«... کولیس یکی از وسایل اندازه‌گیری دقیق است که امروزه در کارگاهها بسیار متداول و کارساز می‌باشد... کولیس ساده فقط یک اندازه مثل طول یا قطر خارجی راتعیین می‌کند و کولیس مرکب، برای اندازه‌گیری چند جز (مثل طول، عرض) بکارمی‌رود...»

میکرومتر، پرگار خط کش، گونیا، شابلون، فیلر، کالیبر و فرمان، تراز، می‌نیمتر نیز از جمله ابزار اندازه‌گیری دیگری بشمار می‌آیند که آخرین مباحث کتاب ابزار—شناسی راتشکیل‌می‌دهند:

«...تراز از یک یا دو کپسول شیشه‌ای خمیده و یک بدنه فلزی یا چوبی تشکیل شده است. کپسول شیشه‌ای با «اتر» پرشده و تنها یک حباب هوا در آن موجود است...»

بهر صورت کتاب «ابزارشناسی» بغیر از نارسائیهای گفته شده می‌تواند برای کارگران فلزکار وسایر کارگران وتکنیسین‌های رشته—های برق، مکانیک، ریخته‌گری، بنایی، نجاری و متالورژی نیزآموزنده باشد نه. جوان

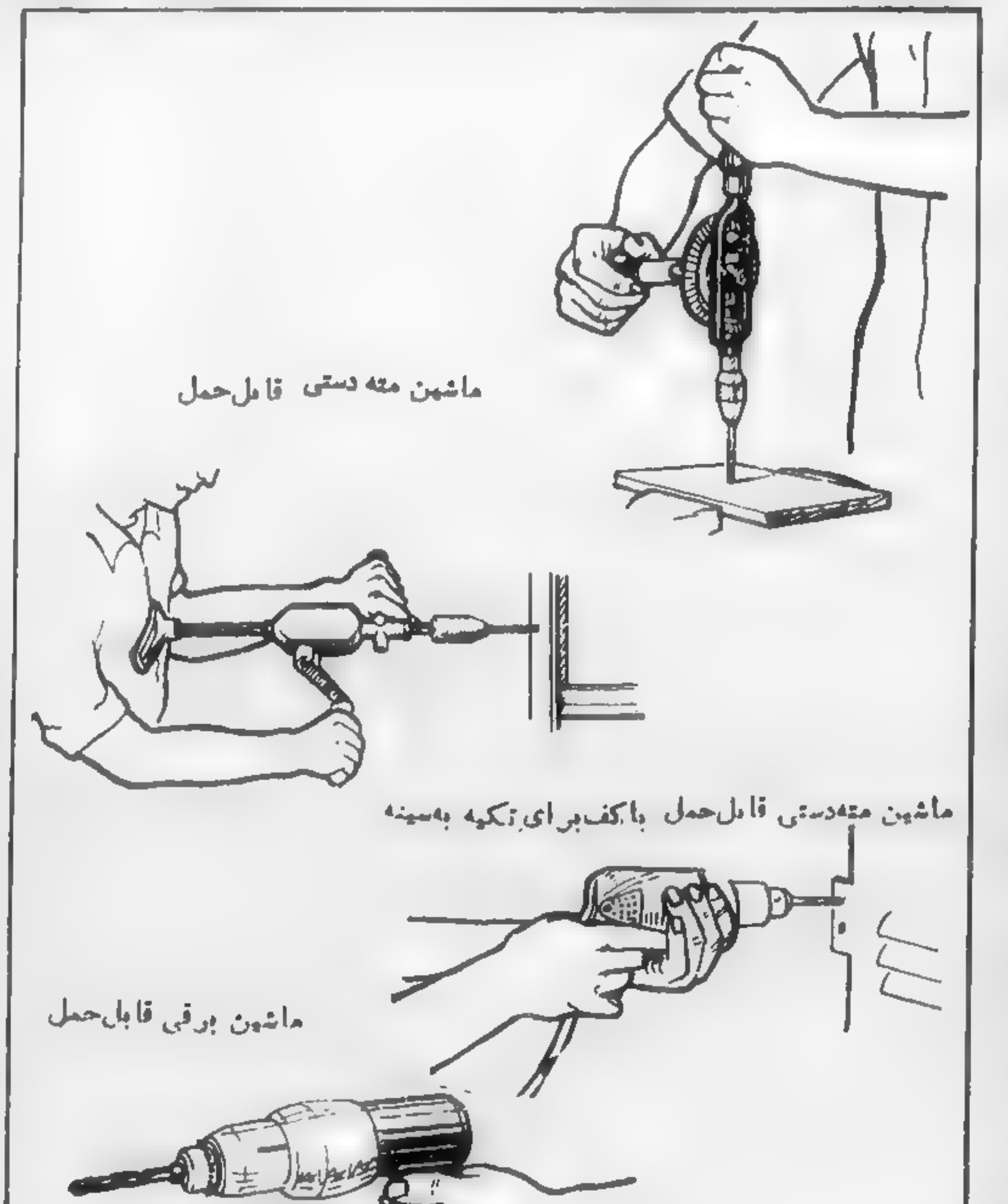

ماشین مته دستی قابل‌حمل

ماشین مته‌دستی قابل‌حمل باکف برای تکیه به‌سینه

ماشین برقی قابل‌حمل

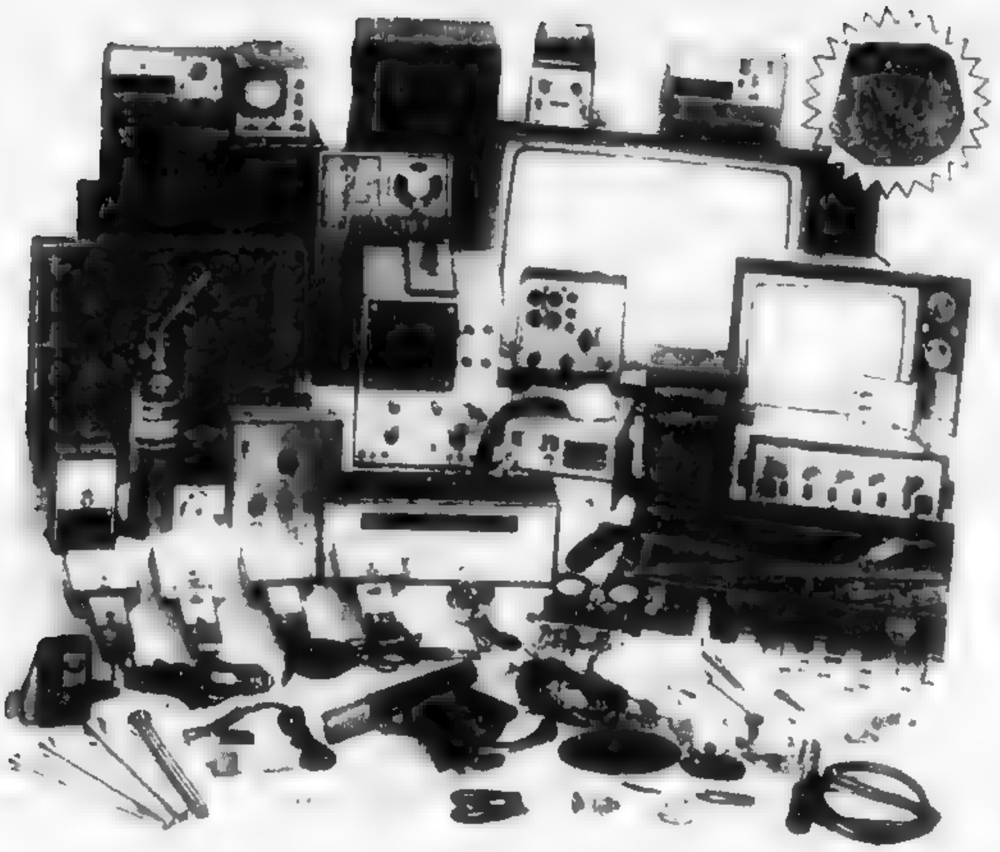

*** گازی‌شدن لامپ تصویر در اغلب موارد منجر به تعویض لامپ می‌شود**

اشاره:

مطلبی که در این شماره می‌خوانید، مربوط به پاسخ مسابقه دانش صنعتی در رشته تعمیر تلویزیون است که در شماره ۴، مجله درج شده بود.

این پاسخ از میان تعداد زیادی از نامه‌های تعمیرکاران رادیو تلویزیون، هنرجویان هنرستانها، کارگران الکترونیک و تکنسین‌های انستیتو تکنولوژیها انتخاب شده و بعنوان بهترین پاسخ به نویسنده آن «آقای جمشید هاشمی تهرانی» از شرکت لابراتوار بلندا کس یک جلد کتاب فنی تعلق می‌گیرد.

سؤال: عیوب و اشکالات لامپ تصویر تلویزیون به چند صورت و براثر چند عامل بوجود می‌آید؟

پاسخ سؤال:

۱ــ اگر چه در ساختمان لامپ‌های تصویر، دقت و پیش بینی‌های لازم را بعمل می‌آورند تا کمتر با خرابی مواجه شود، ولی تضمین کار آنها درحدود دو سال بیشتر نیست. و درعین حال ممکن است درموقع کار دچار عیوب زیر شود:

۲ــ ضعیفی لامپ تصویر ــ لامپ تصویر ممکن است مانند لامپ‌های معمولی در اثر کار زیاد ضعیف شود در اینصورت مقدار الکترون‌هایی که از کاتد صادر میشوند کم شده و در نتیجه روشنائی صفحه تصویر کم و تصویر تاریک می‌شود. برای تشخیص ضعیفی لامپ در حالیکه دستگاه روشن است کلید کنترل کننده روشنائی صفحه تصویر را براینتس را تا انتهـــا می‌چرخانیم. اگر در میزان روشنائی صفحه تصویر تغییری دیده نشد دلیل بر ضعیف شدن لامپ تصویر است «البته باید از اندازهٔ ولت فیلمان و ولتاژ D.C آندهای اول، دوم و های ولتاژ و از سالم بودن کلید براینتس مطمئن باشیم.» دراینگونه موارد با توجه به گران بودن قیمت لامپ نباید فوراً آنرا عوض کنیم بلکـــه بوسیله یک ترانس کوچک بجای ۶ ولت ۸ الی ۹ ولت به فیلمان لامپ داده و برای مدتی از آن بخوبی استفاده کنیم. در گیرنده‌هایی کـــه فیلمان لامپ تصویر با فیلمان سایر لامپ‌ها سری بسته شده باشد دوسرآنرا ازمدار باز کرده و بثانویه ترانس می‌بندیم و بجای آن یک مقاومت درحدود ۱۰ اهم، ۵ وات بافیلمان سایر لامپ‌ها سری قرار می‌دهیم تا سایر لامپ‌ها روشن شوند بعضی اوقات درگیرنده‌ها کهنه شده، کم رنگی صفحه تصویر بعلت کثیفی و با نشستن یک لایهٔ گردو خاک در روی آن میباشد. دراین صورت باید لامپ را پیاده کرد و صفحه آنرا بوسیلهٔ پارچه تمیز کرده ومجدداً درمحل خود قرارداد.

۳ــ گازی شدن لامپ تصویر:

وقتی لامپ تصویر حالت گازی پیدا کند تصویر بصورت منفی دیده‌میشود! دراین صورت چاره‌ای جز تعویض لامپ تصویرنیست، ولی در بعضی مواقع باقرار دادن یک مقاومت ۵۰ الی ۱۰۰ اهم، ۵ وات بطور موازی بافیلمان لامپ عیب برطرف می‌شود. لازم به یادآوری است که همیشه منفی شدن تصویر دلیل برگازی شدن لامپ نیست زیرا قطع شدن مدار A.G.C گیرنده و یا رسیدن بیش از حد قدرت فرستنده به گیرنده موجب منفی شدن تصویر خواهد شد. دراین حالت باقراردادن مقاومتی بطوری‌سری باآنتن و اندازه‌گیری ولتاژ A.G.C علت مشخص خواهد شد.

۴ــ وجود جرقه درقسمت تفنگ الکترونی:

بعضی اوقات بعلت خرابی لامپ درداخل قسمت تفنگ الکترونی آن جرقه بوجود می‌آید که خطهای باریکی در روی صفحه تصویر ایجاد میشود. اثر جرقه در داخل لامپ بصورت نور بنفش رنگی دیده میشود. دراین حالت اگر با وارد آوردن دو، سه ضربه نسبتاً محکم درناحیهٔ جرقه عیب برطرف نشد چاره‌ای جز تعویض آن وجود ندارد ولی بعضی مواقع مشاهده میشود که عیب لامپ‌ناشی از اتصال کاتد به‌فیلمان آن است دراین حالت اگر کلید کنترل کننده روشنایی صفحه تصویر درمدار کاتد لامپ قرار گرفته باشد با تنظیم آن روشنایی صفحهٔ تصویر تغییری پیدا نمی کند، برای رفع این عیب می‌توان ولتاژ فیلمان لامپ را باترانس مستقلی بلبیس و مجدداً ازلامپ استفاده کرد. سوختن فیلمان یکی از اتفاقات بسیار نادری که ممکن است درلامپ تصویر پیش آید، دراین صورت چاره‌ای‌جز تعویض آن نیست.

۵ــ اگرسیم پیچ انحراف دهنده عمودی یوک قطع شود در روی صفحه تصویر یک خط روشن افقی بوجود می‌آید. ودرصورتیکه‌قسمتی ازسیم‌پیچ مزبورسوخته ویا شورت کند صفحه تصویرازبالاو پائین تاریک خواهدماندچنانچه سیم پیچ انحراف دهنده افقی شود درروی صفحه تصویر یک خط روشن عمودی پیدا خواهدشد. ودرصورت شورت شدن قسمتی ازآن تصویر از پهلوها خالی خواهد ماند و چنانچه هردوسیم پیچ یوک قطع شود دروسط صفحه تصویر لکهٔ روشنی پدید خواهد آمد. چنانچه درسمت چپ صفحه‌تصویردندانه‌هائی شبیه‌چروک‌خوردگی دیده‌شود بایدمقاومتها و خازن داخل یوک را بررسی کرد. اگر درگیرنده‌ای تصویر بصورت ذوزنقه دیده شد احتمال عیب بیشتر دراثرشورت شدن‌قسمتی ازسیم‌پیچ های یوک‌است.

البته معایب زیادتری ممکن است که درلامپ تصویر یوک وقسمتهای مربوط به‌آن پیدا شود. که نیازی به ذکـــرآنهـــا نیست.

سیستم جدید چرک زدائی از اجسام

با این دستگاه می‌توان شیشه و سنگ را پولیش داد و تمیز کرد.

دستگاهی که در این صفحه ملاحظه می کنید ترکیبی است از چند قطعه مختلف پولیس دهنده و زداینده گرد و غبار.

این دستگاه الکترونیکی درحدود یک اسب بخار قدرت دارد و با جریان برق کار می کند.

با سرعت خارق العاده‌ای که این دستگاه دارد به سادگی می تواند قطعات ریز و درشت را تمیز کند. سرعت این سیستم بین ۳۰۰ تا ۱۴ هزار دور در دقیقه است و به وسیله آن بدنه چوب، فلز، چرم، سنگ وفیبرهای گوناگون تمیز می شود.

قیمت این دستگاه ۶۴۵ دلار است وساخت یکی از کارخانه‌های آمریکاست.

پیشنهاد یک بنا

چگونه میتوان از ریزش چاه های آب و پساب جلوگیری کرد

با استفاده از گلدان مخصوص میتوان بسادگی از ریزشهای چاه جلوگیری کرد

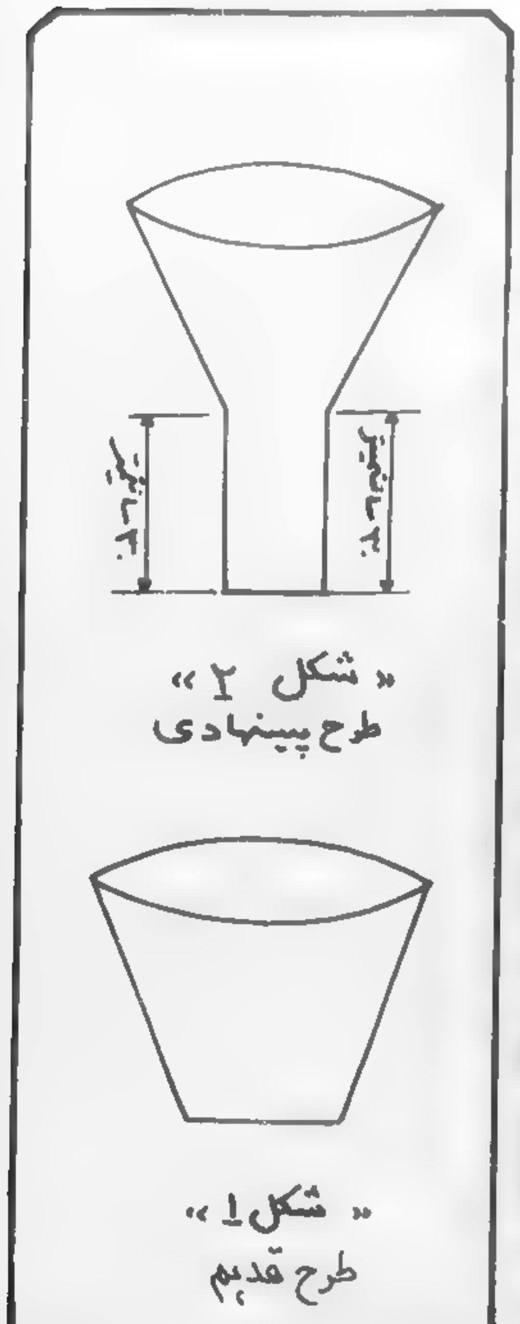

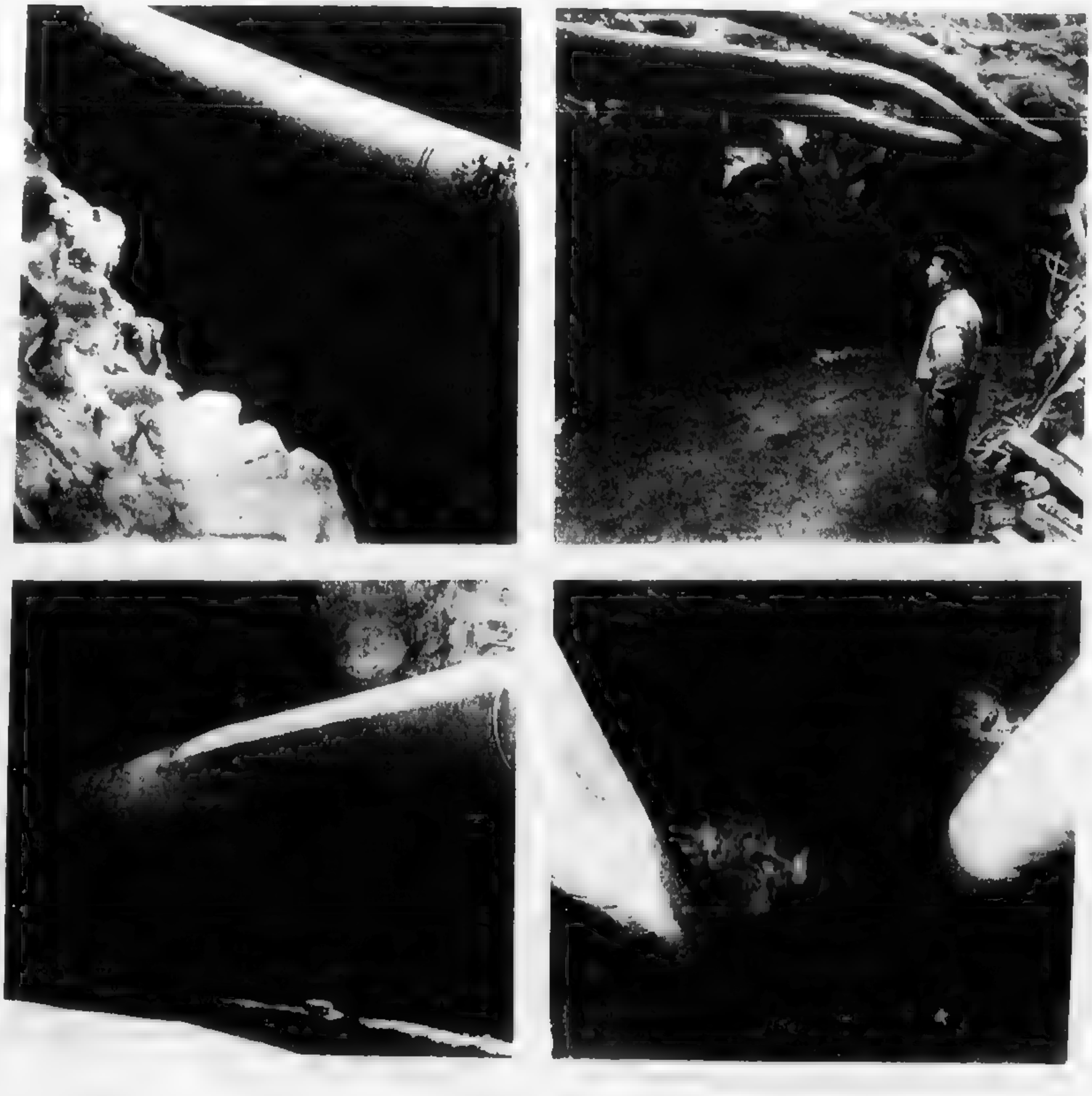

حوادث ناشی از ریزش چاهها روز به روز افزایش می‌یابد و با گسترش شهرها و فعالیت‌های صنعتی نیاز به مخازن پساب بالا می‌گیرد.

علل و عواملی را که سبب ریزش دیواره چاه می‌شوندمیتوان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱ — عدم وجود دیواره‌های سیمانی یا سفالهای مقاوم

۲ — سست بودن زمین اطراف چاه

۳ — نزدیکی چاه با آبریزگاههای بزرگ یا جویهای پرآب یا رودخانه.

۴ — لرزشهای پیوسته و قوی، نظیر لرزش‌های حاصل از حرکت اتومبیل های سنگین در کناره‌های چاه

۵ — گرد نکردن یا استوانه‌ای نکندن چاه.

به هر حال این عوامل، در زمره عوامل معمولی ریزش دیواره چاه بشمار می‌روند که در این میان، عامل نخست، به عنوان مهمترین علت ریزش همواره مورد تأکید مهندسان ساختمان و بناها و مقنی ها قرار میگیرد.

به عبارت دیگر قرار ندادن یک لایه سیمانی یا سفالی مقاوم بر روی دیواره استوانه‌ای چاه سبب می‌شود تا پس ازمدتی بدنه چاه حیس بخورد و یکباره ریزش کند.

تا کنون روشهای متعددی برای پوشاندن سطح داخلی چاه‌ها دنبال شده که هر یک مزایا ومعایبی دارند.

یکی از روشهای متداول و کهنه‌ای که سالهاست مورد توجه بناها و چاه کن هاست پوشاندن دیواره نزدیک به لبه چاه می‌باشد که به صورت یک گلدان از لبه چاه دیده میشود.

جنس این گلدان ها می‌تواند سیمان یا مخلوط خاکستر، آهک و خاک رس باشد که البته در بیشتر مواقع از گلدانهای بزرگ سفالی استفاده می‌شود. به این ترتیب که ته گلدان‌را می‌شکنند و یا ساخته های کلی که به این صورت است را در بالای چاه قرار داده با مواد و مصالح ساختمانی پشت آن را پر کرده، محکم می کنند. (شکلل ۱ را ببینید).

نکته بسیار مهمی که در انجام این کار کمتر و به ندرت مورد توجه قرارمی گیرد، عدم آشنایی بناها وچاه کن هاست که اطلاع ندارند، قرار دادن این گلدان به همین صورت سبب می‌شودتاپساب یا آبی که از بالا به صورت نیم افقی به درون چاه ریخته می‌شود، پایه گلدان را سست کرده، پس ازمدتی چاه از زیر گلدان ریزش می کند!

راه‌حل....

برای جلوگیری از این اختلال می‌توان مطابق شکل ۲ پس ازقراردادن گلدان، با توجه به شیب بدنه‌آن ونیز قطر دهانه چاه، از ۳۰ تا ۶۰ سانتیمتر سفال یا سیمان مقاوم قراردهند. زیرا در این صورت آب به پشت گلدان به حالت نیم افقی نمی‌ریزد ومستقیماً به ته چاه خواهد رفت.

به این ترتیب می توان به سادگی از ریزش‌های چاههای آب درمناطق روستائی وچاه‌های پساب وگندآب در مراکز صنعتی و مسکونی جلوگیری به عمل آورد.

پیشنهاد از: امرالله شهرابی فراهانی
« کارگر بنا »

و

مسفل و از آنجا به دوشاخه تقسیم سده، بوسیله میل فرمان بزرگ بچرخها منتقل میشود.

۸—خلاصی فرمان از کجاست؟

پاسخ: خوردگی کرانویل و پینیون(جعبه فرمان)—لقی بلبرینگها—سائیدگی هزارخاره.

۹—میل بزرگ فرمان از چند قسمت ساخته شده است؟

پاسخ: میل دوتکه‌ای است که دوسرآن دارای سیبک است که میتوان بوسیله چرخاندن آن میله را کوتاه‌وبلند نمود.

پاسخ: خوردگی دنده‌ها که باعث لقی و خلاصی فرمان وزدن چرخ میشود— نداشتن روغن ورگلاژ زیاد که باعث سفت‌شدن فرمان میشود— معایب بلبرینگ از نظر لقی وکرپباژ که باعث زدن فرمان یالقی آن میشود.

۱۵— علت برگشتن فرمان درسرپیچها چیست؟

پاسخ: نیروی عکس العمل چرخها در مقابل پیچ.

۱۶— معایب برنگشتن فرمان درسرپیچها

[illegible]

برای امتحان «فنی» پایه یکم رانندگی آماده شوید

دوستان عزیز:

ازاین شماره، تعدادی ازسوالات آزمایش فنی رانندگی پایه‌یکم را در صفحات سرویس حرفه‌وفن عنوان‌می کنیم تا کارگران علاقمندو آنانکه دست‌اند کار ورزیدگی برای این امتحان هستند، با پاسخ های اینگونه سؤالات آشنائی کامل پیدا کنند.

این سؤالات درحدود دانش واطلاعات فنی‌وعلمی یک راننده کامیون‌است.

متن پرسش رادرج می کنیم وبلافاصله‌شما راباپاسخ درست‌آن آشنامی‌سازیم:

۱—علل لاستیک‌سائی چرخ جلوچیست؟

پاسخ: [illegible] خوردگی [illegible] — ناميزاني فرمان—

[illegible] نجی رام.

۲—علت‌زدن چرخهای جلو رانام ببرید؟

پاسخ: خوردگی بوشهای سگدست خوردگی سیبک‌فرمان— خرابی کمک‌فرمان خرابی دنده‌های جعبه فرمان— شل بودن پیچ رگلاژجعبه‌فرمان— خرابی بلبرینگ‌میله‌فرمان.

۳— علت‌زدن‌چرخ جلو در سرعت زیاد چیست؟

پاسخ: معایب‌فنی لاستیک [illegible] نبودن چرخهای‌جلوازلحاظ‌زوایا.

۴—علت‌زدن چرخ [illegible] چیست؟

پاسخ: [illegible] وجودوصله در لاستیک [illegible]

۵—علت [illegible] لاستیک؟

پاسخ: [illegible]

۶— [illegible] چرخ جلو [illegible] چیست

پاسخ: [illegible]

[illegible] فرمان.

۷—فرمان چگونه کارمیکند وبه‌چه متصل است؟

پاسخ: حرکت ازفرپیلک، به کرانویل و پینیون(جعبه فرمان)، سپس به شغالدست

۱۰— میل کوچک‌فرمان به کجا متصل است؟

پاسخ: یکسرآن به اهرم وسط فرمان وسر دیگربشغالدست متصل است.

۱۱—علت خرابی سیبک‌های‌فرمان‌چیست؟

پاسخ: فرسودگی سیبک‌ها بعلت‌گریس کاری نشدن سیبکها— خوردشدن قسمت داخلی سیبکها وپولک وشکستگی فنرسیبک.

۱۲—علت‌خرابی کمک‌فرمان؟

پاسخ: خوردگی میل کمک فرمان خوردگی و روغن‌رد کردن قسمتهای داخلی کمک‌فرمان.

۱۳—ساختمان جعبه فرمان‌چگونه است؟

پاسخ: [illegible] جرا نشکیل شده است: پوسته— کرانویل وپینیون— پیچ مربوط به رگلاژ روی پوسته— بلبرینگ بالا وپائین— میله فرمان درداخل پوسته.

۱۴—معایب جعبه فرمان چیست؟

راگویند.

پاسخ: [illegible]

۱۷—سرصبق چیست

پاسخ: آهن‌مدوری است که درآن‌قسمتهای مربوط به ترمز قرار دارد وبه سگدست یاسرپوسته دیفرانسیل بسته میشود.

۱۸— علامت شل بودن پیچهای سرطبق چیست؟

پاسخ: [illegible]

۱۹— [illegible] شل بودن پیچهای سرطبق [illegible] چیست؟

پاسخ: [illegible]

۲۰—لوازمی که روی طبق بسته میشود چیست؟

پاسخ: قسمت‌های‌مربوط‌به ترمزچرخ.

این بحث را باز هم ادامه می‌دهیم

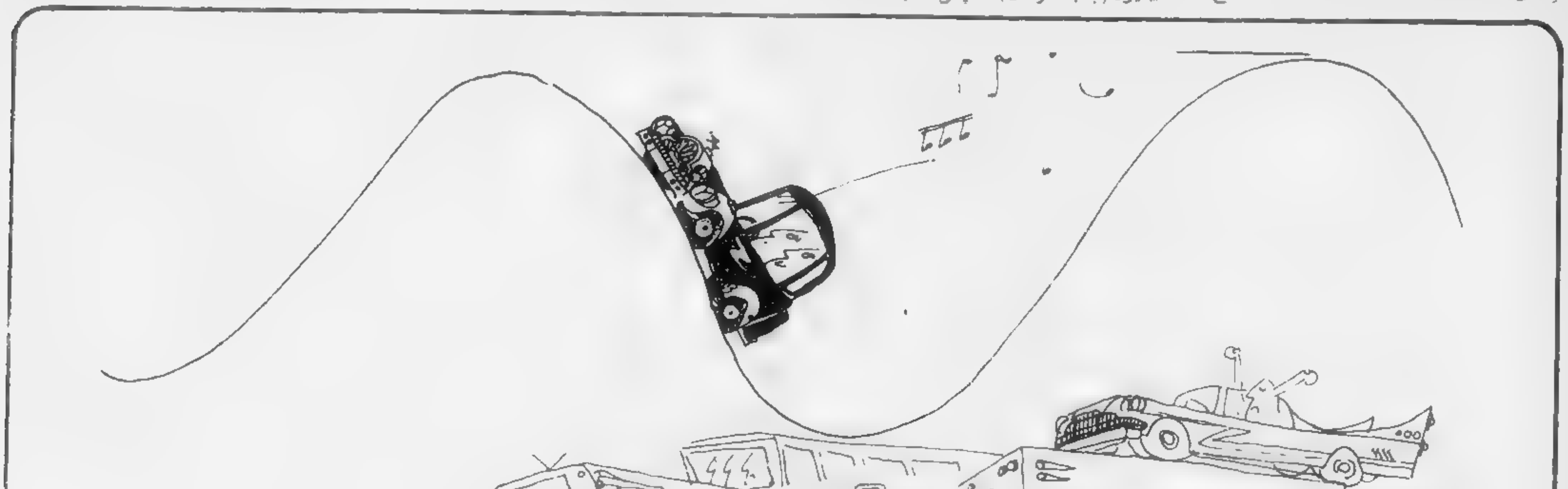

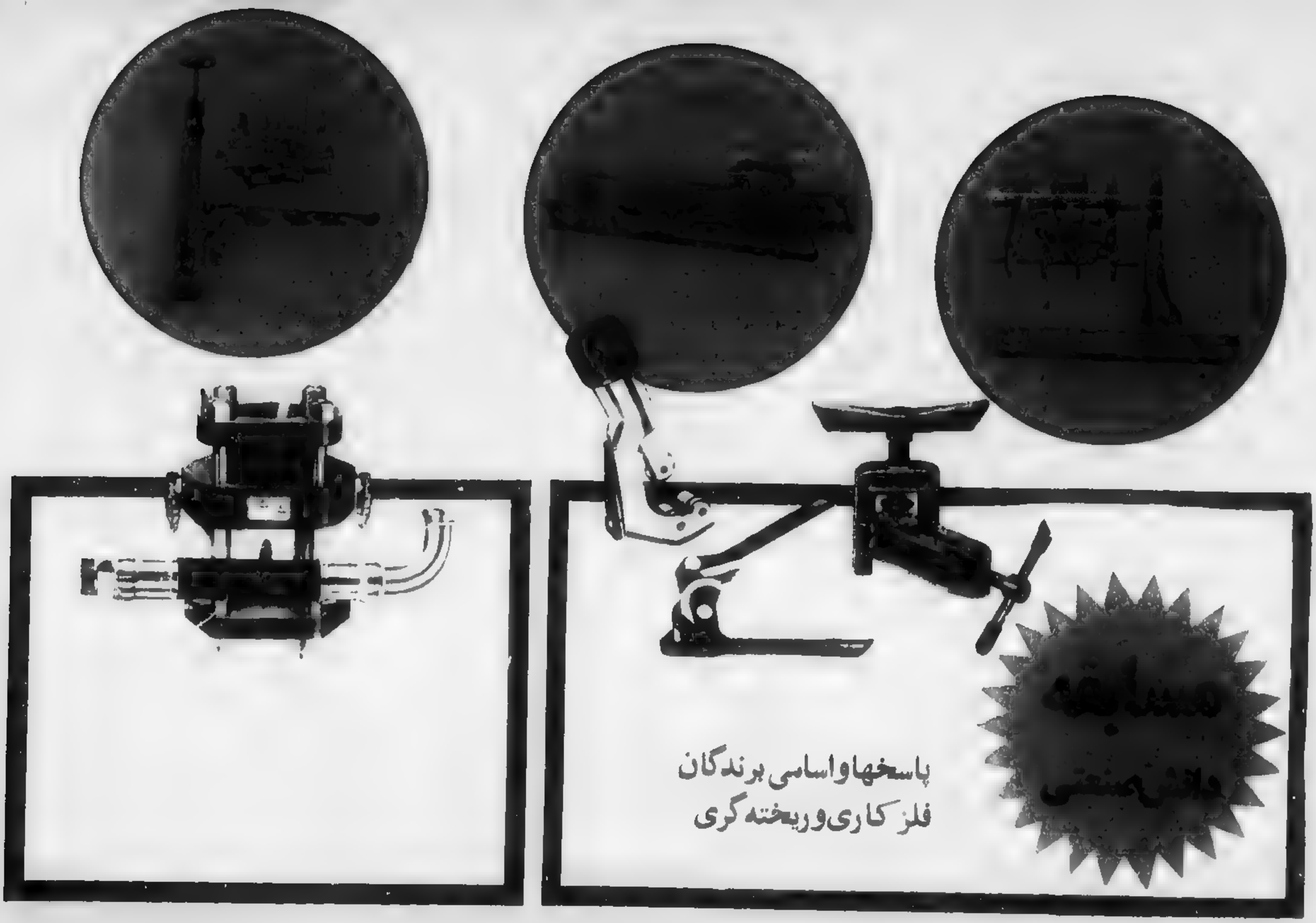

پاسخهاواساسی برندگان فلز کاری وریخته گری

رشته فلز کاری

همچنانکه دوستان عزیز فلز کار در شماره دوازدهم مجله ملاحظه کردند، ۶پرسش تخصصی مربوط به صنعت فلز کاری مطرح شد. که تا کنون بیش از ۶۵ نامه ازسراسر ایران بدست ما رسیده وحاوی پاسخ های پرسشهای مزبوراست.

در میان شرکت کنندگان این مسابقه، اکثر طبقات ماهر در صنعت فلز کاری شرکت داشتند: «هنر جوی هنرستان، کارگر ساده، تکنیسین ورزیده واستاد کار پر تجربه.

پس از بررسی نامه های رسیده در «سرویس حرفه و فن» آقای «بهمن ایلبگی» تراشکار اصفهانی بعنوان بهترین پاسخگو برگزیده شد.

جایزه ایشان دو کتاب فنی است که امیدواریم در نزدیکترین فرصت که به تهران می آیند، تقدیمشان کنیم.

پرسش ها و پاسخ های مربوط به مسابقه دانش صنعتی در رشته «فلز کاری» بدین ترتیب است:

۱— شماره گذاری قلاویز ها چگونه است؟

پاسخ: از لحاظ تقسیم بندی گروهی به سه دسته «پیش رو، میان رو و پس رو». و از نظر شماره گذاری از یک تا ۱۲ نمره گذاری می‌شوند مانند «قلاویز ۱۲ × ۱/۵» که عبارتست از یک قلاویز با قطر خارجی ۱/۵

۲— چرا باید «حدیده» و «قلاویز» را از ابزارهای دیگر جدا کرد:

پاسخ: زیرا در اثر برخورد با وسایل فلزی دیگر، دندهایشان می‌شکند و لبه های تیز آنها در اثر تماس با ابزارهای دیگر بشکند یا کند شود.

۳— ساق مته، به چند شکل ساخته می‌شود:

پاسخ: ساق مته را به سه صورت می‌سازند:

۱— ساق مخروطی

۲— ساق استوانه‌ای

۳— ساق چهارگوش

۴— نکاتی را که باید درموقع بکار بردن «پیچ گوشتی» درنظرگرفت، شرح دهید.

پاسخ: نکات مزبور را می‌توان اینطور خلاصه کرد:

۱— ازوارد کردن ضربه به آن خودداری شود.

۲— نوك پیچ گوشتی را باید طوری سنگ زد که کاملا درچاك سرپیچ جابگیرد.

۳— پیچ گوشتی متناسب با کار انتخاب شود و آن را درامتداد محورپیچ قرار داد.

۵— انواع سوهان را با کار بردهایشان نام ببرید.

پاسخ: ۱— سوهان تخت برای کارهای عمومی ومعمولی درفلز کاری.

۲— سوهان بغل صاف مانند سوهان تخت است و برای جایی که بخواهند بغل سوهان نساید استفاده می‌شود.

۳— سوهان نیم گرد، برای ساییدن سطهای سختی.

۴— سوهان چهار گوش برای شیارها و سوراخهای چهارگوش.

۵— سوهان گرد برای سوراخهای گرد یا قوس دار.

۶— سوهان سه گوش برای گوشه‌های داخلی.

۷— سوهان گرده ماهی، برای سوراخ حدیده دار.

۸— سوهان خنجری، برای چاکهای باریک.

۹— سوهان چهار گوش زبانه‌ای، برای گوشه‌ها وشیارهای باریک.

۱۰— سوهان کاردی، برای چاکها و شیارهای زاویه دار.

۱۱— سوهانهای ماشینی که همراه با ماشین های ویژه بکارمی روند.

۶— پرگار کشویی را در کجا بکارمی برند؟

پاسخ: برای رسم کردن کمان یا دایرههای بزرگ، ازپرگار کشویی استفاده می‌شود.

***

رشته ریخته گری وقالب کاری

ریخته گران وقالب کاران عزیز!

تا چند هفته‌ای که از انتشار پرسش های مربوط به حرفه‌شما گذشت، علاقه بسیاری ازخودنشان دادید که پاسخها ونامه های ارسالی شما نمایانگر این نکته است.

همچنانکه در شماره ۱۳ مجله مطالعه کردید، برای کارگران و استاد کاران صنعت ریخته گری دوسؤال طرح شده بود که علاقمندان شرکت درمسابقه دانش صنعتی دراین رشته می بایست به‌این دوسؤال بطور مشروح پاسخ گویند.

ازمیان نامه های رسیده نامه آقای محمدشاه حسینیان، پس از بررسی کامل در «سرویس حرفه وفن» مجله بعنوان بهترین پاسخها برگزیده شد.

جایزه آقای شاه حسینیان یکجلد کتاب فنی است که بامراجعه ایشان به محل مجله در تهران تقدیمشان خواهیم کرد.

اینک متن پرسشها همراه با پاسخهای آنها

پرسش ۱ — ماسه های قالب گیری آلیاژ برنز چه ویژگیها وشرایطی را باید دارا باشند؟

پاسخ: شرایطی که ماسه قالب گیری باید داشته باشد این است که در برابر گرمای مواد مذاب مقاوم باشد. همچنین دانه های ماسه باید طوری باشد که گاز بتواند براحتی از میان آنها عبور کندو این دانه ها باید دارای چسبندگی کافی (ویسکوزیته) باشند.

اگر بخواهیم از ماسه برای ریخته گری استفاده کنیم، باید سه مرحله زیر را انجام دهیم تاماسه دارای ویژگی کاربردی شود:

۱ — مواد اضافی مانند سنگ، سنگریزه، ریشه گیاه وغیره بوسیله غربال جداشوند.

۲ — دانه های ماسه باید باچسب ومواد چسبنده پوشیده شوند تا بتوانند بشکل یک توده‌مناسب ماسه‌ای کوبیده‌شوند.

۳ — اگر بخواهیم مجدداً از ماسه استفاده کنیم باید مقدار کمی‌ماده چسبنده‌وآب اضافه شود تامقدارچسبی که براثرگرمای ریخته گری ازدست‌رفته جبران کنیم.

ازسوی دیگر اندازه‌های‌ما نیز متفاوت است واز لحاظ درشت بودن، ماسه ها به‌سه‌دسته تقسیم می‌شوند:

۱ — نوك تیز: روبهم‌قفل شده‌و خیلی مقاوم اند.

۲— نیم‌تیز: قدرت کمتری دارند.

۳ — گرد: روبهم قرار نگرفته‌و استقامت ندارند. بنابراین ماسه های نیم‌تیز برای‌قالب گیری بهتراست.

پرسش ۲— قبل از تراش قطعه کارریخته شده، چه مراحلی باید طی‌شود تامحصول بهترو مناسبتری بدست آید؟

پاسخ: جسمی که از قالب بیرون‌آورده شده دارای ماسه‌های زائد است که باید از قطعه کار زدوده‌شود. پس از اینکار باید قسمتهای اضافی‌مانند راهگاهها‌و نفس کش شکسته شود.

پس ازشکستن راهگاهو تغییر کردن‌ماسه، پلیسه ها اطراف قطعه کار را بوسیله سنگ سمباده‌وسوهان پاکسازی کنند.

مرحله بعد که در زمره مهمترین‌مرحله پیش از تراشکاری است، بازدیدوآزمایش کیفی قطعه کاراست. درابنجا برای اطمینان از خوبی‌وتناسب کار ریخته گری باید بوسیله ضربه‌زدن‌و صدای برخورد ضربه باجسم‌تشخیص می دهیم‌ومی‌فهمیم که آیا داخل قسمت‌مربوط، خوب ریخته‌شده‌یانه.

پس ازاین جسم‌را روی دستگاه‌تراش‌قرار می دهیم.

«پیروزباشید»

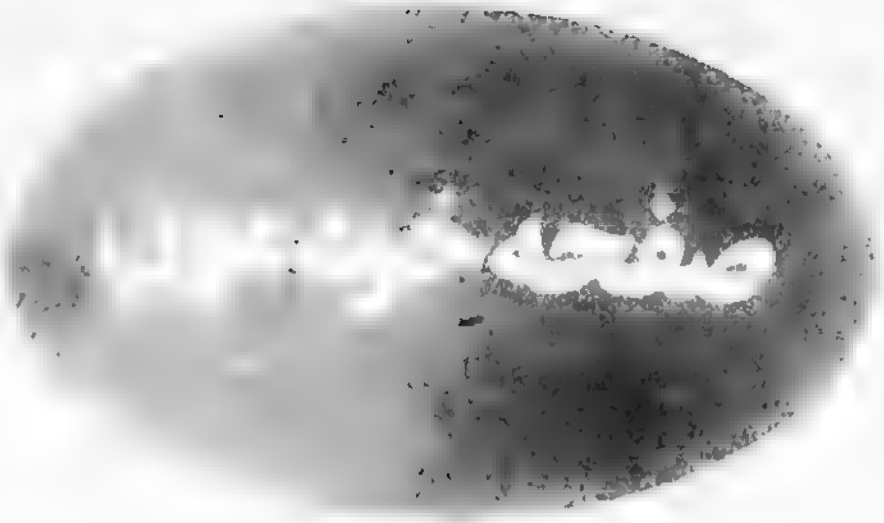

تشکیل نمک متبلور و یا قند از این طریق استفاده میشود.

کلیه اشیاء از اتم ساخته شده‌اند، واز تجمع ۲ تا ۳ اتم، مولکول بوجود میآید. بطور مثال یک ملکول آب مرکب است از ۲ اتم ئیدروژن ویک اتم اکسیژن. همانطور که از اتحاد چند اتم، ملکول بوجود میآید، از اجتماع ملکول‌ها ذرات مرئی بزرگتری بوجود خواهد آمد.

هرگاه مایعی را سرد کنیم به درجه انجماد نزدیک میشود. موقعی میرسد که ذرات مرئی شکل بخود میگیرند، یعنی درحقیقت مولکول به شکل بلور درمیآید. در بعضی موارد تشکیل بلور فرق میکند، یعنی موقعی که ملکولها تشکیل بلور را ندهند، با اضافه کردن یک ذره بلور به مایع، عمل خود بخود تشکیل میشود. برای بدست آوردن بلورهای بزرگ از جمله ذرات کربن نیز در تحت فشار ودرجه

لوطی قمپز

صفحه خودمون، همچنانکه ازنامش پیداست، صفحه‌ایست که رستاخیز کارگران ازچندین شماره‌پیش برای درج مطالبی که کارگران‌عزیزمینویسند، یادرآینده خواهند نوشت اختصاص داده است وخودشما دراین مدت شاهد بوده‌اید که هرچه دراین صفحات به چاپ آمده، نمایانگر ذوق ادبی وهنری دوستان کارگر بوده‌است. بهرجهت این شماره داستانی را بنام «لوطی قمپز» از حسن کاشانی که کارگر کارخانه قند مرودشت است، از نظرتان می‌گذرانیم. شنیدنی است که این کارگر نویسنده و باحساس، دبیر جلسات شعر خوانی درقهوخانه‌های مرودشت، وسرپرست جلسات شعر خوانی درقهوخانه‌های شیرازوابسته باداره کل فرهنگ‌وهنر استان فارس نیز می‌باشد. نثرزیبا و فکر کاشانی در مسابقات داستان نویسی مرکز هنری وزارت کارو امور اجتماعی به‌عنوان نخستین برنده درسال گذشته شناخته شد وبهمین جهت این داستان کوتاه را برای شما انتخاب کردیم. دراین داستان، لوطی قمپز» ازشیراز به مشهد میرود، ولی آنچه را که تصورمیکرده، برخلاف انتظارش بوده‌است. بهرحال داستان «لوطی قمپز» را با هم میخوانیم....

خدا بیامرزتشون ... همه چیزشون رو ... [illegible]

... مرحوم ملاعلی رو همه‌ی اهل‌شیراز میشناختن واگه من بخام همه‌ی شوبهاش رو ... شما هم او رو می‌شناسین ولی فعلن احتیاجی بروده درازی ندارم ومیخام فقط یکی از ... [illegible]

[illegible]

حرارت زیاد بهمین طریق در اعماق زمین به الماس تبدیل میشود.
ناصر - باقری- کارگر کارخانه قند کرمانشاه

• [illegible]
[illegible] معلوم بود، هنوز [illegible]
[illegible] دوره خوبی [illegible]
[illegible]
ازش اینطور سکس رو [illegible] نمی‌سوره، [illegible]
[illegible] این محمل رو جا [illegible]
[illegible] رو خوردیم و [illegible]
[illegible] راس شدیم [illegible]
[illegible] حالا بگید (بگوئید)
[illegible] ... ها ... ماه بجای اون
[illegible]
[illegible] ... اوسا یه هو یکه‌ای خورد و [illegible]
[illegible] نگاه کردن، [illegible]
[illegible] نطق بکشه گفتم : [illegible] ...
[illegible]
[illegible] ساده و خودمونی [illegible]
[illegible] حسابی نداریم ، خدا حافظ، [illegible]
[illegible] حسن وحلالمون سکنی.
[illegible]

[illegible] باصطلاح محلی [illegible]
[illegible] انگل بمعنی انگشت [illegible]
[illegible]
[illegible] ، و [illegible]
بازکوس
[illegible] باصطلاح محلی : فوری

مروارید

یک روز پیرمردی آقا کمال جلو پنجره ایستاده بود داشت بیرون را نگاه میکرد . ناگهان چشمش به « مروارید » دختر همسایه که شش سال بیشتر نداشت افتاد . او روی تپه‌ای « کود حیوانی » نشسته بود و داشت آنها را جابجا میکرد. انگار که چیزی گم کرده است ، در روی پای راست مروارید زخم عمیقی دیده می‌شد ، ولی آقا کمال به آن توجهی نکرد.

آقا کمال پنجره را باز کرد و گفت : مروارید، مروارید ، آنجا چکار می کنی ؟ چیزی گم کرده‌ای ؟ مروارید گفت : نه آقا کمال ، مادرم مریض است ، پول هم نداریم که دوا بخریم . من هم آمده‌ام اینجا تا بتوانم از تو اینها گنجی را پیدا کنم ، تا مادرم را از هلاکت نجات دهم .

آقا کمال دوباره گفت : مروارید ، آنجا تو اینها که گنج پیدا نمی‌شود . اصلا آنجا گنج حکار می کند. مگر دیوانه شده‌ای ؟

مروارید گفت : نه آقا کمال وقتی من چهار سال داشتم موقع خواب مادرم همیشه داستان پیدا شدن یک گنج را از توی خاکها و شنها برای من تعریف می کرد و حالا هم که آن بیچاره دیگر نمی تواند آن قصه‌های شیرین را دنبال کند ، شما می بینید من می خواهم عمل کنم . دیگه نمی خواهم قصه های رؤیایی بشنوم ، بخصوص حالا که مادرم مریض است و احتیاج شدیدی با پول و دارو دارد.

آقا کمال که دید نمی تواند خترچه دوهولو را از آنجا دور کند ، پنجره را بست و به اتاق دیگری رفت......

یک هفته از آن ماجرا می گذشت . آقا کمال در این یک هفته دیگر مروارید آن دختر خوشگل و قشنگ کوچولو را ندیده بود . به عادت هر روزه باز به طرف پنجره رفت . پنجره را باز کرد و به بیرون نگاه کرد . بیرون شلوغ بود . در جلو خانه مروارید ، مردم جمع شده بودند.

آقا کمال باخودش گفت : یعنی ممکن است که مادر مروارید مرده باشد ؟ ولی نه باور نمی کنم.

پس از چند لحظه ، تابوت کوچکی از تو حیاط بیرون آمد ، مادر مروارید در حالیکه لباس سیاه پوشیده بود ، گریه کنان از اینطرف به آنطرف می‌رفت و بادست خود موهایش را پریشان می کرد و باصدای بلند می گفت : ای خدا ، ای خدای بزرگ ، چرا مروارید را از من گرفتی ، او بچه آرامی بود و به هیچکس آزاری نرسانده بود. چرا او را از من گرفتی ؟ و در اینجا بود که آقا کمال به همه چیز پی برد . بله فهمید که مروارید مرده است اشک در چشمانش حلقه زد و آرام آرام به روی صورتش غلتید . فردای آن روز آقا کمال از کدخدای ده پرسید : راستی آقا، شما می دانید که چرا مروارید دختر همسایه ما مرد ؟ کدخدا گفت : بله آقا مروارید مرض کزاز گرفته بود . آره ، لعنت به کزاز ، کزازی که هستی آن انسان کوچک را به یغما برد و زندگی یک نونهال را بسته تر کرد.

[illegible] جواد فیروزی- [illegible]

یکی از استادان دانشکده شهر آتن چندی پیش عددی پیدا کرد که خصایص عجیبی دارد . آن عدد «۱۴۲۸۵۷» میباشد که اگر در دو ضرب کنیم میشود ۲۸۵۷۱۴ ، یعنی دو رقم اول از سمت راست همان دو رقم اولی خودمان است . اگر آنرا در سه ضرب کنیم ، میشود ۴۲۸۵۷۱ یعنی دارای همان ارقام عدد اصلی خودمان است. اگر آنرا در چهار ضرب کنیم میشود ۵۷۱۴۲۸ ، یعنی دو رقم آخرین عدد اصلی در اول آماده است . اگر در پنج ضرب کنیم میشود ۷۱۴۲۸۵ ، و باز رقم آخر عدد اصلی در اول آمده است. اگر در شش ضرب کنیم میشود ۸۵۷۱۴۲ ، یعنی سه رقم اول و سه رقم دوم عدد اصلی جایشان را عوض کرده‌اند. اگر در هفت ضرب کنیم میشود ۹۹۹۹۹۹ ، که خود عدد عجیبی است.

ام کلثوم سعادت- کارگر شرکت ترانس پیک

شخصی ابراهیم خلیل را دشنام داد و ابراهیم در پاسخ او چنین گفت :

۱—در دل از تو کین نگیرم.
۲—بر تو پیش سلام باشم.
۳—در نماز م برادعا کنم.
۴—جواب دشنامت را ندهم.
۵—وبالاخره اگر خدا مرا به بهشت رهنمون سازد ، تورا با خود برم !

جواد— نجفیان ، کارگر چاپخانه ، تهران

علایم مشخصه آدم دورو:

زمانی که وعده میدهد ، خلاف است و هنگامیکه صحبت میکند ، دروغ است و دیگر اینکه اگر به او اعتماد کنی ، خیانت میکند.

حسین ، یاوری— کارگر دخانیات

باگذراندن این دوره رایگا

خودمان لوازم خانه مان راتعم

خواهر کارگر، برادر کارگر... چرا برای یک تعمیر جزئی تلفن، رادیو، تلویزیون و... تاآمدن کارگر متخصص انتظار میکشید و کلی پول میدهید. شما میتوانید باگذراندن دوره‌هائی کوتاه‌مدت ورایگان، خودتان این تعمیرات راانجام دهید...

سارا شکری واقدس نادرزادان دوتن از کارآموزان

مریم میرصاحب یکی از کارآموزان

کمبود کارگران ماهر و متخصصین فنی چند زمانی است که با گسترش روزافزون واحدهای تولیدی و صنعتی کشور، چهره خود را بعنوان یکی ازمسائلی که بایدشدیداً برای جلوگیری از گسترش آن مبارزه کرد، در جامعه ما نشان میدهد. در پی این مسئله و برای مبارزه با این کمبود چندی است که از طرف وزارت کار و امور اجتماعی برای تعلیم افراد عادی، خصوصاً خانمهای خانه‌دار که بیشتر به فراگیری کارهای اولیه فنی از قبیل سرویس کولر، تعمیر یخچال، [illegible] و ... ایجاد شده است، و [illegible] دراین مراکز [illegible] آموزش مشغول هستند.

[illegible] کارگران در این [illegible] [illegible] و چگونگی تعلیم [illegible] دراین مراکز [illegible] [illegible] [illegible].

دراین گزارش ابتدا با آقای صدریه، رئیس مرکز تعلیمات حرفه‌ای گفتگوئی انجام‌شده‌است و بعد کارآموزان مورد سؤال قرار گرفته‌اند که آنچه در پی می‌آید، نتیجه گفتگوها ومشاهدات گزارشگر ما است. صدریه، که پانزده سال است ریاست مدارس تعلیمات حرفه‌ای را در مراکز مختلف به عهده دارد، در پاسخ این سؤال که کارآموزان این مراکز از چه محل هائی معرفی میشوند، میگوید:

از کانالهای مختلف، کارخانجات خصوصی، سازمانهای دولتی مثل وزارت تعاون و امور روستاها و وزارتخانه‌های دیگر. البته همانطور که میدانید، برنامه‌های معمولی ما از روز شنبه تا چهارشنبه جریان دارد و برنامه فوق‌العاده‌ای که تدارک دیده‌ایم مخصوص روزهای پنجشنبه وجمعه است.

ازآقای صدریه سؤال می کنم:

– دوره برنامه عادی چه مدت است؟

میگوید:

دوره‌اش چهارماه است، و جمعا در این کلاسها هشتصدوچهل ساعت تدریس میشود، که هفتصد ساعت آن عملی و صدوچهل ساعتش تئوری است.

رئیس مدارس تعلیمات حرفه‌یی، همچنین توضیح می‌دهد که مراکز تعلیمات حرفه‌یی تنها در تهران فعالیت ندارند، بلکه هم اکنون چندین مرکز در مشهد، اصفهان، کرج، فعالیت میکنند و تا اواخر برنامه پنجم درحدود [illegible] مرکز دیگر افتتاح و مشغول کار خواهند شد.

صدریه، در پاسخ این پرسش که آیا این مراکز راه و روششان را با بازار کار وفق میدهند، میگوید:

– مسلماً اگر ببینیم صنعتی داوطلب چندانی ندارد، بلافاصله آموزش صنعتی دیگر را جانشین آن میکنیم.

می‌پرسم:

[illegible] کارآموزهای [illegible] [illegible] برای راه‌یابی به مؤسسات صنعتی دارند؟

بله، افرادی که در اینجا تعلیم می گیرند، خیلی راحت جذب بازار کار می‌شوند موسسات‌صنعتی، غالباً در اواخر دوره‌های چهارماهه به ما مراجعه می کنند و از ما تقاضای کارگر کارآزموده دارند. روشی که در اینجامعمول‌است از این قرار است که پرونده کارآموزان را همیشه باز نگاه می‌داریم تا اگر درجائی مشغول به کارشدند و نواقصی در کارشان بود، مجدداً برای تعلیمات بیشتر به ما مراجعه کنند، که ما هم با آموزش بیشتر در رفع اشکالات آن‌ها می کوشیم. از رئیس مدارس تعلیمات حرفه‌یی می‌خواهم که پیرامون برنامه روزهای پنجشنبه و جمعه توضیح بیشتری بدهد، واومی گوید:

بیشترین توجه این مرکز درباره برنامه روزهای پنجشنبه وجمعه ازجهت رفع نیازهای افراد عادی است به این معنی که هر کسی باید تاحدودی با کارهای‌فنی آشنا باشد.

فرض می کنیم دستگاه تلفن خانه‌ای دچار نقص‌فنی می‌شود، اگر یکی از اهالی خانه تخصصی دراین کار داشته‌باشد، بجای آنکه به یک مؤسسه تعمیر تلفن مراجعه کند — که با توجه به کمبود کارگر متخصص مدتها به انتظار آمدن کارگر می‌ماند، و یا نسبت به رفع نقص جزئی مبلغی قابل‌توجه می‌پردازد، شخصاً درپی رفع نقص برمی‌آید، دراینجا، هم پولی پس‌انداز کرده و هم ازانتظار بیش ازحد راحت شده است، درحقیقت این خود یاری‌فنی، مثل کمکهای اولیه طبی است که هرشخصی موظف به تعلیم‌گرفتن آن‌می‌باشد. ودرشرایطی که ما هستیم لازم است هر فردی با کارهای اولیه‌فنی آشنائی داشته‌باشد. می‌پرسم:

— کارآموزان پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها چند نفرهستند.؟

— پانصدوچهل نفر که درحدود پانصد

ن

میرکنیم

از « شکوفه‌محمدی » مدرسه که‌میزان تحصیلاتش هست، پاسخ میدهد : من دیپلمه ادبی هستم وپارسال گذشته تدریس میکردم. فعلا هم در دانشگاه نام‌نویسی کرده‌ام اگر به‌دانشگاه راه یابم، تحصیلاتم را

درجهت زیادشدن معلومات ادامه باشد.
مربیان مرکز تعلیمات حرفه‌ای در گوشه‌های مختلف سالن بچشم میایند که بادقت مشغول تعلیم‌دادن کارآموزان هستند. بعضی ترمیمی و نگاهی به [illegible]

مدرسه‌ی که ... [illegible]
معلومات‌فنی‌خودم را ... [illegible]
به ... شکری ... [illegible]
بادرزادان «دوسره ... [illegible]

نسرین پورمصطفی، که‌ازجمله کارآموزان معرفی‌شده از طرف‌خانه‌امید است، درحالیکه سرپرست‌این گروه‌بر کارش نظارت‌می کند.

هزار نفر مرد و چهل نفرشان زن هستند. پرسش دیگر من درباره سن کارآموزانی است، که مراجعه‌می کنند وصدریه جواب‌می دهد:
ما از هرگروه‌سنی و از هرطبقه‌ای کارآموز داریم، حتی چند خانم از قلهک به اینجا می‌آیند، درحالیکه ملاحظه می کنید راه طولانی است، کلاس ما در جنوبشهر است و قلهک در شمالشهر. (توضیح اینکه. مرکز تعلیمات حرفه‌یی شماره ۴، در شرق میدان کشتارگاه ومقابل سیلوی تهران است.)
از تعداد مربیان سؤال می کنم : جواب میشنوم :
چهل نفر مربی داریم که در رشته‌های مسه کشی، صنعتی ساختمانی، اتومکانیک، ماشینهای دیزل، تهویه و شوفاژ، جوشکاری، تعمیرات و نگهداری ماشینهای ابزار، رادیو و تلویزیون وتلفن تدریس‌می کنند.
چرا روزهای پنجشنبه و جمعه را برای کارآموزهای‌سفرمه‌انتخاب کرده‌اید؟
چون اکثر این کارآموزها از طبقات مختلف، مثل اطباء، افراد ارتش، کارمندان وزارتخانه‌ها، آموزگاران هستند و طبیعی است که‌اوقات‌فراغتشان همین دوروزاست.
از آقای صدریه که به سؤالات‌گوناگون مجله « رستاخیز کارگران » پاسخ می‌دهد تشکر می کنم و به سالنهای مدرسه تعلیمات حرفه‌ای می‌روم تا آشنائی بیشتری‌با طرز کار کارآموزان پیدا کنم.
به اولین‌سالنی که‌قدم میگذارم، تعداد زیادی زن ومرد بچشم می‌خورند، که‌سرگرم کارند.
بیش‌از هرچیز وسائل خانگی از قبیل تلفن، آب‌گرم کن، ورادیو وتلویزیون در قسمتهای مختلف سالن‌است که دستهای ظریف دخترهای جوان مشغول تعمیر آنها است و مربیان در موارد لازم نواقص کار راگوشزد می کنند.
اولین کسی که‌مورد سؤال من قرارمیگیرد، شکوفه‌محمدی، دخترخانم بیست‌ودوساله‌ایست که سخت سرگرم کار است.وقتی‌از اومیپرسم که چه‌ضرورتی سبب‌شده است در این کلاس نام‌نویسی کند،میگوید : « این کار را از جهت آسایش هرچه بیشتر زندگی خانوادگیم انجام میدهم بارها اتفاق افتاده که‌مثلا آبگرمکن خانه خراب میشود، بایدچندروز به‌مؤسسات تعمیر کاری تلفن کنیم وانتظار بکشیم وبعد هم‌اگر موفق شدیم، باپرداخت مقداری پول مشکلمان را حل کنیم این‌مشکل باعث‌شد که‌من بفکرافتادم خودم تاحدودی بااین نوع کارها آشنا شوم، ودر مواقع ضروری مشکلات این قبیل کارها را خودم برطرف کنم. درحال حاضرهم‌اگرمثلا دستگاه تلفن خانه‌خراب‌شود، خودم آنرا تعمیرمیکنم.»

باحدعاتی ادامه‌میدهم.»
دومین دخترخانمی که به‌سؤالات مجله رستاخیز کارگران جواب میدهد امرنه میرصاحب)
پانزده‌ساله است که سرمای سختی هم خورده وبه‌زحمت حرف میزند. از او میپرسم که چند سال دارد ودر پی چه‌انگیزه‌ای به‌این مدرسه آمده است، میگوید : پانزده‌سال دارم وچون در رشته ریاضی تحصیل میکنم و ازانجام دادن کارهای فنی بشدت خوشم می‌آید، به‌این‌مدرسه آمده‌ام تا تعطیلات تابستانی خود را بیهوده تلف‌نکنم. مطلب مهم تراینکه، در کلاسهای تئوری، دروس‌مربوط به‌ریاضیات تدریس‌میشود که‌این نیز میتواند کمک‌بزرگی

[illegible] می‌آورد. از ساراشکری، یکی دیگر از کارآموزان مرکز تعلیمات حرفه‌ای که‌سرگرم [illegible]
[illegible]
است. [illegible] درحواسه میگوید: «آب نوبرقط [illegible] ودرحال حاضرمشغول بعمرآن هستم.»
« سارا شکری » [illegible] ودیپلمه است او فارغ‌التحصیل رشته طبیعی است که [illegible] در مدرسه [illegible] شکری «میگوید : به کارهای فنی‌از دوران بچگی‌سخت علاقمند بودم ووقتی از وجودچنین

میپردازم. اقدس بادرزادان میگوید: در کلاس اول راهنمائی به تحصیل مشغول بودم و درحال حاضر ترک تحصیل کرده‌ام. وقتی میپرسم چرا بدرس خواندن ادامه نداده است، جواب میدهد: علاقه‌ای به درس خواندن نداشتم و چون داماد ما، یعنی شوهر خواهرم، در امور فنی تخصصی دارد من هم به تحصیل مسائل فنی علاقمند شدم و گذراندن چنین کلاسهائی را برای بالا بردن سطح معلوماتم ضروری دیدم.»
«مرضیه [illegible]» دختر پر جنب‌وجوشی است که پوستی آفتاب خورده دارد. وقتی مشغول حرف زدن با دوستش هستم، بوضوح میبینم که خودش را برای نفر بعدی که مورد سئوال قرار

بقیه درصفحه ۷۷

عوامل بوجود آورنده «خون دماغ»...

خونریزی از بینی در همه حال و برد همه کس [illegible] خطر و وحشتناک است و مبتلا را احساس ناراحتی و وحشت میکند و [illegible] ممکن است خونریزی از بینی بصورت [illegible] درآمده و موجب هلاکت انسان [illegible] در نتیجه [illegible] خونریزی از

بینی و ظرف سنگری و درمان [illegible] رعایت رژیم غذائی برای [illegible] خونریزی مسعود می برد [illegible]

این خونریزی [illegible] مختلفی بوجود [illegible] مثلا [illegible] یکی از رگهای کوچک [illegible] بینی [illegible] زخم و [illegible]

[illegible] و زیر آفتاب بودن ضربه [illegible] پوست و [illegible] اصلی [illegible] انحراف بینی [illegible] [illegible] بودن فشار خون حساسیت و [illegible] خون [illegible] بیماری [illegible] بیماریهای [illegible] خون [illegible] خون [illegible] می شود.

*** شیوه‌های درمان**

در [illegible] [illegible]

ولی [illegible] خونریزی [illegible] توجه کرد.

در [illegible] خونریزی مسعود. غذاهائی که [illegible] و اشخاصی که دچار خونریزی مسعود داده [illegible] مقدار زیاد [illegible] نوشت [illegible] برای [illegible] خون دماغ های [illegible] را [illegible] آغشته [illegible] و

محکم در سوراخ بینی [illegible] خون [illegible] و [illegible] شخص [illegible] در [illegible] سوراخ بینی را [illegible] خون [illegible] [illegible] و درصورت [illegible] بر روی [illegible]

[illegible] اشخاص [illegible] دچار خونریزی از بینی [illegible] و [illegible] خونریزی [illegible] شخصی که دچار خونریزی [illegible] [illegible] زن و مرد [illegible] فکر کرد که [illegible] این خونریزی [illegible] فشار خون [illegible] خونریزی [illegible] خون را [illegible] فشار خون [illegible] خونریزی [illegible]

[illegible] خون [illegible] دارند [illegible] از حد [illegible] خون [illegible] خون خواهد شد [illegible] از حد [illegible] خونریزی [illegible] برای هر خونریزی بینی را در مورد این اشخاص [illegible] تا خونریزی موجب ناراحتی و [illegible] نشود.

* رشد قد در بین دختران و پسران متفاوت است
* تکامل عضلات در دختران در سن ۱۵ سالگی متوقف می‌شود درحالیکه در مورد پسران تا سن ۲۰ سالگی ادامه می‌یابد

رشد نابهنگام برخی از کودکان و نوجوانان موجب شگفتی والدینشان می‌شود چرا که آنها از خود می‌پرسند: این قد تا به کجا سر خواهد کشید و آیا بالاخره فرزند تبدیل به غول بی‌شاخ و دمی خواهد شد؟

اما این بلاتکلیفی و ابهام براثر پیشرفت علم ودانش برطرف شده است. بنا به‌گزارش بخش فیزیولوژی انستیتوئی در آلمان فدرال امروزه می‌توان قدنهائی انسانها رابهنگام کودکیشان بطور نسبتاً دقیق و تا اختلاف یک الی دو سانتی‌متر قبلا محاسبه کرد.

این امکان پیشگوئی حائز اهمیت بسیاری درانتخاب حرفه مطلوب برای نوجوانان است.

سرپرست انستیتوی آلمانی اظهار داشت که بلندی قد یک انسان در حال رشد اکثراً تأثیر بسزائی در توانائی آتی او خواهد داشت.

رشد قد در میان پسران و دختران متفاوت است زیراتکامل عضلات در دختران در سن پانزده‌سالگی پایان می‌یابد درحالیکه در پسران تا ۱۸ سالگی بطول می‌انجامد.

حدود امکان کارهای بدنی رامی‌توان هم‌چنین با عکسبرداری توسط اشعه (ایکس) از مفصل مچ دست درهمان اوان کودکی تعیین کرد.

استادان انستیتو به والدین توصیه می‌کنند که بهنگام برگزیدن حرفه برای فرزندانشان در صورت تردید، قبلا بکارشناسان فیزیولوژی مراجعه کنند تا در تصمیم خود دچار اشتباه نشوند.

خراطی
شغلی که فرامو

گزارش از: محمود احیائی

هرچند هنر ظریف خراطی که زمانی چشم‌های هنردوستان را مبهوت ساخته‌های ریز و درشت خودمی کرد، اکنون درروباروئی با عظمت خردکننده تکنولوژی جدید رنگ باخته وتااندازه‌ای گرفتار رکودشده است، اما هنوز هم خراطها جائی ویژه وموقعیتی ممتاز درصنایع وهنرهای چوبی ایران دارند.

درواقع ظریف کاری وتوجه به برش‌های زینتی پایه واساس کار خراطهارا تشکیل می‌دهد.میتوان گفت که حرفه خراطی سابقه‌ای به‌قدمت تاریخ دارد. حتی درزمانی که بشرهنوز در جنگل زندگی می کرد، بریدن تنه‌درختان وبرش‌دادن آن موردتوجه او بود.

باشروع دوران تاریخی ودستیابی بشر به وسائل دقیق تر، تراش چوب بصورت دوحرفه نجاری وخراطی درآمد.

کار نجارها ساختن‌وسائل چوبی بزرگ، و کار خراطها تراشیدن وزینت‌بخشیدن اینگونه وسائل بود، باین ترتیب از همان اول ااین دوحرفه بصورت مکمل‌یکدیگر درآمد.

دردوران بعداز اسلام، هنرخراطی تکامل بیشتری یافت ودر واقع بصورت مستقل درآمد.

زمان صفویه را باید اوج هنرخراطی دانست وجود هنرهای گوناگون ظریف کاری دراین زمان وروی آوردن هنرمندان بسوی پایتخت صفویه، اصفهان، فرصت تازه‌ای برای ابراز وجودخراطها بود.

کارعمده این گروه در این زمان، ساختن وتراشیدن انواع «چوب‌قلیان» انواع وسائل ظریف، دستگاههای پارچه‌بافی، وبرش‌دادن و زینت‌بخشیدن به‌وسائل کوچک وبزرگ چوبی ودرو پنجره‌خانه‌ها بود.

هم‌اکنون بسیاری ازساخته‌های خراطان قرون‌گذشته بعنوان اشیاء عتیقه در موزه‌ها نگداری می‌شود.

دردوره‌های بعد به‌علت توجه‌روزافزون مردم به‌هنرهای مستظرفه وهمچنین نیاز آن‌ها به‌وسائل ظریف‌چوبی، هنر خراطی بازهم تکامل بیشتری یافت. دراواخر دوره قاجاریه ساختن پایه‌ها ونرده‌های دندانه‌دار، لوله چپق، مهره‌های کوچک وبزرگ چوبی از مهمترین کارهائی بود که خراطها انجام می‌دادند. وسائل کار خراطها هم با آنچه نجارها دراختیار دارند، تفاوت زیادی دارد.

خراطها باتوجه به‌ظرافت کارشان از وسائل کوچکتراستفاده‌می کنند.

مته، اره، رنده، چکش‌ها وحتی میخ‌هائی که‌آن‌ها بکار می برند تا چندبرابر کوچکتر از وسائل‌مشابه در کارگاههای نجاریست.

در قدیم سریشم واکنون چسب‌های مایع در کارخراطها نقش عمده‌ای دارد. درواقع همان کارهائی‌راکه نجارها بابکاربردن‌میخ های کوچک‌و بزرگ می کنند، خراطها بااستفاده از چسب‌انجام می‌دهند، چراکه بعلت‌همان ظرافت‌موجود درکار خراطها بکاربردن میخ به‌اصالت‌هنر آن‌ها لطمه‌می‌زند. البته‌خراطها هم گاهی ازمیخ های کوچک‌وظریف استفاده می کنند.

رسول صباحی، یک‌خراط قدیمی است. روزانه حدود ۵۰۰ ریال درآمد دارد. اودرمورد کیفیت حرفه وهنر خراطی‌می‌گوید: «ظرافت موجود درکارما ولزوم بکاربردن سلیقه‌باعث شده تاهرکسی نتواند بآسانی این حرفه را فراگیرد. بنظرمن یادگرفتن حرفه‌نجاری به‌مراتب راحت‌تر ازهنرخراطیست، چراکه‌ساختن‌وسائل کوچک‌و بزرگ‌چوبی، بدون‌توجه‌به‌تزئین آن چندان زحمتی ندارد.»

این کارگر درادامه حرف‌هایش می گوید: «اما امروز خراطی‌هم بصورت کسب ضعیفی درآمده است. علت این وضع، همان رواج‌وسائل فلزی‌و پلاستیکی بسیاری است که بوسیله ماشین ساخته می‌شودو بخوبی‌جای‌ساخته های خراطهارامی گیرد.»

ساختن قاب عکس های کوچک‌وبزرگ کارعمده خراطهای امروزی راتشکیل می‌دهد. درواقع عدم نیازمردم به بسیاری ازساخته های خراطها باعث‌شده تاآن‌ها بیشتر به‌ساختن‌قاب عکس بپردازند.

هم‌اکنون ده‌باب‌از ۳۰مغازه‌خراطی‌موجود در تهران تنها قاب عکس می‌سازند.وسائل کاراین‌مغازه‌ها هم کاملا دگرگون‌شده است. ابزارهای‌مکانیکی ووسائل مدرن جای‌ابزارهای سابق راگرفته است.اما در اینگونه‌وسائل هم ظرافت کاملی بچشم‌می خورد.

اززمان‌های‌قدیم تاکنون‌ساختن وتراشیدن «میل» زورخانه از دیگر کارهای عمده‌خراطها بوده است.بسیاری از قهرمانان بزرگ‌ومعروف زورخانه‌میل‌های خودرا از خراطان‌شناخته شده‌ای‌می خریدند.

در حال حاضر هم‌باآنکه ورزش باستانی مانند قرن‌های گذشته رایج‌نیست.اما ساختن «میل» بیشترین درآمد را برای‌خراطها دارد.

چوگان از دیگر ساخته‌های عمده‌خراطها در زمان‌های گذشته بوده‌هرچنداکنون‌دیگر ساختن چوگان رواجی ندارد، اما تاهمین ۵۰

اکنون‌بیشترین سفارش را به خراطان، صاحبان زورخانه‌و ورزشکاران باستانی کاربرای‌ساختن میل می دهند

روزگاری بود که کار خراط ها خوب بود و رونق چشمگیری داشت. اما امروز مهمترین کار خراط ها. ساختن مبل در و پنجره، چوب غلیان و قاب عکس است

این روزها، با رونق کار نجاری، کارگران جوان را زیاد در این صنف می توان یافت، اما در کارگاههای خراطی، کمتر کارگر جوان دیده می شود، زیرا که این حرفه رونق خود را از دست داده است. عکس یک کارگاه نجاری را نشان میدهد.

ش میشود...

خراط ها، در ساختن چوب غلیان، از ذوق خویش مایه میگذارند، و نقش های جالبی بوجود می آورند...

سال پیش یعنی پیش از رواج بازی فوتبال که بازی «گوی و چوگان» طرفداران زیادی داشت، کار عمده خراط ها را تشکیل می داد.

زمانی بود که مردم ثروتمند در و پنجره های خانه خود را، از خراطان، که بیشترین جلوه هنر خود را با ساختن پنجره های بسیار زیبا نمایان می ساختند، می خریدند، اما اکنون چون ساختن اینگونه در و پنجره های خراطی شده، از آنجا که وقت زیادی از خراط می گیرد، با قیمت گزاف تهیه می شود، کسی سفارش در و پنجره به خراطان نمی دهد، و مشاهده می کنیم که همان در و پنجره ها اکنون به عنوان عتیقه در موزه ها نگاهداری می شود.

*این روزها، نقطه یی که بیش از همه بیش از همه هنوز خراط ها بکار مشغولند، استان گیلان است. که محصول خراطان این استان، عروسک های چوبی، و وسایل زینتی است.

وقتی زندگی کارگران را در روزهای پیش از انقلاب بیاد می‌آورم خوشحال می‌شوم که زنده هستم و

این روزهای پرافتخ

زن خانواده:
مهریه زیاد، بهیچوجه ضامن خوشبختی نیست، و پیرایه های زندگی ضروری نیست و کمکی به پایداری زندگی زناشوئی و سعادت هیچ خانواده‌ای نمیکند.
مرد خانواده:
مگر میشود پس‌انداز نکرد؟... دو، سه سال پس‌انداز کردیم، و سال گذشته توانستیم اتومبیل بخریم.

آقای ابوالفضل فرهمینی، سی‌و[illegible]ساله، کارگر تراشکاری و قالب‌سازی کارخانه جنرال موتورز است. او [illegible] به کار پرداخته و هم‌اکنون یکی از کارگران موفق است که ماهیانه دوهزاروهفتصد تومان حقوق می‌گیرد.

فرهمینی، حدود هشت سال پیش اقدام به خرید خانه کرده و اکنون در کنار همسر و پسرش محمدرضا روزگار را به خوشی می‌گذرانند.

چند روز پیش برای تهیه گزارشی به‌اتفاق خبرنگار و عکاس مجله، راهی یکی از کارخانه‌های جاده کرج بودیم که اتومبیلمان دچار نقص فنی شد، اتومبیل را کنار جاده متوقف کردیم تا به وسیله‌ای برای رفع نقص آن اقدام کنیم... چند لحظه نگذشت که یکی دو اتومبیل در کنارمان توقف کردند. آنها [illegible] و هریک اطلاعات مکانیکی را در اختیارمان می‌گذاشت... با توجه به وقت و اهمیت کاری که در پیش داشتیم، سخت نگران بودیم، که ابوالفضل فرهمینی، از یک ماشین پیاده شد و با [illegible] خاصی، با جعبه [illegible] پیچ و مهره و [illegible] اتومبیل را به حرکت درآورد. این محبت، سبب آشنائی‌مان شد و بعد از آنکه فهمیدیم ابوالفضل فرهمینی، یکی از کارگران موفق هموطن است، فرصتی [illegible] با خانواده‌اش [illegible] پیدا کنیم.

خانه‌اش در حوالی جنوب‌غربی تهران‌نو است، خانه‌ای با حیاط بزرگ و [illegible] با یکی دو باغچه کوچک. همسرش و محمدرضا، پسر چهارساله خانواده، در انتظار نشسته بودند.

خستگی راه و ناراحتی از هوای گرم، با نوشیدن شربت آبلیمو خوشمزه‌ای که دستپخت خانم خانه بود، برطرف شد و از هر دری با این خانواده خوشبخت گفتگو کردیم.

مراحل کاری و ترقی

حرف از این [illegible] شد که ابوالفضل فرهمینی، از کی بکار پرداخته است و اکنون به چه کاری مشغول است. جواب این است:

بعد از گرفتن تصدیق ششم ابتدائی ترک تحصیل کردم. پدر و مادرم خیلی با این کار مخالفت کردند، ولی از آنجا که بچه بودم و همه پسربچه ها علاقه فراوانی به کارهای مکانیکی دارند، در یک کارگاه مشغول کار شدم. بعد از مدتی، فهمیدم که این کار باب دلم نیست. قوم‌وخویشی داشتم که در کار تراشکاری و قالب سازی استاد بود. بعد از چند بار رفت و آمد احساس کردم که شدیداً جذب این حرفه شدم. به این راه رفتم و بعد از چندی در این کار مهارت پیدا کردم و حالا هم به گفته رئیس قسمت و سایر همکارانم کارم خیلی خوب است. در این سالهائی که گذشت در چند شرکت کار کرده‌ام، و از هر جا خودم استعفا دادم، چون احساس میکردم راه پیشرفت بیشتر در آنجا برایم نیست.

آشنائی و ازدواج

از ابوالفضل فرهمینی می پرسم: چند سال است که ازدواج کرده، و چگونه با همسر فعلی‌اش آشنا شده است... جواب میدهد: من و همسرم در یک محل زندگی می کردیم و خانواده‌هایمان با یکدیگر آشنائی داشتند. از آنجا که تصمیم به ازدواج گرفته بودم و آرزو میکردم زنی نجیب و سربراه نصیبم شود، و همسر فعلیم را واجد شرایط میدیدم، پدر و مادرم را به خواستگاری فرستادم و خوشبختانه پدرش خیلی زود موافقت کرد و ما پیوند زناشوئی بستیم.

راستی، یادم رفت بگویم که یکی از نزدیکان آنها زیاد با این وصلت موافق نبود و سر راه ما سنگ میانداخت که بلطف خدا آنرا هم با صبر و خونسردی تحمل کردیم.

مهریه عروسی

از خانم فرهمینی می‌پرسم که میزان مهریه‌اش چه مبلغ است و آیا به این اعتقاد دارد که مهریه زیاد ضامن خوشبختی است، می‌گوید: ما در خانواده‌ای بزرگ شده‌ایم که نمی توانستیم خودمان تصمیم بگیریم. پدرم پیشنهاد بیست هزار تومان مهریه کرد که شوهرم پذیرفت، ولی شخصاً معتقدم که مهریه زیاد، بهیچوجه ضامن خوشبختی نیست. زندگی زناشوئی یک حالت روحانی و عاطفی دارد. چطور میتوان آنرا با مادیات در آمیخت؟!... زن و شوهر هرچه دارند، مال یکدیگر و بچه هایشان است.

جشن عروسی از واجبات است

حرف از ازدواج که پیش آمد، بیمورد ندانستم که در باره جشن ازدواج سئوالی را مطرح کنم. سئوال را به این گونه و با خانم فرهمینی درمیان گذاشتم. آیا بنظر شما جشن ازدواج از واجبات است.؟

جواب این است: خانواده من اصراری نداشتند که حتماً جشنی گرفته شود، ولی خود شوهرم پیشنهاد کرد که در باغی که متعلق به یکی از بستگانش بود، مجلس جشنی ترتیب دهد. دوستان شوهرم نیز داشت. از این رو خرج اضافه بابت این جریان نیز پیش نیامد، ولی بهرحال من معتقدم که این نوع پیرایه‌ها ضروری نیست و کمکی به پایداری و سعادت هیچ خانواده‌ای نمی کند.

رابطه عروس و مادرشوهر

ابوالفضل فرهمینی برای ما گفت که پدر و مادرش نیز در همین خانه زندگی می کنند. واین سبب شد که از خانم فرهمینی، در باره نوع رابطه‌اش با مادرشوهر بپرسم، و پرسش را اینگونه با او درمیان گذاشتم که آیا رابطه حسنه‌ای با مادرشوهرش دارد؟.. او جوابی بس شنیدنی داد. گفت: از ابتدا که به خانه شوهرم آمدم میدانستم باید با پدرشوهر و مادرشوهر زندگی کنم. البته آنها دو اتاق جداگانه‌ای دارند، ولی غذا را باهم می‌خوریم. مادرشوهر من، زن بسیار مهربان و فهمیده است و تعجب می کنم از اینکه چگونه بعضی ها از مادرشوهر خود گله دارند. او همواره مرا راهنمائی کرده و مثل دختر خودش دوستم دارد. باور کنید در این چند سال زندگی زناشوئی، کوچکترین اختلافی بین ما بوجود نیامده و همین مسئله حسادت عده‌ای را سبب شده است، حتی اگر روزی شوهرم بخواهد زندگی جداگانه ای ترتیب دهد، من نمی‌پذیرم، چون وجود بزرگتر در خانه نعمتی است و من از آن زنها نیستم که نعمت را

ساعتی در کنار خانواده کارگر

...ار را به چشم میبینم

از نسرین نادرشاهی

...ده است می از دست بدهیم

پس انداز و نقش آن در سعادت خانواده

می بینم که خوشبختانه خانواده فرمهینی در رفاه بسر می برند. از این رو بیاد پس انداز و نقش آن در سعادت بیشتر خانواده می افتم. از ابوالفضل فرمهینی سئوال می کنم که آیا پس انداز می کند؟... می گوید: مگر میشود پس اندازنکرد؟.. دو سه سال پس انداز کردیم، یا سال گذشته توانستیم اتومبیل بخریم. حالا هم چون یکی از اتاقها در اجاره یکی از بستگان است، بزودی آنرا تخلیه می کند، باید در فکر فرش و لوازم دیگر برای آن اتاق باشیم. بهرحال یک خانواده بدون پس انداز، مثل ساختمانی است که پایه هایش سست باشد.

ابوالفضل فرمهینی و خانه چهارصد هزار تومانی

از اینکه می بینم آقای فرمهینی صاحب خانه است. خوشحال می شوم. وقتی در این باره حرف می زنیم، ابوالفضل فرمهینی می گوید:

ـ هشت سال قبل مبلغی درحدود شش هزار تومان پس انداز داشتم و با کمک وام بانک رفاه کارگران، خانه ای به ارزش شانزده هزار تومان خریدم که خیلی کوچک بود. یکی دو سال گذشت آنرا فروختم و باز وام گرفتم و همین خانه فعلی را خریدم، همانطور که میدانید، زمین گران شد و در حال حاضر این خانه مشتری چهارصد هزار تومانی دارد، ولی من فروشنده نیستم!

خانواده فرمهینی در انتظار فرزندی هستند.

می بینم که خانم فرمهینی با حیای خاصی چادر را بدور خودش می پیچید و محمد رضا، پسربچه شاد و پرجنب وجوش چهارساله اش پیوسته بدور ما در گردش می کند و از سر و کول او بالا می رود با مشاهده ظاهر خانم فرمهینی برایم روشن می شود که این خانواده در انتظار مولد فرزند دیگریست ... گفتگوی ما به همین انتظار مربوط می شود و آقای فرمهینی می گوید:

ـ خانم پا به ماه است و همین امروز و فردا وضع حمل می کند. محمد رضا از نداشتن همبازی خیلی رنج می برد، البته برای ما هیچ فرقی نمی کند که پسر یا دختر باشد، مهم این است که سالم باشد.

محمد رضا و آرزوی خلبانی

محمد رضا با هواپیمای کوچکی مشغول بازی می شود. دستهای کوچکش را به چپ، راست حرکت میدهد. گوئی می خواهد به هواپیما اجازه حرکت کردن بدهد. این بار او را مخاطب قرار داده می گویم: محمد رضاجان، تو در آینده چکاره می شوی؟

بالحن کودکانه ای میگوید: خلبان. نه دکتر،

بقیه در صفحه ۸۳

ازحوادث بیاموزیم.... ازحوادث جلوگیری کنیم....

حادثه شده است.چون کارگر بی توجه به خطر پرتاب تیشه ،این کار را انجام داده است ، درحالیکه میتوانست تیشه را ازنردبان بالا برده و به توری کوب بدهد.ضمناً از مسیر پرتاب تیشه کنارهم نرفته‌است.

کار آما نیز بارعایت نکردن مفاد ماده ۶۶قانون آئیننامه حفاظت و بهداشت که در زیرآورده میشود موجب تشدید وخامت حادثه گردیده‌است.

ماده ۶۶ آئیننامه — کار آما مکلف است بکارگرانیکه درموقع کاردرمعرض سقوط اجسام قرار دارند ،کفش حفاظتی و کلاه مخصوص حفاظتی از فلز یا ماده سخت دیگری که قابل اطمینان باشدبدهد.

ماده ۶۹ آئیننامه وسائل حفاظت انفرادی- کارگرانیکه مواجه با خطرسقوط یا پرتاب اشیاء روی سرشان هستند ،باید از کاسک فلزی استفاده‌نمایند.

دست راست شکسته شد

آقای ابراهیم عبداللهی کارگری که در کارگاه ساختمانی مهندس اینجچی واقع در خیابان ظفر (تهران) کار میکرد ،بر اثر سقوط از طبقه دوم ساختمان ،دچار حادثه شد و یک دستش شکست.

جریان وقوع حادثه

گزارشگر ما مینویسد : دو نفر از کارگران این کارگاه به اسامی میرولی فاخری و امیدوار عبداللهی که شاهد این حادثه بودند، ماجرای وقوع آنرا این طورتعریف کردند: ساعت ۹ صبح در حالیکه ابراهیم عبداللهی در طبقه دوم مشغول حمل و جابجا کردن سفالها برای استفاده درعملیات سقف زنی بود ،ناگهان قسمتی ازسفالهای بکار برده‌شده‌سقف طبقه اول که وی روی آن راه میرفت خراب شد و در نتیجه این کارگرجوان همراه باسفالهای منهدم شده روی زمین طبقه هم کف سقوط کرد و براثر آن ازناحیه دست راست دچارشکستگی شد.

علت حادثه

با بازرسیهائی که بازرسان وزارت کار و امور اجتماعی ازمحل بعمل‌آورده‌اند، معلوم شد نسبت به جاگذاری سفالهای سقف طبقه اول درمحل وقوع حادثه دقت کافی بعمل نیامده و از قسمت زیر نیز کاملا مهارنگردیده است . لذا بی توجهی نسبت‌بموارد اشاره‌شده‌ازیکطرف و عدم سرپرستی و مراقبت در نظارت بر نحوه کار کارگران از طرف دیگر که رعایت این نکات درمجموع ازوظایف حتمی مقاطعه کار سقف زن این کارگاه میباشد ،عامل بوجود آورنده‌این حادثه بوده‌است.

عیادت از کارگرحادثه دیده

دراین شماره نیزگزارشگر سرویس حوادث مجله ،پرویز میلانی ،از کارگرانی که بهنگام کاردچارحادثه شده اند، دربیمارستان شماره ۵ سازمان خدمات درمانی عیادت بعمل آورده وضمن گفتگو با این دوستان حادثه دیده ،آنها علل حوادث را از زبان خودشان برای شما بازگو کرده‌اند.با هم این گفتگو را بخوانیم...

گزارشگرما درگزارش خودمینویسد دراین مرکز درمانی چندین نفر از کارگران حادثه دیده بستری شده‌اند .من ضمن عیادت از این

حسین فلاح، کارگرجوانی که دچارحادثه شده و یک پایش را از دست داده است. او میگوید نکنید، ومسائل راجدی بگیرید تادچارحادثه نشوید.

دوستان کارگر، با چند تن ازآنها گفتگو کردم. اولین کارگری که دراین بیمارستان ملاقات کردم ،حسین فلاح بود این کارگر جوان که بیش از ۲۰ سال ندارد ، کارگر کارخانه پرچلا است و روزی ۳۵ تومان مزد دریافت می کند.

او درباره حادثه‌ایکه برایش پیش آمده گفت : چندی پیش مسئول سیم کشی در کارخانه مشغول بستن یک لامپ بودم. موقعی که من این کار را انجام میدادم، یکی از همکلاانم گفتم کلید برق را قطع کند، ولی موقعیکه من‌مشغول انجام این کار بودم، یکدفعه کارگرمسئول برق کلید را روشن کرد ومن که دچار ناراحتی شده بودم، از فاصله ۴ متری سقوط کردم، وبعد چیزی نفهمیدم، تا اینکه دربیمارستان بهوش آمدم.

اواضافه کرد: دربیمارستان بعلت‌شکستگی شدید پای راست، تحت عمل جراحی قرارگرفتم، ولی چون شدت جراحات وارده زیاد بود، مجبور شدند پای راست مرا قطع کنند، وهمانطور که میبینید، براثر بی توجهی وشاید شوخی همکارم برای همیشه یک پایم راازدست داده‌ام.

این کارگرحادثه دیده که پای چپش راقطع کرده اند، می گوید:

درمحیط کار، شوخی نکنید ومسائل راجدی بگیرید...

عزت اله رضائی، کارگرحادثه دیده: اغلب کارخانه ها در کنارجاده های خارج ازشهرها شده اند. لازم است رانندگان وسائط نقلیه در این مناطق با احتیاط رانندگی کنند و کارگران همیشه با دقت از این جاده ها عبور نمایند، تا حادثه ناگواری پیش نیاید.

هیچ وقت در محیط کار بی توجه نباشید، شوخی

بی احتیاطی راننده

از کارگر دیگری که عیادت بعمل آوردیم عزت اله رضائی نام داشت. او ۳۰ سال دارد و دارای ۲ فرزنداست. پانزده سال سابقه کار دارد وروزانه ۳۲ ریال مزد دریافت میکند. رضائی درباره چگونگی حادثه ایکه برایش پیش آمده ومجبور شده است در بیمارستان بستری شود، میگوید: من کارگری هستم که در کارخانه نساجی مازندران کار میکنم. یک شب وقتی کارم تمام شد، و میخواستم به منزل بروم، از کارخانه که خارج شدم، با یک اتومبیل تصادف کردم ودچار حادثه شدم. او اضافه میکند مدت ۴ ساعت در بیمارستان رضاپهلوی شاهی بستری بودم، ولی برای معالجه قطعی به این مرکز انتقال یافتم وهم اکنون سه عمل جراحی روی پای راست من انجام شده است که تا کنون موفقیت آمیز بوده است.

علت حادثه

این کارگر مازندرانی علت حادثه را ازبی توجهی خودش میداند. وی تاکید میکند رانندگان وسائط نقلیه بخصوص در مناطقی که کارخانه ها در آنجا بناشده اند، باید توجه داشته باشند، که ممکن است هرآن کارگری از این محلها عبور کند ولازم است با احتیاط رانندگی کنند، تا باعث بوجود آوردن حادثه نشوند.

وی در پایان دیدارما تقاضا داشت رضایت او را از دکتر معالجش و مسئولین بیمارستان در این گزارش منعکس کنیم.

علت حادثه

حسین فلاح که پای چپش نیز آسیب دیده است، به گزارشگر ما گفت: بدون شک اگر دوست کارگرم توجه داشت ودقت میکرد که من در چه وضعیتی هستم، هرگز این حادثه پیش نمی آمد. بهرجهت حادثه برای من پیش آمده است ویک پایم را ازدست داده ام، ولی ازشما میخواهم از طرف من برای کارگران بنویسید:

هیچ وقت در محیط کار بی توجه نباشید، شوخی نکنید، ومسائل را جدی بگیرید، تادچار حادثه نشوید وبروزمین نیفتید.

سرپرست کارگاه جوشکاری کشته شد

مهدیقلی عبداللهی سرپرست کارهای جوشکاری شرکت تهران جنوب هفته گذشته بر اثر یک بی احتیاطی وعدم رعایت مقررات ایمنی کشته شد.

این کارگر جوان که در ساختمان رختشوئی زوند کرمان کار میکرد، چند روز قبل هنگامیکه درارتفاع ۶ متری مشغول جوش دادن سینه گرد به تیرآهن بود، بدون توجه به وضعیت خود که سطح اتکائی نداشته است، سیم بکسی را که تیرهای آهن باآن جابجا میشود، از شیارقرقره رد می کند. در این موقع سیم بکسل در روی زمین به پیچهای کف زمین گیر می کند و کارگر مذبور بدون اینکه بجائی تکیه داشته باشد، با تکان دادن سرسیم که میخواسته آنرا آزاد نماید، تعادل خود را از دست میدهد واز ارتفاع ۶ متری بزمین سقوط میکند واز ناحیه سر، دچار شکستگی میشود، که بلافاصله به بیمارستان زرند کرمان منتقل میگردد، اما پس از ۲۴ ساعت بستری بودن در بیمارستان، معالجات مؤثر واقع نمی شود وفوت می نماید.

علت حادثه

طبق گزارش های رسیده روشن شده است که با وضعیت فعلی در کارگاه کارگران شرکت تهران جنوب، اتفاق چنین حادثه امری است عادی. چون کارگران بدون اینکه بوسیله کمربند یا طناب به نقطه ثابتی بسته شوند روی میله های گرد، یا نبشیهای کم عرض، شبیه بندبازان حرکت می کنند در این حادثه کارگر متوفی (آقای مهدیقلی عبداللهی) نیز بدون هیچ وسیله حفاظتی روی میله گرد ایستاده ومشغول بستن سیم بکسل بقرقره بوده است که این حادثه برایش پیش آمد.

حفاظت در حرفه های نیمه صنعتی

ایمنی در کارگاههای ساختمانی

*** حوادث ناشی از فعالیتهای ساختمانی ، در زمره مهمترین و رایج‌ترین حوادث ناگوار کارگاهها قرار دارند**

تعداد وشدت حوادث در فعالیتهای ساختمانی بیشتر از سایر کارگاهها است خساراتی که از این لحاظ به اقتصاد مملکت ونیروی انسانی وارد می‌آید بسیار مهم وقابل توجه است وبهیچوجه نمی‌توان آن را بی‌اهمیت تلقی کرد.

برای آنکه در این زمینه ارقامی داده شود که خوانندگان به اهمیت‌مسئله ایمنی کارگاه‌های ساختمانی پی‌ببرند آماری از کتاب « جلوگیری از حوادث ساختمانی » که توسط انجمن پیمانکاران ساختمانی منتشر شده ذکر می کنیم

۵۶میلیون دلار هزینه

این آمار نشان میدهند که درسال ۱۹۵۷ در ایالات متحده ۵۶ میلیون دلار صرف امور ساختمانی شده است وطبق محاسبه‌ای که بعمل آمده خساراتی که براثر حوادث ناشی ازکار ساختمانی در این سال ببار آمده بالغ بر ۲/۰۴۰/۶۷۵ دلار شده است. ولی با اقدامات ایمنی وحفاظتی بیشترکه‌درسال بعد معمول داشتند خسارات وارده به‌نصف سال‌قبل کاهش یافت . بنابراین ملاحظه می‌شود که چه‌مبلغ هنگفتی دراقتصاد مملکت صرفه‌جوئی می‌شود .

در کشورما نیز با تجربیاتی که درچند سال اخیر بدست‌آمده مشاهده‌شده که‌پیشگیری حوادث کارگاههای ساختمانی در درجه اول اهمیت قرار دارد . روزی نیست که حادثه‌ای در کارگاههای ساختمانی رخ ندهد وموجب بروز خسارات مالی وجانی زیاد نشود . بهمین جهت دولت وافکار عمومی وسندیکاهای کارگری توجه خودرا به این موضوع معطوف داشته وازوزارت کاروامور اجتماعی‌خواسته‌اند که آئین‌نامه‌ای در این زمینه تدوین کنند تا ضمن راهنمائی کارگران و کارفرمایان این صنف باایجاد ضابطه‌های قانونی از بروز یا تکرار حوادث مربوطه جلوگیری بعمل آید . می‌توان گفت که سابقاً در کشورما لزوم آئین نامه‌ایمنی کارگاههای ساختمانی آنطورکه امروزه بنظر میرسد احساس نمیشد . زیرا ساختمانهای کشور بطور مرتفع بنا می‌شود و بایدضوابطی موجود باشد که هم کارآما را ملزم به تهیه وسائل ایمنی کافی برای کارگران کند وهم کارگران را مجبور به استفاده ازآنها کند.

آئین‌نامه‌ها

توجه به آئین‌نامه مربوطه از بسیاری خسارات درحین انجام کارجلوگیری می کندو مسلماً این امر باید جنبه همگانی داشته باشد مثلا کارگری که درارتفاع زیاد کارمی کند، نباید بدون کمربند حفاظتی ومتصل کردن آن به بدنه ساختمان بکارکردن مبادرت ورزد . کارگری که شیشه‌های ساختمان مرتفعی را تمیز میکند باید علاوه بر استفاده از داربست که‌برای فعالیت درحین ایستادن بکارمیبرند ، کمربند حفاظتی خود را به گیره مخصوص مهار وصل کند . البته این نوع گیره‌های مخصوص درساختمانهای مرتفع قبلا تعبیه شده است . حال‌اگر این کارگراحتمالا تعادل خودرا از دست بدهد وبدون اراده سقوط کند کمربند حفاظتی اورا ازمرگ حتمی نجات خواهد داد. اصولا بکاربردن وسایل ایمنی در کارگاه بسه طریق زیرصورت‌می گیرد.

مراحل ایمنی ساختمانی

۱- ایمن کردن‌محیط کار.
۲- ایمن کردن‌ابزاروسایل کار.
۳- بکاربردن‌وسایل ایمنی‌فردی.

در کارگاههای‌ساختمانی‌نیزباید‌محیط کاررا برای کارگران وهمچنین اطراف آنرا برای افرادی که بعنوان‌عابرازنزدیکی آن‌می‌گذرند، ایمن کرد.

حوادثی از قبیل بی‌هوشی عابر پیاده براثر اصابت سطل قیر ، آجر ، ویاسایر وسائل‌دراثر سقوط‌واقعاً‌مایه تأسف‌است.

نکات‌ایمنی

بدیهی است چنانچه دراین گونه ساختمان‌ها حریمی برای‌حفاظت درمقابل سقوط مصالح ساختمانی مشخص ومحدود شود ، از وقوع حوادث کاسته‌می‌شود

علاوه براین هرگاه ، سطل یا مصالح و ابزار کار باوسایل مطمئن بالا وپائین برده شوند از بروز چنین‌حوادث ناگوار جلوگیری می‌شود . بهرحال امید است که بااجرای آئین‌نامه ایمنی کارگاه‌های ساختمانی وبکار بردن مفاد آن از بروز حوادث ناگوار که در کارگاههای ساختمانی بیش از حد متعارف حادث می‌شود ، جلوگیری بعمل‌آید.

راههای جلوگیری ازحوادث‌ناشی ازکاربادستگاه تراش

برای پیشگیری‌حوادث کاربا دستگاه تراش،اصول‌ه ‌گانه‌زیررامراعات کنید :

۱- لباس چسبیده‌بتن بپوشید .
۲- کراوات و دستمال گردن را از خوددور کنیدوموهای‌بلند راباسربند بپوشانید .
۳- هنگام سوهان زدن بادست چپ دستهٔ سوهان و بادست راست انتهای آنرا در دست بگیرید .
۴- از «حلقه کارگیرامن» استفاده کنید :
۵- آزمایش دستگاه تراش باید هنگام سکون دستگاه‌انجام گیرد.
۶- هنگام پاک کردن و گریس کاری دستگاه تراش .آنرا ازکاربیندازید.
۷- بقسمتهای چرخنده دستگاه دست نزنید .
۸- دست خود را درسوراخ جسمی که در چرخش است‌فرونبرید.
۹- به برآمدگیهای دستگاه تراش درحال چرخش نزدیک‌نشوید.
. میله متصل بدستگاه تراش را درحال چرخش در دست نگیرید انتهای آزاد میله‌را روی غلطک تکیه دهید.

۱۱- آچار را در سه نظام دستگاه تراش جانگذارید.
۱۲- برآمدگی گیرههای سه نظام راباکلاهک حفاظتی بپوشانید.
۱۳- هنگام تعویض سه نظام از تکیه‌گاه مخصوص استفاده کنید.
۱۴- هنگام تراش اجسام ترد و شکننده ماسک‌حفاظتی بکاربرید.
۱۵- هنگام تراش و کار با سنگ سمباده عینک‌حفاظتی بچشم بزنید.
۱۶- برای جمع آوری براده‌ها از سنگ یاجاروی‌دستی استفاده کنید.

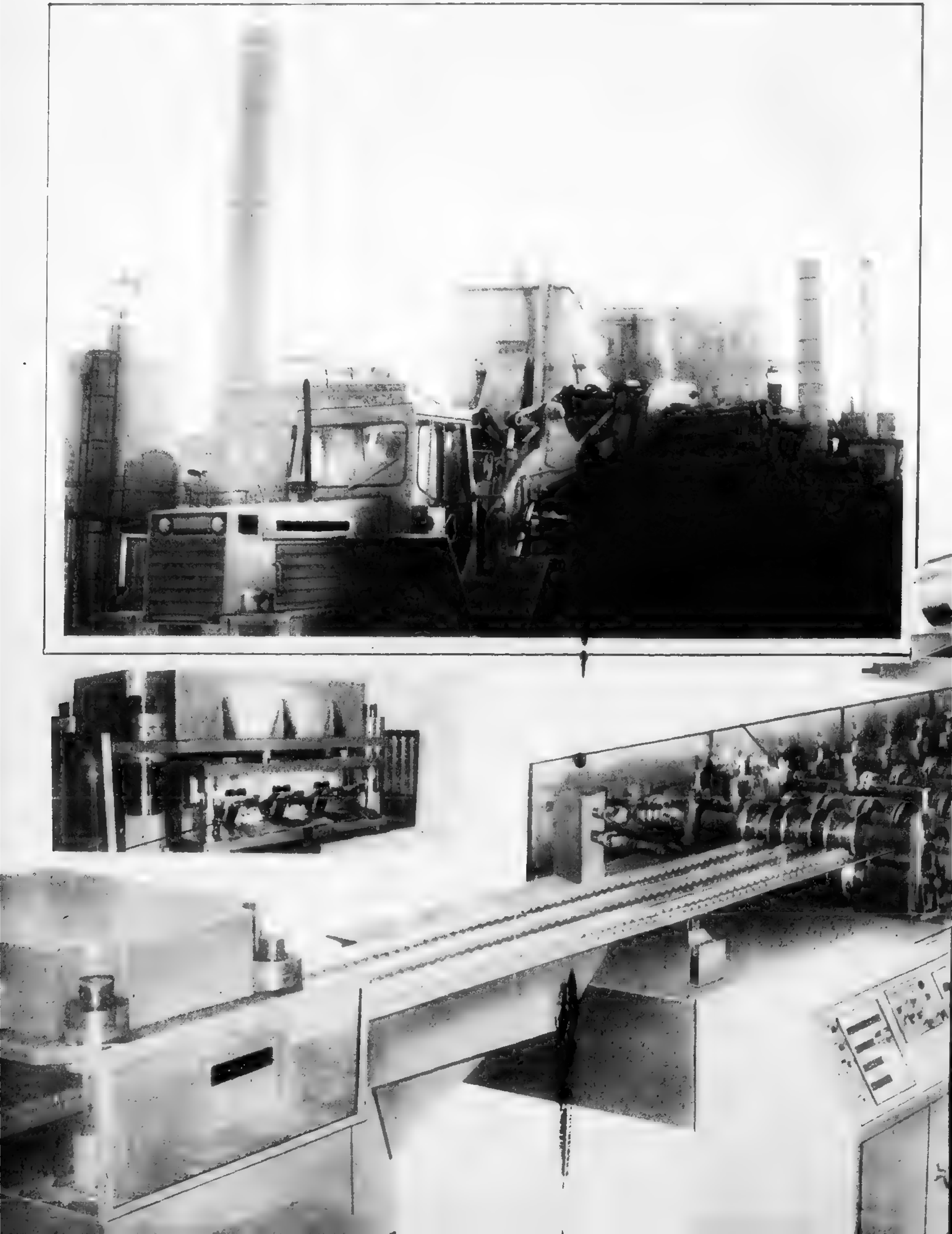

بهداشت وحفاظت محیط کار

وسائل حفاظتی جهاز تنفس درکارگاهها

استفاده ازدستگاههای تصفیه وتهویه درمحیط کارگاه، عامل مهم کاهش گردوغبار است

*** کمبود و نارسایی جریان هوا، مهمترین خطر در کارگاههای پرگردوغبار است.**

برای جلوگیری از بسیاری خطرات آلودگی گازها و بخارات سمی وگردوغبار که درسرا سر صنعتی وجود دارد وسائل مؤثر و کامل حفاظت جهاز تنفس پیش بینی و تهیه شده است. ولی متأسفانه این وسایل غالبا درمواقع لزوم بطور صحیحی مورد استفاده قرار نمی گیرند و درنتیجه خطرات و زیانهایی ببار می آید هدف ازچاپ این مطلب کسب اطلاعاتی سودمند در مورد انتخاب و روش استفاده درست وسائل حفاظت جهاز تنفسی و محدودیت‌های آن در اختیار کارفرمایان و کارگران واحدهای صنعتی و سایر علاقمندان گذارده شود.

چگونگی تهویه کامل

در اغلب واحدهای صنعتی ممکن است محیط مجاور کارگران و مهندسین با بخارات سمی، گازها، گردوغبار، دود و یا خطراتی برای آن وجود داشته باشد. البته در ابتدای امر باید این مواد بطور سربوشیده و بدون امکان انتشار در فضای محل کار جریان داشته و یا تهویه کامل انجام گیرد تا احتمال هرگونه خطری از میان برود.

حال اگر سربوشیده کردن دستگاهها و عمل تهویه و یا سایر وسایل شرح شده مؤثر امکان پذیر نباشد در اینگونه موارد باید برای آندسته از کارگرانیکه درمعرض خطر قرار دارند وسایل حفاظت جهاز تنفسی متناسب با نوع کار تهیه و در اختیار آنان گذارده شود.

خطرات دیگر

ضمنا باید دانست که با وجود سربوشیده کردن دستگاهها و تهویه گازها و سایر مواد زیانبخش، تهیه وسایل حفاظت تنفسی لازم و ضروری است چرا که در صورت بروز خطراتی از قبیل نشت و غیره و یا لزوم تعمیرات فوری این قبیل دستگاهها مورد استفاده قرار می گیرند. ولی در همه حال باید توجه داشت که وسایل حفاظت جهاز تنفسی باید بعنوان آخرین چاره کار در نظر گرفته شوند. وهرگز به منزلهٔ یک وسیلهٔ اساسی تلقی نشوند.

*** گروه‌بندی خطرات**

چون انتخاب وسایل حفاظت تنفسی مبتنی بر انواع خطرات آلودگی فضای محل کار است، بدین جهت اینگونه خطرات درصنایع بشرح زیر طبقه بندی می‌شوند:

۱ــ کمبود اکسیژن هوا ۲ــ آلودگی گازها (دارای خطر فوری و تدریجی) ۳ــ آلودگی ناشی از موادی مانند گردوغبار صنعتی، دود بخارات سمی و نظایر آنها ۴ــ آلودگی مخلوطی از گازها و گردوغبار (دارای خطر فوری و تدریجی).

روزنامه رستاخیز

کارگران

دوشنبه چهارم مرداد ماه
۲۵۳۵ شاهنشاهی شماره هیجدهم

در گزارش وضع اقتصادی سال ۲۵۳۴ در مجمع عمومی بانک مرکزی گفته شد:

دستمزد کارگران صنعتی و ساختمانی تا ۴۸ درصد افزایش یافت

آقای حسنعلی مهران رئیس کل بانک مرکزی ایران ضمن گزارشی درباره وضع اقتصادی کشور در سیزدهمین اجلاسیه مجمع عمومی سالانه بانک مرکزی ایران گفت: در سال گذشته درحالیکه کشورهای توسعه یافته صنعتی با رکود اقتصادی و بیکاری کم‌سابقه‌ای مواجه بودند، فعالیتهای اقتصادی در کشور ما از رونق کم‌نظیری برخوردار بوده و اقتصاد بدون نفت کشور از رشد سالانه حدود ۱۰ درصد برخوردار شد که ناشی از رشد سریع فعالیتهای صنعتی، ساختمانی، خدماتی و کشاورزی می‌باشد. وی ضمن گزارش خود با اشاره به عدم تعادل بازرگانی ایران یادآور شد که درآمد سرانه در سال گذشته به هزار و [illegible] صد دلار رسید و چون افزایش قیمتها به مراتب کمتر از ترقی دستمزدها بود، درآمد واقعی مردم بالاخص کارگران و کشاورزان و سطح زندگی آنها با سرعت بیشتری بالا رفت که در جهت سیاست اساسی دولت در زمینه توزیع عادلانه درآمدها بوده است.

وی ضمن سخنان خود اظهار داشت:

افزایش دستمزدها:

در سال ۲۵۳۴ بموازات گسترش سریع فعالیت در بخش های صنعتی و ساختمانی، تقاضا برای نیروی کارماهر و نیمه ماهر بسرعت افزایش یافت و بسبب محدودیت عرضه نیروی کار دستمزدها بشدت ترقی نمود. این افزایش در مورد متوسط سالانهٔ شاخص مزد و [illegible] برای نمونه کارگران صنعتی به ۵۳ درصد و در مورد دستمزد کارگران ساختمانی به ۴۸ درصد رسید. افزایش دستمزد کارگران کشاورزی نیز در همین حدود بود که عوامل مستقیم و غیرمستقیم در افزایش قیمتها مؤثر واقع شد.

براساس اوامر شاهنشاه آریامهر

پنج نفر از کارگران در کنفرانس آموزشی رامسر شرکت می کنند

[illegible]

[illegible] کنفرانس آموزشی [illegible] کارگران ایران [illegible] مجمع عمومی سازمان [illegible]

به این ترتیب شاهنشاه آریامهر [illegible] دیگر فرصتی بزرگ به جامعه کارگری ایران ارزانی داشتند. [illegible] و [illegible] توجهات خاص شاهنشاه آریامهر [illegible] درجه [illegible] رسیده است که علاوه بر [illegible] کنفرانس آموزشی [illegible] و مشکلات [illegible] کنفرانس فرهنگی و آموزشی کشور که در [illegible] رهبر [illegible]

[illegible]

• مسئولان سندیکاهای کارگری و به ریاست [illegible] آقایان [illegible] رضوی، موسوی، کربلائی، جعفر [illegible] و حاتمی مسائل کارگران و مشکلات سندیکاهای کارگری را مطرح کردند و درباره [illegible] و چگونگی وظایف [illegible] بحث کردند. سپس آقای فرج‌الله اکبری رئیس سازمان کارگران ایران پیرامون شرکت نمایندگان کشورمان در کنفرانس بین‌المللی [illegible] صحبت کرد و افزود: نمایندگان کشورهای مختلف که در کنفرانس بین‌المللی کار در ژنو شرکت داشتند بخوبی از پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی ایران آگاه بوده و با مواهبی که از برکت انقلاب شاه و ملت نصیب ملت ایران بویژه کارگران شده [illegible] شده‌اند.

گوشه‌ای از جلسه مجمع عمومی بانک مرکزی ایران

تشکیل کانونهای حزبی در واحدهای کارگری ادامه دارد

تشکیل کانونهای حزبی در واحدهای کارگری، همچنان ادامه دارد و کارگران با اشتیاقی که به شرکت گسترده در فعالیت‌های حزبی وسیاسی دارند، باگردهم آئی، کانونهای حزبی تازه‌ای تشکیل میدهند.

در این شماره نیز تعدادی از کانونهای حزبی را که توسط کارگران تشکیل شده است، معرفی می کنیم.

الف ـ باشگاه دخانیات ۱۵ کانون

کانون ۱ — رئیس کانون، عباس حریرچیان، تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

کانون ۲ — رئیس کانون، سیاوش تیموریان، تعداد اعضاء ۲۰۰ نفر

کانون ۳ — رئیس کانون، احمد سرهم حاج محمد کنی، تعداد اعضاء ۲۲۰ نفر

کانون ۴ — رئیس کانون، محمود حاجیان تعداد اعضاء ۱۲۰ نفر

کانون ۵ — رئیس کانون، سید عباس دربندی، تعداد اعضاء ۲۲۵ نفر

کانون ۶ — رئیس کانون، احمد حاج ابوالحسنی، تعداد اعضاء ۲۳۳ نفر

کانون ۷ — رئیس کانون مهدی شیروانی تعداد اعضاء ۲۵۴ نفر

کانون ۸ — رئیس کانون، حسین رجبی راد، تعداد اعضاء ۲۴۶ نفر

کانون ۹ — رئیس کانون، منصور نوری، تعداد اعضاء ۲۳۹ نفر

کانون ۱۰ — رئیس کانون، ناصر نواب تهرانی، تعداد اعضاء ۱۷۸ نفر

کانون ۱۱ — رئیس کانون، احمد صفا، تعداد اعضاء ۱۹۰ نفر

کانون ۱۲ — رئیس کانون، تقی اسمعیلی، تعداد اعضاء ۲۷۰ نفر

کانون ۱۳ — رئیس کانون، مهدی گوهری، تعداد اعضاء ۱۵۰ نفر

کانون ۱۴ — رئیس کانون حسنعلی خالدی، تعداد اعضاء ۱۵۰ نفر

کانون ۱۵ — رئیس کانون، عباسعلی نوری، تعداد اعضاء ۱۳۹ نفر

ب ـ کارخانه صنایع فلزی ایران یک کانون

رئیس کانون، غلامرضا نوروزی، تعداد اعضاء ۲۳۰ نفر

ج ـ شرکت ملی نفت ایران «سندیکای رانندگان» یک کانون

رئیس کانون، عباس حسنخانی، تعداد اعضاء ۲۹۰ نفر

د ـ شرکت تولیدی کوروش یک کانون

رئیس کانون سید رضا سلیمی، تعداد اعضاء [illegible] نفر

ه ـ شرکت آبادو کانون

کانون ۱ — رئیس کانون، رضا قربانی، تعداد اعضاء ۱۶۰ نفر

کانون ۲ — رئیس کانون، اجوردی اعظم، تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

و ـ شرکت ژ ـ د ـ ب ـ ا کانون

رئیس کانون عزت‌الله [illegible]، تعداد اعضاء [illegible]

ز ـ کارخانه ایران پاکا یک کانون

رئیس کانون جمشید مبارکی تعداد اعضاء ۲۰۰ نفر

ح ـ سندیکای خبازهای تهران ۱۴ کانون

کانون ۱ — رئیس کانون ولیجان بختیار نسمائی تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

کانون ۲ — رئیس کانون جعفر نماینده، تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

کانون ۳ — رئیس کانون، حمید فرهنگ‌مهر، تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

کانون ۴ — رئیس کانون احمد سیاه نوری تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

کانون ۵ — رئیس کانون احمد مرادی، تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

کانون ۶ — رئیس کانون یوسف استاد رمضانی، تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

کانون ۷ — رئیس کانون محمد اصفهانی‌نژاد، تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

کانون ۸ — رئیس کانون محمود علائیان تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

کانون ۹ — رئیس کانون حسن مجلسی تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

کانون ۱۰ — رئیس کانون کریم شافعی، تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

کانون ۱۱ — رئیس کانون حسن مردای تعداد اعضاء ۱۱۰ نفر

کانون ۱۲ — رئیس کانون علی اکبر فراتی‌نژاد، تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

کانون ۱۳ — رئیس کانون حسینعلی حیدرخان، تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

کانون ۱۴ — رئیس کانون محمد هاشمی، تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

ط ـ کارخانه ژنرال تایر ۴ کانون

کانون ۱ — رئیس کانون حسین موسی‌پور، تعداد اعضاء ۳۰۰ نفر

کانون ۲ — رئیس کانون دکتر مصطفی الموتی تعداد اعضاء ۲۳۰ نفر

کانون ۳ — رئیس کانون مرتضی ناظمی تعداد اعضاء ۱۳۰ نفر.

کانون ۴ — رئیس کانون علی اصغر خلج، تعداد اعضاء ۱۳۰ نفر

ی ـ کارخانه ماشین آلات وزنه ۱ کانون

رئیس کانون نعمت‌الله قدیانی، تعداد اعضاء ۲۰۵ نفر

ک ـ کارخانه ایران رول ۱ کانون

رئیس کانون محمد پورداود، تعداد اعضاء ۱۶۸ نفر

ل ـ شرکت واحد، ۲ کانون

کانون ۱ — رئیس کانون محمد تقی‌پور، تعداد اعضاء ۱۸۹ نفر

کانون ۲ — رئیس کانون محمد لک، تعداد اعضاء ۱۹۰ نفر

م ـ کارخانه ایران پرتیون یک کانون

رئیس کانون میرخلیل میرزاده، تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

ر ـ کارگران میدان دام، ۳ کانون

کانون ۱ — رئیس کانون، محمد شایسته‌پور، تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

کانون ۲ — رئیس کانون رضا مؤید، تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

کانون ۳ — رئیس کانون، سید هاشم میرمحمدصادق، تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

ژ ـ کارخانه شوکومارس ۱ کانون

رئیس کانون، رسول رهنما، تعداد اعضاء ۱۸۰ نفر

چ ـ هتل نادری ۱ کانون

رئیس کانون قاسم رحیم‌زاده، تعداد اعضاء ۱۰۷ نفر

خ ـ کارخانه کفش وین ۶ کانون

کانون ۱ — رئیس کانون وجیه‌الله بابازاده، تعداد اعضاء ۱۱۵ نفر

کانون ۲ — رئیس کانون رمضان افتخارمنش، تعداد اعضاء ۱۱۰ نفر

کانون ۳ — رئیس کانون علی امیری، تعداد اعضاء ۱۱۰ نفر

کانون ۴ — رئیس کانون محمد حبیبی، تعداد اعضاء ۱۰۴ نفر

کانون ۵ — رئیس کانون نصرالله سلطانی، تعداد اعضاء ۱۰۸ نفر

کانون ۶ — رئیس کانون مظفر نجفی، تعداد اعضاء ۱۲۵ نفر

ذ ـ کارخانه آبجوسازی شمس ۳ کانون

کانون ۱ — رئیس کانون میر قلی خودسانی، تعداد اعضاء ۱۱۳ نفر

کانون ۲ — رئیس کانون واروژ میناس احمدی، تعداد اعضاء ۱۱۳ نفر

کانون ۳ — رئیس کانون مجتبی میرآفتابی تعداد اعضاء ۱۱۴ نفر

ت ـ کارخانه آخن یک کانون

رئیس کانون توفیق نعلبندی، تعداد اعضاء ۱۲۷ نفر

ن ـ سندیکای کارگران ساختمانی، یک کانون

رئیس کانون عباس اسمعیل زاده، تعداد اعضاء ۱۱۸ نفر

گ ـ کارخانه پارس الکتریک ۲ کانون

کانون ۱ — رئیس کانون شمس‌الله عباسی، تعداد اعضاء ۱۰۰ نفر

هیات اجرائی موقت حزب رستاخیز ملت ایران

دستور کار کنگره بزرگ حزب را تصویب کرد

جمشید آموزگار

هیأت اجرائی موقت حزب رستاخیز ملت ایران در جلسه مورخه (۳۵/۴/۱۹) خود دستور جلسه کنگره بزرگ حزب را که در آینده نزدیک تشکیل خواهد شد تصویب کرد.

آقای آموزگار وزیر کشور و رئیس هیأت اجرائی حزب در پایان این جلسه طی گفتگوئی با خبرنگاران ضمن تأئید اینکه دستور کار کنگره حزب به تصویب هیأت اجرائی موقت رسیده است درمورد دیگرمسائل مطرح شده در این جلسه اظهار داشت هیأت اجرائی تصمیم گرفت به کانونها توصیه کند تا نظرات اصلاحی خود را درمورد مواد اساسنامه حزب به ستاد مرکزی حزب بفرستند.

این نظرات در کمیته‌ی ویژه‌ای که در شهریور و مهرماه سال جاری در ستاد مرکزی فعالیت خواهد داشت بررسی میشود و نتیجه این بررسیها به کنگره بزرگ حزب ارائه خواهدشد.

بررسی گزارش دبیر کل

آقای آموزگار اضافه کرد چگونگی اظهار نظر درباره گزارش دبیر کل حزب موضوع دیگری بود که در این جلسه مطرح شد.

رئیس هیأت اجرائی گفت:

— براساس تصمیم امروز هیأت اجرائی حزب، این گزارش که نمودار فعالیت حزب از بدو تشکیل می باشد به نظر خواهی اعضای کانونها گذاشته میشود.

آقای آموزگار افزود: تعیین خطمشی و روش کلی حزب و فعالیتهای آینده آن و همچنین موضوع انتخاب دبیر کل حزب نیز در جلسه هیأت اجرائی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

کانونها و کنگره

آقای آموزگار در ادامه گفتگوی خود با خبرنگاران به چگونگی کار کانونهای حزبی پرداخت و گفت قبلا قرار بود کانونهائی که تا سی روز قبل از برگزاری کنگره تشکیل شده‌اند نمایندگان خود را به کنگره اعزام دارند. لیکن هیأت اجرائی تصمیم گرفت نمایندگان، کانونهائی که تا پانزده شهریور نیز تشکیل میشوند به کنگره اعزام شوند.

جناحها و مسائل آموزشی

آقای آموزگار رئیس هیأت اجرائی درمورد نقش جناحها در بررسی مسائل آموزشی گفت: هیأت اجرایی تشکیل کمیته‌های تخصصی را در جلسات قبلی خود تصویب کرد و بدین منظور از هر جناح ۵ کارشناس امور آموزشی و پنج صاحب‌نظر خارج از کادر جناحها تعیین میشوند تا کمیته مذکور را تشکیل دهند که با بررسی مسائل و نظریات رسیده گزارشی را برای ارائه به دبیر کل حزب آماده خواهند کرد که این گزارش در کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی رامسر مطرح خواهدشد.

فعالیت یکماهه کانونهای حزبی ارزشیابی شد

کار طبقه‌بندی وبررسی نظریات و نیازمندیهای میلیونها عضو حزب در سراسر کشور انجام شدوواحد تشکیلات حزب‌مسائل مورد بحث درکانونها را براساس مسائل عمومی،حزبی، اجتماعی وآموزشی تفکیک ومشخص کرد.

براساس این نظریات در مجموع استانها وفرمانداریهای کل (صرفنظراز پایتخت) مسایل محلی بیش از موضوعات حزبی‌ومسائل عمومی مورد تبادل‌نظرقرارگرفته‌اندودرمیان‌مسائل حزبی مطرح شده‌در کانونها موضوع آموزش سیاسی درراس مسائل دیگر قرارداشته‌است.

درپایتخت وشهرهای اطراف‌مسائل مطرح شده تقریباً یکسان‌بود، که‌این امر میتواند معلول بهتر اداره شدن کانونها توسط روسای آنها وآشنائی بیشتر اعضای کانونها به‌اصل تحزب باشد. نتایج بدست‌آمده از این بررسی نشان میدهد که بخش‌عمده‌ای از مسائل عنوان‌شده درکانونهای حزبی پایتخت اختصاص بمسائل محلی‌دارد ودرصد توزیع مهمترین مسائل و پیشنهادهای طرح شده در کانونهای حزبی پایتخت و روستاهای تابع به‌این شرح است:

مسائل حزبی چهل درصد،مسائل‌عمومی بیست‌وچهارد رصد،مسائل محلی ۳۶ درصد.

دراستانها

مسائل مطرح شده درکانونهای حزبی استانها وفرمانداریهای کل که‌مورد بررسی و تجزیه وتحلیل قرارگرفته‌اند، براساس تفکیک مسائل عمومی، محلی‌وحزبی به‌این شرح است:

* نسبت مسائل عمومی درکانونهای استان آذربایجان غربی ۱۰ درصد،مسائل محلی ۸۰ درصد ومسائل حزبی ۴ درصد میباشد.

* دراستان ایلام از مسائل عمومی ذکری بمیان نیامده است، اما بیشترین مطالب‌بمسائل محلی ومنطقه‌ای اختصاص دارد.

* دراستان ساحلی بالاترین نسبت مربوط به بحث‌درباره مسائل محلی با ۸۶ درصد وپس ازآن مسائل حزبی بانسبت ۱۰ درصد می‌باشد.

*دراستان سیستان وبلوچستان تمامی مسائل درزمینه موضوعهای محلی‌است ومشکلات منطقه‌ای مردم از اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌است.

* درفرمانداریکل سمنان مسائل عمومی ۱۰ درصد، مسائل محلی ۸۸ درصدومسائل حزبی ۲ درصد ازمباحث کانونها را تشکیل میدهد.

و ضمناً باید اضافه کرد فرمانداریکل سمنان به نسبت دو عامل جمعیت و وسعت کانونهای گرمتر و زنده تری دارد.

* درچهارمحال بختیاری نسبت بحث در بارهٔ مسائل محلی ۸۸ درصد است و مسائل عمومی وحزبی ازنسبت مشابه‌۶،درصدبرخوردار میباشد.

* درخراسان نسبت مسائل عمومی ۱۵ درصد، مسائل محلی ۸۱ درصدومسائل حزبی ۴ درصد بوده است.

* درخوزستان نسبت مسائل محلی ۹۳ درصد ومسائل عمومی ۷ درصدمیباشد.

* دراستان کرمانشاهان نسبت مسائل محلی ۶۵ درصدومسائل حزبی ۲۸ درصد.

*دراستان گیلان مسائل عمومی‌وحزبی نسبت یکسانی دارند و مسائل مزبور در این استان معادل ۵۰ درصد میباشد.

* دراستان فارس مسائل عمومی ۹۲ درصد ومسائل محلی‌وحزبی هرکدام نسبت ۴ درصد را دارد.

* در فرمانداریکل کهکیلویه و بویر احمد نسبت مسائل عمومی ۱۳ درصد و مسائل محلی ۸۲ درصد و مسائل حزبی ۵ درصد میباشد.

نتیجه‌گیری

در بررسی مسائل عمومی بالاترین درصد مربوط به استان خراسان میباشد و پس از آن آذربایجان غربی.

فرمانداریکل سمنان، استان فارس، فرمانداریکل کهکیلویه استان حما، محال به ترتیب درمراحل بعدی درزمینه بررسی مسائل عمومی قرار دارند.

مسائل‌محلی

بالاترین رقم درزمینه بررسی‌مسائل محلی را خراسان بخود اختصاص داده و کمترین نسبت مربوط به استانهای گیلان و فارس میباشد.

کانون ۲- رئیس کانون حسن پاک‌طینت، تعداداعضاء ۴۰ نفر

ق- کارخانه پارس آمریکا، ۴ کانون

کانون ۱ — رئیس کانون داود بزرگی، تعداداعضاء ۱۵ نفر

کانون ۲ رئیس کانون عبدالوهاب گوران، تعداداعضاء ۱۹ نفر

کانون ۳— رئیس کانون جمشیدیوضائی، تعداداعضاء ۱۳۸ نفر

کانون ۴— رئیس کانون پرویز ایمانی، تعداداعضاء ۱۲۰ نفر

ف- هتل آریاشرایتون، ۳ کانون

کانون ۱ — رئیس کانون خیرالله پیام، تعداداعضاء ۱۲۰ نفر

کانون ۲— رئیس کانون نصرت‌الله‌یاوری، تعداداعضاء ۱۲۰ نفر

کانون ۳ — رئیس کانون محمد باقر قاسم‌زاده، تعداداعضاء ۱۲۰ نفر

س- کارخانه کاوکار ۲ کانون

کانون ۱— رئیس کانون‌فیروزعلی‌هنرور، تعداداعضاء ۱۴۰ نفر

کانون ۲ — رئیس کانون اصغرمختاری تعداداعضاء ۱۳۳ نفر

با حزب رستاخیزملت ایران بیشتر آشنا شویم «۳»

رستاخیزحرکتی است‌نو، انقلابی است‌بی‌مانند

محمد جعفر فتحی زاده

درخصوص حزب رستاخیز ملت‌ایران گفتیم که پس از دست‌آوردهای انقلاب شاه‌وملت لزوم همگامی همگان باتحرکی‌و پیشرفت‌و اینکه از تمام نیروها در یک‌قالب واحد که دارای هدف‌وبرنامه های مشخصی باشد، احساس می‌شد.

ازاین رو شاهنشاه آریامهر در یازدهم اسفند ۱۳۵۳، موجودیت حزب رستاخیزملت ایران رااعلام کردند.

همچنین گفتیم که مرامنامه‌و اساسنامه از عوامل اصلی تشکیل حزب بشمار میآیند که مرامنامه برنکات‌اساسی‌وحیاتی یک‌جامعه‌تکیه دارد.

همانطور که‌میدانیم مرامنامه حزب رستاخیزملت ایران ازسه‌اصل نظام شاهنشاهی، قانون اساسی وانقلاب‌شاه‌وملت تشکیل یافته که این سه‌ازمهم‌ترین نهادهای‌اجتماعی مابشمارمیآیند.

در مورد اساسنامه که‌مشخص کننده تشکیلات داخلی‌و سلسله مراتب حزب میباشد گفتیم‌و در اساسنامه است که ارگان حزب‌ومسائل‌مربوط به‌کانونهای حزبی مشخص شده است‌و ارگان حزب‌شامل کنگره— شورای‌مرکزی — هیأت‌اجرائی — دفترسیاسی‌و دبیرکل میباشد که در شماره گذشته کنگره را تعریف کردیم‌و اینک وظایف کنگره‌را مورد بررسی قرارمیدهیم:

وظایف کنگره

۱— اصلاح و تغییر موادمرامنامه واساسنامه

۲— انتخاب دبیرکل برای مدت ۴ سال. هیچکس نمیتواند بیش‌ازدودوره‌متوالی به‌دبیرکلی انتخاب شود.

۳— تصویب سیاستها وبرنامه‌ها و تعیین روش کلی

۴— رسیدگی به اظهارنظر نسبت به گزارش دبیرکل

۵— اخذ تصمیم نسبت به کلیه مسائل مربوط به حزب که از طرف دبیرکل پیشنهادمیشود.

دستور کنگره

دستور کنگره به پیشنهاد دبیرکل و تصویب هیأت اجرائی تعیین میشود. با پیشنهاد کتبی حداقل یکدهم اعضای کنگره هرمطلب دیگری نیز میتواند در دستور کنگره‌قرارگیرد.

جلسات کنگره

اولین جلسه کنگره بریاست‌مسن‌ترین عضوشرکت کننده تشکیل میشود. درهمین جلسه بلافاصله ازبین شرکت کنندگان در کنگره هیأت رئیسه‌ای‌مرکب ازیک‌رئیس، دونایب رئیس و دومنشی انتخاب میشوند. جلسات کنگره با حضوردست کم دوسوم اعضاء رسمیت مییابد و تصمیمات با اکثریت آراء اعضای حاضر باستثنای تغییر درمواد مرامنامه و اساسنامه که با دوسوم آراء کلیه اعضاء امکان پذیر است، اتخاذ میشود. و درصورتیکه هیأت اجرائی تشکیل کنگره را بطورفوق‌العاده لازم بداند، دبیرکل اعضاءآخرین کنگره‌حزب را برای این منظوردعوت‌میکند.

باتوجه به شرح وظایف کنگره، بزرگترین رکن حزب، مشخص میشود که کنگره مهمترین تصمیمها رادرمورد حزب اتخاذمیکند.

مهم‌ترین مسائل حزبی در کنگره که هرچهارسال یکبار تشکیل میشود، مورد بررسی وتبادل نظرقرارمیگیرد. اما نکته‌ای که ذکرآن اهمیت دارد، اینکه دستورکار کنگره به پیشنهاد دبیرکل و تصویب هیأت اجرائی ویا پیشنهاد کتبی حداقل یک دهم اعضای کنگره‌خواهد بود.

درواقع آنچه که پیشنهادمیشود نظریات وپیشنهادهائی‌است که‌ازطریق کانونها به‌مراجع بالاتر یعنی شوراها وسپس به شورای مرکزی ارسال شده که آن نیز ازطریق دبیرکل بعنوان دستورکار کنگره پیشنهادمیشود.

درکلامی‌ساده‌ترباید گفت که‌دستورکار کنگره‌دربرگیرنده نظرات‌وپیشنهادهای عامه‌مردم‌واجرای کامل دمکراسی است.

ادامه‌دارد

باتشکیل اتحادیه ها تشکیلات کارگری هماهنگی بیشتری می یابند

الله وردی فاتح اعظم

سیدحسین سادات حسینی

قاسم گلکار

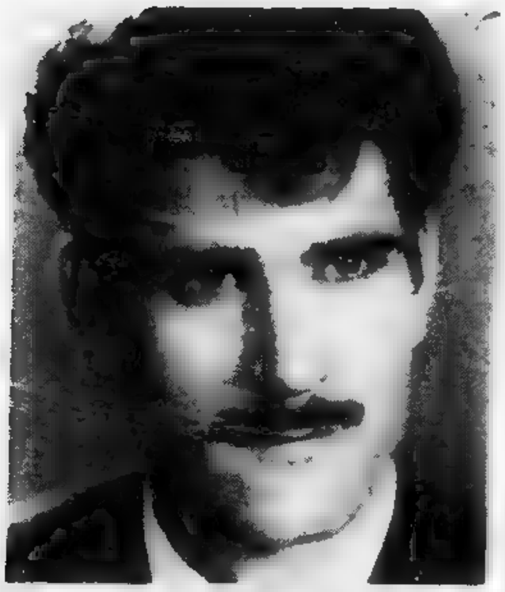

عباسعلی آقاشاهی

نعمت‌الله جهانی

یعقوب خانقاهی

داود بزرگی

اشاره:

در اتحادیه‌های کارگری متشکل از سندیکاهای هم صنف یکی پس از دیگری، تشکیل میگردند. با تشکیل این اتحادیه‌ها، تشکیلات کارگری، وحدت و هماهنگی بیشتری می‌یابند و رشد و گسترش هرچه بیشتر، و در عین حال از هماهنگی و هم اندیشی روشن سندیکاها به گونه‌ای [illegible] است [illegible] می‌شود. این همه موجب میگردد که زمینه‌های منطقی و اساسی برای تشکیلات کارگران مهیا شود و جامعه کارگری با برخورداری از فعالیت هماهنگ و جامع اتحادیه‌ها، به سوی پیشرفت مطلوب و سریعتری گام بردارد.

همزمان با این پیشرفت، کارگران هر اتحادیه خود را شاداب و همزمان از رفاه بیشتر و رشد اقتصادی و حقوق صنفی فزونتر برخوردار میشوند. اتحادیه صنایع فلز استان مرکزی از جمله این اتحادیه‌هاست که اعضای هیئت مدیره آن در گفتگوئی با [illegible] مجله رستاخیز کارگران به معرفی و بررسی این اتحادیه پرداختند.

رستاخیز کارگران:

[illegible]

عباسعلی آقاشاهی

[illegible] سندیکائی و [illegible] ساختار مدیره این اتحادیه بشمار میرود. و این خود می‌تواند برای پیشرفت بیشتر آن تشکیلات کارگری مفید و ارزنده باشد. از این گذشته، انعکاس مسائل مختلف سندیکائی و بررسی مشکلات اعضای اتحادیه‌ها و تجزیه و تحلیل آن به حل مشکلات عمومی کارگران کمک میکند و راه‌ها را برای رفع نارسائیها هموار تر میسازد. از این رو این اقدام مجله کارگران را ارج می‌نهیم.»

«عباسعلی آقاشاهی» سپس به معرفی اعضای هیئت مدیره اتحادیه پرداخت و گفت: اعضای هیئت مدیره اتحادیه ما، خوشبختانه همه از چهره‌های فعال سندیکاهای کارگران فلز کارهستند که هر کدام بنوبه خویش سالها درفعالیت‌های سندیکائی شرکت داشته و تجربه های فراوانی کسب کرده‌اند و سالها بعنوان نماینده کارگران، دبیر، رئیس هیئت مدیره، خزانه دار و عضو هیئت رئیسه در سندیکاهای مختلف انجام وظیفه کرده‌اند و در حال حاضر—

نعمت‌الله جهانی رئیس هیئت مدیره، الله‌وردی فاتح اعظم نایب رئیس — داور بزرگی نایب رئیس — عباسعلی آقاشاهی دبیر — میرشجاع فاضلی خزانه دار — قاسم گلکار منشی — یعقوب خانقاهی عضو هیأت مدیره — علی داورآبادی عضو هیأت مدیره و سید حسین سادات حسینی عضو هیأت مدیره — اعضای هیأت مدیره اتحادیه را تشکیل میدهند.

رستاخیز کارگران: هدف از تشکیل اتحادیه چیست:

نعمت‌الله جهانی: هدف از تشکیل اتحادیه‌ها، برخورداری بیشتر از حقوق صنفی، هماهنگ نمودن برنامه فعالیت سندیکاهای کارگران فلز کار و در نتیجه تأمین رفاه بیشتر کارگران وفراهم کردن امکانات برای پیشرفت و ترقی سندیکاهای عضو بوده است. از این رو و با اعتقاد به اینکه اتحادیه با برخورداری از قدرت سندیکاهای متعدد، می‌تواند بهتر و سریعتر آرمانهای ما را جامعه عمل بپوشاند در سال ۲۵۳۱ گرد هم آمدیم و با پیوستن ۵ سندیکا اتحادیه خویش را تشکیل دادیم که به شماره ۶ به ثبت رسیده است.

اتحادیه فعالیت خویش را از آغاز، بطور اصولی پی‌ریزی کرد و برنامه‌های خود را که براساس رفع نیازمندیهای کارگران و تأمین خواسته‌های آنان تدوین شده بود بسرعت و یکی پس ازدیگری پیاده نمود.

نتیجه بخش بودن این فعالیت‌ها موجب گردید که سایر سندیکاهای فلز کار به اتحادیه بپیوندند بطوریکه درحال حاضر یعنی ۴ سال پس از تشکیل اتحادیه، بیش از سی سندیکای فلز کار وابستگی خویش را به اتحادیه اعلام کرده وعضویت آنرا پذیرفته‌اند. همچنین تعداد کارگران عضو اتحادیه که در آغاز تأسیس تعداد اندکی بیش نبودند امروز از مرز ۱۰ هزار نفر تجاوز کرده‌اند.»

بقیه درصفحه ۵۶

سندیکاهای کارگری

سندیکای کارگران شرکت پشم ریسی ونساجی شهرری:

آموزش حرفه‌ای کارگران و افزایش مهارت آنان را در برنامه دارد

- رحمان عاسق آباد

- رستمعلی رهبر

- جواد محمودی

- عوضعلی محمدی

سندیکای کارگران شرکت پشم ریسی ونساجی شهرری در اسفند ماه سال یکهزار و سیصد وپنجاه ودو (۲۵۳۲ شاهنشاهی) تاسیس شود وبتاریخ نوزده فروردین ماه یکهزار وسیصد وپنجاه وسه (۲۵۳۳ شاهنشاهی) به شماره ۸۶۱ در وزارت کار و امور اجتماعی به ثبت رسید ورسما فعالیت خود را آغاز کرد.

باتوجه به وضع کارگران این واحد تولیدی از نظر میزان دستمزد، مرخصی ها وبهداشت و حفاظت محیط کار، سندیکا اولین قدم خود را در جهت دفاع از حقوق و مطالبات قانونی کارگران برداشت و درسایه وحدت وهدایت سازمان کارگران موفق شد خواست های قانونی اعضای خود را از طریق مراجع قانونی بدست آورد.

سندیکا در نخستین مرحله ساعت کار را به هشت ساعت در روز تقلیل داد و برای اجرای سایر خواست ها نیز قانون کار را ملاک عمل قرار داد و برای اجرای قانون کار بشدت فعالیت کرد.

خوشبختانه در این راه نیز باپی گیری مستمر و بی وقفه موفق شد بطوریکه دوساعت از ده ساعت کار روزانه ای که قبل از تاسیس سندیکا کارگران انجام میدادند، بعنوان کار اضافی محسوب و درمقابل آن اضافه دستمزد به کارگران پرداخت میشود.

میزان استفاده از مرخصی سالیانه نیز حل شد و طبق مقررات و قوانین کلیه کارگران از مرخصیها و تعطیلات استفاده میکنند.

وسائل ایمنی و حفاظت فنی و بهداشت و لباس کار وغیره نیز با همکاری مسئول اداره کار منطقه جنوب تهیه وخواست های کارگران ازهرجهت تامین شد.

پس از رفع نارسائیهای موجود هیئت مدیره سندیکا توجه خود را به وضع تولید و مسئله بهره وری و انجام وظیفه کارگران در کار تولید معطوف داشت وسعی و کوشش خود را بکاربرد که رضایت مدیریت کارخانه را در مقابل این دست‌آوردها فراهم آورد تا از این راه هم سطح تولید افزایش یابد و هم درآمد کارگران [illegible] بالا رود.

اعضای هیئت مدیره سندیکای شرکت پشم ریسی و نساجی شهرری عبارتند از آقایان: محمد ابراهیمی، دبیر سندیک[illegible] عوضعلی محمدی، رئیس هیئت مدیره، جواد محمودی، نائب رئیس وخزانه‌دار، رستمعلی رهبر، عضو اصلی، رحمان عاسق آباد، عضو اصلی و [illegible] هیئت مدیره و ابراهیم تهرانی بازرس سندیکا

برنامه آینده هیئت مدیره

هیئت مدیره سندیکا که تا کنون توانسته است قسمتی از خواست های کارگران را بمرحله عمل در آورد امیدوار است در اجرای همه خواست های قانونی کارگران [illegible] [illegible] [illegible] عمل آید. هم اکنون هیئت داوری [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خواهد [illegible] که در آن اختلافات [illegible] [illegible] کار بصورت کدخدامنشی حل و فصل خواهدشد.

ایجاد باشگاه برای علاقمندان به ورزش از دیگر برنامه های سندیکا میباشد و بالا بردن مهارت کارگران ازطریق آموزش حرفه‌ای نیز جزئی از برنامه های آینده سندیکا است.

سندیکای صنف خشکبار و آجیل فروش:

آشنائی کارگران بحقوق خود مهمترین وظیفه‌ای بود که اجرا شد

سندیکاهای [illegible] [illegible] و برای [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

محمد احمد بشیری

علی مخصوص -

رضا عسگرزاده

نوروز حافظی

عباس فرد زاهدی

[illegible] قانون کار [illegible] کارگران [illegible] خود را شروع کرد و توانست کارگران این صنف را بحقوق قانونی خود آشنا کند. [illegible] [illegible] موفقیت های مهمی بدست آمد، چنانکه امروز کارگران [illegible] و وسائل ایمنی استفاده [illegible] بهداشتی [illegible]

[illegible] مرخصی [illegible] و تعطیلات رسمی و هفتگی در کارگاهها [illegible] و قانون کار کاملا درمورد کارگران [illegible] مسئود وحق عائله‌مندی مرتب به [illegible] و هرسال معادل یک ماه دستمزد [illegible] [illegible] دریافت میکنند.

اعضای هیئت مدیره

[illegible] علی مخصوص [illegible] [illegible] [illegible] محمود [illegible] [illegible]

[illegible]

اعضای جدید سندیکا:

میکوشیم اقدامات و فعالیتها

سندیکاهای کارگری از جمله تشکیلات کارگری است که با اتکاء برموارد قانونی در زمینه بهروزی هرچه بیشتر کارگران بایستی کوشش کند ودر واقع باید گفت سندیکا مرکز فعالیتهای همه‌جانبه کارگران میباشد.

لازم است به‌این نکته مهم نیز اشاره کنیم که سندیکاهای کارگری درواقع مجری برنامه‌هائی هستند که ضمن تأمین خواسته‌های قانونی گروهی، توسعه وپیشرفت کار را نیز در نظر دارد.

وقتی یک‌سندیکای کارگری را بررسی میکنیم همه‌عوامل سازنده در آن قابل‌ملاحظه است‌واین بدلیل آنستکه مجموع کارگران کشور ما بابهره‌گیری از اندیشه وتفکرخود درراه باروی ایران صنعتی وصنعتی‌ترگام برمیدارند.

درمقابل این سازندگیها ممکنست کمی‌ها وکاستی‌ها هم‌وجود داشته‌باشد، واگر احیاناً سندیکائی بعلل گوناگون از قافله عقب بماندراین‌بدان معنانیست که‌لزوم حرکت را نمیدانند وآنرا بفراموشی سپرده‌اند، بلکه براین نکته واقف هستند که راهبران عقب‌ماندگی، تلاش وتکاپوی‌سریعتر و پرقدرت‌تراست.

رستاخیز کارگران که در انعکاس کوچکترین فعالیتها وبزرگترین تلاشهای کارگری نقشی اساسی ورسالتی مهم بعهده دارد، همچنان بحث مربوط به‌سندیکاهای کارگری کشوررا دنبال میکند، بااین امید که باشناخت وشناساندن این تشکیلات کارگری، گامی‌مؤثر ومفید درراه آگاهی عموم کارگران‌وطن‌برداشته باشد.

اعضاء سندیکائی که در این شماره معرفی میشوند درگفتگوئی دوستانه باخبرنگار رستاخیز کارگران ازکارها وکوششهایشان وبالاخره از مسائلی که باآن روبرو بوده‌اند حرف زدند.آنهاگفتند که چگونه میشود با مشکلات مواجهشد وبرای نیل به‌پیروزی وکسب توفیق هرچه‌بیشتر مشکلات را ازمیان برداشت.

مروری برگذشته سندیکا

گفتگویمان را باآقای مختار وازقانی، دبیر سندیکا درمورد گذشته سندیکا شروع کردیم. وی دراین‌مورد اظهارداشت!

دهم مهرماه ۱۳۴۸ــ تاریخ تأسیس و شروع فعالیت سندیکای کارگران پلاسکو کار میباشد. سندیکای ما تحت شماره ۱۰۴۳ در سازمانهای کارگری وکارآمائی وزارت کار و امور اجتماعی به‌ثبت رسیده است و تااین تاریخ بدون هیچگونه مسأله‌ای موفق شده‌ایم هردو سال تجدید انتخابات کنیم که آخرین تاریخ آن دهم‌مهرماه۲۵۳۵ بود.

دبیرسندیکا افزود این واحد تولیدی درحدود ۷۰۰ نفر کارگر دارد که حدود ۴۴۰ نفراز آنها عضو سندیکا هستند وبقیه آنها نیز بزودی به‌عضویت سندیکا پذیرفته خواهند شد.وی دراینجا اهمیت سندیکا را مورد اشاره قرارداد وگفت بدلیل تغییراتی که درکادر کارگری این واحد انجام شده وبه‌علت کم و زیادشدن کادر پرسنلی ثابت‌وموقت،سندیکای ماتاکنون در دوره‌های مختلف خوددارای اکثریت نبوده‌واین خود سبب ایجاد مشکلاتی درراه پیشبرد برنامه‌های‌ما میشود.

دبیر سندیکا اضافه کرد : باتوجه به‌رغبه کارگران عضو مدت کوتاهی است که سندیکا حائز اکثریت‌شده، امیدمیرود که این خود زمینه‌ای برای انجام اقدامات مهم‌ترسندیکا باشد.

اعضای هیأت‌مدیره

اکثر سندیکاهای کارگری که‌تاکنون‌با اعضای آنهاگفتگو کردیم، بدلیل خروج یکی‌از عضوی هیأت مدیره سندیکا، کادر رهبری آن تغییر کرده واین امرموجب انجام‌انتخاباتی مجددشده است که باعث میشود تامدتی درروال عادی کار سندیکا وقفه ایجاد شود.

باتوجه به‌اینگونه تغییرات از دبیر سندیکا پرسیدیم که سندیکای آنها دچار چنین مشکلی شده، یاخیر؟

وی‌اظهارداشت: اگرچه مسأله کم‌بودن اعضای سندیکا علت بزرگتری برای کندی کار سندیکای ما بحساب می‌آمد، ولی خوشبختانه تاکنون باچنین مشکلی مواجه نبوده‌ایم،و همکاران من براساس انتخابات قانونی متداول برگزیده شده‌وتاکنون فعالیت خودراادامه داده‌اند.

وی آنگاه اعضاء هیأت‌مدیره سندیکا ودر واقع همکاران خود را بدین شرح معرفی کرد:

ــمحمدحسین کریمی (رئیس هیأت مدیره سندیکا) مشغول کار درفروشگاه تعاونی مصرف کارگران.ــعزت‌الله فعال (خزانه‌دار سندیکا)ــ کارگر قسمت بسته‌بندیــسیدرضا ملایری عضواصلیــ کارگر قسمت تزریق پلاستیک‌ــعباس اخوان (عضواصلی)مسؤول درقسمت کارگزینی واحدــ سیف‌اله خدابنده (عضواصلی) مسؤول در قسمت کارگزینی علی‌اکبر نصیری(نایب‌رئیس) مشغول کار درفروشگاه تعاونیــ سیدحسن‌میریــفیض الله آب‌بند ومحمود اسمعیل‌پور (بازرسان‌سندیکا ونیز مختار وازقانی (دبیر سندیکا)ــسر کارگر قسمت تزریق پلاستیکی، همچنین اسداله قسمت تزریق پلاستیکی، همچنین اسداله نصیر دهقان وهادی احمدی (اعضاء علی‌البدل).

ازدیروزتابه‌امروز

دبیرسندیکا بااشاره به‌وضعیت قبلی‌فعلی سندیکا وباتوجه به‌سابقه کار ۲۰ساله‌ای که‌دراین واحدتولیدی دارد،گفت:

ــقبل‌از تشکیل سندیکا ودرحدود سال ۲۵۲۴ بمدت ۶سال نمایندگی کارگران را داشتم ودر این وظیفه سعی‌میکردم تاآنجا که‌امکان داشته باشدخواسته‌های کارگران را باکارآمامطرح کنم وپس‌از آن مقدمات تأسیس وتشکیل سندیکا فراهم شد که بالطبع فعالیتهای مربوط به‌تأمین رفاه کارگران به سندیکامحول‌شد.

وی اضافه کرد: دراولین دوره این سندیکا قدمهای اولیه در راه تأمین خواستهای قانونی کارگران برداشته شدو دراین رهگذر اقدامات چندانی درزمینه‌های افزایش مستمریها صورت گرفت ومهم‌ترآنکه میزان سودویژه افزایش یافت.

دردوره دوم فعالیت سندیکا علاوه بر انجام خدمات چندی ازجانب سندیکا کوشش زیادی در راه افزایش سودویژه انجام شد و وبراین اساس، میزان سودویژه کارگران تا ۷۵ روزحقوق افزوده شد که‌این مبلغ به‌اضافه میزان ۱۰ روز دستمزد بعنوان عیدی در پایان هرسال به کارگران پرداخت میشد. افزایش میزان سودویژه تا ۱۰۰ روز حقوق ، تأسیس شرکت‌تعاونی مصرف کارگران، اقدام در مورد دریافت اضافه ترفیعات دستمرد ودریافت درصدهای اضافه حقوق کارگران وجلب‌توافق کارآما دراین‌موارد، از جمله کوششهای گردانندگان دوره سوم این سندیکای کارگری بود.

وامروزکه دوره چهارم این سندیکا را در پیش‌روداریم، میکوشیم اقدامات وفعالیتهای دیروزرا کامل‌تر کنیم.

شرکت‌تعاونی

توسعه وتکمیل فعالیت شرکت‌تعاونی کارگران یکی‌از فعالیتهای اعضای دوره‌چهارم این‌سندیکااست.

این شرکت در آغاز باسرمایه ۱/۴۰۸/۶۸۸ ریال فعالیت خود را آغاز کردو اکنون دارای ۲/۸۴۷/۷۳۱ ریال سرمایه‌میباشد.

رئیس هیأت‌مدیره سندیکا دردنباله این بحث‌افزود بمنظور تأمین رفاه بیشترکارگران اخیراً طرحی‌از طرف این شرکت به کارآما ارائه شده‌که به‌موجب آن کارگران خواهند توانست اجناس مورد نیاز خود رااز فروشگاه بدون پرداخت پیش‌قسط خریداری کنند.

وی اضافه کرد: این شرکت درحال‌حاضر ازجهت مواد مصرفی بویژه خواربار جوابگوی تقاضای کارگران است ودر یک بررسی مقایسه‌ای کاملامحسوس شده که‌سطح قیمت‌ها در شرکت‌تعاونی کارگران این واحدتولیدی پائینتر از قیمتهای اجناس فروشگاههای مشابه‌دیگر میباشد که این خود در جلب‌رضایت کارگران تأثیری بجا گذاشته‌است ضمناً بمنظور تقویت بنیه مالی شرکت ترجیح دادشد که‌فروش آزاد نیزوجود داشته باشد

وامهای‌ضروری

کریمی در زمینه شرکت‌تعاونی اعتبار کارگران این کارخانه‌گفت :این شرکت قبل‌از تشکیل سندیکا ودر تاریخ ۲۵۲۳ با سرمایه اولیه ۵۰/۰۰۰ ریال شروع بکارکرد واکنون این سرمایه تامیزان ۷۴۳/۰۰۰ ریال افزایش یافته که از طریق فروش ۲۴۰۰ سهم بکارگران تأمین شده است.

رئیس هیأت‌مدیره افزود درگذشته حداکثر وامی که سالیانه شرکت میتوانست به هر کارگری بپردازد مبلغ ۱۰/۰۰۰ ریال بود، امامدتی است

علاوه برافزایش مبلغ وام ،نوع آن‌نیز تغییر کرده بدین ترتیب که هر کارگر میتواند مجموعا درسال ازمیزان ۳۰،۰۰۰ ریال وام با بهره ۶ درصد استفاده کند و وام ضروری نیز پرداخت‌میشود.

برای تامین مسکن نیز اقدامات وسیعی صورت گرفته‌واميدواريم که بتوانیم ازاقدامات خود نتیجه بگیریم و در نتیجه پیگیریهای سندیکا و بررسیهائی که از طرف کارشناسان وزارت کارو امور اجتماعی دراین زمینه صورت گرفته ، کارآمای این واحد تولیدی نظرخود را درمورد تامین و ساخت مسکن برای کارگران برپایه‌معیارهای‌قانونی‌اعلام داشته‌است.

شورای‌سازش

وی درمورد شورای سازش اظهار داشت :
کارگران این واحد تولیدی تاکنون شورای سازش و حل اختلاف نداشته‌اند ، و این نیز یکی ازمسائلی است که درنتیجه وجود اقلیت در سندیکا باعث شده یعنی در حقیقت تعداد اعضاء سندیکای کارگران این کارخانه ازرقم ۳۰۰ نفر تجاوز میکرد ، اما درحال حاضر و با توجه به رقم افراد عضومقدمات کار تشکیل شورای سازش فراهم آمده و اسناد و مدارک لازم به وزارت کارتسلیم شده ومراحل قانونی خود راطی کرده‌است.وی افزود: خوشبختانه تا بحال اختلافات مهمی نداشته‌ایم و اگر اختلاف نظر کوچکی بوجود آمده توسط سندیکاو بطریقه کدخدامنشی حل وفصل شده است.

کارآموزی ومهارت‌فنی

دبیر سندیکا راجع به آموزش کارگران اظهار داشت : از سالیان گذشته در این واحد تولیدی کلاسهای آموزشی دائرشده و تا این تاریخ کلاسهای متعدد سواد آموزی برای کارگران بوجود آمده و تابحال حدود ۲۰۰ نفر از کارگران از نعمت سواد برخوردارشده‌اند ، بطوریکه اکنون اکثر کارگران‌این کارخانه با

ی همکاران خود را کاملتر کنیم

اعضای سندیکای کارگران پلاسکو کار با خبرنگار ما گفتگو میکند.

سواد هستند و فقط درصد کوچکی از کارگران بیسواد وجود دارد که مشغول سواد آموزی میباشند. دبیر سندیکا در مورد آموزشهای فنی و حرفه‌ای نیز گفت در سال ۲۵۳۶ عده‌ای از همکاران برای طی دوره‌های آموزشی در رشته های فرزکاری — جوشکاری به کلاسهای آموزشی معرفی شدند ولی اکنون ما سعی میکنیم که کارگران ساده را از طریق کارآموزی عملی در کارخانه برای کار با ماشین آلات آماده کنیم و در اینکار نیز موفق بوده‌ایم.

جوانان پرشور و نشاط

وقتی ادامه بحث به مسئله ورزش رسید، دبیر سندیکا همراه با سایر همکاران سندیکا متفقاً از علاقه کارگران به امر ورزش سخن گفتند. ولی متأسفانه مشکل عمده در اینکار را نبودن وسایل ورزشی کافی در کارخانه ذکر کردند.

در پاسخ این سئوال که در مورد تأمین وسایل کافی و امکانات ورزشی چه اقداماتی از طرف سندیکا صورت گرفته، اظهار داشتند. با تدابیری که در این مورد اتخاذ شده و تقاضاهای پی گیری که از کارآما بعمل آمد. جای امیدواری است که کارگران همکار ما نیز بزودی بتوانند از وجود زمینهای مناسب و تجهیزات لازم و تسهیلات ضروری در امر ورزش بهره‌مند شوند.

مسایل رفاهی کارگران

مسائل دیگری که مورد گفتگوی ما با اعضاء هیات مدیره این سندیکا قرار گرفت عبارت بود از سود ویژه کارگران — طبقه بندی مشاغل — مسائل ایمنی و حفاظتی محیط کار — کمک های درمانی اولیه کارخانه و بالاخره رستوران و تغذیه کارگران.

دبیر سندیکا در مورد سود ویژه گفت: در ابتدای شروع کار سندیکا میزان سود ویژه معادل ۶۰ درصد حقوق بود و اکنون این رقم تا ۱۲۰ روز حقوق افزایش یافته است.

آنگاه دبیر سندیکا مسائل دیگر را عنوان کرد و در باره طبقه بندی مشاغل کارگران اظهار داشت: این طرح تمام کارگران این واحد را شامل شده و بر اساس آن تغییرات بنیانی در وضع حقوق و دستمزد کارگران صورت گرفته است. سپس رئیس هیات مدیره سندیکا با اشاره به کمبود تجهیزات کمک پزشکی در کارخانه اظهار داشت با توجه به خطرات ناشی از کار و سوانحی که هرلحظه ممکن است بوقوع بپیوندد، تهیه یک دستگاه آمبولانس که مصدوم را در اسرع وقت به بیمارستان برساند، ضروری میباشد و با توجه به همین نیاز است که بزودی درمانگاه کارخانه مجهز به یک دستگاه آمبولانس خواهد شد و در این مورد کارآما قول مساعد داده است.

وی آنگاه یادآور شد که بیماران و سانحه دیدگان در طول بستری در بیمارستان از کمکهای نقدی و غیری نقدی سندیکا بهره میگیرند. و تا آنجا که امکان داشته باشد سعی میشود بعلت بیماری مشکلی برای خانواده آنها بوجود نیاید پس از آن مسئله حفاظت و ایمنی مطرح شد و کمبود ها و نقایص آن با سرپرست کمیته حفاظت درمیان گذاشته شد.

وی ضمن عدم اظهار رضایت نسبت بمسائل ایمنی کارخانه گفت با طرحی که از طرف سندیکا و این کمیته به کارآما ارائه شده است، بزودی شاهد بهبود امر حفاظت و ایمن سازی محیط کارخانه خواهیم بود، ولی درحال حاضر سعی شده تاحد امکان کارگران از پوششهای حفاظتی لازم استفاده کنند.

پس از این بحث مسئله رستوران بمیان کشیده شد و ضمن اظهار عدم رضایت از وضع بهداشت رستوران گفته شد که در این مورد نیز تجدید نظر کلی ضروری است و در این خصوص هم کارآما ما را یاری خواهد کرد.

در پایان این گفتگو، به نحوه تشکیل جلسات سندیکا اشاره شد و متفقاً این نکته را مورد تاکید قرار دادند که کندی کار سندیکا، بعلت عدم هماهنگی و جلسات مشورتی اعضای سندیکا است، زیرا اعضاء هیات مدیره اذعان داشتند که در یک روال مشخص و منظمی جلسه تشکیل نمیدهند، بلکه به تناسب موارد پیش آمده به چنین اقدامی مبادرت میورزند. در این صورت قرار مهم دیگری بین سندیکا برگزار شد و آن اینکه بعد از تعیین دفتر کار سندیکا، این جلسات بطور منظم تشکیل شود.

توضیح:

درمطلب مربوط بهسندیکای کارگران کارخانه ایرانیت که در صفحه ۴۷ چاپ شده بود، افزایش میزان حقوق ودستمزد از اواسط سال گذشته از حداقل هزار وسیصدریال تا هفت هزار ریال صحیح است.

ضمناً ساعت کار کارگران این کارخانه همیشه ۸ ساعت بوده وهیچگونه تغییر وتبدیلی نداشته است.

امیرستاری کارگر موفق:

چهل شبانه روز کار مداوم برای تهـ

* هزاران قالب مختلف دست ساخته اوست
* نتیجه ۲۲ سال کار کردن و علاقمند بودن موفقیتی است که دوستمان از آن برخوردار است

امیرستاری کارگر مبتکری است که در این شماره با او آشنا میشویم. ستاری از جمله کارگرانی است که با بهره‌گیری هوش واستعداد خود تاکنون هزاران قالب را از روی نمونه یا نقشه ساخته است.

مسأله‌ای که در اینجا بایستی مورد اشاره قرارگیرد اینکه ستاری عاشق کار خود میباشد واز هرفرصت برای افزایش معلومات خود بهره میگیرد واز همین روست که ستاری ساختن هیچ قالبی را برای خود غیرممکن نمیداند وحتی برای ساختن یک قالب، جهت یخچال چهل شبانه روز به اتفاق گروهی از دوستان خود فعالیت کرد.

قبل از اینکه به چگونگی کار ستاری بپردازیم لازم به تذکر است؛ که «قالب» رکن اساسی تولید است و اگر قالبی وجود نداشته باشد، تولید امکان نخواهد داشت.

با این تعریف مختصر آگاه شدیم که واحد قالب سازی در کارخانه چه نقش مهم وعمده‌ای دارد و کسانی که در این قسمت کار میکنند، نه تنها از بینش کافی برخوردار هستند، بلکه افرادی نیز در میان آنها دیده میشود که از خلاقیت و ابتکار کافی برخوردار می‌باشند.

آشنائی

در گفتگوئی با کارگران کارخانه آزمایش که در محیطی دوستانه در سالن ناهارخوری آنها داشتیم، با امیر ستاری یکی از کارگران قسمت قالب سازی آشنا شدیم.

امیر ستاری که سرپرست کارگاه قالب‌سازی است بگفته خودش تاکنون هزاران قالب جهت ساختن انواع یخچال– کولر– آبگرمکن– بخاری وغیره ساخته است.

امیر که ۴۲ سال پیش در تهران متولد شده، تا کلاس دوم دبیرستان تحصیل کرده، ولی بعلت علاقه به امور فنی و همچنین تأمین قسمتی از هزینه زندگی بدنبال حرفه وفن رفت که خوشبختانه دراین راه شغلی را بدست آورد که به آن علاقمند بود.

با این مختصر دوست ما گفت که ۲۶ سال است بعنوان کارگر تراشکار و قالب‌ساز فعالیت میکند که از این مدت ۱۸ سال را در واحد تولید آزمایش گذرانده است

آغاز کار

ازستاری میخواهیم با توجه به سعی که دارد نخستین مراحل فراگیری خود را برایم تعریف کند و اینکه دراینکار چه کسی او را یاری کرد

امیر چون تمام کارگران که نسبت به استاد خود حالت ترس و ادب را توأم بریان

امیرستاری هنگام تهیه یک قالب

تهیه قالب یک یخچال

میآورند، کمی برای اولین بار در دکان آقای حسین ملا که در میدان شاه مغازه تراشکاری و قالب سازی داشت کارخود راشروع کردم.

از اینجا بود که پایه‌های اولیه فراگیری حرفه فنی من فراهم شد و آقای حسین ملا راه زندگی را درمقابلم گسترد که برای همیشه از او ممنون هستم. البته این را نیز اضافه کنم که خودم استعداد کافی داشتم و درواقع باید بگویم جوهر این کار در وجودم بود و کسی میبایستی آنرا هدایت میکرد که حسین ملا اینکار را انجام داد.

اولین حقوق

از امیر ستاری در باره اولین و آخرین حقوقش پرسش کردیم، او گفت:

در شروع کار حقوقی دریافت نمیکردم و بعلت علاقه‌ای که به حرفه تراشکاری داشتم کار مجانی را برای یاد گرفتن حرفه مذکور قبول کردم واین برای مدت یکسال ادامه داشت وبعد از آن روزی شش ریال دستمرد برایم تعیین کردند ویکی از بزرگترین خاطراتی که دراین دوران برای همیشه درذهن من خواهد ماند، ماجرای گم کردن اولین حقوقم میباشد.

وی افزود: گفتم که یکسال بدون دستمرد کار میکردم وپس از اینکه حقوق روزی شش ریال برایم تعیین شد، بطور هفتگی آنرا دریافت میکردم که بااضافه حقوقی در اولین هفته ۵ تومان دستمرد خودرا از صاحب کار گرفتم و خوشحال که بااین پول چه چیزهائی میتوانم بخرم ولی این خوشحالی دیر نپائید ودربین راه متوجه شدم که حقوق خود را گم کرده‌ام و جنان گریان ونالان بمنزل رفتم که مادرم هم متأثرشد.

ستاری دراینجامکثی کرد وگفت: تشویق ونصایح مادر درموفقیت فرزندان تأثیر بسزائی دارد. فراموش نمیکنم که مادرم در آنروز مرا دلداری داد وگفت تو کارگرموفقی خواهی شد و حقوق خیلی بیشتری دریافت میکنی. باید مداوم بلشی برای بهترشدن کوشش کنی وباید بگویم که همین نصایح بود که امروزچنین هیجانی در در کار کردن درمن وجود آورده است.

دوست عزیرما اضافه کرد پس ازچهارماه که باحقوق هفته‌ای ۵ تومان کارخود را دنبال کردم بکارخانه لیلاندموتور رفتم ومدت پنج سال با ماهی ۷۵ تومان بفعالیت خود ادامه دادم وپس از آن مدت هیجده سال است که در این کارخانه باسمت سرپرست قسمت قالب سازی مشغول کار هستم.

در آغاز با ماهی ۹۰۰ تومان استخدام شده وا کنون ماهانه ۵۵۰۰ تومان حقوق دریافت میدارم که با اضافه کار وسود ویژه وپاداش که

امیرستاری هنگام کار با دستگاه پرس

هرساله دریافت میکنم بطور متوسط ماهیانه نزدیک به ۹۰۰۰ تومان میرسد.

استاد درقالبسازی

از ستاری سوال کردیم که چه زمانی شخصا قالب‌سازی را شروع کرده وبتنهائی از عهده ساختن قالب برآمده است....

وی اظهار داشت زمانی که باتوجه به تجربه لازم دراینکار را کسب کرده‌بودم و ازاین رو بعنوان قالب‌ساز کارخود را شروع کردم واز آن زمان تمام قالبهائی را که برای تولید انواع محصولات توسط قسمت نقشه کشی تهیه میشود میسازم. البته در اینکار گروهی از کارگران همکاری دارند که مسلماً چندی دیگر هریک از آنها خود در این کار استاد خواهند شد واین باعث خوشحالی من است.

اما نکته اساسی در کار ستاری و مسئله‌ای که مورد توجه قرار گرفت ساختن قالبهائی است که نقشه ندارند. یعنی تهیه‌نقشه زمانی طولانی لازم دارد. بنابراین باید قالب را از روی مدل ساخت.

ازجمله کارهای مهمی که در این زمینه توسط ستاری صورت‌گرفت تهیه قالبی برای ساختن یخچال بود که بنا بر اظهار خودش تهیه آن در خارج از کشور ودرمدت طولانی امکان پذیر بود.

ستاری برای اینکه نشان دهد کارگر ایرانی میتواند از عهده انجام هر کاری برآید دست‌بکار شد وبا تلاشی کم‌نظیر به‌همراه چندتن از همکاران خود بمدت چهل شبانه‌روز بطورمداوم قالب‌موردنظر راتهیه کرد.

ستاری در این مورد اظهار میدارد گذشت زمان وخستگی برای من معنی نداشت، زیرا آتش رسیدن به‌هدف در وجودم زبانه میکشید.

بقیه درصفحه ۵۶

مراکز آموزشی جوار کارخانه، گامی دیگر در جهت دست یابی بکارگران ماهر

ارتقاء سطح مهارت کارگران وتأمین نیروی انسانی ماهر باعث شده تا علاوه بر دستگاههای دولتی بخش خصوصی نیز دراین امر وارد شود وبا بهره‌گیری از نتایج سودمندی که اینکار برای صاحبان صنایع در بردارد هرچه بیشتر درایجاد مراکز جوار کارخانه کوشش کنند. برای این کارعوامل تشویقی وتسهیلات لازم برای بخش خصوصی فراهم آورده میشود و خوشبختانه بخش خصوصی نیز دراین کار منشاء خدماتی بوده است و اکنون بسیاری از واحدهای تولیدی کشورمان مراکزآموزشی جوار کارخانه ایجاد کرده‌اند که طی آنها علاوه برکارگران خود تعدادی کارگر ماهر برای واحدهای مشابه نیز تعلیم میدهند.

درمرحله نخست اجرای این برنامه صاحبان صنایع بزرگ ساختمانی— نساجی وفلزی بمنظور تأمین نیروی انسانی ماهرخود به تأسیس مراکز آموزشی جوار کارخانه اقدام کردند و واحد صنعتی «هامارا» ازجمله واحدهای تولیدی است که مرکزآموزشی جوار کارخانه تأسیس کرد

این واحد تولیدی در اوائل سال ۲۵۳۳ شاهنشاهی عملیات ساختمانی مرکز جوار کارخانه خود را آغاز کرد و از نیمه دوم همان سال پس از تکمیل به آموزش اولین گروه کار آموزان پرداخت.

مرکز مذکور که شامل کلاسهای سمعی وبصری و کارگاههای آموزش علمی میباشد در اولین دوره آموزشی خود ۳۴ نفر از کارگران وزارت راه و ترابری را آموزش داد.

کارآموزان مذکور که کارگران و تکنسین های وزارت راه و ترابری بودند در مدت سه ماه درامر رانندگی و تعمیرو نگهداری ماشین آلات راهسازی تحت تعلیم قرار گرفتند و در پایان پس ازموفقیت درامتحان گواهینامه‌های مهارت دریافت داشتند.

کارآموزان درمدت آموزش بوسیله نمایش اسلاید و فیلم با قطعات مختلف ماشین آلات راهسازی آشنا میشوند و اصول تئوری را فرا میگیرند وسپس درمدت دوماه به آموزش علمی و کارگاهی که شامل رانندگی روی ماشین آلات راهسازی و در مراحل بعدی طرز سرویس و نگهداری ماشین آلات است میپردازند.

دومین گروهی که در همان سال(۲۵۳۳ شاهنشاهی) سرگرم کارآموزی دراین مرکز شدند ۶۸ نفراز دانشجویان مجتمع اموزش صنعتی بودند که این افراد نیز در رشته‌های صنایع ساختمانی ومکانیک ماشین آلات سنگین راهسازی وساختمانی تحت تعلیم قرارگرفتند.

اموزش برای این افراد در سطحی عالی انجام گرفت و بدین ترتیب افرادی که ازاین دوره فارغ التحصیل شدند این امکان را یافتند که آموخته‌های خود را بدیگران تعلیم دهند.

در سال گذشته(۲۵۳۴ شاهنشاهی) فعالیت این مرکز درامر صنایع ساختمانی توسعه وطرفین بدرس ان نیرفرونی یافت.

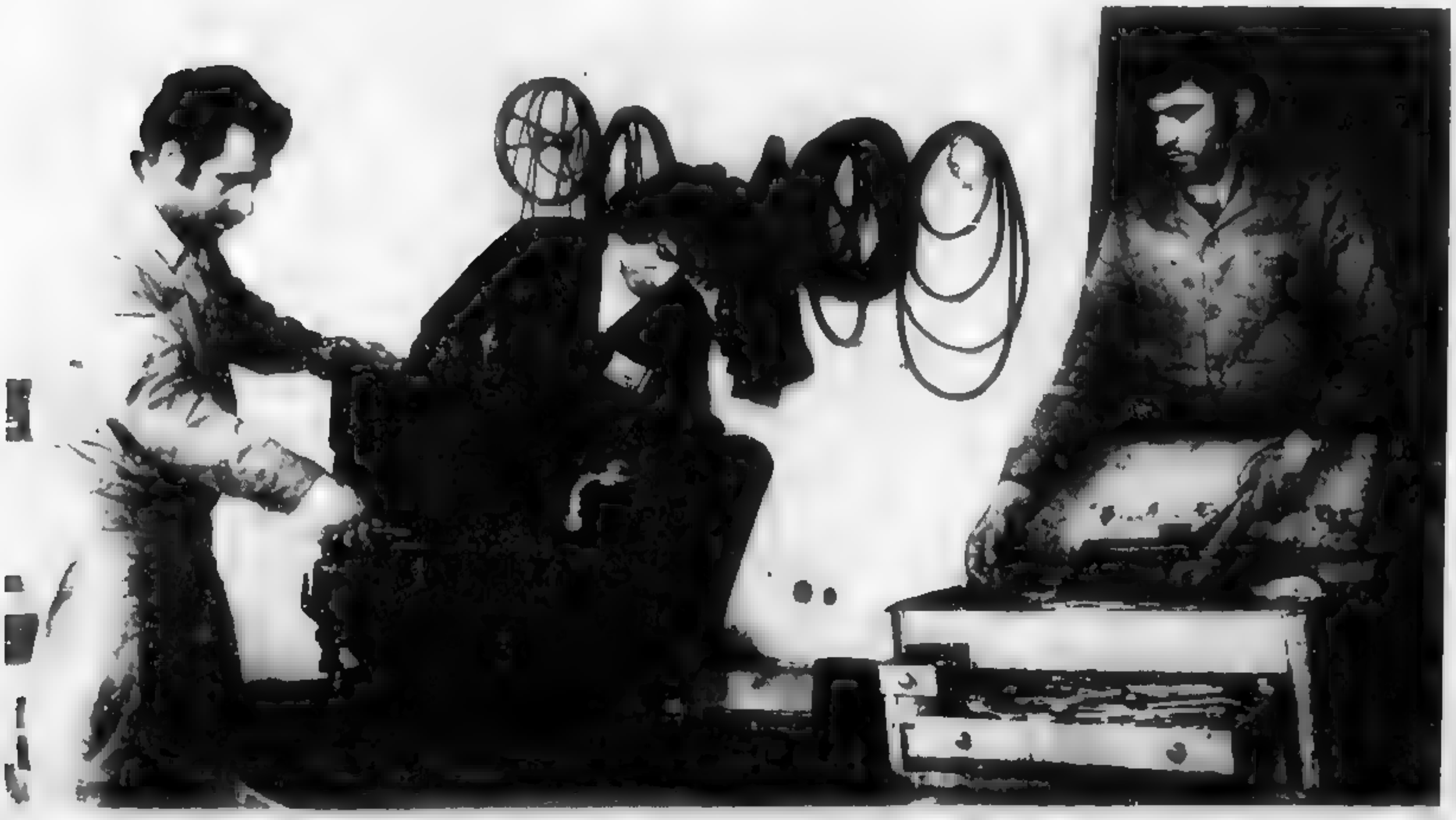

کارآموزان رسته سرویس وتعمیرات ماشین آلات ساختمانی هنگام آموزش

براساس شرایط جدید این مرکز آموزشی، سال گذشته وزارت راه وترابری سه گروه دیگر کارآموزبه این مرکزمعرفی کرد ودرمدت سه‌ماه در رشته رانندگی— نگهداری و سرویس ماشین آلات راهسازی تحت تعلیم قرار گرفته و موفق به دریافت گواهینامه مهارت‌شدند.

بدنبال آموزش کارکنان وزارت راه‌ترابری گروهی از کارگران انبارهای عمومی ایران نیز دراین مرکز تحت‌تعلیم قرارگرفتند.

این گروه که تعدادشان ۳۵ نفر بود درامر رانندگی لیفتراك— تعمیرات ونگهداری آن در مدت ۲ماه مهارتهای لازم را بدست آوردند و موفق بدریافت گواهینامه مهارت دررشته مذکور شدند. علاوه براین عده شش نفردیگر نیز از مکانیسین‌های درجه ۲ انبار مذکور در رشته مکانیک ماشین آلات سنگین راهسازی آموزش دیده ونحوه سرویس و تعمیرات و نگهداری ماشین آلات راهسازی وساختمانی رافراگرفتند.

درسال ۲۵۳۴ شاهنشاهی گروهی از کارگران فنی تعمیرگاه کارخانه کوبانسو که تعدادشان پانزده نفربودند دررشته های ماشین آلات سنگین— موتور—هیدرولیک شاسی وسوخت رسانی تحت تعلیم قرارگرفته و موفق بدریافت گواهینامه مهارت‌شدند.

مدت آموزش این گروه سه‌ماه بود که ۲ ماه آن به‌آموزش کارگاهی ویکماه دیگر به‌آموزش ازطریق سمعی وبصری اختصاص داشت.

این مرکزآموزشی علاوه برآموزش کارگران واحدتولیدی خودو کارگران وزارت راه و ترابری وانبارهای عمومی،گروهی را نیز بصورت داوطلب آزاد در رشته تعمیرات و نگهداری ماشین آلات راهسازی وساختمانی تحت‌تعلیم قرارداد.

در سال گذشته سه‌مربی نیز در رشته ماشین آلات سنگین دراین مرکز آموزش دیده وموفق بدریافت گواهینامه مربی‌گری شدند.

مدت اموزش

مدت اموزش دراین مرکز بستگی به رشته آموزش ونحوه یادگیری کارآموزدارد. متوسط حداقل اموزش در این مرکز یکماه و حداکثر آن ششماه است که باتوجه به رشته مورد آموزش ونحوه یادگیری کارآموز نوسان خواهد داشت.

بیشترین مدت آموزش به کاردر کارگاه وتقریبا یک‌سوم‌آن، به‌آموزش تئوری وسمعی و بصری اختصاص دارد.

نحوه آموزش

همانطوریکه گفته شدآموزش بدو طریق صورت میگیرد : آموزش «عملی و کارگاهی و آموزش «تئوری وسمعی وبصری».

در آموزش تئوری وسمعی وبصری در مرحله‌اول کارآموزان بوسیله وسائل کمک آموزشی مانند نمایش فیلم— اسلاید و قطعات مختلف ماشین‌آلات راهسازی و ساختمانی که‌در کلاس درس وجود دارد با رشته اموزشی خودآشنائی پیدا میکنندوآنگاه در ۲ مرحله دیگرنگهداری وسرویس ماشین‌آلات تعلیم داده میشود و کارآموزان در مرحله کارگاهی وعملی نیز باآشنائی مقدماتی که‌در دوره تئوری بدست‌آورده‌اند، نحوه کارموتور— کلاچ — جعبه‌دنده — سیستم فرمان — دیفرانسیال— سیستم هیدرولیک وطرزنگهداری را فرا میگیرند. اصول خاکبرداری— کندن زمین—بارگیری— کار کردن درشیب —سرعت عمل در کار وآگاهی بااصول ایمنی وآموزشهای دیگر کارآموزان است که‌در مدت کارآموزی به‌آنان تعلیم داده‌میشود.

هزینه‌آموزشی

مرکز مذکور برای آموزش یک‌راننده بولدوزر وماشین‌آلات سنگین یکصدهزار ریال وبرای رانندگی لیفتراك وسرویس ونگهداری آن برای هرنفر چهل‌هزار ریال هزینه متحمل میشود که هزینه‌های فوق پس از محاسبه ازدو درصد حق کارآموزی که باید وسیله کارخانه پرداخت شود کسرو چنانچه اضافه برمیزان دودرصد حق کارآموزی هزینه شده باشد مابه‌التفاوت‌آن رادریافت‌میدارد.

مراکز آموزشی جوار کارخانه دراجرای برنامه‌های خود ازمطالب وجزوه‌های آموزش استاندارد که توسط سازمانهای مسؤول تهیه میشود بهره میبرند.

از اول سال جاری تا کنون دراین‌مرکز حدود پنجاه‌نفر کارآموزدر رشته‌های‌ماشین‌آلات راهسازی وساختمانی آموزش‌دیده وموفق بدریافت‌گواهینامه‌مهارت‌شدند.

هم‌اکنون نیز یک‌گروه دیگر دراین مرکز سرگرم آموزش هستند وبا اجرای برنامه‌های‌عمرانی درکشور ونیاز بکار صنایع ساختمانی،مرکز مذکور خود را آماده ومجهز کرده است تابانیروی‌هرچه بیشتر درامرآموزش کارگران صنایع ساختمانی حداکثر بازدهی را بوجودآورد.

دانش آموزان بعنوان یک نیروی فعال وجوان درواحدهای تولیدی بکار گماشته شدند

درپی اعلام برنامه استخدام فصلی دانش‌آموزان‌واستفاده از این نیرو درواحدهای‌صنعتی وتولیدی‌سراسر کشور—انبوهی ازدانش‌آموزان واجد شرایط به‌مراکز کاریابی و اشتغال‌وزارت کاروامور اجتماعی مراجعه کردندو درمدت کوتاه تعداد زیادی از محصلین واجدشرایط به‌واحدهای تولیدی صنعتی معرفی‌و مشغول بکارشدند.

* طی یک بررسی مشخص شد که‌گروه کثیری از دانش‌آموزان بمراکز کاریابی‌مراجعه‌و کسانی که دارای شرایط لازم بودنداز طریق مراکز‌کاریابی ۵گانه به کارخانجات معرفی و به کار گماردهشده‌اندو عده زیادی نیز در شهرستانهاو از طریق ادارات مربوط به کار اشتغال یافته‌اند.

برای آشنائی بیشتربا نظریات دانش‌آموزان بابرخی ازآنهاو مسؤولین مراکز کاریابی‌سخن گفتیم.

* اسم ، بنی‌اسداحمدی ، ۱۷ساله‌و محصل درکلاس چهارم طبیعی این دانش‌آموز در خصوص برنامه جدید گفت:

— اولین بار است که کار می کنم‌و هیچگونه تخصصی ندارم ،ولی باتوجه به همین موضوع شغلی دریک‌واحدتولیدی بمن داده‌اند.

بنی‌احمد که‌اهل خرم‌آباداست،اضافه کرد: برای استفاده از تعطیلات تابستانی به‌تهران آمده بودم ، ولی بمحض اطلاع از استخدام دانش‌آموزان به‌مرکز کاریابی‌شماره ۲ مراجعه و خوشبختانه کاری مناسب برای تعطیلات تابستان خود پیدا کردم ،واگر بتوانم این کار را برای همیشه ادامه دهم ، تحصیلاتم را نیز ضمن‌آن دنبال‌خواهم کرد.

* شهره کریمخانی‌نژاد ، یکی دیگرازدانش‌آموزان‌خود را چنین معرفی کرد:

— ۱۸ سال دارم‌و درکلاس پنجم‌منشی‌گری درس میخوانم. گرچه تاکنون کار نکرده‌ام ، ولـی در رشته‌های منشی‌گری ، حسابداری ، بایگانی وماشین‌نویسی تخصص دارم.

خانم کریمخانی در پاسخ اینکه انگیزه کارکردن‌برای‌او چیست، پاسخ داد:

— گذشته ازمسئله تأمین و کمک به‌اداره زندگی ، مسئله سرگرمی و کارآموزی برایم مهم است. زیرا این کارآموزی بعنوان یکی‌از مواد دروس دبیرستانی در سال آینده که بایستی دیپلم بگیرم ، ضروری می باشد بنابراین توفیق دراین عمل هدف دوگانه را برایم تأمین خواهد کرد.

از وی پرسیدیم : آیا تاکنون‌موفق‌شده‌ای که کاردلخواه‌خود راپیدا کنی؟

پاسخ داد: البته‌چندباربه‌این مرکزمراجعه کرده‌ام و کارهای مختلفی که اکثر آنها کارهای‌ساده‌بود پیشنهاد کردند ،اما همانطور که اشاره کردم ، چون علاقمندم که دررشته تخصصی خود کار کنم ، بنابراین باید بیشتر جستجو کنم.

گروهی ازدانش آموزان دریکی ازواحد های تولیدی‌وصنعتی

خیابان گردی یا کار؟!

علیرضاغلامی دانش‌آموز دیگری بود که بااو گفتگو کردیم.

وی۱۶ ساله‌است ودرکلاس‌سوم‌متوسطه درس میخواند. او درپاسخ سؤالات ما گفت: این دومین باراست که به این مرکز مراجعه میکنم. قبلا پرسشنامه لازم را تکمیل کردم و مشاغلی هم برایم وجود داشت ، اما منتظرم تا کاری سبک‌بیابم ، زیرا ازلحاظ جسمی قدری ضعیف هستم.

علیرضا انگیزه خود را در مورد این امر ، سرگرمی سالم و کسب تخصص عنوان کرد و گفت:

— به‌نظر من این میتواند یکی از بهترین برنامه‌هائی باشد که برای تابستان دانش آموزان درنظر بگیرند ، زیرا درتابستان‌سالهای گذشته بقدری بلاتکلیف بودم که ممکن بودبه هرکارغیرمفیدی دست‌بزنم.

* دانش‌آموز دیگری بنام سیدمهدی حسینی ۱۵ ساله کلاس دوم نظری اظهار داشت:

— گرچه سابقه ندارم ، ولی بدلیل علاقه، کارسیمکشی ساختمان را یاد گرفته‌ام ودرحال حاضرآماده‌ام تا تخصصهای دیگری کسب کنم.

سیدمهدی اضافه کرد : اولین باری که به‌این مرکزمراجعه کردم ، بلافاصله به یکی‌از واحدهای صنعتی معرفی شدم و کاری در اختیارم قرار گرفت ، ولی بعلت اینکه تخصص در کار سیمکشی دارم قرار است‌دریک شغل تخصصی به کارگمارده شوم ، ومراجعه مجدد من بمرکز کاریابی‌به همین علت‌است.

هدف اورا ازکارکردن‌جویا شدیم ، اظهارداشت : آیا این کارگذشته ازجنبه‌های مادی یا سرگرمی مطلوب و کسب تخصص از بیکاری واحتمالا سرگردان شدن درخیابانها بهترنیست؟

و سپس‌ادامه‌داد :امیدوارم بتوانم شغلی تخصصی بدست آورم وبا هماهنگ کردن تحصیلات‌خود با کارم خدمتگزاری برای‌جامعه صنعتی آینده‌مملکت‌خود باشم.

وی در مورد میزان دستمزد خود گفت : روزی ۲۰۰ ریال با استفاده از سرویس رفت و برگشت وناهارمجانی.

زنان‌فردای‌ایران

مجیدصادقی ، مهدی کلاهی آذر وخانم فاطمه‌صفرزاده ، سه تن دیگر از دانش آموزان بودند که درگفتگوی‌ماشرکت کردند.

مجیدصادقی دانش‌آموز کلاس دوم نظری گفت:

— درگذشته چندماهی در امور مکانیکی کار کردم وعلاقمندم این رشته را دنبال کنم. بدین جهت میخواهم ازاین طریق برای اشتغال درشغل مورد دلخواهم راهنمائی ومعرفی‌شوم.

مهدی کلاهی‌آذر ، دانش‌آموز ششم ریاضی گفت : در تمام مدت تحصیلم هم کار میکردم وهم درس میخواندم وتصمیم دارم این روال راتا پایان تحصیلات عالیه ادامه‌بدهم

مهدی اضافه کرد : همه دانش‌آموزان هموطن ما بااتکاء به قدرت واستعداد شخصی خواهند توانست ضمن انجام کار تحصیلات خـودرا نیز ادامه دهند ، تاعلاوه برتأمین مقداری از هزینه زندگی خانواده ، خودرا برای خانواده واجتماع خویش وفردائی‌مطمئن آماده سازند.

فاطمه‌صفرزاده یکی دیگر از دختران دانش‌آموزی بود که برای یافتن کار ضمن تحصیل مراجعه کرده بود. وی کلاس ششم طبیعی است ودر رشته ماشین‌نویسی تخصص و مهارت دارد.

صفرزاده در باره انگیزه‌اش در مراجعه بمرکز کاریابی‌اظهار داشت :گذشته‌ازمسئله سرگرمی ، به‌دلیل اینکه میخواهم بخود اتکاء داشته باشم ، زیرا تاکنون روی پای خود ایستاده‌ام وهمیشه به‌خودمتکی بوده‌ام.

وی در پاسخ این سؤال که در مورد کارکردن‌زنان‌چه‌نظری‌دارد گفت:

— خوشبختانه بنظرمن هیچگونه اختلافی

بقیه درصفحه ۵۸

بازار کار

۱ــ تخصص مورد نیاز: نصب کننده در و پنجره فلزی
۲ــ تعداد: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه تاها رارزان
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۱۱

۱ــ تخصص مورد نیاز: آلومینیوم ساز کابینت فلزی
۲ــ تعداد: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس، ناهارارزان
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۱۰

۱ــ تخصص مورد نیاز: درو پنجره‌ساز
۲ــ تعداد: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۱۰

۱ــ تخصص مورد نیاز: ماشین و وسایل فنی
۲ــ تعداد: ۱۰ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس، ناهارارزان
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۱۰

۱ــ تخصص مورد نیاز: لوله‌کش ساختمان
۲ــ تعداد: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۱۰

۱ــ تخصص مورد نیاز: [illegible]
۲ــ تعداد: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۱۰

۱ــ تخصص مورد نیاز: خیاط زنانه
۲ــ تعداد: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: زن
۴ــ سن حداکثر: ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت.
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۱۰

۱ــ تخصص مورد نیاز: منشی و ماشین‌نویس
۲ــ تعداد: ۳ نفر
۳ــ جنسیت: زن
۴ــ سن حداکثر: ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: دیپلم
۶ــ شرایط دیگر: دیپلم ماشین‌نویسی
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۱۱

۱ــ تخصص مورد نیاز: برقکاری ساختمان
۲ــ تعداد: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن حداکثر: ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت.
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۸

۱ــ تخصص مورد نیاز: [illegible]
۲ــ تعداد: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن حداکثر: ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: سوم متوسطه
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت.
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۹

۱ــ تخصص مورد نیاز: [illegible]
۲ــ تعداد: ۲ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن حداکثر: ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت.
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، ناهار
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۱۱

۱ــ تخصص مورد نیاز: نقاش پیستوله رنگ‌کار
۲ــ تعداد: ۴ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن حداکثر: ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت.
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۸

۱ــ تخصص مورد نیاز: پرسکار ورق
۲ــ تعداد: ۱۰ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن حداکثر: ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت.
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۵

۱ــ تخصص مورد نیاز: جوشکار [illegible]
۲ــ تعداد: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن حداکثر: ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت.
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۶

[illegible]

۱ــ تخصص مورد نیاز: تلفنچی بیمارستان
۲ــ تعداد: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: زن
۴ــ سن حداکثر: ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: سوم متوسطه
۶ــ شرایط دیگر: تمام وقت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۷

[illegible]

۱ــ تخصص مورد نیاز: انبارداری.
۲ــ تعداد: ۲ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن حداکثر: ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن یا داشتن مدرک ششم ابتدائی
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت.
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۶

[illegible]

۱ــ تخصص مورد نیاز: کارگرساده
۲ــ تعداد: ۱۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن حداکثر: ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت.
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۵

[illegible]

۱ــ تخصص مورد نیاز: تکنسین برق
۲ــ تعداد: ۲ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: ششم متوسطه
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۸

[illegible]

۱ــ تخصص مورد نیاز: کارمند دفتری
۲ــ تعداد: ۳ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: سیکل متوسطه
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۷

[illegible]

۱ــ تخصص مورد نیاز: مرکب ریز ورق
۲ــ تعداد: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: سوم متوسطه
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، ناهار ارزان
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۷

[illegible]

۱ــ تخصص مورد نیاز: تکنیسین ساختمان
۲ــ تعداد: ۱۰ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: دیپلم با تجربه
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۶

[illegible]

۱ــ تخصص مورد نیاز: مونتاژ کار تلویزیون
۲ــ تعداد: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه: ۳۵/۵/۶

[illegible]

۱ــ تخصص مورد نیاز: چرمکار
۲ــ تعداد: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۵/۵

[illegible]

۱ــ تخصص مورد نیاز: فروشنده
۲ــ تعداد: ۵ نفر
۳ــ جنسیت: مرد
۴ــ سن: حداکثر ۳۵ سال
۵ــ تحصیلات: خواندن و نوشتن
۶ــ شرایط دیگر: معافیت یا داشتن برگ خاتمه خدمت
۷ــ محل خدمت: تهران
۸ــ حداقل حقوق: با توافق
۹ــ مزایای شغلی: بیمه، سرویس.
۱۰ــ آخرین مهلت مراجعه ۳۵/۵/۵

بازار کار شهرستانها

[illegible]

۱ــ باطری ساز: ۱ نفر
۲ــ مکانیک اتومبیل: ۲ نفر
۳ــ صافکار اتومبیل: ۲ نفر
۴ــ پرسکار ماشین: ۱ نفر
۵ــ دوشک دوز اتومبیل: ۱ نفر
۶ــ برشکار برق: ۵ نفر
۷ــ نجار فرنگی ساز: ۴ نفر
۸ــ نقاش ماشین: ۱ نفر
۹ــ تراشکار: ۱ نفر
۱۰ــ آلومینیم کار: ۱ نفر
۱۱ــ پرسکار: ۲ نفر
۱۲ــ کارگرساده: ۵۰ نفر

[illegible]

۱ــ متخصص زنان و زایمان: ۲ نفر
۲ــ متخصص پوست: ۲ نفر
۳ــ کارمند: ۶ نفر

[illegible]

۱ــ تکنسین برق: ۲ نفر
۲ــ راننده پایه ۱: ۲ نفر
۳ــ ماشین نویس: ۳ نفر
۴ــ راننده پایه ۲: ۵ نفر

[illegible]

۱ــ کارگرد بیلمه: ۳۰ نفر
۲ــ بافنده: ۵۰ نفر
۳ــ سرویسکار: ۴ نفر
۴ــ ماشین نویس: ۳ نفر
۵ــ کارگر مکانیک: ۴ نفر
۶ــ بنا درجه ۲: ۳ نفر

[illegible]

۱ــ کارگرساده: ۵ نفر
۲ــ تکنسین برق: ۴ نفر
۳ــ راننده پایه یک: ۲ نفر

[illegible]

۱ــ پرسکار کاشی: ۴ نفر
۲ــ نقشه کش: ۴ نفر
۳ــ تلفنچی: ۴ نفر
۴ــ انباردار: ۳ نفر
۵ــ نگهبان: ۴ نفر
۶ــ بافنده: ۲ نفر
۷ــ پرسکار: ۱ نفر
۸ــ نقاش: ۴ نفر
۹ــ پستوله کار: ۱ نفر
۱۰ــ برقکار: ۲ نفر

[illegible]

۱ــ بهیار: ۲ نفر
۲ــ کمک بهیار: ۶ نفر

[illegible]

۱ــ ماشین نویس: ۳ نفر
۲ــ کارگر ساختمانی: ۴ نفر
۳ــ مکانیک عمومی: ۳ نفر

[illegible]

۱ــ کمک بهیار: ۲ نفر
۲ــ خیاط: ۶ نفر
۳ــ حسابدار: ۶ نفر

[illegible]

۱ــ جوشکار: ۶ نفر
۲ــ نجار: ۵ نفر
۳ــ نقشه بردار: ۶ نفر
۴ــ کارگر پستوله کار: ۵ نفر

[illegible]

۱ــ تراشکار درجه یک و ۲: ۱۰ نفر
۲ــ جوشکار: ۵ نفر
۳ــ مکانیک: ۳ نفر
۴ــ بافنده: ۵ نفر
۵ــ خیاط کت دوز: ۱ نفر
۶ــ کارگرساده: ۱۰۰ نفر
۷ــ جوشکار کاربیت: ۵ نفر

[illegible]

۱ــ کارگرساده پرده دوز: ۱۰۰ نفر
۲ــ راننده جرثقیل: ۳ نفر
۳ــ جوشکار لوله: ۱۰ نفر
۴ــ خیاط: ۵ نفر

[illegible]

۱ــ جوشکار: ۴ نفر
۲ــ انباردار: ۵ نفر
۳ــ صندوقدار: ۴ نفر
۴ــ ماشین کار: ۵ نفر
۵ــ نقاش ساختمان: ۶ نفر
۶ــ حسابدار: ۴ نفر
۷ــ ماشین نویس: ۴ نفر
۸ــ لوله کش: ۱۰ نفر
۹ــ نقاش: ۵ نفر
۱۰ــ راننده: ۵ نفر

[illegible]

۱ــ کارگرساده: ۵ نفر
۲ــ انباردار: ۳ نفر
۳ــ باطری ساز: ۶ نفر
۴ــ کارگر چاپخانه: ۲ نفر

علاقمندان و واجدین شرایط میتوانند همه روزه تا مهلت های ذکر شده در تهران به ادارات کاریابی و در شهرستانها به مراکز کاریابی و یا ادارات نیروی انسانی مراجعه نمایند

کمیته‌های حفاظت و حوادث

توسط بازرسان وزارت کار:

کارگاههای خطرناک تعطیل میشود

کارگاههای خطرناک در سراسر کشور از طرف بازرسان وزارت کار و امور اجتماعی تعطیل میشود.

بدنبال بازرسی کارگاهها در تهران و کارخانه‌های سایر نقاط کشور از طریق شبکه بازرسی، ۱۸ کارگاه خبازی - حلاجی - تراشکاری - آبجوسازی و خشکشوئی در آذربایجانشرقی و ۵ کارگاه پنبه پاک کنی و آهک پزی و حلاجی و کفش سازی در شهرستان قم مورد بازرسی قرار گرفت و بعلت خطرناک بودن قسمتهای مختلف آنها از طریق مقامات مربوطه درخواست تعطیل آن بعمل آمده است.

برای اجرای توصیه های حفاظتی هرچه بیشتر کوشش میشود.

کمیته حفاظت و ایمنی کارخانه ویتان با شرکت مسئولان کمیته و حضور کارفرما تشکیل شد.

در این جلسه تصمیمات گذشته مورد بررسی قرار گرفت و قرار شد لوله های انتقال گاز مرتب مورد بازرسی قرار گیرد و همچنین لوله‌های انتقال بخار و کابلهای انتقال برق دقیقاً توسط تکنسین های کارخانه کنترل شود.

نصب کپسولهای آتش‌نشانی در انواع و اندازه‌های گوناگون و شیرآب در نقاط مختلف کارخانه برای مواقع ضروری و همچنین نصب حفاظ برای کلیه دستگاهها و ماشین آلاتی که بدون حفاظ می‌باشند مورد تأکید قرار گرفت.

در این جلسه برای کارگرانی که در انبارهای تخلیه آرد و سایر موادی که تولید گرد و غبار می‌کنند تصمیم گرفته شد که ماسک و عینک تهیه و در اختیار آنان گذاشته شود.

در پایان این جلسه برای تأمین نور کافی در کارگاههائی که روشنائی آنها به اندازه کافی نیست تصمیماتی اتخاذ شد.

با تشکیل اتحادیه‌ها، تشکیلات کارگری؛

بقیه از صفحه ۴۶

شرکتهای تعاونی

«یعقوب خانقاهی» در دنباله سخنان دوست خود اظهار داشت: «همانطور که اشاره شد، اتحادیه ما از آغاز تأسیس فعالیت گسترده‌ای داشت و گذشته از مساعدت و همفکری با سندیکاها بمنظور عقد قراردادهای دستجمعی با کارفرما و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و سود ویژه، گامهای ارزنده‌ای نیز برای تشکیل شرکتهای تعاونی کارگری برداشته است. بطوریکه در حال حاضر کلیه سندیکاهای عضو اتحادیه دارای شرکتهای تعاونی مصرف و یا اعتبار هستند که با سرمایه ای بین دویست هزار تا ده میلیون ریال مشغول فعالیت می باشند.

علاوه بر این اتحادیه در نخستین سال فعالیت خود شرکت تعاونی مصرف کارگران صنایع فلزی ایران را با سرمایه ۵۰ هزار ریال تأسیس کرد. این شرکت در اثر حسن مدیریت و اداره و با کمک و همکاری عموم کارگران عضو و نیز مساعدتهای وزارت کار و امور اجتماعی و سایر سازمانهای مسئول روزبروز راه ترقی و توسعه را پیموده است بطوریکه سرمایهٔ آن از ۵ میلیون ریال تجاوز میکند.

وی افزود: با اینهمه باید بگویم شرکت تعاونی «امکان» که در واقع برای تعاونیهای کارگری شرکت مادر محسوب میشود همفکری و همکاری لازم را با شرکتهای تعاونی ندارد. اگر بخاطر آوریم که شرکت تعاونی «امکان» برای این منظور بوجود آمده است که حداقل مایحتاج تعاونیهای مصرف کارگری را پیش بینی و در اسرع وقت تهیه و به قیمت مناسب در اختیار تعاونیها قرار دهد به عدم موفقیت این شرکت در وظیفه ای که برعهده داشته است بهتر پی میبریم.

*آموزش سیاسی و حرفه‌ای و تشکیل

سید حسین سادات حسینی به مسئله آموزش کارگران اشاره کرد و از آن بعنوان یکی از اقدامات مستمر و ثمربخش اتحادیه یاد نمود و افزود:

«مسئله آموزش کارگران و بالا بردن سطح اطلاعات فنی و حرفه‌ای آنان از جمله مسائلی است که همواره مورد توجه اتحادیه قرار داشته است. اتحادیه کوشیده است از طریق ارشاد سندیکاها برای اجرای برنامه‌های آموزش حرفه‌ای کارگران، سطح بهره‌وری را بالا ببرد و در نتیجه به تقویت بنیه اقتصادی کارگران و افزایش تولید بیفزاید. در کنار آن، آموزش سیاسی و اجتماعی کارگران نیز در نظر قرار داشته، بطوری که مسئولین سندیکاها بطور مستمر آموزش را طی کرده و با برنامه‌های سیاسی و اجتماعی مملکت آشنا شده‌اند تا بنوبهٔ خود مسائل فرا گرفته شده را به کارگران عضو سندیکا تعلیم دهند.»

رستاخیز کارگران:

در مورد تشکیل کانونهای حزبی چه اقداماتی شده است؟»

قاسم گلکار: «اتحادیه صنایع فلز کاربا آگاهی کامل به اهمیت تشکیل کانونهای حزبی در واحدهای کارگری و شرکت گسترده عموم کارگران در فعالیت این کانونها، ابتدا اقدامات اساسی بمنظور آموزش کارگران و شناساندن هدف کانونهای حزبی به آنان بعمل آورد و سپس کانونهای حزبی را با شرکت عموم کارگران و حتی کارمندان و کارآموزان، در واحدهای مختلف صنایع فلزی استان مرکز تشکیل داده است.»

کارگران عضو کمیته حفاظت دوره آموزش اصول حفاظت وایمنی راطی خواهند کرد

کمیته حفاظت وایمنی کارخانجات تولیدی تهران با بحث وبررسی تصمیمات جلسه قبل کار خودرا آغاز کرد و در باره آموزش اصول حفاظتی کارگران وآشنا ساختن آنان با این مسائل تصمیم گرفت.

در این جلسه گفته شد: هم اکنون آموزش مسائل حفاظت وایمنی جهت سرپرستان و مربیان موسسات صنعتی وتولیدی با اهمیت بسیاری روبرو است وهدف از آن این است که سرپرستان و مربیان با پیشرفته ترین اصول حفاظتی وایمنی آشنا شوند تا از این طریق بتوان خطرات احتمالی را بحداقل کاهش داد تا از این طریق قسمتی دیگر در جهت حفظ ثروت ملی برداشته شود. در اجرای این برنامه مهم هم اکنون سعی میشود اینگونه آموزشها جزو سیستم آموزشی کار در آید و با بهره گیری از روشهای جدید وتجربه مربیان کارآزموده هرچه بیشتر کارگران وسرپرستان با اصول حفاظتی آشنا شوند.

در این جلسه همچنین گفته شد با تشکیل جلسات بحث وگفتگو جهت سرپرستان، استادان سرکارگران وبطور کلی کارکنانی که عهده‌دار نظارت بر کار سایرین هستند حوادث و اتفاقاتی که در کارخانه رخ داده است مورد بررسی و نتیجه‌گیری قرار گیرد و بازرسان حفاظت نیز دستورالعمل های لازم را در مورد تدابیری که درصورت بروز حادثه باید اتخاذ شود و نیز تعیین علل دقیق حادثه و همچنین جلوگیری از تکرار حادثه مشابه درآینده بکارکنان تذکر دهند...

پیشگیری و مبارزه با آتش‌سوزی و دقت در کار ماشینها و مطمئن بودن از پوششهای حفاظتی آنها ازجمله نکاتی است که باید مورد آموزش قرار گیرد.

درپایان جلسه درباره آموزش کارگرانی که عضو کمیته حفاظت و ایمنی کارخانه هستند تصمیم گرفته شد که با جدیت و کوشش بیشتر به آموزش اصول حفاظتی و ایمنی آنان اقدام شود.

کارگری به هنگام کار با اسید دچار سوختگی شد

سید فضل الله میرشفیعی کارگر ۲۳ ساله کارخانه جنرال موتورز در اثر بی احتیاطی به هنگام باز کردن ظرف محتوی اسید دچار حادثه سوختگی شد.

این کارگر که در قسمت باطری سازی این کارخانه کارمیکند بدون توجه به اینکه محتوی ظرف اسید دارای گاز حاصل از تکان خوردن میباشد به یکباره درآنرا باز کرد که ناگهان محتوی اسید به ناحیهٔ گردن، سینه، پشت او ریخت و باعث سوختگی عمیقی شد.

این کارگر پس از حادثه بلافاصله به بیمارستان انتقال یافت و تحت مداوا قرار گرفت.

چهل شبانه روز کار مداوم برای تهیه قالب یک یخچال

بقیه از صفحه ۵۱

ازهمین روبود که شبها هم کار میکردم و البته دوستانم نیز در اینکار همراهی بسیاری بامن کردند که ازتمام آنها تشکر میکنم وباید بگویم پس از تهیه قالب چنان خوشحالی و شعف بما دست داد که بطورکلی زحمت ۴۰ شبانه‌روز را فراموش کردیم.

چگونگی تهیه قالب

از ستاری سؤال کردیم برای تهیه قالب چه وسائل وابزاری موردلزوم است؟..

وی گفت: مهمتر ازهمه نقشه ونمونه کار است که تهیه یک قالب را ممکن میسازد و زمانی که نقشه در دست نباشد نمونه کار بعنوان مدل مورد استفاده قرار میگیرد وقالب قطعات باتوجه به نقشه یا نمونه کار ارزیابی و ساخته میشود. البته نمونه فرم باید اول ساخته شود که پس‌از تهیه نمونه فرم بقیه کار در اختیار کارگران قرار میگیرد تا آنرا بپایان برسانند.

پس‌از آماده شدن قالب در دستگاه پرس قرار میگیرد که از این مرحله کارتولید شروع میشود. همچنین ساختن قطعاتی از ماشین آلات که دچارشکستگی میشود بعهده ستاری است که تاکنون بخوبی از عهده آن برآمده است.

آسایش در کنارخانواده

در اینجا صحبت به وضع خانوادگی کشیده شد وستاری اظهار داشت ۲۲ سال است که ازدواج کرده‌ام ودارای دوفرزند هستم که دخترم «ندا» سال‌دوم راهنمائی وپسرم «پیام» اول ابتدائی است.

من در کنارخانواده خود احساس آسایش وراحتی میکنم گرچه باروزی دوازده ساعت کار کردن در کارخانه و باکسالتی که دارم فرصت چندانی پیش نمیاید که در کنارخانواده باشم، ولی همین فرصت کم نیز خوشحالی بسیاربرایم دربردارد.

در پایان این گفتگو به مسائل کارگری پرداختم وازستاری که عمری را در کارخانه‌ها سپری کرده خواستم که‌نظر خودرا در مورد گسترش مالکیت صنعتی وتأثیری که در کارو زندگی کارگران داشته بیان دارد.

وی اظهار داشت آنچه که توسط رهبر دوراندیش وخردمندمان نصیب کارگران ایران شده نویدی برای سازندگی فردا است.

کارگر ایرانی بااستفاده از امکاناتی که در تحقق بخشیدن به آرمانهای انقلاب شاه وملت در اختیار دارد کوشش میکند و بادانش بیشتری که بدست آورده ارزش فرصتها را میداند. اکنون کارگرایرانی بعنوان سرمایه‌دار قلمداد میشود، زیرا مکانی که درآن برای تولید مشغول است تعلق خاطر بیشتری احساس میکند چون خود صاحب جزئی از آن بشمار میاید.

وی سپس ضمن تشکر از تمام کارگران که بااو کارمیکنند آنان رادرانجام وظایفشان ستود وآرزو کرد که روزی هرکدام‌از آنها کارگری موفق ومبتکر تربیت شوند تا بتوانند پاسخگوی‌صنایع کشورمان باشند.

خبرهای کارگری شهرستان

کارگران ذغال سنگ منطقه باب نیزو پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی راگرامی داشتند

جمعی از کارگران و خانواده آنها در مراسم بزرگداشت پنجاه‌سال شاهنشاهی پهلوی.

کارگران و کارکنان شرکت سهامی ذغال‌سنگ منطقه باب‌نیزو با برپائی یک‌جشن باشکوه آئین ملی بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی را گرامی داشتند.

طی این جشن که دو روز برپا بود پیشرفت‌های کشور در طول پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی تشریح شد و چندتن از هنرمندان به‌اجرای برنامه پرداختند همچنین کارگران شرکت سهامی خاص ذغال‌سنگ منطقه باب‌نیزو برای برخوردارشدن از نعمت سواد هرچه بیشتر کوشش میکنند و در این کار از تعلیم حمداله کریمی همکارخود استفاده میبرند.

دوست ما ولی‌اله شهسواری طی گزارشی که برای ما فرستاده یادآور شده است که ۵۵ نفر از کارگران ذغالسنگ منطقه باب‌نیزو در کلاس پیکار با بیسوادی دوره اول شرکت کردند و در امتحان پایان دوره نیز شرکت جستند که نتیجه بدست آمده بسیار موفقیت‌آمیز بوده است‌ونیز این کارگران تا کنون ۱۷ کانون حزبی تشکیل داده‌اند که ضمن شرکت در جلسات این کانونها با مسائل حزبی ومملکتی آشنا میشوند.

رستاخیز کارگران: موفقیت این دوستان عزیز را آرزو میکنیم.

درسمینارنیروی انسانی توصیه‌شد:

برای اشتغال دانشجویان وزنان خانه‌دار اولویت خاصی بوجود آید

***توسعه‌وگسترش آموزش فنی‌عموم مردم‌مورد تاکید‌قرارگرفت**

***گسترش مراکز کاریابی وآماده کردن هرچه‌بیشترنیروی کارتوصیه شد.**

پنجمین سمپوزیوم بررسی مسائل نیروی انسانی پس‌از شش روز بحث وبررسی درمشهد باصدورقطعنامه‌ای بکارخود پایان داد.

سمپوزیوم نیروی‌انسانی طی جلسات خود در مشهد اجرای مفاد قطعنامه‌های کنفرانس انقلاب‌آموزشی رامسر، کنفرانس‌ملی کار و پیش‌بینی‌های برنامه پنجم‌عمرانی کشور در ارتباط باوظائف شاخه‌نیروی انسانی وزارت کار وامور اجتماعی را مورد بررسی قرارداد.

دراین قطعنامه باتوجه بمسؤولیت‌آموزش وتأمین ۵۵۰هزار کارگر ماهر ونیمه‌ماهر امر تأمین کارآموز وترغیب وتشویق جوانان‌برای کسب تعلیمات حرفه‌ای مورد تأکیدقرارگرفت.

باتوجه بمسؤولیتی که‌از نظر آموزش، بکارگماری‌واستخدام‌متخصصان خارجی در ارتباط بانیاز بازارکاروحمایت از نیروی انسانی‌کشور وجوددارد تشکیل کمیته برنامه‌ریزی وهماهنگی مرکب از مدیران کل‌آموزش، صندوق کارآموزی، اشتغال، آمار نیروی انسانی واستخدام اتباع‌خارجی وزارت کاروامور‌اجتماعی توصیه‌شد.

قطعنامه همچنین درجهت رفع کمبودنیاز بازار کار، بویژه در بخش کشاورزی وتجربه‌ای که‌امسال در زمینه بکارگرفتن محصلان بدست آمد، موردتوجه قرارداد وآنرا بعنوان تحول اقتصادی واجتماعی قلمداد کرد ومصراً ازدولت خواسته شدکه باتجهیز مراکزکاریابی و تأمین تسهیلات لازم، امراشتغال محصلین برای پرکردن‌اوقات تعطیلات تابستانی آنها ورفع کمبود نیروی انسانی در بخش کشاورزی موردتوجه‌قرارگیرد.

درارتباط بابرنامه اشتغال زنان بادرنظر گرفتن تجربه سایرکشورها وبررسیهای‌انجام شده در خصوص ارتباط مستقیم سواد وآموزش فنی بااشتغال زنان، توصیه شد مراکز تعلیمات حرفه‌ای امکانات بیشتری در اختیار زنان قرار دهند.

اشتغال پاره‌وقت در جهت رفع کمبود نیروی انسانی مورد نیاز بازارکار موردبررسی قرار گرفت و توصیه شد دراین برنامه‌باشتغال دانشجویان وزنان‌خانه‌دار اولویت خاصی داده‌شود.

بعلاوه برنامه خود یاری فنی که مورد استقبال فراوان خانواده‌ها قرارگرفته وتوسعه آن کمک مؤثری بکاهش تقاضای خدمات فنی‌مینماید،مورد تائید قرارگرفت وتوصیه شد این برنامه علاوه برگسترش در تهران بسایر شهرستانها نیز تعمیم داده‌شود.

بملاحظه ایجاد قطب‌های صنعتی درمناطق مختلف کشورولزوم مراکز خدمات فنی‌وتسهیلات شهری بساکنین مناطق شهری وروستائی، امر تحرك نیروی انسانی ولزوم تنظیم مهاجرت‌ها مورد توجه وتأکید قرارگرفت وتوصیه شد در صورت اشتغال روستانشینان به‌شهرها این برنامه باهمکاری خانه‌های فرهنگ روستائی به‌اجراگذاشته شود.

تعلیمات حرفه‌ای برای دختران مشهد

دوره آموزش تعلیمات حرفه‌ای دختران مشهد آغازشد.

دراین‌دوره ۱۶۰ نفر از کارآموزان دختر معرفی شده ازطرف سازمان زنان ایران در ۱۶ رشته‌مختلف‌حرفه‌ای آموزش خواهندديد.

شرکت دختران دراین دوره آموزشی براساس مذاکره وتوافقی است که چندی پیش بین وزیر مشاور درامور زنان ووزیر کار و اموراجتماعی صورت‌گرفت.

براساس این توافق مقررشد که کارآموزان معرفی شده از سوی سازمان زنان ایران در مرکزتعلیمات حرفه‌ای مشهد تحت آموزش قرارگیرند.

علاوه بر۱۶۰ نفر فوق‌الذکر ۵۰ نفر پسرا ازطرف شرکت‌ملی گازایران به‌این مرکز معرفی شده‌اند که بطور مختلط بادختران تحت‌تعلیم‌قرارمیگیرند.

این مرکز شبانه روزی است ودوره آموزش آن ۶ ماه است و کارآموزان از وسائل تحصیلی وغذا ومحل رایگان استفاده‌میکنند.

کلاس آموزشی برای مسؤولین شرکتهای تعاونی گیلان

یکدوره آموزش تعاون برای اعضای هیأت مدیره شرکتهای تعاونی مصرف کارگران‌استان‌گیلان دررشت تشکیل شد.

دراین دوره که یکصد نفر از نمایندگان کارگران ومسئولان اعضای شرکتهای تعاونی مصرف کارگری استان گیلان شرکت داشتند قانون شرکتهای تعاونی - مدیریت درشرکتهای تعاونی-مفاهیم حسابداری وحسابرسی تدریس شد.

کارگران معدن سرب وروی کوشک سه کانون حزبی تشکیل دادند

کارگران معدن سرب و روی کوشک‌هم‌چون دیگر کارگران کشوردر یک گردهم‌آئی به‌تشکیل کانونهای‌حزبی‌پرداختند.

طی‌یک گردهم‌آئی که ۳۳۳ نفراز کارگران معدن سرب و روی کوشک و مسؤول حزب رستاخیز اداره کار و امور اجتماعی شهرستان بافق ومسؤول تشکیلات حزب‌شرکت‌داشتند، سه کانون‌حزب‌تشکیل‌شد.

در پایان این گردهم‌آئی اعضای هیأت رئیسه سه کانون توسط کارگران بدین شرح انتخاب شدند:

کانون‌شماره‌یک

۱ــ آقای عبداله حاجی‌شیخ ــ رئیس
۲ــ « حسین عزیزی ــ نایب رئیس
۳ــ « محمدمهدی برهانی ــ « «
۴ــ « محمدخانی ــ منشی
۵ــ « سیدعلی میرعلمی ــ «

کانون‌شماره‌دو

۱ــ آقای عباس نارکانی ــ رئیس
۲ــ « محمدعلی فرازی ــ نایب رئیس
۳ــ « حسین برهانی ــ « «
۴ــ « علیمحمد زاهدانارکی ــ منشی
۵ــ « محمدحسین عباسی ــ «

کانون‌شماره‌سه

۱ــ آقای غلامحسین وارسته ــ رئیس
۲ــ « میرسعید میرعلمی ــ نایب رئیس
۳ــ « محمدعلی عسکری ــ « «
۴ــ « علی حیدری ــ منشی
۵ــ « شیرعلی عباسی ــ «

دانش‌آموزان به عنوان یک نیروی فعال و جوان...

بقیه از صفحه ۵۳

بین زنان و مردان که میخواهند کار کنند وجود ندارد.

اگر زنان و دختران با اعتقاد و ایمان و با تکیه بر قدرتهای معنوی و فکری خود بخواهند در اجتماع امروزی فعالیت کنند بسادگی این امر امکان‌پذیر است.

سیستم کاربرد و نحوه استخدام دانش‌آموزان

بعد از گفتگو با عده‌ای از دانش‌آموزان آماده کار در گفت و شنودی دیگر نظر مقامات مراکز کاریابی را جویا شدیم.

آقای قبادی رئیس مرکز کاریابی و اشتغال شماره یک اظهار داشت.

— بعد از اعلام خبر مربوط به اشتغال دانش‌آموزان کشور، با چنان استقبالی مواجه شدیم که تاکنون بی‌سابقه بود.

های لازم و وضع حقوق و دستمزد کارگران بود.

وی در این زمینه اظهار داشت:

— اولویت‌ها و شرایط بستگی به شرایطی دارد که از طرف کارآما پیشنهاد می‌شود، بنابراین باتوجه به این مطلب احتمال اینکه عده‌ای زودتر و برخی دیرتر مشغول کار شوند وجود دارد.

وی در آموزش‌های مقدماتی گفت: گرچه سعی میشود کارهای غیرفنی و ساده به دانش‌آموزان سپرده شود، لیکن کارآمایان ترجیح میدهند که در بدو ورود آموزش‌های مقدماتی و لازم به آنها داده شود. وی سپس اظهار داشت: حداقل و حداکثر دستمزدی که برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شده، رقمی بین ۲۰۰ ریال تا ۳۰۰ ریال می‌باشد. بعلاوه این افراد بمجرد شروع کار، بیمه میشوند و از سرویسهای مجانی و غذای نیمروز استفاده می‌کنند.

نامنویسی دانش‌آموزان برای اشتغال موقت

باتوجه به این استقبال بیسابقه بلافاصله نسبت بمعرفی آنها به واحدهای تولیدی براساس شرایط خواسته شده اقدام شد.

وی اظهار داشت: تاکنون بیش از یکهزار نفر از دانش‌آموزان از طریق این مرکز به کارخانجات معرفی و مشغول کار شده‌اند.

آقای قبادی در مورد شرایط و نحوه استخدام دانش‌آموزان گفت: خوشبختانه برای معرفی و استخدام دانش‌آموزان هیچگونه تشریفات اداری لازم نیست و تنها کافی است وضع جسمانی دانش‌آموز با شرایط کار منطبق باشد. در اینصورت پس از ثبت‌نام و تکمیل پرسشنامه افراد به محلهای کاری که پیش بینی شده‌است، معرفی میشوند.

وی اضافه کرد: باتوجه به این مطلب و فوریتی که در این خصوص وجود دارد، از مرحله مراجعه دانش‌آموز تا زمان اشتغال به کار یک‌روز تا حداکثر ۲ روز بطول می‌انجامد. اما اگر کاری متناسب با وضعیت دانش‌آموز وجود نداشت، کارت نوبت صادر میشود تا در کوتاه‌ترین مدت در اینمورد اقدام شود.

میزان دستمرد و حق بیمه

پرسشهای دیگرمان از آقای قبادی مربوط به اولویت‌های استخدامی، آموزش

رضایت والدین

در پایان این گفتگو سؤال شد. آیا دانش‌آموزان جویای کار بایستی حتماً به مراکز کاریابی مراجعه کنند؟

آقای قبادی در پاسخ این سؤال گفت: البته بیشترین رقم افراد مستقیماً به ما مراجعه می‌کنند و عده کمی نیز از طریق مراکز آموزشی و سازمان پیشاهنگی معرفی شده‌اند. وی با اشاره به پاره‌ای مشکلات یادآور شد این تجربه در سالهای آتی ما را یاری خواهد کرد تا با تدابیر صحیح‌تر و آمادگی بیشتری محلهای کار دانش‌آموزان را شناسائی کرده و بدون هیچگونه اتلاف وقت و در فرصتی کوتاه دانش‌آموزان را به کار مشغول کنیم.

وی آنگاه به مدارک مورد لزوم اشاره کرد و گفت: تنها مدرکی که از دانش‌آموزان دریافت میشود، رضایت کتبی والدین و سرپرستان خانواده می‌باشد.

کاریابی سیار و ثابت

اسفندیار غیاثیان یکی از مسئولان مرکز کاریابی شماره ۲ در قسمتی از گفتگوی خود گفت:

— ما از دو طریق دانش‌آموزان را به واحدهای تولیدی معرفی کرده‌ایم.

یکی از طریق مراکز کاریابی سیار و دیگر مرکز کاریابی ثابت. بدین معنی که دانش‌آموزان پس از آگاهی از خبر استخدام آنها خود مستقیماً به مراکز تولیدی و صنعتی مراجعه کردند، که این خود مشکلاتی را فراهم آورد. به همین منظور و برای رفع هرگونه مشکل عده‌ای از همکاران ما به واحدهای صنعتی مراجعه و در محل کار، بررسی و ارزیابی و سرانجام استخدام دانش‌آموزان را به انجام رساندند و عده دیگری از دانش‌آموزان از طریق مرکز ثابت به واحدهای تولیدی معرفی شدند که تعداد این دانش‌آموزان توسط مرکز شماره دو به ۷۰۰ نفر رسید.

وی در پاسخ سؤال دیگری موضوع کارهای تخصصی را مطرح ساخت و گفت:

— علاوه بر واحدهای صنعتی و تولیدی، با شرکتهای خصوصی و کوچک نیز مذاکره و توافق شده تا عده‌ای از دانش‌آموزان در آنجا مشغول کار شوند.

وی اضافه کرد: بعضی از دانش‌آموزان در جستجوی کار فنی و حرفه ای هستند که در آن سابقه کار دارند و در این میان به‌ویژه دختران دانش‌آموزی هستند که در رشته‌های تخصصی منشی‌گری، ماشین‌نویسی — حسابداری، بایگانی و به طور کلی امور دفتری سابقه کار دارند و علاقمندند که رشته مورد علاقه خود را دنبال کنند. بدین لحاظ سعی کرده‌ایم تا دانش‌آموزان را به رشته‌ی مورد علاقه خود معرفی نمائیم.

ما و شما

«رستاخیز کارگران» که متعلق به کارگران عصر رستاخیز است، هیچگاه از انتشار اخبار و رویدادهای جامعه کارگری غفلت نورزیده و نخواهد ورزید. در این طریق نیز پیوسته راههای مختلفی را جستجو می‌کند تا هرچه بیشتر آئینه افکار، خواست‌ها و خبرهای مربوط به خواهران و برادران عزیز کارگر باشد.

بهمین جهت، جدا از اینکه همیشه اخبار و رویدادهای مربوط به عموم کارگران را انتشار میدهیم، از این شماره برای درج اخبار خصوصی مربوط به خواهران و برادران شریف کارگر ستونی را اختصاص داده‌ایم و در انتظاریم که خبرها و رویدادهای خوش، مانند برگزاری جشن‌های مختلف در کارخانه‌ها و کارگاهها، جشن عروسی، تولد فرزند، و یا خدای‌ناکرده درگذشت همکار خود را برایمان بفرستید تا در این ستون منعکس کنیم.

عروسی

اطلاع یافتیم که آقای محمد حسین زندی کارگر کارخانه سماورسازی شریک زندگی خود را پیدا، دیروز یک مجلس جشن باشکوه پیوند زناشوئی خود را جشن گرفت.

ضمن تبریک به خانواده‌های عروس و داماد آرزومیکنم که این دوست عزیز همیشه خوش و زندگی موفقیت آمیزی داشته باشد.

جشن تولد

علی، فرزند محمد جعفر فتاحی دومین بهار زندگی خود را پشت‌سر گذاشت.

آقای فتاحی که کارگر تراشکار میباشد با برپا داشتن مراسمی دوسالگی فرزند خود را جشن گرفت که در آن جمعی از دوستان و اقوام آقای فتاحی شرکت داشتند. ضمن تبریک به علی کوچولو آرزو میکنم که همچون پدر خود موفق باشد و بتواند جوانی مفید برای جامعه خود بار آید.

قدم نورسیده مبارک

خانم ربابه محمدی کارگر کارخانه سازنده لوازم بهداشتی دومین فرزند خود را بدنیا آوردند.

مولود جدید ریحانه نام گرفته و گرمی‌بخش کانون خانواده خانم محمدی شده است.

تولد ریحانه را تبریک میگوییم و آرزومیکنم که خواهر خوبی برای محمد حسن برادر خود باشد.

حادثه

آقای حاجی سید رضا فقیهی، کارگر ماهر و استاد برق کارگاه ریسندگی شماره ۱ کاشان، در حالیکه از تهران عازم کاشان بود، در راه‌قم به کاشان در حادثه تصادف اتومبیل، جان خود را از دست داد.

همکاران آن مرحوم، با ارسال این خبر ناگوار ضمن تسلیت به بازماندگان، برای آنان شکیبائی آرزو کردند.

کودکان را به بازی دستجمعی تشویق کنیم...

ترجمه : دکتر قاسم قاضی

در بازی است که برای بچه‌ها قسمتهای مختلف یکچیز، یا اختلاف یک شیئی با شیئی دیگر کشف میشود. بوسیله بازی خلاقیت به نتیجه میرسد، شکل‌ها و ترکیبات جدید ساخته می‌شوند افکار و تصورات ذهنی بطور آشکارشکل میگیرند ومشخص میشوند.

فعالیت کودکان همه وسایلی هستند که برای رسیدن به چنین منظوری بصورت بازیهای دسته‌جمعی، ورزش، فعالیتهای خارج ازمدرسه نقاشی سرگرمی‌ها وغیره بروزمیکند.

بتدریج کودک با پاره‌ای ازفعالیتها که کاملا آزاد، مطبوع واختیاری نیستند مواجه میشود، مانند خواندن کتابهای درسی یا حل کردن مسائل حساب و هندسه وتوجه نمودن به پدر و مادر و آموزگار. یک برنامه ایده‌ال، برنامه‌ای است که در آن موضوعات درسی بقدری خوب و حساب‌شده در آن گنجانیده شده باشد که کودکان کاملا متوجه نشوند کدام فعالیت بازی و کدام کاراست. چندین سال پیش یک مربی معروف انگلیسی بنام «آرنولد» در اینباره طرحی را به‌اجرا درآورد، که با موفقیت روبروشد.

این مربی، ضمن اجرای طرح خود، متوجه شد برنامه ایکه درآن ببازی وورزش بیشتر توجه شده باشد، حتی کودکان را بیشتر به رعایت اخلاق واصول اجتماعی پایبندمی‌سازد.

می‌دانیم که مهم‌ترین هدف آموزش و پرورش ابتدائی، آموختن، طرزسخن گفتن وخوب سخن گفتن است که میتوان آنرا هنگامیکه اطفال درباره یک نمایش یا یک فیلم به گفتگو و بحث می‌پردازند، تعلیم داد.

کودکان برای بازی در یک نمایشنامه نیاز دارند که کلمات را یکبیک بشنوند و برای یادگیری کامل کلمات، شاید لازم باشد که مجدداً کلمات را برایشان تکرار کنیم تا حدی که در استعمال و بکاربردن درست آن کلمات، مهارت پیدا کنند. بعضی ازدانشمندان علوم تربیتی، نقاشی و رسم را برای کودکان لازم می‌دانندو آنرا یکی از راههای ارتباط روح وحالات درونی کودکان با دنیای برون میدانند

این دانشمندان معتقدند که نقاشی و رسم، مانند صحبت کردن، یکی از نیازهای طبیعی کودک است وحتی پا را فراتر نهاده وعقیده دارند که نقاشی و رسم وسائل تربیتی هستند که بیش از صحبت کردن و یا نوشتن، بکودک زبان میآموزند.

کودکان باید اهمیت خواندن را ضمن فعالیت دربازی درک کنند وباید خود تشخیص دهند که خواندن چه ارزش بزرگی دارد. مثلا بسیاری ازکودکان تشخیص داده‌اند که کتابهای قصه، خیلی دلپذیر وشادی‌آورند، زیرا هنگامیکه برای آنها خوانده شود. از آن کتابها لذت می‌برند. اغلب مشاهده شده است که کودکان خردسال علاقه دارند حتی قبل از اینکه بخوانند، نامه بنویسند، و اینکار اغلب ضمن بازی‌اتفاق‌می‌افتد. پدرومادر می‌توانند تاریخ، جغرافیا وعلوم اجتماعی را هنگامیکه کودکان خیلی کنجکاوند تا چیزی درباره شهر، مردم، وسایل ارتباطی، کشاورزی و غیره بدانند، بآنها تعلیم دهند. همچنین تمامی این مواد را می‌شود ازطریق نمایش، نقاشی و بازی‌های دسته‌جمعی به کودکان آموخت. همچنین نباید اشیاء جالب و جاهای دیدنی را از نظر دور داشت. بعد از مشاهده و بازدید چنین مکانهائی، کودکان مشتاقانه مایلند اطلاعاتی درباره آنها بدست آورند و درباره آن موضوع‌ها تجربه کسب کنند و افکار خود را غنی سازند. درباره یادگیری حساب و هندسه ازطریق بازی، لازم است به این نکته اشاره کنیم که باید برای انجام دادن‌تمرین‌های حساب و هندسه ودرسهائی ازاین‌قبیل، کودک خود احتیاج به تمرین را دریابد و درک کند که تمرین مهارت را زیاد میکند وکسیکه مهارت داشته باشد، ارزش کارش بیشترمیگردد و در نتیجه یک نوع شعف و رضایت خاطری برایش دست میدهد.

بازیهای تقلیدی، تخیلی ونشانه‌ای

در واقع اطفال به سه راه و روش بازی می‌کنند: آنها در بازی یا تقلید می‌کنند، یا از تخیل خود سود می‌جویند و یا از نشانه‌ها بهره می‌گیرند. اینکه کدام یک ازاین سه روش در یک نوع بازی بیشتر مورد توجه باشد و بکاررود، آن بازی تقلیدی، تخیلی و یانشانه‌ای نامیده میشود. موقعیکه کودک باندازه کافی رشد کرده باشد، با استفاده‌از نیروی تخیل خود، به خلق اشیاء، حیوانات و مردم مبادرت و نیز موقعی که نیروی تقلید کودک باندازه کافی قوی شود، نه تنها دست بتقلید اشخاص حیوانات و اشیاء خواهد زد، بلکه با بکارگرفتن نشانه‌هادرذهن خود، تخیل خود رابیش ازپیش وسعت خواهد بخشید. مثلا دربازی کودکانه، زنبیل نشانه‌یی از اتومبیل است، ودرعین‌حال احتمال دارد کودک از آن به منظور یک مسافرت‌خیالی استفاده کند.

بقول یکی ازروانشناسان، بازیهای‌نشانه‌ای بعداز بازیهای تقلیدی در کودک پیدا شده و بازی‌های تخیلی معمولا همراه بازی های نشانه‌ای ظهورمی کند.

در این مثال می‌توانیم ارتباط بین بازی نشانه‌ای وبازی‌تخیلی رانشان دهیم.

البته آشکار است که موقعی که کودک زنبیل رابعنوان اتومبیل بکارمی‌برد، درعین— حال فعالیت راننده رانیز تقلید می کند و به این سبب نتیجه می گیریم که دربازیهای تقلیدی، تخیلی و نشانه‌ای هر سه‌جنبه بهم آمیخته‌اند و احتمال دارد که یکی ازاین‌سه، بیشتر بچشم بخورد.

هنگامیکه کودکان بمرحله کنترل کامل حرکات بدنی خود نائل میآیند، آنوقت است که آنها بتقلید فعالیت‌های مردم دیگر می‌پردازند. آنها ابتدا تقلید را از پدر ومادر خود شروع می کنند. باین‌ترتیب که اگر فعالیت‌های والدین خود را درخانه تقلید می کنند، پسران کارها و مشاغلی را تقلید می کنند که بیشتر مربوط بمردان است و دختران علاقمندند که فعالیت‌های‌مربوط‌به مادران راتکرار کنند.

مثلا پسرها دوست دارند که نقش بنا دست‌فروش یا مغازه‌دار، خلبان، راننده، پلیس و یا پستچی را بازی کنند، درحالیکه دخترها ذوق فراوان دارند که در نقش مادر و پرستار کارهائی ازقبیل تمیز کردن خانه، آشپزی، شستشو و اطو کردن لباسها و غیره را بصورت بازی انجام دهند.

لازم است به پدرومادرها توجه دهیم که بازیهای تقلیدی نه غریزی هستند و نه‌ارثی، بلکه کودکان اعمال و رفتار مربوط به این بازیها را تحت‌تاثیر خانواده و محیط اجتماعی شان میاموزند. بنابراین اگرسؤالی‌شود که چرا بازی پسرها با بازی دخترها متفاوت است، باید به این نحو پاسخ گفت که به احتمال‌قوی این اختلاف بعلت این سنت است که از پسر رفتار پسرانه و از دختر رفتار دخترانه انتظار می‌رود.

معمولان پدران و مادران نسبت‌به اینکه پسر آنها دستهایش را کثیف، و یا لباسش را پاره کند، بردباری بیشتری دارند، تا آنکه همان عمل از دختر آنها سربزند و از اغلب دخترها چنین انتظار می‌رود که با فعالیتهائی درگیر شوند که آنها را ازکثیف و نامرتب‌شدن باز بدارد.

هنگام مشاهده بازی پسران باین‌نکته برمی‌خوریم که شغل پدرها اغلب در بازی آنها جلوه گری می کند. مثلا کودکی که پدرش لکوموتیوران است، بیشتر توجهش به قطارها، گاراژها و واگنها است. او پل می‌سازد و با قطعات ریل ها و وسایل حمل و نقل راه‌آهن بازی می کند. اما طفلی که پدرش مغازه‌دار است، به تقلید فروش اشیاء و مواد بهمبازیهای خود مبادرت می‌ورزد. همچنین باید یادآور شد که کودکان مطالب زیادی را از معلمان خود درمدرسه تقلیدمی کنند.

آنها دوست دارند که عیناً مثل معلمان و مربیان خود صحبت کنند، بخندند، بخوانند،

بقیه در صفحه ۸۳

از حرکت کند قاطران حکیم باشی

تاکشتی های مج

شکرانه بازو توانا

بگرفتن دست ناتوان است

بشر از زمانی که از پراکندگی و غارنشینی به‌گرد هم‌نشینی و اجتماعی شدن روی آورد، روح معاضدت و مدد کاریش رفته رفته شکل گرفت، تا این که پس از بوجود آمدن خط که نقش بس حیاتی در ارتباط مردم، خصوصاً نقل و انتقال دانستنیها و تجربیات داشت، بشر روح تعاون ومدد کاریش افزونی یافت، تاجائی که در جنگ و صلح به‌یاری یکدیگر می‌شتافتند، چنانچه بارها در نوشته‌های مورخین سخن از این رفته که ایرانیان هنگام جنگ گروهی مدد کار جنگی داشتند که مجروحین، حتی مجروحین دشمن را برای مداوا و کشته‌شدگان را برای آلوده‌نشدن محیط از میدان‌های جنگ بسرعت خارج میکردند... اما این روح مدد- کاری و تعاون تاگذشته‌ای نه‌چندان دور شکل جهانی و به‌گونه‌ای سازمان یافته بخودنگرفته بود... تا این که جمعیت‌های خیریه درسراسر

[illegible] ۴۸

[illegible]

علاوه بر ۱۶ مرکز مخابراتی داخلی جمعیت شیروخورشید سرخ دربیروت— دبی وعمان نیزمراکزمخابراتی دارد.

طبق آمار، سالانه چندین میلیون نفر ازمردم ایران بطورسرپائی دردرمانگاه- های جمعیت شیروخورشیدسرخ معالجه میشوند.

اتومبیل های مجهز به یخچال های مخصوص شیرو خورشید سرخ می توانند خون مورد نیاز را تا دورافتاده ترین نقاط ایران برسانند.

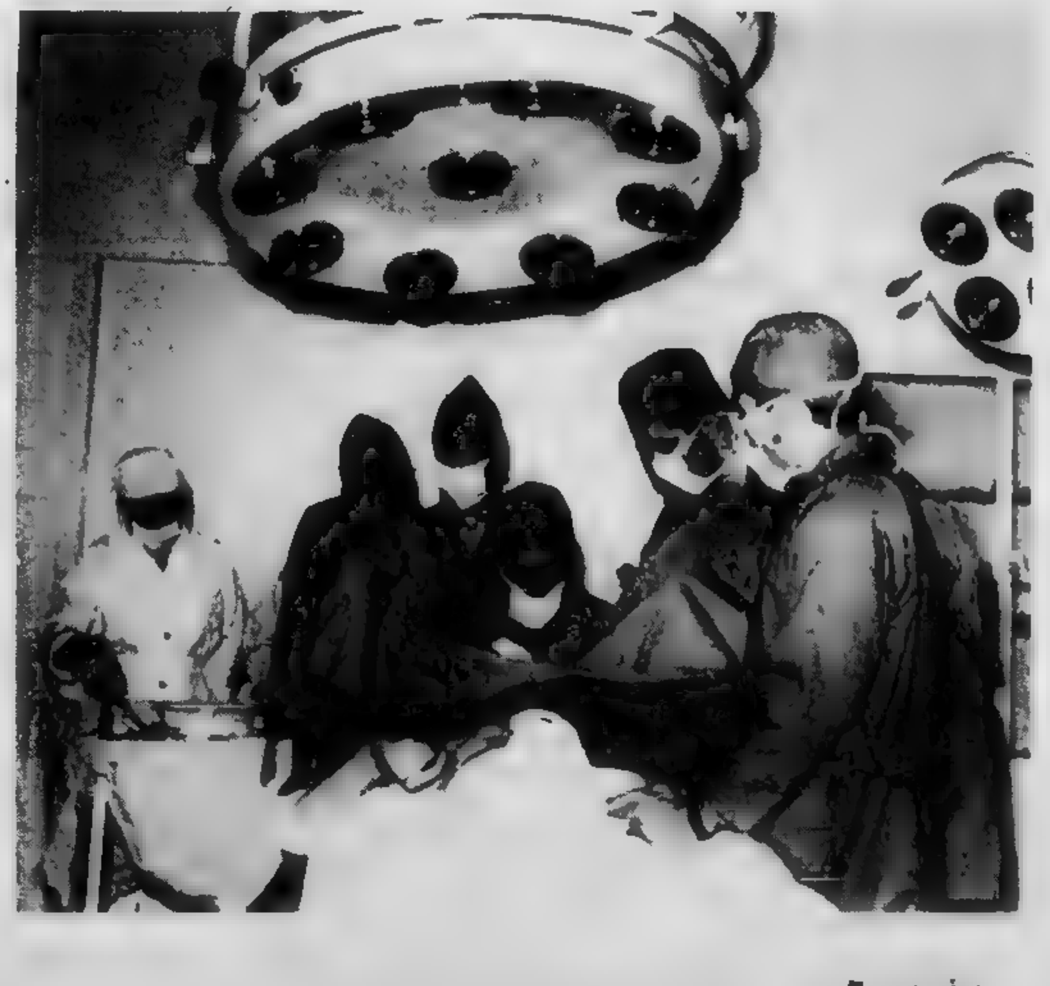

آموزشگاه بهیاری از بدو تأسیس تاکنون ۲۸۶۸ نفر فارغ التحصیل داشته و درحال حاضر ۱۱۹۵ نفر در این آموزشگاه مشغول تحصیل هستند.

جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران در اکثر نقاط ایران آموزشگاه بهیاری دارد

تشکیل دادند.

در ۲۹ اکتبر ۱۸۶۲ میلادی — نمایندگان شانزده کشور جهان، در «ژنو» اجتماع کردند و اولین کمیته اجرائی «صلیب سرخ» را برای حمایت از مصدومان و مجروحان جنگ تشکیل دادند. بنابراین جمعیت‌های دیگری به‌پیروی از این عده تأسیس شد، این جمعیت‌ها گذشته از خدمات شایان توجه در زمان جنگ، فعالیت خود را در زمان صلح نیز براساس ضوابط و مقررات ویژه‌ای ادامه‌میدهند.

در زمینه نحوه‌فعالیت و اهداف این جمعیت‌های خیریه لازم به‌یادآوری است که براساس علامت شیر خورشید سرخ را بعنوان علامت جمعیت‌ملی خود به اتحادیه جهانی صلیب‌سرخ معرفی کرده بود لیکن تا آن تاریخ عملا اقدامی درزمینه تأسیس شیروخورشید سرخ بعمل نیامده بود، بلافاصله پس‌ازتأسیس جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران در سال ۱۳۰۲ مراتب رسماً بکمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ اعلام‌گشت و پیرو آن از جانب کمیته مزبور این جمعیت بکلیه جمعیتهای صلیب‌سرخ و هلال‌احمر در سراسردنیامعرفی گردید.

باگذشت ۵۳ سال از خدمت شیر وخورشید سرخ در سطح ملی و بین‌المللی در حال حاضر این جمعیت با داشتن ۵۵ شعبه درسراسر کشور وسیع امدادی ازقبیل وسایل حمل ونقل زمینی و هوائی مراکزمتعدد مخابراتی درداخل وخارج کشور، وسایل اولیه زندگی و غیره بکمک آنان میشتابند.

برای شناخت بیشتر خدمات امدادی جمعیت شیروخورشید سرخ ایران نخست‌مروری درکیفیت و نحوه‌فعالیت این سازمان می نمائیم.

بنابر مقررات موجود خدمات امدادی جمعیت شیروخورشید سرخ ایران در دو مورد زیر انجام‌میگیرد:

الف: خدمات امدادی مربوط بزمان‌جنگ: اساسنامه جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران در ماده یازدهم — میگوید: درموقع جنگ جمعیت

هر بیمارستانی

جهان و درشاخه‌های گوناگون‌شروع به‌فعالیت گسترده و سازمانی کردند، خدمات ارزنده و شایان توجه این جمعیت‌ها بطورمسلم دربهبود کیفیت زندگی افراد بی‌شماری نقش اساسی دارد، آنهائی که به‌گونه‌ای از ناگواری‌ها آسیب دیده‌اند و یا آنهائی کم‌محروم ازمواهب هستی دست نیاز بسوی این جمعیت‌ها دراز می کنند...

در اینجا سخنی کوتاه داریم از سرگذشت جمعیت‌های صلیب‌سرخ — هلال‌احمر و سخنی تا حدامکان درباره جمعیت شیروخورشید سرخ ایران.

«هانری دونان» پیشگام این نهضت بزرگ جهانی، مردی از اهالی «ژنو» بود و بشغل تجارت اشتغال داشت. وی درروز بیست‌وچهارم ژوئن سال ۱۸۵۹ زمانی که سیصدهزار سرباز فرانسوی و اطریشی، درحوالی «سولفورینو» مشغول جنگ بودند، برای کارهای تجارت و گرفتن تأسیس آسیاب در «الجزیره» به‌قصد ملاقات «ناپلئون‌سوم» بشهر«وستیگلیون» در چهار کیلومتری «سولفورینو» سفرمیکرد، اتفاقاً گذار وی به‌میدان جنگ خونینی که در این منطقه بین فرانسه‌واطریش جریان داشت افتاد، جنگی که پس از پانزده ساعت ازشروع آن، چهارصد هزار کشته‌وزخمی برجای گذاشته بود.

دیدن صحنه‌های دلخراش و وضع رقت‌بار سربازان زخمی، «هانری» را سخت تحت تأثیر قرارداد، تاجائی که بیدرنگ دست بکار کمک به‌زخمیها شد، وچنان دراین کارغرق شد که ملاقات «ناپلئون سوم» را فراموش کرد. «هانری» با پرچمی سفید درمیان کشتگان و زخمی‌ها براه افتاد و درهمان هنگام فکرایجاد یک اتحادیه مقدس بین‌المللی برای کمک به‌آسیب‌دیدگان جنگ در وی بوجود آمد..

«هانری» که درآن کشت و کشتار سخت تحت تأثیر وجدان انسانی خود قرار گرفته بود، درسال ۱۸۶۲ میلادی یعنی صدوچهارده سال پیش، خاطرات غم‌انگیز خود را در کتابی بنام یادبود «سولفورینو» نوشت و ضمن تشریح صحنه‌های دردآور جنگ و لزوم ایجاد یک اتحادیه مقدس و بین‌المللی که در هنگام ضرورت بکمک زخمی‌ها ومصدومان اقدام کند، یادآورشد.

پس ازانتشار کتاب «هانری» انسانهای بشر دوست ونیکوکاران زمان، بگردهم آمدند و درژنو یک انجمن پنج نفری برای پشتیبانی از پیشنهادها و نظریه‌های «هانری دونان»

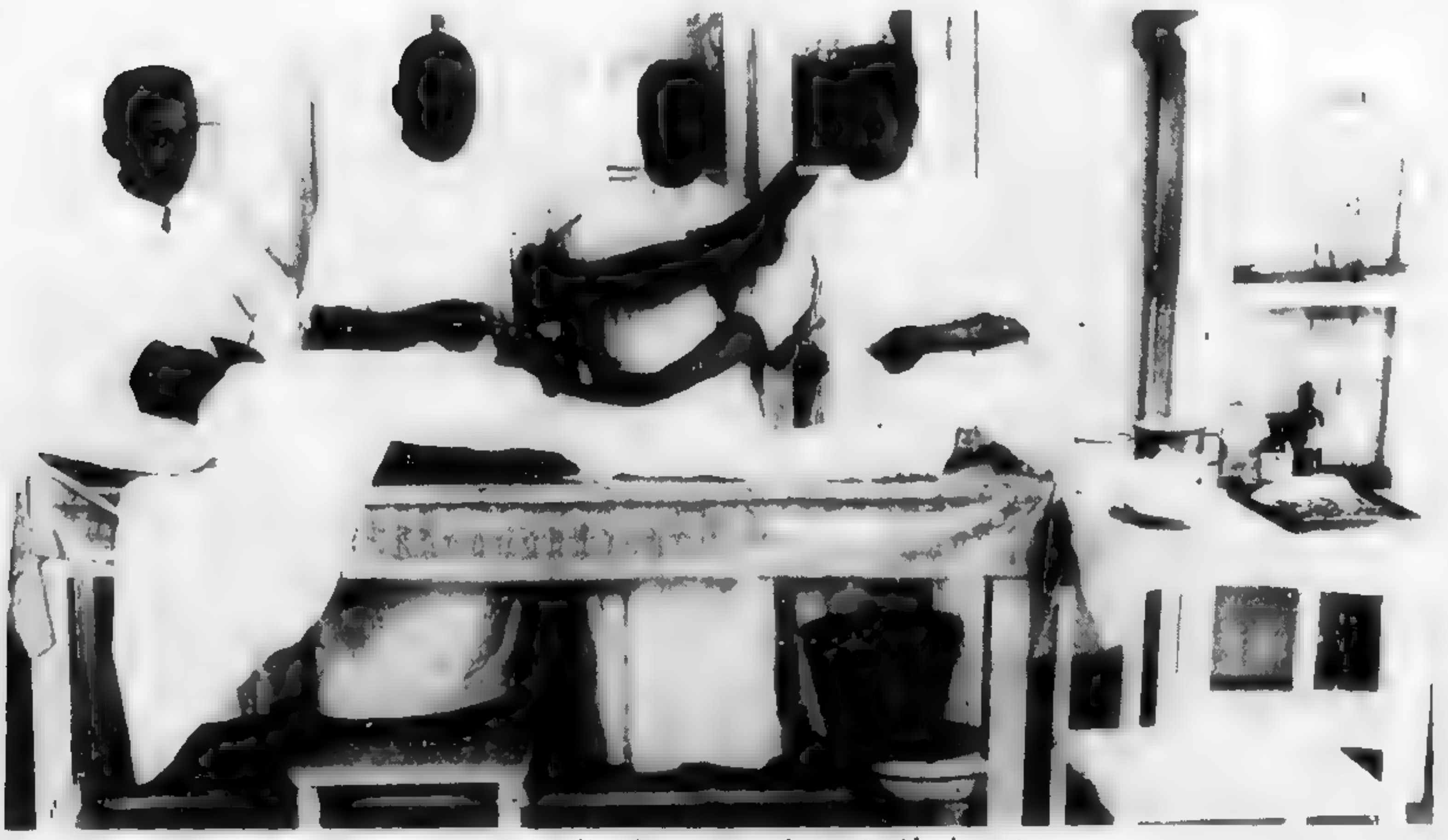

نمونه‌ای ازتخت جراحی دیروز با ابتدائی‌ترین وسیله

قراردادهای «ژنو» جمعیت‌های صلیب‌سرخ — هلال احمر و شیروخورشید سرخ چهار وظیفه اصلی برعهده دارند که‌عبارتنداز:

۱ — امداد به آسیب‌دیدگان حوادث و سوانح

۲ — تربیت جوانان برای انجام وظایف نوع دوستانه و اجرای وظایف مربوط به امور صلیب‌سرخ، هلال‌احمر و شیرو خورشید سرخ

۳ — خدمات‌بهداشتی، تربیت پرستار برای یاری بیماران ونیازمندان

۴ — انتقال خون و خدمات درمانی که بستگی مستقیم با حیات انسانهای نیازمند دارد.

جمعیت شیر وخورشید سرخ ایران علاوه براجرای این چهاروظیفه درامر درمان بهداشت وفعالیتهای داوطلبانه، نیز خدمات گسترده‌ای انجام‌میدهد که بجای خود ازآنها سخن‌خواهیم گفت. جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران در پنجم مرداد سال ۱۳۰۲ شمسی در پیشگاه اعلیحضرت رضاشاه کبیر درکاخ گلستان و با ریاست‌عالیه معظم‌له، رسماً تأسیس ونخستین هیئت‌مدیره آن تشکیل یافت‌گرچه در سال ۱۲۵۳ شمسی دولت ایران قراردادهای ژنو را پذیرفته و بدنبال آن در سال ۱۲۸۱ شمسی

و با برخورداری از عنایات ویژه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و تحت ریاست‌عالیه والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی نه‌تنها در داخل کشور بلکه درسطح بین‌المللی خدمات چشم‌گیر خود را ادامه میدهد و بعنوان نماینده روح انساندوستی و خیرخواهی ملت ایران بکمک ابناء بشر میشتابد. براساس مندرجات اساسنامه‌جدید مصوب هفدهم مهرماه یکهزارو سیصدو پنجاهوسه، فعالیتهای این جمعیت در چهارمورد: جوانان — داوطلبان — امداد — درمان انجام میگیرد البته مسأله تربیت پرستار و انتقال خون درکنار امر درمان قرار دارد. برای آشنائی بیشتر با فعالیتهای این‌جمعیت درزمینه هرکدام ازوظایف آن توضیح مختصری خواهیم‌داد.

۱ — امداد به آسیب‌دیدگان — که اصول بنیانی جمعیتهای خیریه برمبنای کمک به نیازمندان و بطور اعم آسیب دیدگان حوادث گوناگون میباشد. آن هنگام که بلایای ارضی و سماوی بی‌امان برهستی مردم میتازند‌امدادگران این‌سازمان کوشش بیدریغ خود را برای نجات آسیب دیدگان آغاز میکنند و با داشتن امکانات

شیروخورشید سرخ ایران سمت معاونت بهداری ارتش را خواهد داشت و خدمات خود را بشرح زیرانجام خواهد داد.

— اشتراک مساعی با بهداری های نیروهای مسلح شاهنشاهی و نیز همکاری با سازمان جهانی صلیب سرخ در اجرای قراردادهای بین‌المللی، مصوب دولت‌شاهنشاهی ایران

— بهبود وضع مجروحین و بیماران در نیروهای مسلح هنگام اردوکشی،

— بهبود وضع مجروحین و بیماران وغریقان نیروهای‌مسلح دردریاچه ها،

— امورمربوط، به اسیران جنگی

— حمایت افراد کشوری در زمان جنگ،

— خدمات ملی و بین‌المللی که ازطرف دولت‌شاهنشاهی ایران با سازمان جهانی صلیب سرخ درحدود امکانات ازجمعیت خواسته شود.

ب: خدمات امدادی مربوط بزمان صلح و هنگام بروزحوادث وسوانح که عبارت خواهد بوداز:

۱ — کمکهای اولیه و امداد درمانی

لطفاً ورق بزنید

کارنامه پنجاه سال افتخار

فراموش کرد . بیرون کشیدن زنده ها از زیر آوار که با دستگاههای زنده یاب انجام میگیرد و رسیدگی فوری وسریع بوضع آنها باعث میشود که درصد مرگ چنین حوادثی کاهش یابد.

امدادگران آزموده جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران برای اجرای دقیق اولین مرحله کمکهای امدادی یک گروه ۲۵ نفری تحت عنوان گروه پیشرو در اختیار دارد . امدادگران گروه پیشرو قادرند در هر ۴۸ ساعت ۱۰۰۰ نفر آسیب دیده را اسکان دهند و آنان را از نظر لباس ، دارو ، درمان و بطور کلی تمام وسایل اولیه زندگی تامین نمایند . البته گروه پیشرو در امر جمعیت شیروخورشید سرخ ایران چگونه میتواند در اسرع وقت وسایل اولیه زندگی را برای آسیب دیدگان فراهم نماید . سازمان امداد در ۴۴ نقطه از کشورمان انبارهای مجهز امدادی دارد که پراکندگی آنها متناسب با حادثه خیز و آسیب پذیر بودن منطقه میباشد. در پیش آمد حوادث انبارهای امدادی منطقه با داشتن چادر ، پتو ، خواربار ، پوشاك ، دارو وغیره آمادگی استقرار اردوگاههای لازم را دارد . چنانکه شدت حادثه بمیزانی باشد که انبارهای امدادی منطقه قادر به جوابگوئی نباشد بلافاصله سازمان امداد مرکز کل فعالیت خود را آغاز میکند . و با دریافت نخستین پیام در زمینه تقاضای کمک شروع به عملیات ویژه‌ای می‌نماید . بنابراین سرعت تماس در اینجا نقش اسلسی دارد این مهم را ۴۰ مرکز مخابراتی جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران که در نقاط مختلف مستقر و مجهز به جدید ترین وسایل مخابراتی هستند بخوبی انجام میدهند . علاوه بر ۴۰ مرکز مخابراتی داخلی ، جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران در بیروت دبی و عمان نیز مراکز مخابراتی دارد .

کامیون‌های بسیار بزرگ کارحمل چادر و پتو و وسایلی ازین قبیل را بعهده میگیرد و در مواقعی که بسبب شدت حادثه منابع آب آشامیدنی در نقاط آسیب دیده قابل

ازحرکت کندقاطران حکیم باشی تا کشتی های مجهز بیمارستانی

نمونه‌ای از آمبولانسهای دیروز

امروزه بیمارستانهای ایران به مدرنترین دستگاههای جراحی مجهز می‌باشند

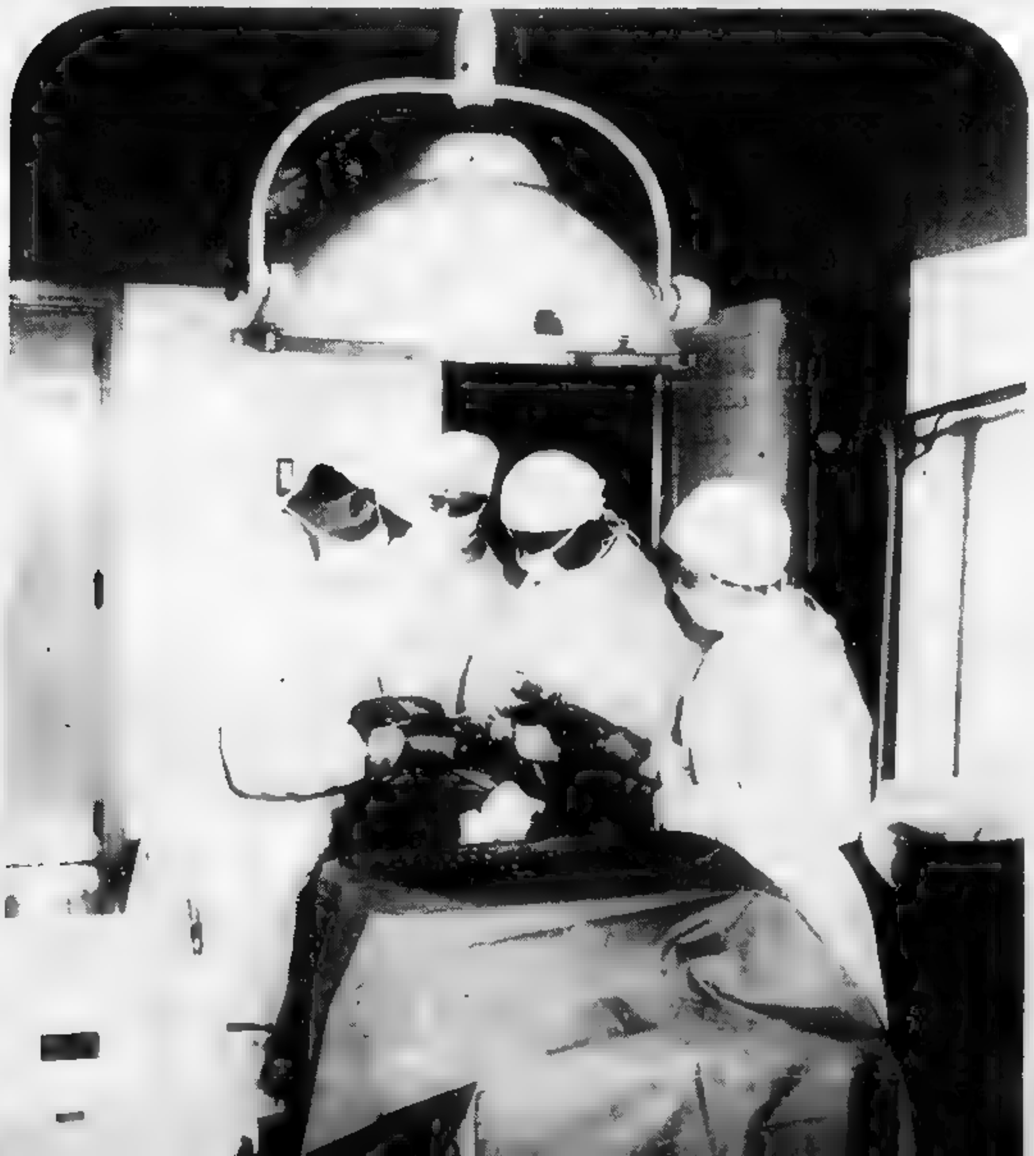

عوامل سازمان امداد در پیش‌آمد حوادث از قبیل زلزله — سیل — آتش سوزی های عمومی — قحط و بیماریهای واگیر و نظایر آن با برقراری پست های درمانی و اعزام پزشکان و پرستاران و کارکنان فنی و عنداللزوم با نصب بیمارستانهای سیار صحرائی و در صورت شدت صدمات با تامین وسایل انتقال مصدومان و بیماران به نزدیکترین و با مجهزترین بیمارستان ، آسیب دیدگان را یاری میکنند . همکاری با وزارت بهداری و بهزیستی در پیشگیری و مبارزه با بیماریهای واگیر که ممکن است پس از وقوع حوادث در مناطق آسیب دیده پیدا شود ، یکی از مهمترین مسایل امدادی در حوادث است . بی شک در این قبیل حوادث مرگ و میر احشام و قرار گرفتن انها در مسیر آبهای آشامیدنی ، با جراحات شدید که در اثر فرو ریختن آوار بر روی افراد بوجود میاید و بطور کلی آلودگی محیط زیست ازین طرق شیوع سریع و فراوان بیماریهای عفونی را بدنبال خواهد داشت.

توجه باین موضوع که خود مهمتر از وقوع هر حادثه‌ای است و در صورت عدم رسیدگی فاجعه‌ای دیگر به بار میاورد اهمیت بهسازی محیط زیست و پیشگیری از بیماریهای واگیر را در کنار کمکهای امدادی و درمانی جلوه گر میسازد و البته نقش سرعت را در این عملیات نباید نجات آسیب دیدگان نجات زندگی کسانی را که شدید تر آسیب دیده‌اند در درجه اول اهمیت قرار میدهند . در ۴۸ ساعتی که افراد گروه پیشرو مشغول فعالیت هستند گروه نجات متشکل از ۱۵۰ نفر امدادگر خود را بمحل میرسانند و بدین ترتیب کار رسیدگی کلی بوضع آسیب دیدگان آغاز میشود . گروه نجات قادر است در هر ۴۸ ساعت ۵۰۰۰ نفر را اسکان دهد . لازم به یادآوری است که منظور از اسکان آسیب دیدگان تامین کلیه وسایل اولیه زندگی برای آنان است . نصب چادر ، تامین آب ، تغذیه بهسازی محیط ، تامین بهداشت فردی و محیطی — تامین لباس و رسیدگی بوضع مجروحین و کمکهای روانی از نظر تقویت روحی آسیب دیدگان از جمله این عملیات است یادآور میشویم که هر ۴ نفر امدادگر میتوانند در روز ۴۵ دستگاه چادر بر اساس ضوابط و مقررات اردوگاهی برپا و آماده استفاده نمایند .

۲ — تامین مسکن موقت و وسایل اولیه و ضروری زندگی ، از قبیل خواربار و پوشاك برای آسیب دیدگان درصورتیکه بر اثر حادثه این وسایل و یا قسمتی ازآنرا ازدست داده و خود قادر به تهیه و تامین فوری آن نباشند . دراینجا این سئوال پیش میاید که سازمان امداد

بمنظور تأمین درمان و بهداشت، در بنادر و جزایر خلیج فارس، جمعیت شیروخورشید سرخ ایران اقدام به خرید یک کشتی بیمارستانی نموده است. این بیمارستان پنجاه تخت خوابی و مجهز بکلیه وسایل است. این کشتی بیمارستانی در یک مأموریت سه ماهه ۳۵۰۰۰ نفر از اهالی بنادر و جزایر خلیج فارس را مورد معالجه و مداوا قرارداد.

نمونه‌ای از آمبولانسهای مجهز امروز

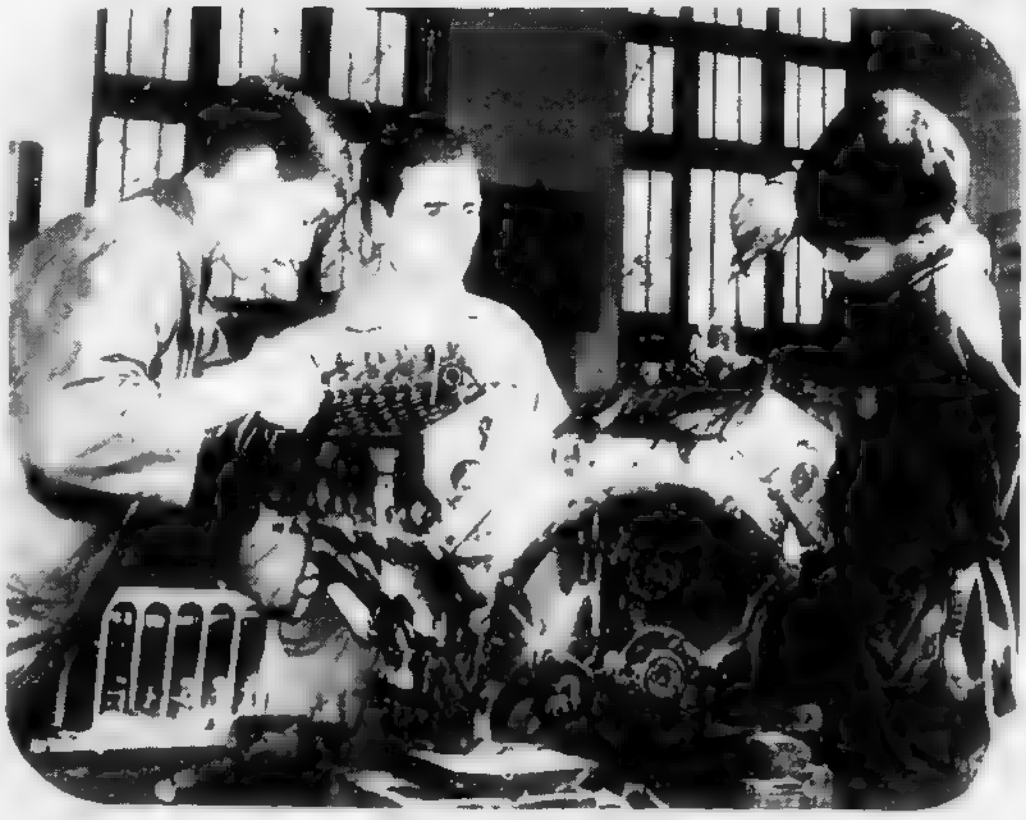

یکی از کارگاههای مکانیکی

استفاده نباشد دستگاه های تانکر آب کش که هر کدام ظرفیت ۵۰۰۰ لیتر آب دارند بمحل حادثه روانه و آب مورد لزوم اهالی را تامین میکنند و البته یک واحد دستگاه تصفیه آب آشامیدنی در چنین مواردی همراه تانکرهای آب کش میباشد برای تامین غذای آسیب دیدگان در صورتیکه خود آنها تا مدتی قادر به تهیه غذا نباشند ۳ دستگاه آشپزخانه سیار صحرائی و کوهستانی بزرگ بظرفیت ۲۷۰ نفر در هر ۲ ساعت و ۴ دستگاه آشپزخانه کوچک بظرفیت ۷۰ نفر در هر دو ساعت کار تغذیه اهالی منطقه را عهده‌دار میشوند.

سازمان امداد مرکز کل با استفاده از یکدستگاه موتور ژنراتور برق، برای موارد ضروری برق لازم را نیز تولید می‌نماید. آمبولانس های کوهستانی اونی‌موک که هر کدام ظرفیت حمل ۴ بیمار را دارد در سخت‌ترین و ناهموارترین راهها مجروحان را بمراکز درمانی و بیمارستانهای صحرائی منتقل میکند.

البته ۳۰ دستگاه آمبولانس مجهز دیگر نیز آماده خدمت به آسیب‌دیدگان است.

۳ — سعی در تقویت روحیه آسیب‌دیدگان بوادار کردن آنان بکار و تلاش و کوشش برای ترمیم وضع خود. باتوجه به کیفیت روانی که در اثر حوادث عارض اهالی منطقه میگردد. یکی از مهمترین مسائل امیدوار کردن آنها بزندگی و سعی در تسکین آلام روحی آنان است از دست‌دادن افرادی از خانواده یا اهتمام با زندگی و بهر طریق خساراتی که سوانح ببار میاورند در اکثر مواقع امید بزندگی را از آسیب دیدگان سلب میکند. امدادگران سازمان امداد در چنین مواردی بیاری نیازمندان می‌شتابند.

۴ — مدت ادامه از هنگام‌وقوع حادثه و به تناسب شدت و وسعت آن از طرف سازمان امدادمرکز کل جمعیت تعیین خواهد شد و کمکهای امدادی و درمانی تا بهبود کامل مصدومان و بیماران آسیب‌دیده‌ادامه خواهد یافت. براساس مقررات حداکثر این مدت سه ماه استرلیکن بنابه تشخیص مسئولان امور امدادی جمعیت خدمات امدادی تا هرزمان که لازم باشد انجام خواهد گرفت.

سازمان امداد جمعیت شیروخورشید سرخ ایران از بدوتاسیس منشاء خدمات بیشماری در پیش آمد حوادث و سوانح بوده است. درحوادثی از قبیل زلزله قیروکارزین، زلزله بوئین زهرا، زلزله گناباد، زلزله لارپاسیل خوزستان و قوچان کیفیت بسیارعالی خدمات امدادی جمعیت شیروخورشید سرخ ایران نشانگاه توانائی سازمان امداد این جمعیت است بعنوان مثال در زلزله خراسان بالغ بر ۸۰ هزار نفر در ۱۲۰۰۰ چادر اسکان داده شدند و زندگی آنان از هر نظر تامین گردید. یا درمورد مساله پناهندگان کرد که جمعیت شیروخورشید سرخ ایران با استقرار ۱۲ اردوگاه درسه منطقه جمعیتی‌بالغ بر ۲۷۰۰۰۰ نفر را از هر نظر اداره کرد و مفتخر به تشویق ازجانب شاهنشاه آریامهر گردید. مهمترین مساله امور امدادی نیروی انسانی امدادگراست که کلا از میان جوانان کشور چه آنانی که عضو سازمان جوانان شیروخورشید سرخ هستند و یا به صورت آزاد داوطلب فراگیری امداد میباشند انتخاب و تحت تعلیم قرار میگیرند. براساس طرح مشترکی که بین سازمان جوانان و سازمان امداد جمعیت شیروخورشید سرخ ایران مورد اجراست جوانان داوطلب‌امور امدادی تعلیمات لازم را فرا میگیرند و برای موارد لزوم آماده میشوند. آموزش کمکهای نخستین، بهداشت محیط و تغذیه، کوهنوردی نقشه برداری و نقشه خوانی، شناسائی انواع آتش‌و آتش نشانی — تاریخچه صلیب‌سرخ، تقویت روحی افراد، ایمن‌سازی انسان در برابر بیماریها و عفونت ها، آمارگیری و انواع حملها و ساختن وسایل حمل بیمارجزءتعلیماتی است که امدادگران در دوره آموزشی‌خود می‌بینند البته چنانکه افراد متخصص در بین امدادگران باشند با مخارج جمعیت بآموزش هرچه بیشتر تخصص خود ادامه میدهند و آماده خدمت میگردندبعنوان مثال آموزش چتربازی را میتوان نام برد. در مواقعی که ورود بمنطقه آسیب‌دیده از راه زمین امکان پذیرنباشد هواپیما ها و هلیکوپترهای جمعیت و امدادگران چترباز از راه هوا عملیات خود را آغاز میکنند.

در حال حاضر سازمان امداد جمعیت شیروخورشید سرخ ایران ۷۹۵ امدادگر آماده بخدمت در تهران و شهرستان دارد که ازین عده ۹۰ تن از سپاهیان انقلاب هستند.

۲ — درمان

براساس قراردادهای ژنو که امور درمانی وبهداشتی را بعنوان یکی ازشاخه های خدمات جمعیتهای خیریه صلیب سرخ، هلال احمر و شیروخورشید سرخ معین میکند و نیز با توجه به اساسنامه جمعیت شیروخورشید سرخ ایران که درمان را جزء اهداف چهارگانه این جمعیت بشمارمیاورد جمعیت شیروخورشید سرخ ایران در سراسر کشور و در مقیاس بسیار وسیع کار درمان بیماران و نیازمندان را عهده‌دار است.

مطابق بند ۳ ماده هشتم اساسنامه این جمعیت خدمات درمانی شامل ایجاد واداره مراکز درمانی و بیمارستان، و مراکز انتقال خون و آموزش و تربیت پزشکان وتکنیسینها و ماماها و پرستاران و بهیاران و کارشناسان مورد نیاز رشته‌ها مختلف درمانی و سایر نیازمندیهای خدمات مزبور میباشد.

جمعیت شیروخورشید سرخ ایران در اجرای مفاد این اساسنامه اقدام به تأسیس بیمارستانها، درمانگاهها مراکز انتقال خون، مدارس پرستاری و بهیاری و مامائی و وغیره نموده است که به ترتیب از آنها سخن، میگوئیم.

بیمارستانهای امدادی جمعیت.

این بیمارستانها که توسط جمعیت شیرو- خورشید ایران ساخته شده است درمجموع ۷۱ واحد بیمارستان امدادی ۱۷ واحد بیمارستان مخصوص زنان میباشد. این بیمارستانها که قبل ازصدورفرمان‌واگذاری بیمارستانهای دولتی بجمعیت شیروخورشید سرخ ایران توسط این جمعیت احداث شده است—میتواند با داشتن ۴۷۷۹ تختخواب جوابگوی رقم عظیمی از بیماران نیازمند باشد. اگر هر بیمار بطور متوسط ۱۵ روز بستری باشدسالانه‌رقمی‌معادل ۱۲۰/۰۰۰ نفر دراین بیمارستانها بستری و تحت‌درمان قرارمیگیرند

بیمارستانهای واگذاری

در اجرای اوامر مطاع مبارک‌شاهنشاه آریامهر ازشهریور ۱۳۴۸ کلیه‌بیمارستان- های وزارت بهداری در اختیار جمعیت شیروخورشیدسرخ ایران‌قرارگرفت‌وبتدریج تحویل شد. این جمعیت پس از تحویل بیمارستانها ازوزارت بهداری اقدام به‌توسعه و تجهیز آنها نمود. بازسازی بنا تجهیز آزمایشگاهها و اتاقهای عمل و بطور کلی

بقیه درصفحه ۸۴

بستر

نوشته: «شاخ نبات»

روز تازه دارد شروع می‌شود ، اما شهر هنوز در خواب است. روز بلند وخفه تابستان پایم راروی گاز تاکسی فشار میدهم واز خیابان های خلوت وآرام میگذرم. از یک ساعت پیش که ازخانه بیرون آمده‌ام تاحالا فقط دوتا مسافر سوار کرده‌ام، چون هنوز مسافرهای معمول ازخواب بیدار نشده‌اند وزندگی حرکت دوباره‌اش را تازه دارداز سر میگیرد. بازهم یک‌روز دیگر، یک‌روز تکراری دیگر ... از این روزها وشب‌های یکشکل ویک‌رنگ دیگر کم کم دارم خسته‌میشوم. آدمیزاد همیشه بدنبال‌تغییر وتنوع است و اگرزندگی نخواهد شکل‌عوض کند، مثل‌آبی که در گودال جمع شده باشد، بومیگیرد وانسان را از خودش متنفر میکند. بدبختی اینکـــه شغلم هم‌خیلی خسته کننده است. مخصوصاً بااین خیابان‌های شلوغ وابن‌مردم از خود راضی ازصبح همه‌اش هی‌گاز بده وبرو، هی‌دنده عوض کن، هی کلاج بگیر، پشت‌چراغ قرمز بایست، وسربسر مسافرها بگذار. دیشت وقتی

...ین و قشنگ‌ترین روز زندگی ...

رسیدم خانه، به خدا قسم دیگر قدرت راه‌رفتن نداشتم. خانه هم مثل قبرستان سوت‌و کور است. نه کسی‌هست که‌در را به رویم باز کند.ونه‌دستی که چراغی را روشن کرده باشد. دوماه پیش که‌رفته بوده میناب مادرم‌میگفت: ، پسرجون، تا کی میخوای تنها زندگی کنی این که نشد‌کار بالاخره بایدواسه خودت فکر یه سروهمسری بکنی. آدمیزاد جفت میخواد وادم بی‌جفت‌حکم درخت بی‌ریشه رو داره...

پیرزن راست میگوید : دیریازود بایدبرای خودم یک‌فکری بکنم. ازبس بیرون غذا خوردم، دیگه خسته شدم.دلم هم هوس جفت خانگی‌روداردهم‌غذای خانگی را. اما بااین دخترهـــای رنگ ووارنگی که هرروز سوار تاکسی‌ام میشوند هیچ‌دین وایمانی برایم باقی‌نمانده. خدا میداند ماسوفرهای تاکسی بااین یک‌جفت چشمان چه‌جبرهایی رامیبینیم. همه‌شان مثل عروسک هستند.عروسکهای خوشگل رنگ‌روغن‌زده، باباطن های گچی و پوشالی. نه بابا، من باید یک‌زنی بگیرم که دین وایمان سرش بشود، نه‌محبت ووفاداری را بشناسد، نه‌شوهرش را راست‌راستی دوست داشته باشد، نه برای مال ومنال دنیا، و بالباس سپید عروسی به‌خانه من بیاید ویا کفن از آن بیرون برود... آهای یک‌مسافر... بله آقا... چی ؟خرانه؟...داداش میدونی از اینجا تا آنجاچقدرراهه ؟ بایددوکورس بدی..باشد، من هم نمیروم...می بخشیدها...

پیرمرد طمع کار، هیچ حساب نمیکنه من هم‌مثل او آدمم ومیخواهم زندگی کنم. بابا پدرت خوب، مادرت خوب، آخر انصاف‌هم خوب چیزیه...اقلا پول بنزینم را که باید بدی واین یکی...ببینم، این دخترخانم بااین چمدان کجامیخواهد برود... ایستگاه راه‌آهن یا بالاخواهر...بیا..

خدا را شکر که‌هنوز خیابان‌ها خلوت است ومردم به کوچه وخیابان هجوم نیاورده‌اند مورچه‌های تنبل، خوشا به‌حالتان که‌میتوانید بخوابید...

من بدبخت که هرروز از ساعت چهارصبح بایدهی گاز بدهم ودنده عوض کنم‌چه‌خانم، اگه باداذیتتان میکنه، دسته پنجره را بهتان بدهم. نمیدانید ماتوی‌این گرما از دست مسافرهاچه‌مصیبتی‌می کشیم.

زنها ازترس خراب شدن موهایشان پنجره را بالا میکشند ومردها ازشرگرما آنرا پائین میکنند. گاهی هم آن عقب‌تاکسی سربالا وپائین کشیدن پنجره دعوا میشود. حال چون چند دفعه کاسه‌و کوزه سردسته پنجره شکسته، من هم آنرا برداشتم وگذاشتم توی داشبورد . بفرمائید.حالا استثنایی بشما میدهمش...

یک مسافر دیگر...چی؟ سعدی ؟ نه آقا_ جان، نمیخوره‌ما میرویم راه‌آهـن . خـــانم میخواهید بروید مسافرت ؟ خدای من چه چشم_ هایی دارد. صورتش هم مثل مرمره.. اما انگار گریه کرده..چقدرفین فین میکنه...

— ببخشید خانم، شما سرما خوردید ؟.نه..

خوب. پس انگارحالتان خوب نیست.. ببخشید ها. ما سوفرهای تاکسی معمولا یک مقدار راز دارمسافرها هستیم.آدم یک‌مسافررا سوارو بعد هم پیاده میکنه و شاید هم دیگه هیچوقت هم دیگر را نبیند..... پس اینجور درد دل ها هیچ مانعی نداره. جسارت نشود، شما هم حکم خواهرمن را دارید... چی؟ شما دارید گریه میکنید. ترا به‌خدا حرف بزنید برایتان اتفاقی افتاده؟ مصیبتی سرتان آمده؟ هوم؟ شاید من بتوانم برایتان یک کاری بکنم....

بالاخره آدمیزاد باید همیشه بهم برسد. ببینم. بااین حال چطورتنهایی دارید به‌مسافرت میروید و اصلا بکجا میخواهید بروید... چی؟ نمیدانید بکجا میروید ؟ آخر چطور ممکنه ؟ یعنی همینطور بیخودی ازخانه راه افتادید ؟ ! ببینم، ولی شما که خیلی‌جوانید، عـــروسی کردید یا نه ؟ نه ؟ ... خدا را شکر. چون اگر میگفتید آره، فکرمیکردم داریدازدست شوهرتان فرارمیکنید.

آی بازیک‌مسافردیگر... نه آقا نمیخوره...

قول میدهم اگرحرف بزنید دیگر اصلا پیش پای هیچ مسافری ترمز نکنم.. آخر شما راچه شده است؟ اگرپیر بودید، میگفتم ازدست زندگی خسته شده‌اید. ولی درسن وسال شما که همه چیز خوب وزیباست. می‌خندید ؟ آه، نکنه شما هم مثل خیلی ازجوان‌ها زندگی را نسبت بــه خودتان بدهکار میدانید. درصورتی که این شما هستید که به زندگی بدهکارید .. خانم بروید توی آئینه یک نگاهــی بــه خـودتان بیاندازید.

بخدا قسم باید روزی هزاربار برای این که جوان، خوش بروروو سلامت هستید خدا راشکر کنید. باز هم یک مسافر دیگر.. نه بخاطرشما تاکسی را قرق میکنم.. خوب تعریف کنید دیگر... چی؟ گفتید ازخانه فرار کردید... چرا؟ ازدست زن‌پدر. خدای بزرگ .. هیچ می_ دانید این چه کار بدی است. آدم باید صبرو تحمل داشته باشد... که اینطور.پس دیگر نمیتوانید تحمل کنید ؟ خیلی اذیتتان میکنه؟ یعنی ممکن است یک‌آدم آنقدربدجنس باشد که این بلاها راسر یک‌آدم دیگردربیاورد ؟ ده‌ساله که تحمل کردید، کاش بازهم ادامه‌میدادید چون برای دختری مثل شما این جور کارهــا خوب نیست. ترا بخدا گریه نکنید..

همه تقصیرها را زیرسرپدرتان میدانید حق هم داریـــد. پدراگـــر پدربـــاشد و قدرت داشته باشد هیچ وقت به کسی اجازه نمیدهد که حق فرزندش را زیر پــــا بگذارد. خوب بعدا زدعوای دیشب تصمیم گرفتیدفرار کنید؟ حالا هم داریدمیرویدایستگاه راه آهن. برایتان هم هیچ فرقی نمیکند که به کجا بروید ... هرجا بروید از خانه‌ای که در آن زندگی میکنید بهتراست.

خوب، سرچی دعوایتان شد ؟ چه نقشه‌ای ؟ پس زن پدرتان خیال دارد شما را برای یکی ازاقوامش که جای پدرتان است بگیره‌و پایش را توی یک کفش کرده که باید این کار را بکنید و در این راه پدرتان را هم با خودش همراه کرده و تصمیم گرفته اگر به این ازدواج تن درندهید شما را ازخانه بیرون کند. شما هم که ازآن مرد متنفرید به زن پدر پیشدستی کرده و فرار را انتخاب کرده‌اید. اما آخر کجا دارید میروید ؟ شما انگار اصلا زندگی را نمیشناسید و نمیدانید سرراه بچه آهوهای معصومی مثل شما چه شکارچیانی کمین کرده‌اند. چند سالتان است؟ .. فقط هیجده‌سال ایوای، خیال دارید با خودتان چکار بکنید ؟ با یک چمدان لباس و حتمی مقدارکمی پول‌به کجا دارید پناه‌میبرید؟

ترا بخدا اینجور گریه نکنید ... آدم دلش پاره پاره‌میشود و بجای گریه بهتراست عقلتان را به کاربیاندازید وگز نکرده پاره نکنید...چی؟ آن ها تصمیم دارند تا هفته آینده عقد کنان را برگزار کنند و شما را به خانه شوهر بفرستند خوب، آن زن ازاین پادرمیانی چه سودی میبرد هوم، پس قرار است ده هزارتومان شیربها بگیرند، یعنی آنها میخواهند شما را به ده هزار تومان بفروشند ... خدای من، پول دارد آدم ها را به کجا می کشاند ؟ همه مسخ و همه مشغول خرید و فروش شده‌اند. روحشان را میدهند و پول میگیرند. طرف معامله هــم همیشه شیطان است.یعنی ها ... یک نفرنیست به من بگوید آدمهای خوب وشریف کجا رفتند. یعنی همه زیر پول دفن شدند و فاتحه انسانیت خوانده‌شده:

ولی نه، هنوز هم هستند آدم هایی که خودشان را به این شیطان نفروخته‌اند یکیش خود من... اگریک‌میلیون تومان به‌من بدهند حاضر نیستم دین وایمانم را بفروشم. خیابان ها دارد شلوغ میشود. بازیک روزدیگر، یک روز، از روزهای شلوغ و جنجالی خدا ... با هزار حادثه و ماجرای عجیب و غریب و مضحک، فقط خدا میداند در قلب شهرهای بزرگ چه میگذرد و در این آسمان آبی هرروز چه داستان هایی نوشته میشود. خدایا، این دختر چه چشم‌های معصومی دارد. لب هایش چقدر ظریف‌است.

اندوهی که دارد او را ازآن‌چه که هست جوان‌تر و بی گناه‌تر نشان میدهد.. او دارد به کجا میرود ؟ یکنفر باید جلویش را بگیرد. یک نفر باید او را قبل از سقوط نجات بدهد.. ببینم خانم حالا فرض کنیم شما همین امشب رسیدید به یک شهر دیگر.. یک ماه هم با پولی که که دارید توی آن‌شهر زندگی کردید. بعد چه کارمیکنید ؟ ازظاهرتان پیداست که تا حالا هیچ جا کارنکرده‌اید. وانگهی، شما دارید از خانه تان فرار می کنید. و وقتی که خانواده شما موضوع فرارتان را به پلیس خبربدهند دیگر به این آسانی ها نمیتوانید جایی زندگی کنید.. بهتان نصحیت می کنم برای خودتـــان درد سردرست‌نکنید.

اجازه بدهید بگردیم. من شما را میرسانم سر کوچه منزلتان ومیروم. بروید خانه و با زن پدرتان حرف بزنید. بالاخره عهد حجر که نیست .شاید بتوانید رای‌آنها راعوض کنید.

حی؟ دیشب از پدرتان کتک خوردید.

آه، پس او این بلا را به سرتان آورده. طفلکی. حالا که دیگرزمان این حرفها نیست. باچی این طوردست هایتان را زخم کرده، آه.. اما بالاخره بایدفکری کرد.. ببینید. شما می‌توانید به جای فرار به یکی ازشهرها، به خانه یکی ازقوم و خویش هایتان پناه ببرید. میتوانید یک بزرگتر را واسطه کنید. این نوع مسائل با ملایمت بهتر حل می‌شود تا با دیوانگی. خدای من، یعنی هیچ کس را توی این شهرندارید ؟ هان، پس مادرتان مشهدی بود و بعد ازمرگ او، به تهران‌آمدیدو گرفتاراین زن پدرشدید..

قوم و خویش های پدرتان هم در اراک هستند.. پس چه کارباید کرد.. شاید قسمت بوده سوار تاکسی من بشویدو بامن حرف بزنید. شاید این خواست خداست وگرنه اگر سوار تاکسی دیگری شده بودید الان در ایستگاه راه‌اهن بودید وازفردا هم به کام شیرمیفتادید. کاش مادرم اینجا بود. بخدا قسم اگراو اینجا بود همین حالا سر تاکسی را کج میکردم و میبردمتان پیش او. خیلی خیلی زن خوبی است و مثل همه شهرستانی هاساده ومهربان وباخداست. حتما مثل دخترش ازشما مواظبت میکرد و نمیگذاشت خاربه چشمتان برود..ولی بدبختانه او که اینجا نیست. میدانید کجا زندگی میکنه؟ اودر میناب است... من هم اهل آن‌جا هستم. میناب نزدیک بندرعباسه. شهرقشنگی است. یک‌مقدار ازخانه ها روی یک تپه ساخته شده و درست شکل کارت پستال را دارند. من هم تا پنج سال پیش آن جا زندگی میکردم. اما یک دفعه زد بسرم بیایم تهران، هرچند که دلم همیشه آن‌جا است. چند دفعه هم پیش خودم فکر کردم اگر روزی زن بگیرم زنم را برمیدارم از این تهران شلوغ فرار میکنم. میروم ولایت خودم. شهرستانی ها بی جهت به تهران هجوم میاورند. نمیدانید آدم میان این ماشینها چه جوری له میشود... خوب نگذریم .. بالاخره چه کارباید بکنیم ؟ ببینید دیگر داریم بــــه راه آهن میرسیم. من میتوانم خیلی راحت شما را پیاده کنم و بروم دنبال کارم. شانه بالا انداختن وفرار کارخیلی ساده‌ای است.

ولی نمیدانم درشماچه دیدم که نمیتوانم خودم را ازسرنوشتتان کناربکشم.. امیدوارم ازمن نرنجید، یا پیش خودتان نگوئید گرفتار آدم فضولی شده‌ام. نه، به خدا قسم من اصلا قصد فضولی ندارم. فقط نمیتوانم شما را بــــه امان خدا رها کنم.آخرشما خیلی جــــوان و ساده‌اید... آه خدای من، این دخترعجب چشم هایی دارد. مثل یک بچه گربه به‌من نگاه‌میکند. چقدردوست داشتنی است.

راستی اگر... ببینم خانم، میخواهم ازتان یک سئوال کنم. اگــــر بــــه جای آن مرد، خواستگاری را که دارید ازدستش فرارمیکنید.. اگر به جای آن‌مردی با مشخصات من بــــه خواستگاریتان میـــامد، بهش چه جوابی میدادید ؟ باز هم چمدانتان را بر میداشتید و فرارمیکردید؟ من سی سال دارم.. تاسیکل اول

بقیه در صفحه ۷۳

از: حسین سالکی

کمک شرکتهای تعاونی بیمه متقابل به اعضای خود

یکی از هواپیماهای مسافری وابسته بشرکت هوائی اوتیس در اقیانوس اطلس سرنگون گردید. سانحه بقدری سریع و ناگهانی روی داد که خلبان ومسؤل مخابرات هواپیما نتوانستند وضع خود را بمرکز شرکت اوتیس اطلاع دهند و احیاناً کمکی برای نجات خود بیابند، آنچه مسلم بود اینکه تمام مسافران وخدمه هواپیما در آن سانحه کشته و ناپدید شدند.

بمحض انتشار خبر مذکور، همسران و فرزندان وافراد وابسته نزدیک کشته‌شدگان حادثهٔ بسبب از دست دادن سرپرستان وعزیزان خود و آینده نامعلوم ومبهمی که بعلت کشته شدن نان آورهای آنان در انتظارشان بود دروحیه خود را باخته، زانوی غم واندوه در بغل گرفته و نمیدانستند که چه وضعی را در پیش خواهند داشت. از آنجا که هوانوردان وخدمه هواپیما همگی در یک شرکت تعاونی صنفی بیمه متقابل از پیش عضویت داشتند، هیأت مدیره شرکت تعاونی بیمه متقابل موطن هوانوردان پس از آگاهی از پیش آمد ناگواری که برای عده‌ای از اعضایشان روی داده بود، بسراغ خانواده یکایک مقتولین شتافته ومدیر عامل طبق مقررات شرکت مبالغی پول توسط چک در اختیار خانواده کشته شدگان قرارداد وآنها را از نگرانی بیرون آورد.

نگرانی از آینده

آنچه مسلم است اینکه در کشورهائی که بیمه اجتماعی همگانی وجود ندارد، افرادی که در شرکتهای بیمه، بیمه نشده‌اند، نگران فردای خود هستند. وقتی مسافری در یک قایق بادی کوچک سفر دریاها را پیش گیرد باید انتظار داشت که بوزیدن باد کوچکی قایقش واژگون شد و خود نیز بدرون آبهای خروشان فرو رود. کسی که در بیابان بدون هیچ سرپناه وتکیه گاه مطمئنی اسیر شود، روبرو شدن با هر مخاطره‌ای را هم باید بجان ودل پذیرا شود. شخصی که از آینده خود اطمینان نداشته باشد وبهیچ تکیه گاه اطمینان بخشی متکی نباشد بدین معنی استکه آدم خود را باختیار سیل خروشان بگذارد تا هر جا که میخواهد اورا ببرد.

پس برای یک انسان دور اندیش و آینده نگر چه سازمان ومؤسسه‌ای بهتر از یک شرکت تعاونی بیمه است؟ عضویت در چنین شرکتی که ابتداء با پس انداز وصرفه‌جوئی شروع میشود، یعنی تأمین آتیه وایمنی کامل درمقابل آثار ناگواری است که ممکن است بر اثر هر نوع حادثه بد فرجامی روی دهد که بعضاً بمرگ ونابودی شخص بیانجامد.

تصور این مطلب بسیار آسان است که اگر کارکنان شرکت هواپیمائی اوتیس از سالها قبل به تشکیل شرکت تعاونی اعتبار مبادرت نمی کردند و عمر خودرا در آن شرکت بیمه نمی‌نمودند سانحه مذکور چه عواقب غم‌انگیزی برای اعضاء خانواده آنان پدید نمی‌آورد؟

اگر شرکت تعاونی اعتبار بیمه متقابل دماغه کدوماس امریکا توانست به خانواده های هوانوردان عضو خود چنان مساعدتهائی کند هرگز جای تعجب نیست، زیرا طبیعت وجودی شرکتهای تعاونی اعتبار این استکه برای تامین آتیه اعضاء خود بهر اقدام لازم دست زنند. این حداقل مزایائی است که عضو یک شرکت تعاونی اعتبار و بیمه متقابل از آن برخوردار میشود، درحالیکه افراد غیر عضو و کسانیکه در اینگونه شرکتها عضویت ندارند، از آن محروم میمانند. پس عجیب نیست که اگر خانواده مسافران همان هواپیما نتوانسته‌اند از چنان امتیازاتی برخوردار شوند.

یک شرکت تعاونی اعتبار که مادر همه شرکتهای تعاونی است، علاوه بر پرداخت وامهای ضروری، تامین مسکن مناسب و بیمه متقابل، خدمات دیگری را هم میتواند بسود اعضاء خود انجام دهد.

بهترین هدیه عید میلاد مسیح

برای یک پسر بچه هیچ چیز دلپذیرتر از آن نیست که با پا های چابک خود باینسو و آنسو بدود ومانند پرندگان کوچک وزیبا که درمیان گلها و گیاهان در تقلا و جنب و جوش هستند، چمن وسبزه، کوچه وخیابان را زیر پا های خود درنورد بده وفریاد های شادی سر دهد.

بچه ها و نو نهالان مالامال از آرزوهای مبهم اند، درمخیله خود دنیا های عجیب و غریب و ناشناخته ای میسازند که درآنها همه چیز وجود دارد.

در تصورات نوجوانان و جوانان رؤیا های شیرینی مواج اند که بسترشان صلح و صفا و دوستی است.

در اینجا یکی از همان نو نهالان اشاره میشود که بدون توجه و اعتنا بهیچ خطری خرامان بدنبال حوادث میروند و با از آن استقبال میکنند. «دانسی» در یکی از همین حادثه ها یک پای خود را از دست داد و جالب اینکه بدون اعتنا و نگرانی از حادثه مذکور تحصیل و مطالعه خود را نیز دنبال کرد. او در کار تحصیل و انجام وظایف و تکالیف درسی خود چنان کوشا بود که تحسین همگان را برانگیخت و از همین روی از بورس تحصیلی ریاست جمهوری امریکا نیز استفاده کرد.

پدرومادر «دانسی» بداشتن چنین فرزندی برخود میبالیدند و برای معالجه پای پسرشان هرچه داشتند بپول تبدیل کرده وبمصرف دارو و وسایل درمان پای «دانسی» میرساندند.

متاسفانه پیش از اینکه پای «دانسی» معالجه شود، پول والدین او تمام شد ودر نتیجه امید آنان به یأس تبدیل گردید. آنها ناگزیر شدند بقیه وسایل زندگی را برای تهیه پول گرو بگذارند.

پدرومادر «دانسی» دریک شرکت تعاونی اعتبار شهر «آتلانتا» عضویت داشتند. موضوع درمان پای «دانسی» در هیات مدیره شرکت تعاونی اعتبار مورد گفتگو قرار گرفت. با توضیحاتی که ازطرف مدیرعامل شرکت درباره وضع خانوادگی «دانسی» که پدر و مادرش عضو آن شرکت بودند داده شد، هیأت مدیره تصمیم گرفت وام مخصوصی از طرف شرکت تعاونی اعتبار به پدر «دانسی» پرداخت کند. باز پرداخت این وام نیز از جانب کلیه اعضاء هیات مدیره تضمین گردید و همه آنها صورت جلسه مربوط را امضا کردند.

از آنجا که عید میلاد مسیح نزدیک بود، هیات مدیره شرکت تعاونی اعتبار وام مذکور را بعنوان یک هدیه عید در اختیار خانواده «دانسی» گذاشت.

خانواده «دانسی» با دریافت اعتبار مذکور امید تازه‌ای پیدا کردند، زیرا دریافت این اعتبار نه تنها زندگی سال نو را برای آنها قرین شادی و امید ساخت، مهمتر ازهمه امکان ادامه مداوای پای دانسی نیز از هرجهت فراهم گردید. درست شب سالگرد تولد عیسی مسیح بود که «دانسی» بهمراهی پدرش برای دریافت چک بدفتر شرکت تعاونی اعتبار مراجعه کردند. بهنگام وصول چک، پدر دانسی فرزند معلول خود را مخاطب ساخت وگفت، «دانسی می‌بینی که با دریافت این اعتبار همه ما تا چه اندازه در این موقع از سال شاد ومسرور شدیم، و این شرکت تعاونی اعتبار ما بود که سایه یاس واندوه را از افق زندگی ما دور ساخت وما را در این موقع ویژه از سال تنها و درمانده رها نکرد. پس جا دارد که از شرکت تعاونی خود و کلیه اعضاء آن سپاسگزار باشیم.»

این است نمونه دیگری از اهمیت وفایده عضویت در شرکت تعاونی اعتبار. آیا نمونه های گفته شده کافی نیست که خود بعنوان یک انگیزه قوی همه ما را به تشکیل و عضویت در چنین سازمانهای مفیدی برانگیزد؟

افسانه هائی درباره تعاونیهای اعتبار!

«او — ئی — سی — یا بی» آنها بیکدیگر کمک میکنند.

این یکی از رایج ترین اصطلاحاتی استکه میان بومیان سرخ پوست ایالات متحده امریکا شهرت دارد.

از زمانیکه کریستف کلمب و ملوانان او پای بسرزمین ناشناخته و تازه‌ای نهادند که بعدها سراسر آن توسط آمریکووسپوس کشف شد و بهمین مناسبت هم بنام قاره امریکا نامیده شد، بومیان دنیای جدید رفته رفته نوع زندگی را که باآن خوگرفته بودند از دست دادند، درحالیکه برای زندگی شهری مانند مردم جدید امریکا آماده نبودند، و امکانات مالی نداشتند که مانند آنها زندگی کنند.

ازوقتیکه فکر تشکیل شرکت تعاونی و مقدم برهمه تأسیس تعاونیهای اعتبار در میان بومیان ساکن داکوتای جنوبی رواج پیدا کرد وضع مردم بومی این ایالت رفته رفته دگرگون شد و چنین برمیآید که آینده بهتری در انتظار آنان است.

گرایش مردم سرخ پوست بسوی همکاریهای دسته‌جمعی براساس تشکیل شرکتهای تعاونی و در راس همه شرکتهای تعاونی اعتبار تاریخ زیاد طولانی ندارد، اما بهبودی که از این حیث در زندگی سرخ پوستان پدیدآورد شایان توجه است.

ازجمله مشکلات بومیان نداشتن منابع مالی و اعتباری با بهره ارزان بود. بومیان سالهای سال زندگی خود را در کپرها بسرمیبردند واز تسهیلات اولیه که داشتن سرپناه یا مسکن مناسب باشد بی‌بهره بودند. تعاونیهای اعتبار سرخ پوستان گام اول را برای تاسیس یک صندوق تعاونی برداشت سپس ساختن خانه های ارزان‌قیمت را وجهه همت قرارداد.

ساکنین داکوتای جنوبی که جزء پیشروان یا بعبارت دیگر پیشقدمان تشکیل شرکتهای تعاونی اعتبار بودند مراحل ترقی را تدریجاً طی‌کردند. پس ازساختن خانه بفکر تامین برق افتادند و اینکار را هم در سایه شرکت تعاونی اعتبار بانجام رساندند. بچه های بومیان پیش از آنکه نیروی برق خانه‌های‌شان را روشن کند و فروغ شبهای تارشان شود، بزحمت میتوانستند تکالیف مدرسه را شبها پای چراغهای نفتی صورت دهند. معجزه شرکت تعاونی اعتبار که عامل اصلی انتقال روشنائی برق بخانه‌های آنها محسوب میشود قلب مادران سرخ پوست را مملو از شادی کرد. زیرا مادرها که قلب پر محبتشان در آرزوی خوشبختی فرزندان‌شان می‌تپد از اینکه می‌بینند بچه های‌شان بهتر و موفق‌تر ازگذشته بکارهای تحصیلی خود میپردازند بعضویت در شرکت تعاونی اعتبار فخر میکنند. بهمین جهت نیز آنها شرکت تعاونی را گره‌گشای کلیه مشکلات مادی و معنوی خود می‌شناسند و این یکی دیگر از نمونه هائی استکه بآسانی میتواند به انگیزه تشکیل وعضویت در شرکت تعاونی اعتبار پی برد.

«ادامه دارد»

کارگاه خنده

*وقتی بچه‌ها را کولاغذاسی خورد!

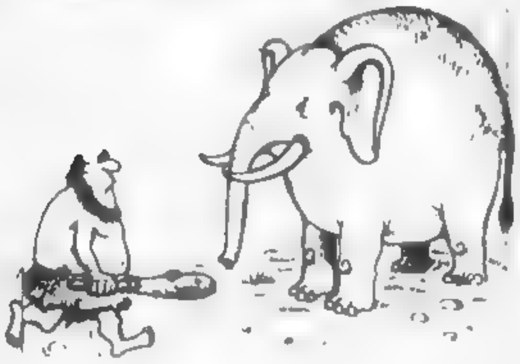

ازبالا به پائین بدون‌سر

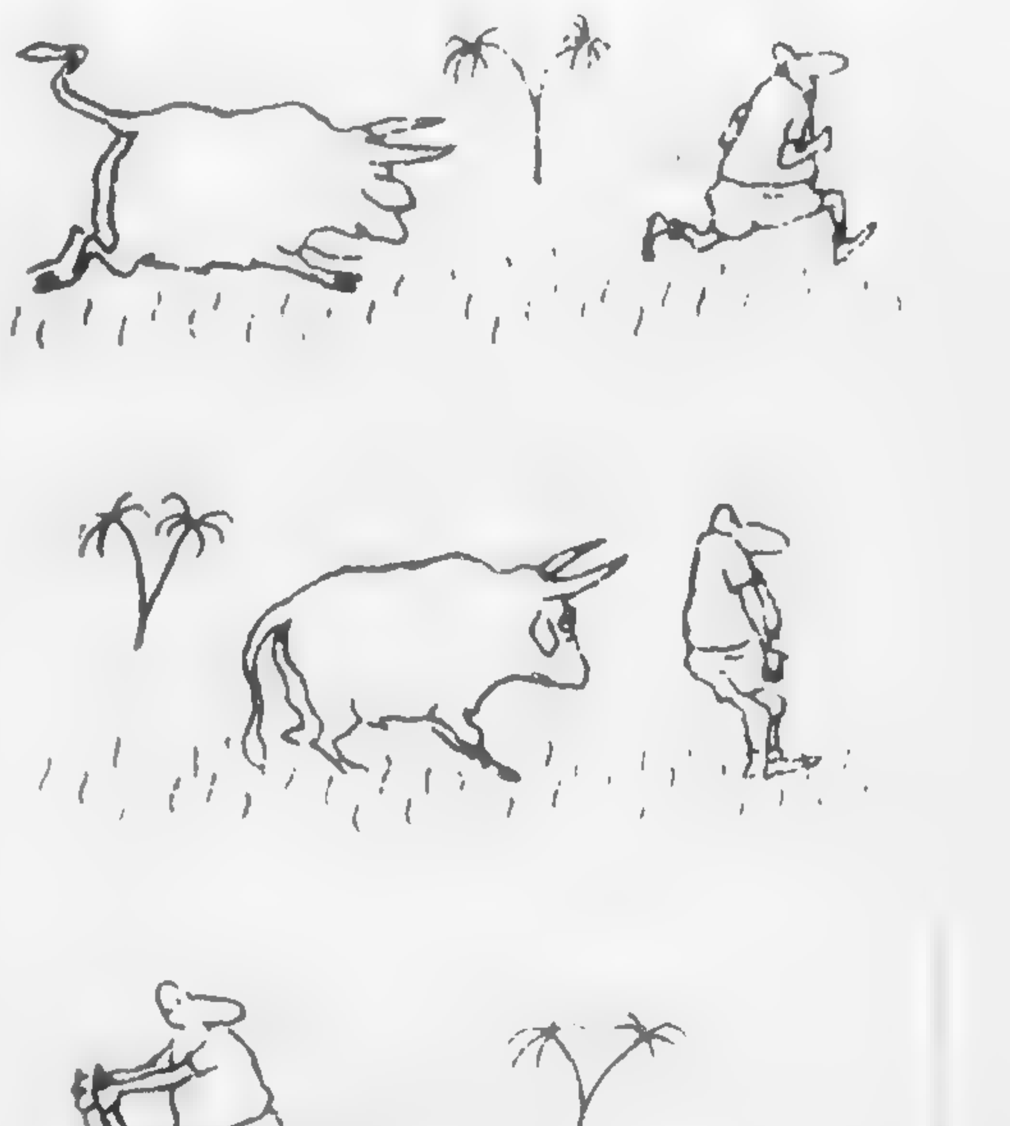

جنگ‌وگریز!

* فریه جای سه‌شوار!

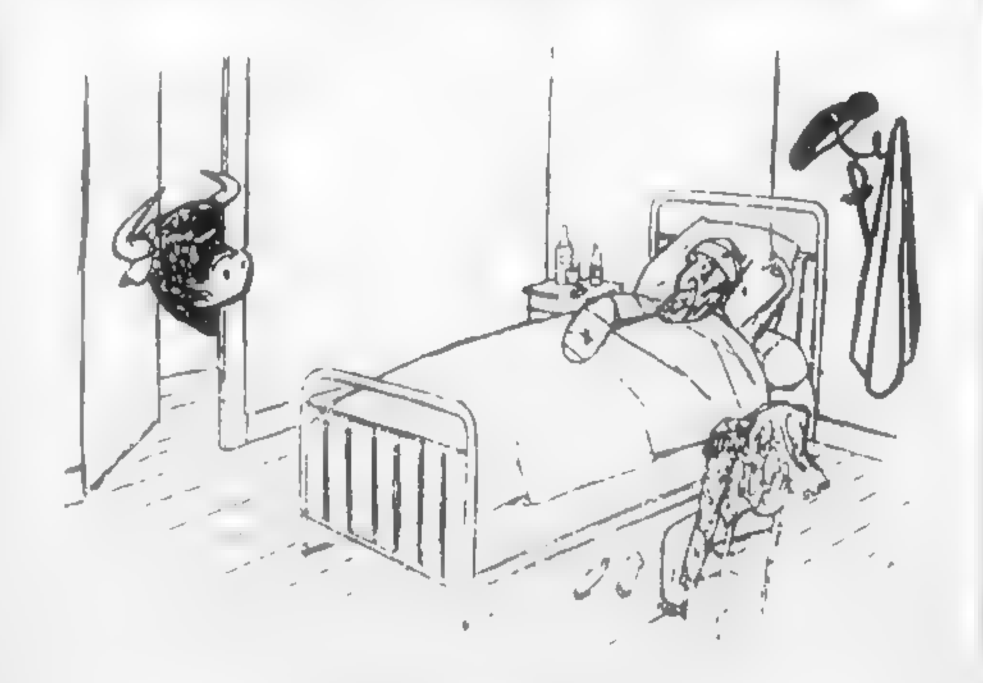

*گاو با زمجروح وملافا بی !

دردادگاه

رئیس دادگاه خطاب بمردی که با هفت‌تیر وارد یک بانک شده بود گفت:

— ممکنست بگوئید به چه علت در حالی که هفت‌تیر دردست داشتید وارد بانک شدید؟

— خیلی ساده است قربان، روی درورودی نوشته بودند: «بکشید».

اختراع

یک فیزیکدان که اختراعات بسیاری کرده بود ناگهان دیوانه شد، ولی در عالم جنون هم به اختراع کردن ادامه داد.

آخرین اختراع او یک آب‌پاش بدون سوراخ بود.

درعالم‌حیوانات

خروس رو به مرغی که قیافه غم‌انگیزی بخود گرفته بود کرد و گفت:

— ناراحت نباش، اگر نمیتوانی تخم بکنی، من یک تخم مرغ برایت می‌آورم که بفرزندی قبولش کنی!

نکته

زنها فقط یک موقع به حرفهای شوهرشان گوش می‌دهند و آن زمانی است که شوهرشان درخواب حرف می‌زند!

بیماری

شوهر یک زن جوان بعلت بیماری سخت از رختخواب خارج نمی‌شد. یک شب جمعه که دکتر به عیادت بیمار آمده بود زن از او پرسید:

— آقای دکتر، حقیقت را بگوئید وضع شوهرم چطوره؟ دکتر جواب داد: اینقدر بد که فکر نمی کنم تا فردا دوام بیاره! زن با ناراحتی گفت:

— چقدر بد شد، باز یک روز جمعه ما خراب‌شد!

طبابت

مردی دوستش را درخیابان دید و گفت:

— پسر شما قبرکن است، درحالی که شما گفته بودید او پزشک است!

دوستش جواب داد:

هر اسمی رویش بگذاری مهم نیست،، چون در هر حال پسرم کار طبیب ها را دنبال می کند!

فکرخوب

آقائی، گوشی تلفن را بر داشت و شماره اداره پلیس را گرفت و گفت:

— خواهش می کنم دستور بفرمائید شکایت مرا از همسرم که خانه و زندگی مشترکمان را ترک کرده و رفته است، نادیده گرفته‌شود!

— حطور. مگه خانمتون برگشته؟

— نه، فقط من نشستم و خوب فکر کردم!

خودساخته‌ها

از رفتگری و پادوئی در کشتی تا دریافت جایزه نوبل

«ای کاش فقط یک لقمه نان خالی داشتم. از آن نان‌های جوین کوچک خوش طعم که زیر دندان مزه میکند و در کوچه و خیابان هم میتوان به دندان کشید. درعالم خیال نان جوین لذیذی که حسرتش را میخوردم در نظرم مجسم میشد. سخت گرسنه بودم و آرزو میکردم از روی صفحه زمین محو بشوم»

کنوت هامسون» گاهی باربری میکرد. گاهی رفتگری و گاهی در راه آهن کار میکرد. و گاه در مغازه‌ای پادو بود ونیمی از عمرش را گرسنگی کشید تا عنوان نویسنده جهانی را بدست آورد.

رمان معروف «گرسنگی» نه قصه است، نه افسانه. بلکه شرح دردها و آلام بشری است. در این کتاب که بدون شک یکی از بزرگ‌ترین رمان های عصر حاضر است با چهره جوانی برخورد می کنیم که عصاره دردها و مصائب بشری را از بازتاب نگاهش می توان خواند. او که بهترین سالهای جوانی خود را در گرسنگی گذراند، از فرط بهره روزی آبدیده و مجرب شد. او سالها با سرنوشت‌شومی که چون مار بر پیکرش می پیچید و چون کشتی شکسته او را به این طرف و آن طرف می کوبید، جنگید.

روزها با معده گرسنه و پای برهنه در خیابان ها پرسه زد و شب ها به خاطر بی خانمانی در جنگل های مرطوب و پیاده رو های بارانی خوابید. به انواع و اقسام کارها تن در داد و دوران های مختلف کارگری را در زمانی که با کارگر چون بردگان رفتار میشد، گذراند و سرانجام پس از بیرون آمدن از کوره زندگی به مقام یکی از بزرگترین نویسندگان دنیا رسید و نام زادگاهش نروژ را پرآوازه کرد.

* * *

کنوت هامسون» که در حال حاضر عنوان یکی از سرشناس ترین نویسندگان نروژ را دارد، در هشتم اوت سال هزار و هشتصد و پنجاه و نه در یک خانواده فقیر روستایی که در ناحیه کاموسترات سکنی داشتند بدنیا آمد. در سرمای دائمی شمال و در سایه درختان کاج که بیشتر اوقات در زیر دانه های برف شکوه شب های کریسمس را به خاطر میاورند زندگی کرد. زندگی دهقانان آن زمان با دهقانان کنونی تفاوت بسیار داشت. در آن نواحی جز فقر و بهره روزی حکمروای دیگری وجود نداشت.

«کنوت» پدرمن که نام فامیلی «هامسون» را بعد ها به روی خود گذاشت، از همان آغاز زندگی تبدیل به انسانی خود ساخته شد؛ چرا که از پنج سالگی مجبور به کار در مزرعه شد و به همین دلیل هم جزچند کلاس ابتدایی درس دیگری نخواند. او تخیلی بیشتر از معمول، استعدادی نمایان، و حساسیتی غیر قابل انتظار داشت و گذشته از آن، اندام ستبر و بازوان نیرومندش این مژده را میداد که در آینده نزدیکی تبدیل به کارگر فعالی خواهد شد. او در آغاز جوانی، یعنی در زمانی که رفته رفته با نگاهی دقیق از رنجهای اجتماع عکسبرداری می کرد و با آوردن آنان به روی کاغذ به خود می گفت «آرزو دارم یک روز نویسنده معروفی بشوم» خانواده پدری را رها کرد و در جستجوی کار به اسلو پایتخت وطنش آمد.

او طبع ثابتی نداشت و هرگز نمی توانست در جایی قرار بگیرد یا شاید هم سرنوشت آینده‌اش را جستجو میکرد. بهر حال برای گذران زندگی مجبور به کار بود و چون در هیچ حرفه‌ای تخصصی نداشت، مجبور بود به هر کاری دست بزند و هرگز هم نمیتوانست شغل ثابتی برای خود اختیار کند. در روزهای نخستین ورود به اسلو، شغل رفتگری را قبول کرد.

خودش در این مورد می‌گوید: «من در واقع زندگیم را با آشغال آغاز کردم و این بهتر از آنست که زندگیم را با این‌ها به پایان می رساندم.»

اما شغل رفتگری، گرداندن چرخ زباله، کوفتن درهای منازل و استشمام بوهای ناخوش گر چه کاری شرافتمندانه بود، اما «کنوت» را که پیوسته می کوشید در زندگی جلوتر رود، قانع نمیکرد و بهمین جهت بیش از چند صباح او را به خود مشغول نداشت. و بزودی کار خود را رها کرد و کار دیگری را جستجو کرد. اما در آن زمان یافتن کار ساده نبود، مخصوصاً که نروژ زمستان‌های سخت و طولانی دارد و زندگی کارگران آن زمان در چنین دیار زندگی مرگبار و رقت آوری به حساب می آمد. در اوراق کتاب معروف «گرسنگی» که در واقع توصیف زندگانی خود نویسنده است به چنان نکات دردآوری برمی خوریم که برای مدت زمانی زیبائی های زندگی را از یاد می بریم. در یک بخش از کتاب، قهرمان داستان پس از مراجعه به ساختمانی برای گرفتن کار و عملگی و یأس حاصل از شنیدن جواب منفی چون دیوانه‌ای پای به خیابان می گذارد و بی اراده در صف عابرین به راه می افتد:

در آن حال آن چنان گرسنه بودم که روده‌هایم چون مار به هم می پیچیدند و گره می خوردند. شاید هم مشیت الهی بر این قرار گرفته بود که تا آخر شب یک لقمه نان به چنگم نیاید. با گذشت زمان بیش از پیش روانم پژمرده و پیکرم فرسوده می‌شدو روز به روز از جاده شرافت و تقوی دورتر می‌شدم»

اما حقیقت این است که این کارگر شریف با وجود جدال‌های درونی و وسوسه نفس، هرگز از شرافت و تقوی فاصله نگرفت، و در اوج شدیدترین درماندگی ها به هنگامی که روزها را با گرسنگی و شب‌ها را در زیر باران و برف می گذراند و داشتن یک سر پناه بزرگ‌ترین آرزویش محسوب میشدهمچنان به اصول اخلاقی پای بند باقی ماند.

کنوت هامسون از شغل رفتگری به شغل باربری روی آورد. تمام روز در بازار به این طرف و آن طرف می دوید. رنج حقارت را تحمل می کرد تا بتواند کرایه ناچیز اتاقی را که شب‌ها در پناه آن برای روزنامه‌ها مقاله می‌نوشت، پرداخت کند.

البته بیشتر اوقات مقالات او در سبد زباله ریخته می‌شد، ولی هر بار که یکی ازمقالاتش مورد پسند سردبیر قرار میگرفت و در روزنامه‌ای چاپ می‌شد، درهای امید به رویش بازمی‌شد و فروغ تازه‌ای درجانش میدمید. چون‌نمی‌توانست چند روزی را بدون ترس ازگرسنگی بگذراند و در این زمان بود که امور و مسائل دینوی را مورد مطالعه قرار میداد، تبعیضات را کنار هم می‌گذاشت و با خود به سؤال وجواب می نشست: «مگرمن از پاشای عتیقه فروش و یا دلال کمتر بودم، یا هم چون دیگر مردمان این جهان حق حیات نداشتم؟ مگرمن دارای شانه های پهن وورزیده و بازوان نیرومند نبودم و نمیتوانستم کار کنم؟ حتی برای بدست آوردن یک لقمه نان‌حاضر شده بودم در محلی واقع در کوچه آسیابان‌ها چوب‌بری بکنم. آیا تنبل بودم؟ یا این که‌عقب کار نمی‌رفتم؟ یا کم مطالعه می کردم؟ می‌خواندم و مینوشتم. من کسی‌بودم که وقتی پول داشتم به نان و شیر قناعت میکردم و هنگام کم پولی با نان خشک می‌ساختم. دوران بی‌پولی را هم روزه می‌گرفتم و هیچ نمی‌خوردم. آیا آرزو داشتم در یک آپارتمان عالی زندگی کنم؟.... خیر، من بینوا در پستوی محقری در دکان حلبی‌سازی زندگی میکردم و سال پیش همهٔ ساکنین این اتاق گریخته بودند، چون از سقفش برف فرو ریخت. ولی با این همه در افکارم نشانی از حقد و حسادت نبود و در اندیشه‌هایم حرف والمی خوانده نمی‌شد،

کنوت هامسون» از باربری به چوب‌بری پرداخت و دیرزمانی نیزد راین کار باقی ماند. او با همهٔ فقر وتنگدستی بخاطر قلب مهربانی که داشت بیشتر از خود برای همنوعانش دل می‌سوزاند و گاهی که به بدبخت‌تر از خود برخورد می کرد، مزد یک روز خود را به او می‌بخشید. این قسمت از زندگی این نویسنده بزرگ، تراژدی شگرفی است که نظیرش کمتر دیده شده است. در زمانی که در مغازه حلبی سازی پادویی می کرد، بخاطر این که چند تایی از مقالاتش در روزنامه ها چاپ شده بود، خود را یکی از روزنامه نویسان آینده تصور می کرد و تنها آرزویش این بود که روزی این عنوان به اسمش اضافه شود. اگر چه بزودی باز از کار بی کار شد و بازروزها و شب‌ها طعم گرسنگی را چشید و در اثر تب ناشی از گرسنگی به نوعی هذیان و خیال بافی نیز دچار شد که آثار آن در پاره‌ای از قسمت‌های کتاب «گرسنگی» به خوبی نمایان است:

..... باز گرسنگی به من غلبه کرد. بدنم به لرزه در می‌آمد. سینه‌ام می‌خراشید و تنم مور مور می‌شد. نه یاری داشتم و نه غمگساری که مدد کارم باشد. مدام در حافظه‌ام جستجو می کنم شاید آشنایی را به خاطر بیاورم که بتواند پول کمی به من قرض بدهد. اما هیچ کس نیست. چه روز بدی بود. بی اختیار راه خانه را پیش گرفتم. بسیار گرسنه‌ام بود. یک مشت پوشال چوب را از روی زمین برداشتم و جویدم. طعم بدی نداشت. چرا تا بحال به این فکر نیفتاده بودم؟... درخانه باز بود. دربان مثل همیشه سلام کرد و گفت: «هوا از خوبی سر که است.» جز آن که حرفش را تصدیق کنم چیزی برای گفتن نداشتم. اما با خودم فکر کردم چطور است از او یک کورون پول قرض بخواهم. تازه یک مرتبه هم به او کمک کرده و برایش نامه‌ای نوشته بودم. او همان طور سر جایش ایستاده بود و می‌خواست چیزی بگوید. بالاخره باز گفت: «هوا سر که است. می‌دانید، امروز به مقداری پول نیاز دارم. ممکن است پنج کورون به من قرض بدهید تا چند روز دیگر آن را پس میدهم؟» و در جوابش گفتم: «راستش اینست که نمیتوانم، یعنی در حال حاضر برایم مقدور نیست. انشاءالله بعد» و به دنبال آن تلوتلو خوران از پله‌ها بالا رفتم، روی تخت افتادم و بنا کردم به خندیدن... خیلی مسخره بود که او از من پول قرض میخواست، از من که لات آسمون جل بودم! از پنجره بوی غذا می‌آمد. بوی گوشت بود. داشتند درجایی برای ناهار کباب درست می کردند. پنجره را باز کردم تا آن بوی مشمئز کننده بیرون برود و بعد، درحالی که ازگرسنگی به شدت احساس تهوع میکردم، بر کشتی خیال نشسته و خود را به امواج اوهام و تصورات سپردم... آقای گارسن، یک سیخ کباب بیاور... سالاد را فراموش نکنی.... آقای گارسن......»

شاید در درجه اول این تصور به بیان بیاید که قهرمان داستان به یک نوع بیماری روانی دچار است. ولی حقیقت اینست که در قلم

نظری به زندگی « کنوت هامسون» نویسنده بزرگ معاصر که در آغاز زندگی پادوی یک کشتی بود...

نویسنده آن چنان قدرتی وجود دارد که ذرات اندیشه‌های حاصل از گرسنگی را آن چنان کاویده است که خواننده از خواندن آن خود احساس جنون‌می کند.

« کنوت هامسون » بعد از آن که بخاطر یک اشتباه از پادویی در مغازه حلبی سازی نیز محروم شد ، مدتی به عنوان کارگر در بارانداز کار کرد. او در این زمان جوانی عجیب و مالیخولیایی بود که افکار متضادی داشت و در نبرد زندگی آنچنان بردباری از خودنشان می داد که برای دیگران درس عبرتی بود پس از آن که این شغل را هم از دست داد ، درحالی که از بیماری سرما خوردگی کهنه‌ای که همیشه با او بود بشدت رنج می‌برد ، یک شب سرد زمستان از مسافرخانه‌ای که پولش را نپرداخته بود ، با بی-رحمی بیرون رانده شد تلمانند سگی بی پناه در گوشه‌ای ازخیابان ، شب را به صبح برساند... اما جان سختی او عجیب بود ، چون از این مرحله نیز گذشت و چندی بعد درجستجوی کار از نروژ راهی آمریکا شد. برای توجیه بیشتر این قسمت از زندگانی او باز به‌رمان « گرسنگی که زندگی نامه نویسنده است باز می‌گردیم و از آن مدد می گیریم : در گوشه‌ای ایستاده‌ام و از کشتی عظیم روسی که دارای سه دکل است چشم بر نمی‌دارم. در همین موقع کسی را می بینم که کنار کشتی ایستاده و فانوس سرخ بدنه چپ کشتی از بالا ، چهره‌اش را روشن کرده است. از جا بلند می‌شوم و نزدش می‌روم و سر صحبت را با او باز می کنم. حتی توقع پاسخ هم ندارم.

پرسیدم : آقای نـــا خدا ، کشتی امشب حرکت میکند ؟ جواب داد : بلی . چیزی به حرکت کشتی نمانده است و چون به زبـــان سوئدی تکلم میکرد ، با خودم گفتم لابد از اهالی فنلاند است.

باز پرسیدم : شما برای کارهای کشتی به کارگر احتیاج ندارید؟

پاسخش برایم یکسان بود . خواه جواب قبول میشنیدم ، خواه جواب رد ، فرقی نمیکرد . فقط نگاهش میکردم و منتظر جواب بودم . آن وقت گفت : « فعلا که خیر ، مگر این که آن شخص یک کارگر غیر فنی باشد و بتواند در کشتی پادویی کند . » باشنیدن این جواب قد راست کردم و در حالی که باخیز از نردبان کشتی بالا میرفتم گفتم :

-من از کارهای فنی سررشته‌ای ندارم ، ولی پادویی را خوب میدانم . فقط بفرمـــائید کشتی به کجامیرود ؟

گفت : مقصد ما نیویورک است.

گفتم : ـــ خیلی خوب ، من حاضرم تمام روز و شب را کار کنم و درعوض به امریکا برسم.

گفت : بسیار خوب ، ولی این را بدان اگر کارت رضایت بخش نباشد ، به محض رسیدن به انگلستان پیاده‌ات میکنم.

وآن گاه مرا بدرون کشتی برد و کارم شروع شد.

باین ترتیب بود که « کنوت هامسون گرسنه و آواره از نروژ به آمریکا رسید. اما آمریکا نیز سرزمین موعودی نبود و زندگی صنعتی آن دیار بامذاق جوانی که با وجود غوطه ور شدن درواقعیات تلخ ، هنوز از رؤیا و خیال سرشار بود، کوچک ترین هماهنگی نداشت .... در خیابانها دسته دسته کارگران بی کار به چشم میخوردند و بحران بی کاری بیشتر از نرور زندگی کارگران را تهدید میکرد . کتاب کوچکی که درزمینه هجو زندگی ماشینی آمریکا نوشته است ، نمودار دیدی است که در آن سرزمین به کار برده است . او بعد از دو سال از آمریکا باز به اروپا بازگشت و این بار چند سالی از عمرخود را در کارهای گوناگون و در کشورهای مختلف اروپا گذراند و سرانجام هنگامی که تجربه لازم را به دست آورده بود در نروژ اولین کتاب خود را که همان رمان « گرسنگی » باشد به رشته تحریر درآورد ، و با چاپ این کتاب بود که دوران مصیبت بار زندگی او به پایان رسید وبه مرحله دیگری پای گذاشت. پس از انتشار رمان « گرسنگی » مقالات فراوانی درمورد نبوغ این نویسنده نروژی نوشته شد وشهرت و آرامشی که از ثروت مایه میگیرد ، یک جا به او روی آورد باین ترتیب بود که او توانست در زادگاه خود شمال نروژ خانه کوچکی خریداری کند ودرآن‌جا به کارهای ادبی خود بپردازد. کتاب محصول زمین که شاهکار این نویسنده است ، در این خانه نوشته شد و در همین خانه بود که نویسنده رجز کشیده به دریافت جایزه نوبل مفتخر شد و هاله ای از افتخار برگرد سرش پدیدار شد . نود و دو سال تمام عمر کرد و اگرچه چهل سال اول زندگانی او در فقر و محرومیت و ناکامی گذشت ، اما دوران دوم زندگی او ، دوران پرباری بود و هنگامی که زندگی را بدرود میگفت. دیگر در این جهان آرزوئی نداشت

پایان

جدول سرگرمی مسابقات

جدول کلمات متقاطع

از: جهانگیر ناوساحو

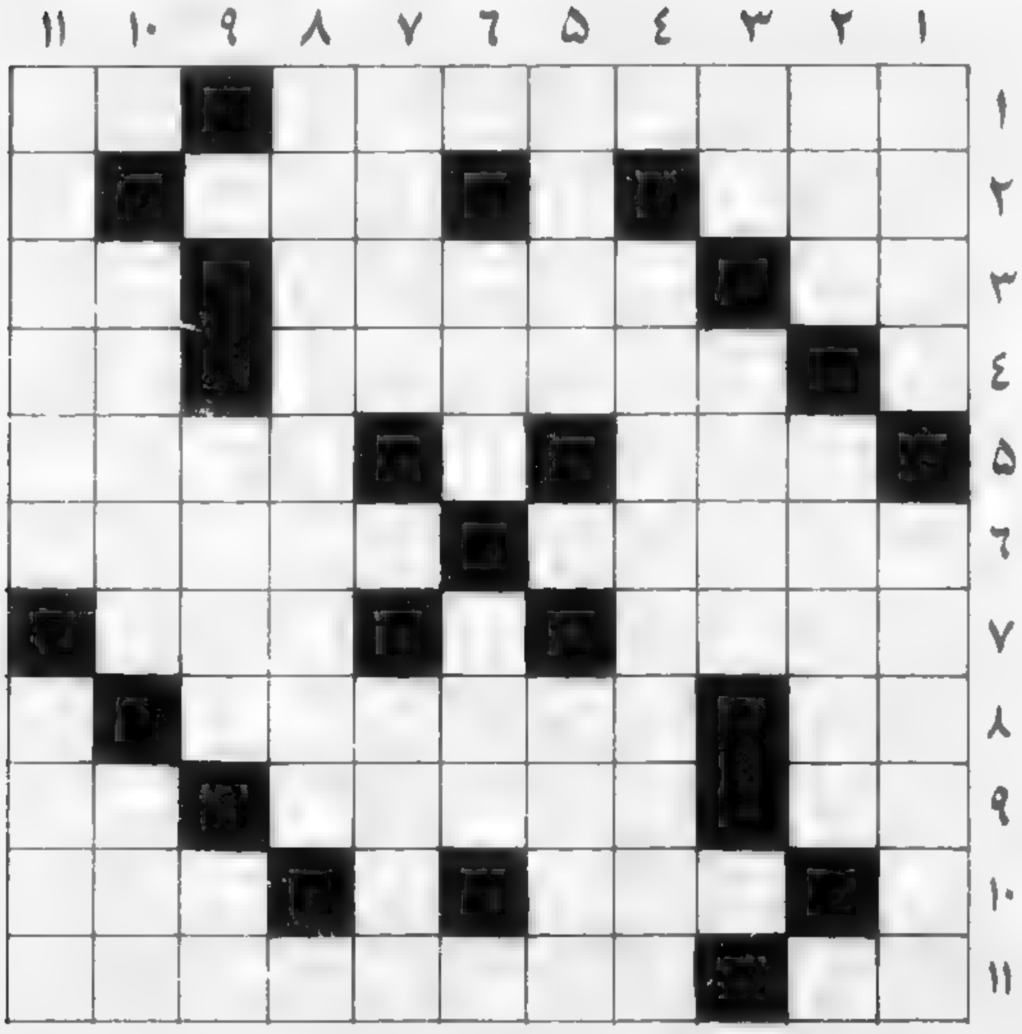

افقی

۱ — مجموعه‌ای از بهشت ودوزخ و برزخ از «دانته» — عددی در بدن انسان ۲ — درد وربج - سمک ترکها که با کلکک همراه است ۳ — شراب — طرحی برای مبل و میز و صندلی — فلز پر مصرف ۴ — برگزیدن — برگشت با ۵ — خوردن آن حرام است — بازی سداول با ورق ۶ — نویسنده کتاب مادر — دستگاهی ازموسیقی ایرانی ۷ — تکیه کلام زنانه — دوست ۸ — نوعی شلوار — موسیقیدان نامی جهان ۹ — واحد پول سرزمین آفتاب تابان — یک مربعه — آش . ۱۰ — هم ساختمان است و هم سازنده‌آن — روزگاری در کوی و برزن میردند ۱۱ — نفس خسته — دشمن نومیدی .

عمودی

۱ — نویسنده کتاب طاعون — ستاره شناس معروف ایتالیا ۲ — منسوب به ملت — بن دلاورچنین است ۳ — لحظه — حیثیت درصورت ۴ — ستاره فیلم شهرزاد ۵ — نوعی چاپ — شهر زیرورشده درآذربایجان ۶ — پدر — حیوان نجیب ۷ — ایستخالف ا — واحدی برای اندازه‌گیری طول ۸ — معروف ترین کچل سینما ۹ — اینطور یکدیگر را صدا کردن زننده ترین طریق ممکن است — محل ومکان . ۱۰ — میگویند معذوراست — کجش به مقصد نمیرسد ۱۱ — نویسنده نامدارانگلیس — شهری درمازندران.

بازی با اعداد

با پس وپیش نوشتن اعداد این عدد چهار رقمی، چند عدد چهار رقمی دیگر میتوانید بسازید؟ پاسخ را به «دایره جدول، سرگرمی ومسابقه» بنویسید وجایزه بگیرید.

پاسخ جدول کلمات متقاطع شماره ۱۴

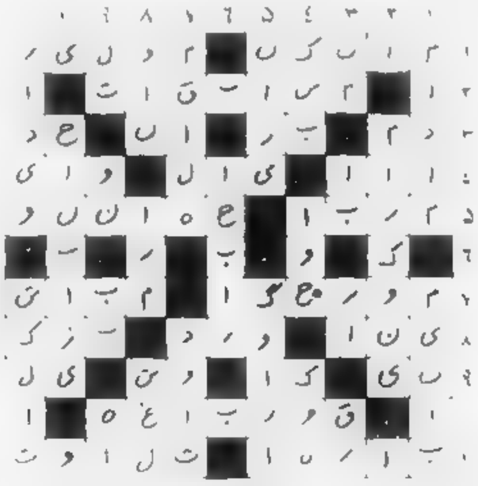

برندگان

مسابقات شماره چهاردهم

۱ — آقای علی اصغر مودت (سکه یک پهلوی طلا) ۲ — آقای پرویز رستمی (ساعت ۳ — بانومنیژه حاتمی (رادیو) ۴ — دوشیزه فرشته امیری (قلم خودنویس) .

جوایز مسابقات

۱ — ضبط صوت ۲ — اطو ۳ — بخاری ۴ — دوربین عکاسی ۵ — تریموس ۶ — ساعت ۷ — جعبه ابزارفنی ۸ — رادیو ۹ — فلاسک . ۱۰ — نوار کاست.

ده جایزه و هر جایزه برای یکنفر که بحکم قرعه به شرکت کنندگان درمسابقات که پاسخ صحیح داده‌اند، تعلق میگیرد، مشروط براینکه نام، نام خانوادگی، تاریخ تولد، شغل وآدرس دقیق خود را درزیر پاسخ و نام مسابقه و شماره مجله را دربالای پاسخ و روی پاکت قید نمایند

بازی با اعداد

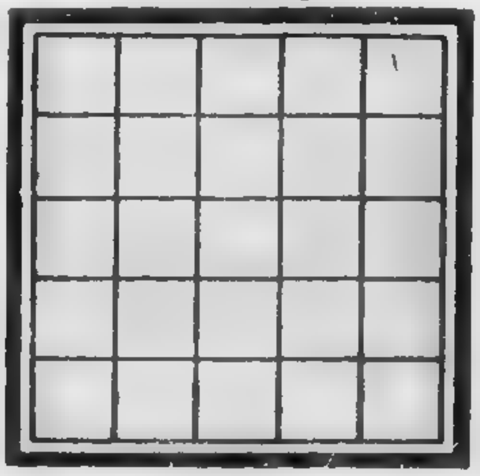

اعداد از یک الی بیست‌وپنج را طوری در خانه‌های این جدول قرار دهید که مجموع ارقام هرستون باهم مساوی باشد ؟ اگرموفق شدید پاسخ را به «دایره جدول ، سرگرمی و مسابقه» بنویسید وجایزه بگیرید.

این آقا چه میخواهد بخرد؟

این آقا برای خرید ازمنزل خارج شده است اما برای خرید چه چیز؟ وقتی ازآن آگاهی حاصل می کنید که خانه‌های دارای علامت (ضربدر) را زرد (نقطه دار) راقهوه‌ای وخانه‌های باعلامت (تفریق) را قرمز و خانه‌های مشخص با (عدد یک) راآبی رنگ نمائید.

درپایان کاروقتی تصویر مورد نظر بدست آمد نام آنرا به «دایره جدول ، سرگرمی ومسابقه بنویسید وجایزه بگیرید.

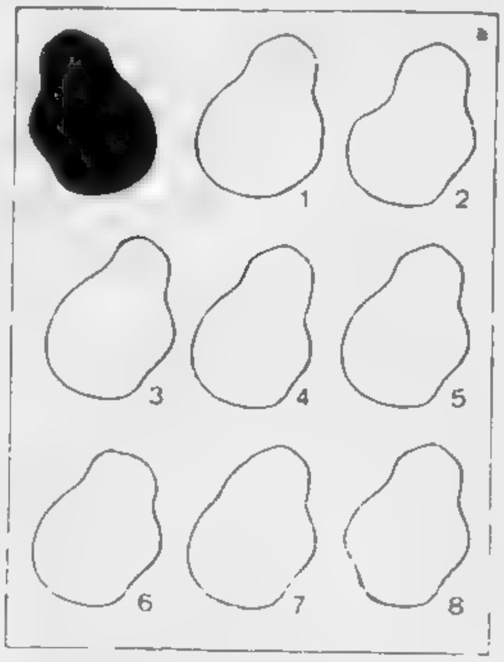

سایه کدام سیب زمینی؟

سیب زمینی بدون شماره که سیاه رنگ نیز هست ، سایه یکی از سیب زمینی های با شماره مـــیباشد . آن سیب زمینی کدام است وشماره‌اش چیست؟ پاسخ را به «دایره جدول ، سرگرمی و مسابقه» بنویسید وجایزه بگیرید .

فال

ـمـر دن‌در ،ه‌حوادثی که در دو هفته
آمده در رابطه با شما پیش می‌آید .

فروردین

عدم همکاری شما ممکن است . سبب شود که دوست دیرینه خود را از دست بدهید . خود را شاد و سرحال نشان دهید ، حتی اگر چنین احساسی ندارید ، فراموش نکنید غم . غم به همراه میاورد ، روز سه‌شنبه روز خوشی برایتـــــــــان خواهد بود

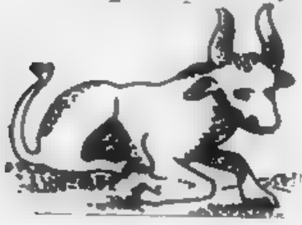

اردیبهشت

ممکن است مجبور شوید تغییراتی در برنامه کارتان بدهید که این تغییرات به سود شما خواهد بود . با دقت و مراقبت بیشتر . خود را سلامت نگاه دارید . از دوستانی که وادارتان می کنند مخارج گزافی را متقبل شوید . بپرهیزید

خرداد

دل به زیبائی های فریبنده نبندید که شالوده زندگی شما درهم خواهد ریخت . زمانی فرارسیده که از نیروی اندیشه‌تان استفاده کنید . به پولی که درانتظارش اینک هستید ، خواهید رسید . اگرسیگار می کشید مصرف آن را به مقدار قابل توجهی کاهش دهید .

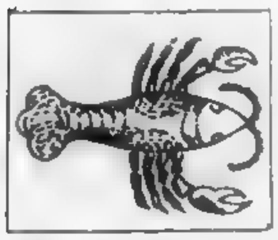

تیر

برخوردهای جالب و عجیب . افکار شما را مشغول میسازد . ممکن است در این برخورد ها به ماجرای احساسی نیز بر بخورید . بیشتر با دیگران معاشرت کنید . تغییرات مهم و کلی در محیط کار و یا در وضع مالی شما بـــــوجود خواهد آمد

مرداد

عدم اعتماد در زندگی خانوادگی بزرگترین ویرانگر سعادت به شمار میرود . شخصیت و جاذبه شما باعث می‌شود خیلی زود مورد توجه قرار گیرید . با دوستانی که مدتی از آنها بی‌خبر بوده‌اید ، ملاقاتهای جالبی خواهید داشت .

شهریور

ناراحتی عصبی وضعف اعصاب شما اطرافیانتان را ناراحت می کند . اگر به مسافرت میروید ، در انتخاب همسفر دقت بیشتری بکنید . شخصی از راه دور برایتان نامه میدهد و شما را خوشحال می کند .

مهر

با هر کس درددل نکنید ، حتی کسانی را که دوست میندارید ، ممکن است ناگهان ، دشمن از کار در آیند و تمام اسرار شما را بر ملا کنند . همه کس نمیتواند با انسان همفکر و هم عقیده باشد

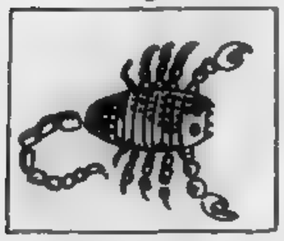

آبان

درخانواده محبت و هماهنگی کامل وجود دارد و همه به فکر شما هستند . دوستان نیز با مهربانی که از شما می‌بینند ، شیفته شما می‌شوند . با لذت زیاد برای کاری که جنبه عمومی دارد ، سرمایه‌گذاری خواهید کرد

آذر

تا این حد احساساتتان را در دل مخفی نکنید ، محبت‌تان را نشان دهید ، مخصوصا اگر ازدواج نکرده‌اید و به قصد ازدواج کسی را دوست دارید . با افراد خانواده و دوستانی که از راه میرسند ، هماهنگی کامل خواهید داشت ،

دی

اگر خرج را با در آمد هماهنگ نکنید و ولخرجی کنید ، بالاخره گرفتاری مالی پیدا خواهید کرد . دفتر مخارج روزانه درست کنید و کمی بیشتر حسابگر باشید ، به نفع شماست . برای اینکه اختلاف و کدورتی بین دوستانتان بوجود نیاید ، کمترحرف بزنید و بیشتر بشنوید .

بهمن

دوستی صمیمانه و طولانی برایتان پیش‌ بینی می‌شود . ممکن است به سفر کوتاهی دعوت شوید ، از قبول آن خودداری نکنید ، زیرا پولی که مدتها درانتظار آن هستید باحتمال زیاد هنگام سفر بدست شما خواهید رسید .

اسفند

خیال‌پردازی های بیش ازحد درست نیست بیشتر به واقعیات فکر کنید ، به نفع شماست . امکان دارد مسافرتی دلپذیر پیش آید . سعی کنید از وقتتان لذت ببرید . تدبیر و شکیبائی بهترین دوستان شما هستند .

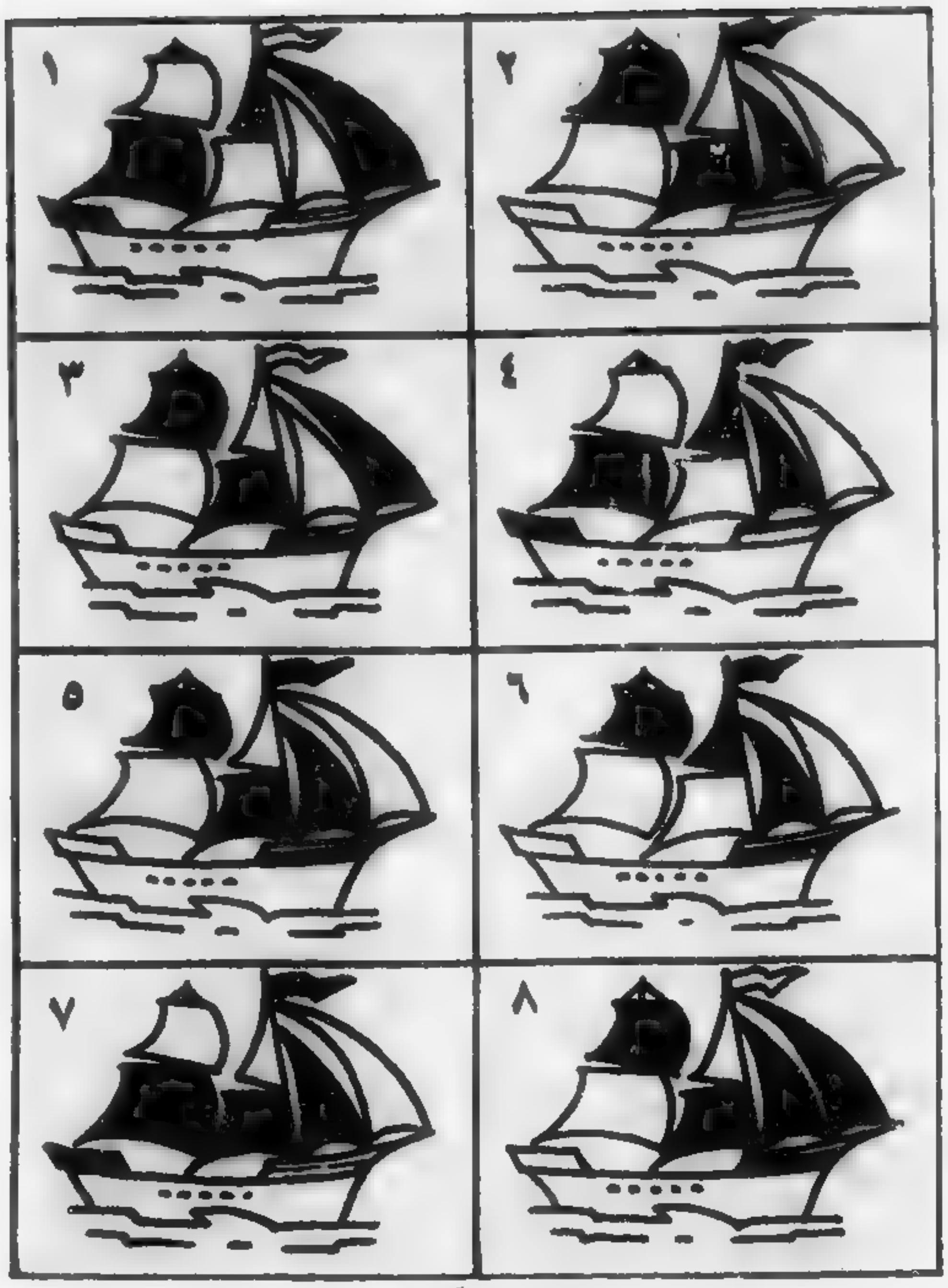

بنویسید و جایزه بگیرید

درمیان این کشتی ها، دو کشتی شبیه هم وجود دارد یا خیر؟ پاسخ را به «دایره جدول، سرگرمی ومسابقه» بنویسید وجایزه بگیرید.

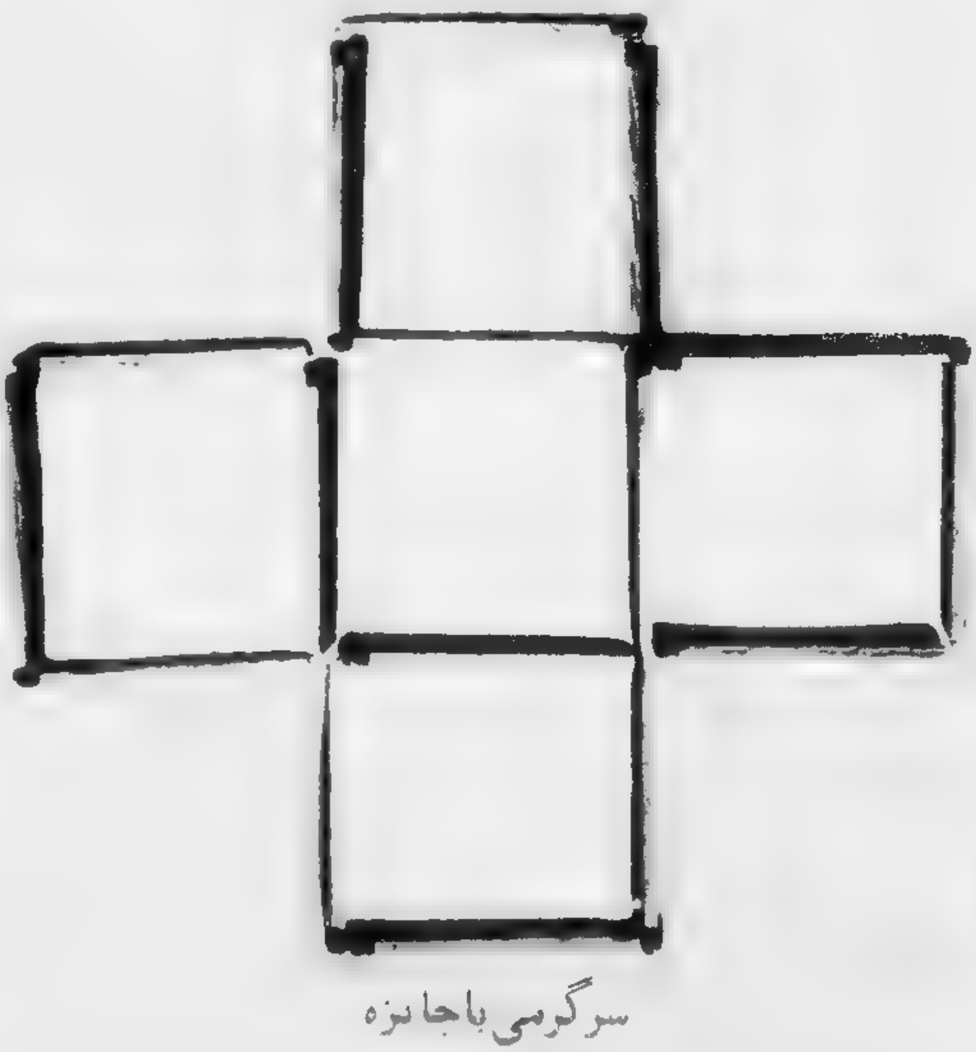

سرگرمی با جایزه

ما با شانزده چوب کبریت پنج مربع ساخته ایم آیا شما می‌توانید با همین تعداد چوب کبریت چهارمربع بسازید؟ اگرموفق شدید به «دایره جدول، سرگرمی ومسابقه» بنویسید وجایزه بگیرید.

وزارت کشاورزی و منابع طبیعی

سازمان حفظ نباتات

اطلاعیه سازمان حفظ نباتات

در مورد احتیاطات لازم در مصرف سموم دفع آفات نباتی

نظر باینکه کلیه سمومی که در مبارزه با آفات و بیماریها و علفهای هرز مصرف میشوند برای انسان و دام، طیور، زنبورعسل و ماهیها خطرناک میباشند بنابراین باتوجه به ماده ۷۲ آئین نامه اجرائی قانون حفظ نباتات و بمنظور جلوگیری از خطر مسمومیت زارعین و کارگران در موقع عملیات سمپاشی رعایت موارد زیر را توصیه مینماید.

۱) قبل از شروع سمپاشی کارگران سمپاش باید به لباس کار، دستکش لاستیکی و عینک دوره دار و ماسک مجهز باشند و پس از خاتمه عملیات لباس کار را عوض کرده دست و صورت خود را با آب و صابون بشویند و در صورت امکان استحمام نمایند.

۲) در موقع سمپاشی از خوردن و آشامیدن و یا استعمال دخانیات اکیداً خودداری نمایند.

۳) عملیات سمپاشی باید در هوای صاف و آرام انجام گیرد و در ساعات گرم روز و طولانی و بارانی و همچنین مواقعی که احتمال بارندگی میرود از سمپاشی خودداری شود.

۴) از پاشیدن محلول سمی بمحصولات و درختان مجاور که احتیاج به سمپاشی ندارند خودداری گردد.

۵) برای تهیه محلول سمی نباید سم را با دست بهمزد بلکه لازم است از چوب و امثال آن برای این منظور استفاده کرد.

۶) پس از سمپاشی درظرف سم را محکم بسته و باقیمانده آن را در محلی محفوظ و دور از دسترس اطفال نگهداری نمود.

۷) ظروف خالی سموم پس از اتمام عملیات باید کاملا از بین برده شود و در جای مطمئنی در زیر خاک مدفون گردد و بهیچ وجه نباید از این ظروف حتی پس از شستن استفاده هائی مانند ذخیره کردن غذا برای انسان و دام بعمل آید.

۸) دستگاه سمپاشی باید پس از پایان کار کاملا با آب تمیز شسته و خشک شود زیرا ممکن است در اثر ماندن مقداری از سم داخل آن باعث مسدود شدن لوله ها و احیاناً زنگ زدن و از کار افتادن سمپاش گردد.

۹) از ورود اطفال و حیوانات اهلی و طیور بمنطقه سمپاشی شده باید ممانعت بعمل آورد و اصولا قبل از سمپاشی آنها را از منطقه دور داشت.

۱۰) محصولات سمپاشی شده و آنهائی که در زیر درختان سمپاشی شده وجود دارد نباید قبل از زایل شدن اثر سم که مدت آن متفاوت بوده روی برچسب سموم قید گردیده مورد استفاده انسان و حیوان قرار گرفته و یا بفروش برسد.

۱۱) برای جلوگیری از تلف شدن ماهیها و سایر حیوانات اهلی و وحشی باید از ریختن سم در آب جاری حوض استخر و شستشوی ظروف خالی و لباس آلوده مطلقاً خودداری نمود.

۱۲) برای حفظ زنبورعسل و سایر حشرات مفید بایستی از سموم مناسب و کم دوام طبق نظر کارشناس مربوطه استفاده شود.

۱۳) سمپاشی محصولات کشاورزی از نظر باقیمانده سم روی محصول باید مورد توجه کامل قرار گیرد محصولاتی که همه روزه برای فروش و مصرف بدست میآید از قبیل خیار — گوجه فرنگی و بادمجان — لوبیا — سبزی و غیره نباید با سموم پر دوام مانند د.د.ت و امثال آن سمپاشی شود بلکه در این موارد باید از سموم کم دوام با نظر مأمورین اداره حفظ نباتات محل استفاده گردد.

۱۴) گاهی اوقات ممکن است در اثر عدم توجه در مصرف سموم و سمپاشی مسمومیتهائی ایجاد شود، بمحض مشاهده اولین آثار مسمومیت بپزشک مراجعه و قبل از رسیدن به پزشک موارد زیر را رعایت نمود.

الف ـ دور کردن مسموم از محیط سمپاشی شده و انتقال بهوای آزاد.

ب ـ شستشوی قسمتهای مختلف بدن که بسم آلوده شده و تعویض فوری لباسهای آلوده بسم.

پ ـ پرهیز کامل از خوردن مواد چربی.

ج ـ درصورتیکه محلول سمی بچشم پاشیده شود فوراً چشم را با آب فراوان بایستی شستشو داد.

گیاهان شفابخش را بشناسیم

از: مهدی نراقی

توت الثعلب

توت‌الثعلب گیاهی است که در کازرون، خوی، تبریز، زنجان، همدان، کرمان، کرج، پس‌قلعه، و در ارتفاعات ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متری نواحی مختلف دیگر کوههای البرز مانند کندوان، در ۲۰۰۰ متری عمارلو کبوتر چاك، در ارتفاعات ۱۸۵۰ متری راه بوورزن به چرم کش (عمارلو)، امامزاده ابراهیم (کلوان در ارتفاعات ۲۵۰۰ متری) میروید و بیشتر زمینهای گچی و جاهای غیر زراعتی و بیشه‌ها و چمن‌های مرطوب را دوست دارد.

گلهای آن درماه اردیبهشت ظاهر میشود و تا تیرماه دوام دارد، توت‌الثعلب بدو نوع کوچک و بزرگ تقسیم شده است، گلهای توت‌الثعلب بزرگ، بزرگتر از گلهای توت — الثعلب کوچک است و گلهای آن تیرماه ظاهر میشود و تاشهریور دوام میاورد.

شما باید توت‌الثعلب بزرگ و یا کوچک را در بهار و پائیز بچینید. آنها را از ریشه در آورید و با آب بشوئید. بعد آنرا قطعه‌قطعه کنید و در سبدی که هوا از آن عبور میکند، بریزید و آنرا درجای گرم و خشکی بگذارید تا بخشکد.

توت‌الثعلب را قدیمی ها نمیشناخته اند. درقرن هفتم میلادی برای اولین بار آنرا تحت عنوان رازیانه در کتابها آوردند و شرح دادند.

« لازار ریویر » آنرا در معالجهٔ دفع حفظ خون و اسهال معمولی و اسهال خونی تجویز میکرد.

در قرن پانزدهم آنرا مثل نوشدارو میدانستند و یک پزشک چینی بنام «پن‌تزائو» آنرا در بیماریهای سینه، انواع تب، اختلالات معده و همچنین در درمان طاعون و وبا توصیه و مصرف میکرد.

ریشهٔ توت‌الثعلب دارای اسانس فرار، نشاسته، سقز، قند و املاح معدنی فراوانی است.

توت‌الثعلب دارای اثر مهمی دراشتها و تقویت بدن است و آنرا برای معالجهٔ کم‌خونی خستگی و سرعت دورهٔ نقاهت بکار میبرند.

شما آنرا همچنین برای معالجهٔ دردهای گلو و آنژین ها و همچنین درمورد برونشیب و سرفه بکار خواهید برد.

توت‌الثعلب برای معالجه انواع قولنج و اختلافات هاضمه و بالاخره درمصرف خارجی برای التیام زخمها و برای معالجهٔ خونریزیها مؤثرومفیداست.

نسخه‌های توت‌الثعلب:

پنجاه گرم ریشهٔ توت‌الثعلب را که تکه‌تکه و خشک کرده‌اید، در یک لیتر آب سرد بریزید و ظرف محتوی آنرا روی آتش بگذارید تا بجوش آید و یک دقیقه بجوشد. سپس آنرا از روی آتش بردارید و پانزده دقیقه بحال خودش بگذارید تا دم بکشد. آنگاه آنرا صاف کنید و در طول روز چهار یا پنج فنجان کوچک از آنرا بنوشید.

جوشاندهٔ توت‌الثعلب را به شرحی که در معالجهٔ آنژین آمد، تهیه کنید و بهمان مقدار مصرف کنید. اشتها را باشخاص کم خون، ضعیف و یا کسانیکه دورهٔ نقاهت را میگذرانند بازمیگرداند.

جوشاندهٔ ریشهٔ توت‌الثعلب که نسخه آنرا برای معالجه آنژین بیشتر دادیم برای درمان برونشیب هم‌مؤثر و مفیداست.

پنجاه گرم ریشه‌خشک توت‌الثعلب را در یک لیتر آب سرد بریزید و ظرف محتوی آنرا روی آتش بگذارید تا بجوش آید و یک دقیقه بجوشد. سپس آنرا پانزده دقیقه دم کنید و بنوشید نوشیدن جوشاندهٔ توت‌الثعلب انواع قولنج ها را درمان میکند.

جوشاندهٔ ریشهٔ توت‌الثعلب که نسخهٔ تهیه و مصرف آن در بالا ذکر گردید، سؤهاضمه، نفخ شکم و ترشی معده را معالجه میکند.

جوشاندهٔ ریشه توت‌الثعلب که طرز تهیهٔ و مصرف آن در بالا شرح داده شد، برای جلوگیری از خونریزی بواسیر مفید و مؤثر است.

با این جوشانده میتوانید حمام ته‌نشین بگیرید تا ورم وسوزش بواسیر را برطرف کند و زخم آنرا زودتر التیام بخشد.

وقتی ورم و زخم بواسیر باین وسیله خوب شد، بازهم آنرا ادامه دهید تا دوباره‌عود نکند.

جوشاندهٔ ریشهٔ توت‌الثعلب که طرزتهیه ومقدارمصرف آنرا درمورد آنژین شرح دادیم، بهمان مقدار و همان طرز اگر مصرف شود برای درمان ضایعات سفید خانمها بسیار مؤثر و مفید است و خانمهائی که مبتلا بان هستند، باین ترتیب راحت میشوند.

جوشاندهٔ ریشهٔ توت‌الثعلب بمقدار پنجاه گرم در یک لیتر آب که باید یک دقیقه بجوشد و پانزده دقیقه دم بکشد و هر روز چهار بار و هربار یک فنجان کوچک از آن نوشیده شود، در التیام زخمها مؤثر و مفید است.

جوشانده ریشهٔ توت‌الثعلب که طرز تهیه و مقدار و مصرف آنرا در معالجهٔ آنژین شرح دادیم، بهمان مقدار اگر مصرف شود، سرفه های پی‌درپی دراثر برونشیب و یا زکام و یا سیگار را برطرف میکند.

بهترین و... بقیه از صفحه ۶۵

درس خواندم. شغلم همین شوفری تا کسی است که ملاحظه میکنید. ازمال دنیاهم به جز این دست هایی که میبینید هیچ چیز ندارم.. سرووضعم را هم که دارید میبینید. آدم خوش قیافه‌ای نیستم. اما خوب، واسه خودم یک چیزهایی دارم... مثلا.. چی؟ لازم نیست توضیحی بدهم چونشما خودتان‌من را شناختید. بهمین زودی؟ هوم! ... شمادارید میخندید؟. خنده میان گریه، درست حکم رنگین کمان را دارد... پس خواستگاری‌من را قبول میکردید. مرسی خانم.. اتفاقاً من هم از لحظه اول که سوارتان کردم، به خودم گفتم اگر یک روزبا چنین دختری برخورد کنم، فوراً ازش خواستگاری می کنم.

خدای من، امروز عجب روزی بود.. حالا چه کار کنیم... من عقیده دارم شما را برگردانم خانه، بعدش هم فوراً بیایم خواستگاری تان. آن ده هزار تومان شیربها را هم حاضر دارم... اگرحساب خرید وفروش است، چرامن این کار را نکنم.. هوم. باز هم میخندید. خوب خنده علامت رضایته!

الان دورمیزنم و برمیگردم... امـــا نه، بگذار برویم توی میدان راه آهن نگه داریم.. من میرم دوتا بلیط میخرم.. حالا که چمدانت را بستی دیگه دلم نمیاید آن را باز کنی. ایـــن چمدان آنقدر میماند، تـــا مـــا راهـــی ماه‌عسل بشویم....

زنده باد سرنوشت... خدا روزهای زیادی دارد. اما بهترین روزعمرمن امروزبوداِمروز!..

(پایان)

سنباد

با اینجای داستان

[illegible]

حرکت سپاه صدهزارنفری سیاهپوشان، شور و هیجان فراوانی در جوانان ایرانی بر— می‌انگیخت و در هر روستا و شهری عده‌ی تازه‌ای ازجوانان به‌صفوف این سپاه می‌پیوستند.

پیشاپیش این سپاه تعداد کثیری شتر در حرکت بود که اسیران عرب برآنها سوار بودند و در هر شهری که بدست سیاهپوشان می‌افتاد بر تعداد شترها نیز افزوده می‌شد چون سنباد دستور می‌داد حتی یک عرب را در شهرها باقی نگذارند. او معتقد بود عربهائی که در ایران بسر می‌برند، عمال خلفای‌عرب هستند که ایران را میدان تاخت‌وتاز خود کرده‌اند. می‌گفت:

این‌ها میهمان‌های ناخوانده‌وحق‌ناشناسی هستند. از نعمت‌های فراوان‌سرزمین ما استفاده می‌کنند، چاق‌وچله می‌شوند و هوای آقایی کردن به سرشان می‌زند... ما باید این افراد را به‌سرزمین خودشان بازگردانیم...

تعدادی از سیاهپوشان با این عقیده‌ی سنباد موافق نبودند و کشتن واسیر کردن همه‌ی عربها راضروری نمی‌دانستند اما سنباد می‌گفت:

— درشرایط فعلی حتی وجود یک عرب در سرزمین‌مان ممکن است اسباب‌زحمت بشود. من این حرف را به ابومسلم نیز گفته بودم و او اگر بحرف من گوش می‌کرد و به خلیفه‌ی نامرد عباس اعتماد نمی‌کرد. چنان ناجوانمردانه کشته نمی‌شد.

* * *

سپاه درحرکت بود و اسیران عرب، بخصوص بچه‌ها، گاه‌وبیگاه به شیون و ناله می‌پرداختند که در دلهای مهربان عده‌ای از از سیاهپوشان ایجاد ترحم می‌کرد. یکی از سرداران سنباد که از شنیدن گریه‌های بچه‌ها دلش به‌درد آمده بود، به سنباد نزدیک شد و گفت:

— سردار، می‌توانم خواهشی ازشما بکنم؟

— بگو...

— این زنها و بچه‌های عرب را درجائی مسکن بدهید. بردن آنها به همراهی سپاه چه سودی دارد جزآنکه شیون و فریادشان روحیه‌ی سپاهیان را کسل می‌کند... باید به این بچه‌ها رحم کرد!

سنباد که درست درهمین لحظه بیاد گذشته‌های دردناک افتاده بود، با خشونت گفت:

— مگر آن مردان به بچه‌ی من رحم کردند به تنها بچه‌ی من! بچه‌ای که هیچ گناهی نداشت وقربانی کینه‌جوئی شد!

— معذرت می‌خواهم سردار! نمی‌خواستم شما را ناراحت کنم...

— مهم نیست! ببین برادر، من نمی‌خواهم داستان ابومسلم تکرار شود. او همه‌ی ایران را از چنگ عمال‌عرب، کارگزاران بنی‌امیه آورده بود اما اکنون می‌بینید که دوباره همان حکام عرب برسرزمین ما مسلط هستند و ما باید دوباره با آنها در داخل وطنمان بجنگیم! چرا اینطور شد؟ برای اینکه ابومسلم به‌کارگزاران آنها اعتماد کرد، برای اینکه ابومسلم آنها را هنوز عمال خلفای عرب بودند از این سرزمین بیرون نکرد. بنابراین خیلی آسان خلیفه بی جای خلیفه دیگر راگرفت و با زهم ایرانیان زیر سلطه و فشار خلفای عرب باقی ماندند.

— شاید حق باشما باشد سردار...

— حتماً حق با من است... اما اینکه چرا این عربها را پیشاپیش سپاه می‌برم، هدفی دارم... طبق خبرهایی که بمن داده‌اند منصور از نهضت ما سخت دچار هراس شده و برای مقابله با ما هرچه سپاه داشته و توانسته گرد بیاورد، به جهوربن مرار داده تا بجنگ ما بیاید... من می‌خواهم قبل از اینکه دوسپاه باهم روبرو بشوند، جهوربن مرار را مدتی با هموطنان و هم‌نژادان خودش مشغول کنم تا فرصتی برای طرح نقشه‌ی‌جنگی مناسب داشته باشم... ما الان به‌سوی آنها درحرکت هستیم و نمی‌دانیم در کجا وچگونه با سپاه‌عرب روبرو خواهیم شد بنابراین الان من نمی‌توانم تصمیم بگیرم که در جنگ با جهوربن مرار چه فن و روش جنگی باید اتخاذ کنم اما وقتی بهم رسیدیم، وجود این اسیران باعث می‌شود که من فرصت لازم را برای آرایش‌جنگی‌سپاهم پیدا کنم...

* * *

سیاهپوشان ساوه راگرفته بودند و به سوی اصفهان حرکت می‌کردند که دیده‌بانها و پیشقراولان به سنباد اطلاع دادند سپاه خلیفه عباسی دارد از روبرو نزدیک می‌شود. سنباد و سپاهیانش در بیابان وسیع و خشکی پیش می‌رفتند سنباد گفت:

— ما همین‌جا منتظر می‌شویم.

و دستور داد شترهای حامل اسیران را با مقداری فاصله در برابر سپاهیان به صف نگهدارند و در واقع سدی از آنها در برابر اولین هجوم اعراب بوجود آورند.

وقتی این کار انجام شد، سنباد بازدیدی از سپاه خود کرد و دستورهایی به سردارانش داد وآنگاه همه به انتظار ایستادند.

لحظاتی بعد، طلیعه‌ی سپاهیان خلیفه عباسی پیدا شد. اسیران عرب تا از دور سپاه خلیفه را دیدند یکباره شروع به شیون و فریاد کردند:

— ای سپاهیان خلیفه، ما را نجات دهید!

سپاهیان خلیفه‌عباسی که انتظار چنین وضعی را نداشتند از شنیدن فریادزنها و کودکان عرب و دیدن صفوف‌شترها دچار حیرت شدند وچندتن ازآنها با تشویش به سراغ فرماندهشان جهوربن مرار رفتند:

— یاامیر! این چه وضعی است؟ اینها چه کسانی هستند؟ باآنها چه باید بکنیم؟

جهور که خود نیز د رحیرت دست کمی از دیگران نداشت مدتی ساکت ماند و به فریاد— های‌اسیران گوش داد وسپس گفت:

— ظاهراً اینها زنها و بچه‌های عربهای ساکن شهرهای ایران هستند که سنباد مردهایشان راکشته و اینها را به اسیری گرفته است و اکنون آنها را پیشاپیش سپاهیان خود آورده تا روحیه‌ی ما راخراب کند...

یکی ازعربها گفت:

— یاامیر، فکری بحال آنها بکنید... این این‌ها همخون‌های ما هستند. این زنها و بچه— های بی پناه و بی گناه نباید قربانی بشوند... فکری برای نجات آنها بکنید...

جهور به طرف این مرد عرب برگشت و با خشونت گفت:

— گوش‌هایت را بازکن و خودت‌گوش کن! من در این لحظه فقط یک چیز فکر می‌کنم، آنهم غلبه کردن برسنباد وسیاهپوشان اوست... پیروزی بر سیاهپوشان، این چیزی است که خلیفه ازما می‌خواهد...

— حتی اگر به قیمت فدا کردن اینهمه زن و بچه بی‌گناه باشد؟ جهور که ناگهان یک فکر شیطانی بمغزش خطور کرده بود خندید وگفت:

— درست به همین قیمت!

مردعرب باخشم فریاد زد:

— ولی این صحیح نیست! این خیانت است! این خلاف دین ومذهب است!

جهوربن مرار شمشیرش را از نیام کشید و بالا برد وبرسرسپاهی عرب‌داد کشید:

— اینجا من فرمان می‌دهم، من تصمیم می‌گیرم و من تشخیص می‌دهم که چه‌صحیح است وچه صحیح نیست!... اگر یک کلمه‌ی دیگر از دهانت خارج شود با همین شمشیر فرقت را به دونیم می‌کنم! بروگمشو!

سپاهی عرب وحشتزده مهمیز براسب کوفت و فرار کرد وجهور سرداران سپاهش را نزد خود خواند وشروع به صحبت با آنها کرد.

* * *

اکنون دوسپاه با فاصله‌ای نه‌چندان زیاد روبروی هم‌صف‌آرایی کرده بودند و شتران حامل اسیران چون دیواری بین سپاه ایستاده بود.

سیاهپوشان منتظر نخستین‌اقدام سپاه جهور بودند. سنباد از دور مراقب جهور بود و می‌دید که دارد باسران سپاهش گفت وگو می‌کند.

لحظه‌ای به انتظار گذشت و سپس سیاهپوشان دیدند که‌جنب‌وجوشی در سپاه خــــلیفه پیدا شد و بدنبال آن عده‌ای از سواران ازسپاه جدا شدند وصفی پیشاپیش سپاه تشکیل دادند وآنگاه به‌آرامی شروع به حرکت به‌سوی اسیران کردند.

یکی ازسرداران‌سیاهپوش به‌سنباد گفت:

— فکرمی کنید اینها چه نقشه‌ای دارند؟

— به‌احتمال می‌آیند شترها را همراه خود ببرند.

— و شما ساکت می‌مانید تا آنها این کار را بکنند؟

— البته که نه! دستورآماده باش بده!

— اما ببینید، اینها که دارند پیش می‌آیند گروهی‌طبل و سنج وکرنای بهمراه دارند و گروهی نیز نیزه‌دار هستند... وچرا اینقدرآرام وبیسروصدا پیش می‌آیند؟

— اگر می‌دانستم که فوری دست‌به کار می‌شدم... باید صبر کنیم‌ببینیم چه می‌خواهند بکنند... افراد همه‌آماده باشند...

افرادی که از صفوف سپاه‌جهور جداشده بودند باآرامش واحتیاط پیش می‌آمدند. اسیران ساکت و بی‌سروصدا منتظر اقدام آنها بودند و سیاهپوشان نیز در سکوت و با دقت مراقب اوضاع بودند. سکوتی سنگین بر سراسر آن بیابان خشک وخالی فروافتاده بود.

سرداران استقلال ایران

سربازان عرب وقتی به شترها نزدیک شدند ناگهان طبلها، کرناها و سنج را با تمام قدرت به صدا درآوردند و نیزه‌داران نیز نیزه‌های بلند خود را حواله‌ی گردن‌شترها کردند...

شترها که از این سروصدای ناگهانی و ضربه‌های نیزه‌ها وحشت کرده بودند، یکباره رمیدند وبسوی صفوف سیاهپوشان فرار کردند..

این حرکت ناگهانی و غیرمنتظره اسبها را نیز بوحشت انداخت وچون سواران نیز غافلگیر شده بودند، یکباره سپاه سنباد بهم ریخت ...

فریاد و ناله‌ی زنها و بچه‌های اسیر که شترها آنها را بزمین زده و زیرپاهایشان گذاشته بودند صحرا را پر کرد . سپاهیان جمهور نیز شروع به هلهله و فریاد کردند و سنباد، هرچه کوشید سروصورتی به سپاهش بدهد موفق نشد...

سربازان خلیفه بدون‌توجه که زنها و بچه‌ها زیرپای شترها و اسبها جان می‌سپردند به حمله پرداختند ... سیاهپوشان بابینظمی می‌جنگیدند، شمشیرمی زدند و کشته می‌شدند.. و چون ازهم پراکنده بودند کاری ازپیش نمی‌بردند.

سنباد بازهم می کوشید بر سپاهش تسلط پیدا کند اما تلاشش در آن بلوای عجیب و خونین بی‌ثمر بود . او درحالیکه شمشیر می‌زد و بهرطرف اسب می تاخت با سیاهپوشی که از دلسوزی نسبت به زن و بچه های اسیرعرب‌سخن گفته بود روبه‌رو شد که میان چند سوارعرب درگیرشده‌بود .

سنباد با حمله به سواران خلیفه او را از معرکه رهانید و درحالیکه باگوشه‌ای از لباسش زخم بازوی او رامی‌بست گفت :

— حالا به حرف من رسیدی ؟ دیدی که آنها حتی به زن و بچه‌های خود نیز رحم نمی کنند ؟

— بله، سردار ! باورکردنی نبود ! عجب وحشی هایی هستند !

* * *

وقتی غروب فرو می‌افتاد، تکلیف نبرد معلوم شده بود ... بیابان خشک‌وخالی ازخون سیاهپوشان رنگ‌گرفته بودو بیش ازشصت‌هزار تن ازمیهن پرستان ایرانی بدست سربازان خلیفه عباسی کشته شده بودند ... بقیه‌ی سیاهپوشان نیز متواری شده و هر کدام به سویی رفته بودند

سنباد که با یک تن دیگر از یارانش بزحمت ازمهلکه جان‌بدر برده بودند چاره‌ای جز فرار و پناهنده‌شدن به آنسوی کوههای البرز نمی‌دید. او به همکامش گفت :

— متأسفانه ما شکست خوردیم و دیگر کاری‌ازمان ساخته نیست . تنها چاره‌ی ما اینست که به سوی طبرستان برویم و ازسپهبد خورشید، شاهزاده‌ی‌طبرستان یاری بجوییم ... شاید بازهم یک روزی بتوانیم سپاهی فراهم کنیم و تلافی این شکست را سرخلیفه در بیاوریم ... برویم ...

آندواسبهایشان را بسوی شمال ایران بتاخت درآوردند.

* * *

طبرستان ازجمله‌ی نقاط ایران بود که هرگززیرسلطه‌ی کامل عمال‌خلفای اموی و عباسی درنیامد و این بیشتر بخاطر جنگلهای انبوه، کوههای صعب‌العبور و وجود قلعه‌های محکم در این سرزمین بود که ورود عمال خلفای عرب و دشمنان ایران را به این منطقه غیرممکن می کرد.

براین سرزمین همیشه شاهزادگان ایرانی و طبری حکومت می کردند که البته گروهی از آنها خراجگزار خلفای عرب بودند اماگروهی نیز اندیشه‌ی استقلال درسر می پروراندند که مازیار ازآنجمله بود . (داستان مازیار را بعدها بازگو خواهیم کرد .) ... بنابراین طبرستان پناهگاه بسیارخوبی برای مبارزان واستقلال— طلبان ایران بشمار می‌آمد . سنباد نیز بهمین دلیل راهی این سرزمین بهشت‌آسا و همیشه بهار شد.

اووقتی به جنگلهای طبرستان نزدیک شد، سیاهپوش همراهش را به دربارسپهبدخورشید فرستاد تا او را درجریان سرنوشت سیاهپوشان بگذارد و برای سنباد تقاضای پناهندگی بکند و گفت :

— من درهمین‌جا منتظر بازگشت تو می‌مانم... مواظب‌باش راه راگم نکنی !

* * *

شاهزاده طبرستان به محض دریافت پیام سنباد، پسرعموی خود طوس را به پیشباز سردار سیاهپوش فرستادوگفت :

— طوس، چند اسب راهوار و وسایل سفر کافی بردار و باشتاب خود را به سنباد برسان... این مرد وطنپرست نزد ما بسیارگرامی است ... مراتب احترام مرا به او ابلاغ کن واورا بهمراه خود نزد ما بیاور... عجله کن برادر !

طوس بیدرنگ دستور شاهزاده را اجرا کرد و براهنمایی سیاهپوش که پیامگزارسنباد بود بسوی او حرکت کرد .

سنباد سوار براسب مشغول گشت در جنگل بود که طوس به او رسید و برای احترام از اسب پائین آمد، در برابر سنباد سرفرود آورد و پیام سپهبدخورشید را برساند.

سنباد که طوس را پسر جوانی یافته بود، بدون اینکه پیاده‌شود جواب‌سلام و احترام او را داد و پرسید :

— خوب، حالا می‌توانیم حرکت کنیم

طوس که جوانی بسیار مغرور و خودخواه بود این رفتار سردار خسته و پریشان سیاهپوشان را حمل بر بی‌اعتنایی او نسبت بخودش کرد و چون خود را شاهزاده می‌دانست از این بی— احترامی بسختی رنجید و کینه‌ی سنباد را بدل گرفت...

سنباد اسبش را با اسب تازه‌نفسی که سپهبد خورشید فرستاده بود عوض کرد و بلافاصله راه‌افتادند.

سنباد به‌طوس گفت :

— خوب، جوان، جلو بیفت وما را راهنمایی کن ! طوس این کلام سنباد را نیز تمسخرآمیز یافت و بیش ازپیش خشمگین شد اما سعی کرد برخودمسلط‌شود وگفت :

— نه قربان ! من پشت سرشما حرکت می کنم. روبه سیاهپوش پیامگزار کرد وگفت :

— شما راه را بلدید، جلو بیفتید و سردار را راهنمایی کنید...

مرد سیاهپوش جلوتر حرکت کرد و سنباد و طوس کناری براه افتادند ... طوس همچنان با خشم و کینه نسبت به سنباد دست و پنجه نرم می کرد و هر لحظه خشم او فزونی می گرفت تا آنجا که وقتی به‌قسمت انبوه جنگل رسیدند و میان آنها و سیاهپوش راهنما فاصله افتاد، طوس خنجر کوتاهش را ازکمر کشید و بایکضربه بر پشت‌گردن سنباد فرو برد که جابجا بر زندگی افتخارآمیز سردار وطن‌پرست ایرانی‌خاتمه داد.

* * *

سپهبد خورشید از قتل سنباد بدست طوس سخت خشمگین شد و دستور داد پسرعموی خودخواه و کینه‌توزش را که با حماقت دست بخون یکی از بزرگترین مبارزان راه استقلال ایران‌شسته بود تنبیه‌وزندانی کنند...

اما بعد، سرسنباد را توسط حاجبی‌بنام‌فیروز نزد ابوجعفرمنصور خلیفه‌ی عباسی فرستاد تا دست کم اعتبار بیشتری برای خود نزدخلیفه کسب کند !

* * *

و به این ترتیب قیام خونین سنباد به ناکامی پایان پذیرفت درحالیکه آتش نهضت‌های استقلال‌طلبانه‌ی ایران همچنان شعله‌ور بود و سنبادها و ابومسلم‌های دیگری برای بپاخواستن آماده‌می‌شدند.

داستان آینده: استادسیس

اوراگرفت و گفت:
نمیدونی چه درد به دروی از وطن.
و بنفشه زد زیر خنده و گفت:
مگه من دارم میرم وطن خودم. خوب منم مثل تو دارم میرم برای چند روز به مملکت دیگه.
اکبرآقا خیره خیره به او نگاه کرد و گفت:
باز م به خیط دیگه !.

محمدعلی عرفی نژاد

غلیان «اکبر آقا» در لندن توقیف می‌شود ...

بلندگوی سالن فرودگاه حرکت مجدد هواپیما را بسوی لندن اعلام کرد. اکبرآقا در حالیکه هنوز داشت با دستمال بلند ابریشمش روغن های روی کتش را پاك می کرد، همراه با «بنفشه» ودیگر مسافرین، بسوی اتوبوس حرکت کردند و لحظه‌ای بعد دوباره سرجای اولشان در هواپیما نشسته بودند. خلبــــان هواپیما مسیر ومسافت را اعلام کرد وگفت یک ساعت دیگر در فرودگاه «هیترو» لندن بزمین خواهند نشست. اکبرآقا غرق در وجدونشاط، سرازپانمی شناخت. بسرعت کمربندش رابست ورفت توی رؤیا.. باخودش فکر کرد چه سفر دل‌انگیزی خواهد داشت. در خیابان‌های مشهور وزیبای لندن توی هوای بارانی ولطیف، همراه بابنفشه، دیدارازآثارباستانی، رستوران‌ها، اقامت درهتل وبالاتر از همه گرفتن عکس های یادگاری همه وهمه برای او یک دنیا زیبائی داشت. درهمین لحظه بنفشه به اکبرآقا خیره شدوباخنده گفت:

— درچه حالی؟
اکبرآقا نفس آرامی کشید وجواب داد:
— نمیدونم والله! راستشو بخوای این سفر اولمه، از همین حالا دلم واسه مادره تنگ شده.
— خوب، براش یک کارت‌پستال بفرست.
اکبرآقا خندید وگفت:
— دهه، یک کتابچه سفارش بهم دادن، فکر کردن میرم بازارعباس آباد، یکی پیراهن خواسته، یکی شلوارجین، رئیس تعمیرگاهمون هم ازمن بکگمربکس خواسته که تو ایرون نیست. فکر کن این روچه جوری باید تهیه کنم. حالا تومیگی کارت‌پستال بفرستم؟!
بنفشه باخنده گفت:
— نه، اوناروبخر، کارت پستال بفرست که به سلامت رسیدی وبه یادشون هستی.
اکبرآقا خوشحال شد وگفت:
— راست‌میگی ها، ولی چه‌جوری؟
— هیچی الان از مهماندار یه کارت‌پستال بگیر، نامه تو بنویس. وقتی رسیدیم تو فرودگاه، پست کن.
اکبرآقا معطل نکرد و زنگ بالای سرش را زد ولحظه‌ای بعد مهماندار باو نزدیک شد و اکبرآقا گفت:
— مادام، پلیز. وان کارت پستال آی‌ام، میخواهم فرستاد برای مامی.
مهماندار خیره خیره باو نگاه کرد وبافارسی سلیس گفت:
— منظورتون رو نمی فهمم! این چه زبونیه صحبت‌می کنید.
بنفشه زد زیرخنده‌واکبرآقا زیرلب گفت:
— بازخیط کردیم....
وادامه داد:
— خواهشمند هستم یک کارت پستال برام بیارید. میخوام برای مادرم پست کنم.
مهماندار خندید وگفت:
— صبر کنید، الان میارم.
اکبرآقا بانگاهش اورا دنبال کرد وگفت:
— ما نفهمیدیم اینا انگلیسی هستند، یا ایرانی!
بنفشه درحالیکه نمی‌توانست از خنده خـــود- داری کند گفت:
دوتاانگلیسی، دوتاایرونی، ولی لباساشون چون به‌جوروبه رنگه، برات اشتباه‌میشه.
درهمین لحظه، مهماندارازراه رسید وچند عدد کارت پستال به اکبرآقا داد و اکبرآقا ذوق زده تشکر کرد وشروع کرد به نگاه کردن یکی از کارت پستال‌ها، که روی آن تصویر یک هواپیما درون ابر چاپ شده بود و با خنده گفت: عینهو هواپیمای خودمونه.
بعد دنبال خود کار، همه جای جیبش را گشت ولی پیدا نکرد... دوباره زنگ رافشارداد، دراین لحظه یک مهماندار به صندلی نزدیک شد واکبرآقا گفت:
اگه ممکنه خود کاری، مدادی به بنده بدهید میخوام برای مادرم نامه بنویسم.
مهماندار که زبان اکبرآقا را نمی فهمید، سرش را بعلامت نفهمیدن تکان داد واکبرآقا زیرلب گفت:
باباا ینا که ماروسسخره کردن
بعدادامه داد:
مادام، پلیزیه پنسیل باین به آی ام داد، ماواسه مامی لترنوشت...
مهماندا رخندید و گفت
اوکی!...
بنفشه از انگلیسی حرف زدن اکبر آقا تعجب کردومی‌خندید که اکبرآقا گفت:
اگه این زبون انگلیسی رو هم بلد نبودیم، معلوم نبود چی میشد. چون تو چند دفعه رفتم کلاس انگلیسی، ولی ازبس معلم ازم سئوال میکرد، خجالت می کشیدم حرف بزنم، ولی می‌بینی حالا مثل بلبل صحبت‌می کنم....
دراین لحظه مهماندار یک خود کار که علامت هواپیمائی را داشت، به اکبر آقا داد و اکبرآقا شروع کرد به نوشتن، و بنفشه به نامه نویسی اونگاه‌می کرد.
مادرعزیزم راقربان‌میروم
هم اکنون اکبر آقای شما روی هوا بـــا پرنده آهنین داره سفرمیکنه، نمیدونی این بالاچه هوائی داره. بـــرام موزیک مینوازنــــــد و میهمانداران خارجی و ایرانی مرتباً ازم پذیرائی میکنن. واسه گل روی شما، دادم عکس طیاره ســون رو گرفتن تا ببینن تـــو چی نشستـــم. خوشبختانه در هواپیما به دوست گیر آوردم، مثل دسته گل. برام یه دونه کراوات خریده، ازاون کراوات هائی که لنگش تو ایرون پیدا نمیشه. خلاصه الان که دارم برات نـــامه مینویسم، داریم میرسیم انگلستان. نمیدونی چقدر دلم براتون تنگ شده. به خان دائی سلام برسون. آبجی ها را از طرف من ببوس. بنفشه خانم هم سلام میرسونـــــــــــــه. از رو آسمون صورت همه تونو اون پائین پائینا میبوسم. گودبای— یعنی خداحافظ.
بنفشه از صداقت اکبر آقا در نامه نوشتن احساساتی شد و گریه‌اش گرفت اکبر آقا دست
در این موقع خلبان هواپیما اعلام کرد که بر فراز لندن هستند و تا چند لحظه دیگر در فرودگاه «هیترو» بزمین خواهد نشست. اکبر آقا سیگارش را خاموش کرد. کمربندش را بست و درحالیکه دل توی دلش نبود، بزمین خیره شد. هواپیما آرام آرام فرود آمد وسپس به باند نزدیک شد وبا یک تکان تند چرخهای هواپیما بروی زمین آمد.. اکبرآقا چشمانش‌را که از ترس بسته بود، باز کرد وچند لحظه بعد هواپیما ایستاد، اکبرآقا کمربندش را باز کرد وهمراه با بنفشه و دیگر مسافران واعضاء تور مسافرتی براه افتادند.. بچه‌ها از شادی می‌خندیدند ومسافرین عجله در پیاده شدن داشتند. وقتی ازچند ردیف صندلی رد شدند، اکبرآقا ناگاه چشمش به مسافر هندی افتاد که خروپفش هوا بود. درحالیکه می‌خندید، دستش را روی‌شانه اوزد وگفت:
— مستر، هواپیما ایز هیر، اینجا فرودگاه...
مسافرهندی چشمانش را بازکرد، چشمش به اکبرآقا افتادوبا خـ. گفت:
— شما روغنی رسید فرودگاه، خوشحال‌شد.
اکبر آقا به لکه روغنی روی کتش نگاه کرد وگفت:
— بترکه چشم حسود وحسد، آنقدر نفوس بد زدی که روغنی مون کردی. حالا فعلا خداحافظ.
مسافر هندی دست اکبر آقا را فشردو گفت:
— همیشه روغنی باشی، خداحافظ.
اکبر آقا خنده کنان همراه با بنفشه از پله‌های هواپیما پائین آمدند ویکراست به‌سالن فرودگاه راهنمائی شدند. درسالن جمعیت موج میزد، اکبرآقا به بنفشه گفت:
— پس چمدونهامون کو؟
بنفشه جواب داد:
— میارن، صبر داشته باش.
اکبر آقا ایستاد و پس از چند دقیقه صف

چمدانها روی صفحه‌های گردان نمودار شد و هر کس چمدان خودش را برمیداشت و برای بازدید بسمت گمرک میبرد. اکبر آقا از حرکت چمدان ها خوشحال شده بود. راهنمای آژانس مسافرتی باصدای بلند گفت:

ـمسافرین محترم تور، خواهشمند است چمدان‌ها را برداشته و در یک صف بایستید که با هم برویم.

در این لحظه اکبر آقا چشمش به چمدانش افتاد و منتظر ماند که چمدان از راه برسد و وقتی چمدان نزدیک شد، دولا شد آنرا بردارد که فشار جمعیت او را روی ریل انداخت و اکبر آقا پا در هوا، لای چمدان ها شروع کرد به حرکت. و مرتباً سعی میکرد خودش را پائین بیندازد، ولی تعادلش را ازدست میداد و دو باره میافتاد لای چمدان ها و مرتباً فریاد میکرد:

ـبابا یکی منونجات بده!

و همه می‌خندیدند، تااینکه «بنفشه» دست او را گرفت و اکبر آقا نفس زنان پرید پائین و دو باره دنبال چمدان دوید تا آنرا برداشت. بعد برگشت به مسافرین خیره شد و گفت:

حالا خندتون واسه چی بود بیمره‌ها؟.. عادت دارین وقتی یکی گرفتار بشه بخندین!

راهنمای آژانس او را به داخل صف کشید و اکبر آقا در حالیکه چمدانش را در دست داشت غرغر زنان به مامور گمرک نزدیک شد تا باو رسید. مامور گمرک گفت:

اوپن یوربک!

اکبر آقا گفت:

ـچی؟

بنفشه ازطرف دیگر صف گفت:

ـچمدونت رو باز کن.

اکبر آقا چمدانش را باز کرد و در همان اولین لحظه، مامور گمرک با تعجب جلوی چمدان نشست. یک غلیان عهد شاه عباسی روی لباسها بود با یک بسته بزرگ تنباکو. مأمور در حالیکه با حیرت به غلیان دست میزد، پرسید:

ـوات ایز دیس؟

بنفشه گفت: بگوچیه.

اکبر آقا گفت:

ـدیس ایز غلیان

وسپس فرم غلیان کشیدن را تقلید کرد:

ـاینجوری... قل قل قل، دود داد، اسموک کرد

مأمور بسته تنباکو را باز کرد و گفت:

ـوات ایز دیس؟

ـچی چی رو وات ایز دیس، وات ایز دیس درآوردی!؟... با باقل قل قل.

ـوات قل قل؟

ـبابامسیو غلیون، مثل سیگار، اسموکینگ. فهمیدی؟

راهنمای آژانس جلو آمد و با خنده گفت:

ـمرد حسابی، این چیه آوردی، من چه جوری با این بنده خدا حالی کنم تو میکشی؟

اکبر آقا با نا راحتی گفت:

ـخوب چیکار کنم، اینجا ها که قهوه خونه نداره، گفتم تو هتل یه دود و دمی براه بندازم، گناه که نکردم!

راهنما برای مأمور گمرک جریان را شرح داد و مامور گمرک درحالیکه می خندید شروع کرد به گشتن لباسهای اکبر آقا که ناگهان دستش به جیب بغل او رفت که پر از روغن بود و گفت:

ـوات ایز دیس؟!

که صدای مردک هندی بلند شد:

ـروغنی اویل.

اکبر آقا برگشت به مسافر هندی خیره شدو گفت:

ـاین بدمصب هم دست ازسرما برنمیداره‌ها!

عاقبت در میان سرو صدای مسافران که خسته شده بودند، مأمور گمرک با توقیف غلیان برای شناسائی توسط مأموران گمرک، باو اجازه خروج دادند و گفتند فردای آنروز برای گرفتن غلیان برگردد. و اکبر آقا دمق و عصبانی ازدر گمرک خارج شد و نفس آرامی کشید: بوی نم لندن را حس کرد. سفر و لذت شروع شده بود... وغم دوری بنفشه.....

سفرنامه اکبر آقا ادامه دارد.

بارفروشان

بقیه از صفحه ۱۷

بار فروشان، واسطه‌ها هنوز هم در کار معامله میوه دست دارند. در بسیاری ازمواقع میوه یک باغ که توسط بار فروش پیش خرید می‌شود تا موقع رسیدن میوه‌ها چند دست خرید و فروش می گردد و تازه وقتی میوه‌ها برای حمل به میدان چیده شد، احتمال دارد چند دست دیگر هم بگردد تا به میدان برسد و این وضع مهمترین عامل گرانی میوه است که با وجود اقدامات گوناگون هنوز هم اثراتش کاملا محسوس است. چون با هر بار، فروش، مقداری بر قیمت عادلانه باغ یا میوه افزوده می‌شود.

*از چند سال پیش بدنبال دخالت‌های ناجای واسطه‌ها در امر خرید و فروش میوه و همچنین دشواری های ناشی از حمل آنها به شهرها، فروشگاههای تعاونی هم به عرضه انواع میوه و تره بار اقدام کردند. هم اکنون بیشتر فروشگاههای تعاونی برپایه قرار داد هائی که با کشاورزان مناطق مختلف کشور دارند، بطور مرتب میوه‌های فصلی را عرضه می کنند. ترتیب کار این فروشگاهها باین نحو است که میوه‌های مورد نیاز را در محل کشت به قیمت‌های مناسب از کشاورزان می خرند و برای فروش به شهرها حمل می کنند این اقدام نه تنها به جهت سود عادلانه‌ای که برای کشاورزان در بردارد، بلکه به سبب حسن نیت بیشتری که درامر معامله وجود دارد، مورد توجه هر دو طرف می باشد.

توسعه فروشگاههای تعاونی درواقع بهترین اقدام برای برطرف ساختن دشواری‌ها و نابسامانی های موجود در امر توزیع و معامله های میوه و تره بار می باشد

کمبود وسائل حمل و نقل بیابانی از دیگر دشواری‌های موجود در امر توزیع میوه است. شعبان کالونی فر، یکی ازبارفروش های میدان دراین زمینه اظهارمیدارد:

ـتا چند سال پیش موضوع کامیون و وسیله حمل و نقل برای ما مسئله‌ای نبود، اما با افزایش روز افزون کالاهای وارداتی و جلب کامیون ها بسوی بنادر، هم اکنون ما با مشکل کمبود کامیون روبرو هستیم. این کمبود بقدری چشمگیر است که دربعضی مواقع مجبور میشویم حمل میوه های چیده شد را تا چند هفته به تأخیر بیاندازیم که بدون شک این امر هم در کمبود و گرانی انواع میوه مؤثر می باشد.

با گذراندن این دوره رایگان خودمان لوازم خانمان راتعمیرمی کنیم.

بقیه از صفحه ۳۱

گیرد آماده میکند. از او میپرسم که چند سال دارد، میگوید: پانزده ساله هستم و تا کلاس ششم درس خوانده‌ام، ولی به توصیه خانواده‌ام در حالیکه آمادگی زیادی برای ادامه بتحصیل داشتم ناچارشدم ترك تحصیل کنم. متأسفانه خانواده‌من بشدت پای بند افکار قدیمی هستند، وعلاقه ندارند دخترشان کارهائی غیر از خانه‌داری و آشپزی انجام بدهد ولی خودمن علاقمند هستم که درضمن خانه‌داری کارهای فنی‌راهم یاد بگیرم. این بود که دراین کلاسها نام‌نویسی کردم.... حالا هم جزمادرم بقیه اهالی خانواده نمیدانند که به این کلاس می‌آیم.»

و بعد با افسوس در حالیکه چهره آفتاب سوخته‌اش را غم پوشانده‌است میگوید: خانم، اینهارا بنویسید شاید خانواده‌های دیگر که مثل خانواده‌من فکر میکنند متوجه شوند که چه ظلمی درحق استعدادهای اولادشان میکنند.»

«نسرین پور مصطفی»، یکی دیگر از کارآموزان مدرسه تعلیمات حرفه‌ای است که پانزده سال دارد و به سبب شوق فراوانی که به کارهای فنی داشته، در این کلاسها نام‌نویسی کرده‌است اومیگوید:

«سال گذشته میخواستم کولر منزلمان را سرویس کنیم، باور کنید کارمان به التماس کشیده بود. حتی حاضر بودیم چند برابر قیمت سرویس را بپردازیم، ولی بهرجا که سرمیزدیم، جواب میدادند که وقت نداریم..... این بود که یکماه گرما را تحمل کردیم تا بالاخره با هزار درد سر موفق شدیم از نقطه‌ای بسیار دور کسی را پیدا کنیم.

ازهمان روزها متوجه شدم که چقدرخوب است هر کسی تجربیاتی دراین امور داشته باشد تا اینقدرمنت نکشد! خیلی خنده دار است که آدم پول هم بدهد منت هم بکشد.

وقتی ازوجود چنین کلاسی آگاه شدم، بلافاصله تصمیم گرفتم درآن نامنویسی کنم»

آقای فریدون علیزاده، بیست و پنج ساله و کارمند وزارت تندرستی و رفاه اجتماعی است. آقای علی‌مردانی، سرپرست کارآموزان، مرا به‌تعمیرگاه میبرد در حالیکه آقای علیزاده مشغول کاراست، من اولین سؤالم را که چه‌شد به‌این مدرسه راهنمائی آمدید، با او در میان میگذارم. درپاسخ می گوید:

— در یکی از روزها وقتی مشغول مطالعه روزنامه بودم، متوجه آگهی مراکز تعلیمات حرفه‌ای شدم. بلافاصله مکاتبه کردم و برایم دعوتنامه‌ای آمد که بعد ازحضوردرجلسه‌ای، از وجود مراکز مختلف تعلیمات حرفه‌ای آگاه شدم وچون این ناحیه بمن نزدیک‌تربود، دراین مدرسه نام‌نویسی کردم.

هفته‌ای دو روزپنجشنبه ها وجمعه ها به‌این جا می‌آیم و در حال حاضر، در قسمت اتومبیل و برق کارمی کنم و بنظر خودم تاکنون نحوه آموزش این مراکز طوری بوده است که آشنائی زیادی دراین قسمت‌ها پیدا کرده‌ام، و کارم را تا پایان ادامه می‌دهم، بعدازاینکه کلاسها را تمام کردم، برای خود کارمیکنم و در صورتیکه معلوماتم درحد گسترده‌ای باشد که بتوانم برای دیگران هم کار کنم، خیلی خوشحال خواهم شد که ازاین راه‌توانسته‌ام به‌اجتماع خدمت کنم.»

«هادی زرچینی» جوانی هفده ساله است که به‌راهنمائی دوستش به‌این مرکز مراجعه کرده. او هنوز تحصیل می کند و از تعطیلات تابستانی برای بالا بردن سطح معلوماتش سود میجوید و دراین مرکز مشغول کاراست، و با علاقه‌ای زیاد به‌آموزش مربیان گوش فرامیدهد. او نظرش این است که بهتر ازاین‌جا هیچ جائی برای گذرانیدن تعطیلات تابستان نیست، زیرا هم کار یاد میگرم و هم وقت بی‌خود تلف نمی کنم.

وباین ترتیب ما نیز با نام «خودیاری‌فنی» ومسائل مربوط به‌آن آشنا شدیم و با آرزوی توفیق برای همه کارآموزان این مرکز ومراکز دیگر وامید گسترش هرچه‌بیشتر این مراکز با دوستانی که درآنجا مشغول کاربودند خداحافظی کردیم. در حالیکه سرپرست این مرکز ما را هم برای آموزش دعوت‌میکرد...

زال و

به‌روایت: ن. ه. بنغانی

دنباله‌ی ماجرا:

سام آنگاه بید ربک منشی خود را خواست و بوی گفت که نامه‌ای از سوی او برای شاهنشاه ایران بنویسد.

سام در این نامه از جنگهای خود واز خدماتی که برای شاهنشاهان ایرانزمین انجام داده‌بود یاد کرد وافزود:

«... اینک زال به‌آن حد از شایستگی و پهلوانی رسیده که میتواند جای مرا که دیگر خاکستر پیری برسرم نشسته بگیرد وپاسدار شاهنشاهی ایرانزمین وادامه دهنده‌ی خدمات خاندان ما باشد. من او را به‌پیشگاه شاهنشاه میفرستم تاهم باهنرهای او آشنا شوند وهم آرزویی را که او در دل دارد از زبان خودش بشنوند.

شاهنشاه میدانند که من وقتی زال را ازالبرز کوه برگرداندم چه پیمانی با او بسته‌ام. بنابر این نمیتوانم با آرزوهای او مخالفت کنم.

اکنون همه چیز بسته به‌اراده وفرمان شاهنشاه است که درخرد از همه بیش‌اند و همان کاری راخواهند کرد که به‌صلاح گیتی است وخوش آیند اهورای بزرگ... درود فراوان از سام پهلوان بمنوچهر، شاهنشاه گیتی‌ستان وبنده‌نواز!...»

وقتی نامه آماده شد، سام زال را که مهیای سفر شده بود نزد خود خواند ودر حالیکه‌نامه را بدستش می‌سپرد گفت:

— همین امروز راهی ایرانزمین شو... هرگونه اندیشه‌ی بد و نومید کننده را از سرت دور کن وبی‌هیچ تشویش به‌بارگاه منوچهر شاه‌برو... من مطمئنم که او آرزوی ترا برآورده خواهد کرد... او پادشاهی خردمند و با دانش وبینش است وممکن نیست پهلوانی چون ترا دل آزرده برگرداند... برو، پسرم، اهورای بزرگ پشتیبانت باد!

* * *

از این‌سو، وقتی خبر به‌مهراب رسید که منوچهر شاه، سام پهلوان را مأمور سرکوبی او کرده است بسختی دچار تشویش شد و همسرش سیندخت را نزد خود خواند ودر حالیکه بسختی خشمگین بود گفت:

— می‌بینید این دخترتان چه‌گرفتاری بزرگی برایمان فراهم کرده... حقش بود همان روز که از ماجرای دلدادگی او وزال آگاه‌شدم میکشتمش تا کار به‌اینجا نمی کشید!

سیندخت بانگرانی پرسید:

— مگر چه اتفاقی افتاده؟ سام که با ازدواج زال وورودابه‌موافقت کرده...

— بله، سام بله، اما منوچهر نه... من میدانستم، می‌دانستم که شاهنشاه ایران حاضر نمیشود پهلوان آینده‌ی سرزمینش با دختری ازنسل ضحاك ازدواج کند...

—خوب، حالا چه پیش آمده؟

— چه میخواستی بشود؟ منوچهر سام را با سپاهی گران به کابلستان گسیل کرده تا نسل ما را از روی زمین براندازد! چه بدبختی بزرگی! مگر من میتوانم حریف سام پهلوان باشم و درمقابل سپاه شاهنشاه ایران خودنمایی کنم...

سیندخت بادرماندگی شروع به قدم زدن کردوگفت:

—... من نمی‌فهمم! آخر چطور ممکن است؟ چرا سام همچیز را برای شاهنشاه ایران بازگو نکرده؟ آخر ما که گناهی مرتکب نشده‌ایم... زال خواستار دختر ما شده، ما چرا بایدمجازات بشویم...

— ما داریم بار گناهان پدرانمان را میکشیم!... گناه ما اینست که ازنسل ضحاك هستیم ونگرانی منوچهر نه از ما بلکه از فرزندی است که ممکن است از زال و رودابه بدنیا بیاید... اما اینکه سام چرا حرفی نزده، من حدس می‌زنم که شاهنشاه ایران بمحض آگاهی از جریان زال و رودابه، سام را از مازندران به‌دربار خود خوانده وبدون اینکه به‌او فرصت سخن گفتن بدهد این مأموریت را بـــوی داده است... میدانی که پهلوانان ایران روی حرف شاه حرفی نمی زنندوهر فرمانی شاه بدهد بی‌چون‌وچرا اجرامی کنند...

سیندخت مدتی بفکر فرو رفت وآنگاه بـــه همسرش گفت:

—این کاررا بعهده‌من بگذار... به دیدار سام میروم و او را از کاری که در پیش دارد منصرف‌میکنم...

—خیال میکنی بتوانی؟

— حتماً... تو کلید گنج ها را بدست من بسپار تا هدایایی برای پهلوان زابلستان انتخاب کنم...

— تو همه‌ی گنجهای مرا میتوانی‌برای سام ببری بشرطی که او ازحمله به کابلستان چشم‌پوشی کند...

—به‌من اعتماد کن عزیزم... درضمن بـه من قول بده که چیزی به روی رودابه نیاوری و خشمت را بـــر اوظاهر نکنی... نمی‌خـواهم دخترکم کوچکترین آزاری ببیند...

—قول میدهم...

سیندخت همان روزهدایای گرانبهایـی از زروسیم وگوهر ودیبا واسبهای اصیل برگزید و سحرگاه روزبعد با گروهی ازندیم‌ها وخدمت‌گذارانش وچند تن ازسپاهیان، راهی زابلستان شد... وچون بدانجا رسید بدون اینکه خود را معرفی کند، به‌سام آگاهی داد که پیامگزاری ازجانب مهراب کابلی آمده‌واجازه‌ی ورود می‌خواهد.

سام به پرده‌دار دستورداد فرستاده‌ی مهراب راباحترام وارد کند.

سیندخت وقتی وارد بارگاه‌شد، دربرابر سام سرفرود آورد وآنگاه به همراهانش اشاره کرد تا هدایا رایکی یکی ازنظرسام بگذرانند.

سام درهمانحال که هدایا رامیدید، غرق اندیشه بود که چه کند؟ اگر هدایا راقبول کند ممکن است شاهنشاه ایران را خوش آیند نباشدو اگرآنها را برگرداند، به یقین موجب رنجش خاطر زال خواهدشد... سرانجام تصمیم گرفت هدایا را ازجانب زال بپذیرد وگفت:

این هدایا را به گنجور زال دستان بسپارید که بنام مهراب برای او نگهداری کند...

پذیرفته شدن هدایا از سوی سام سبب آرامش خاطر سیندخت شد چون نشان دهنده‌ی آن بود که سام مهراب را دشمن نمی‌شمارد زیرا ایرانیان اصیل هرگز هدیه‌ای از دشمن نمی‌پذیرفتند. پس ازسام درخواست کرد او را در تنهایی بپذیرد و به خواهش های او گوش دهد سام چند تن از یارانش را که دربارگاه حضور داشتند مرخص کرد وآنگاه‌به‌سیندخت گفت:

— خوب، من سراپا گوشم... بگو چه پیامی برایم داری...

سیندخت باسپاسگزاری سرفرودآورد وگفت:

— پهلوانا شنیدم آهنگ جنگ بـــا کابلستان دارید و میخواهید این سرزمین را با خاك یکسان کنید... اگرمهراب گناهـــی مرتکب‌شده، مردم بیگناه کابل چه کرده‌اند؟ آنها همه دل بسوی‌شما دارندوازجان‌ودل‌آماده پذیرفتن شما و شاهنشاه ایران هستند... این نبردچه سودی برای‌شما دارد؟

سام که شیفته ی مردانگی و بیان شیوای این زن‌شده بود از نخستین لحظه‌ی دیدارش در شگفت بود که چرا مهراب ازمیان آنهمه مرد زنی را برای پیامگزاری برگزیده. با کنجکاوی

تا اینجای داستان

گفتیم که سام پس ازمدتها انتظارصاحب پسری شد که موهایی به سفیدی برف و پوستی به‌سرخی ودرخشندگی خورشید داشت. سام خشمگین شد و دستور داد نوزاد را در کوههای البرز رها کنند تاطعمه‌ی وحوش شود اما سیمرغ این نوزاد را برداشت وبه‌آشیانه‌اش برد وپرورش کرد. سام یکشب خواب دید که پسرش در کوه به یاری پروردگار پرورش یافته و پهلوانی شایسته شده است و سحرگاه بجستجوی فرزند به البرز کوه رفت وسیمرغ پسر پهلوان را که نام دستان به او داده بود بدست پدرسپرد و سام او را زال زر نامید و شاهی زابلستان را به او سپرد و خود به مازندران رفت.

زال پس ازچندی برای گردش به کابلستان‌رفت ودرآنجا عاشق رودابه دختر مهراب کابلی شد وپدرش سام نامه نوشت واجازه خواست که با رودابه‌ازدواج کند. سام بااین پیوند موافقت کرد امامنوچهر وقتی این خبررا شنیدچون‌مهراب از نسل ضحاك ماردوش بود ازآینده‌ی ازدواج زال بادخترمهراب نگران‌شده وبه‌سام دستورداد به کابلستان‌برود و کاخ مهراب‌را باخاك یـــکسان کند وباکشتن اونسل ضحاك را اززمین بر کند. زال‌چون‌ازماجراآگاه شدسخت پریشان‌خاطر شدو به پیشباز پدرآمد وپیمان اورابیادش آورد وگفت که اگربخواهد به کابلستان حمله کندبایداز روی‌جسداوبگذرد... سام تنهاچاره‌را دراین دید که‌خودزال راهمراه‌بانامه‌ای به پیشگاه‌شاهنشاه‌ایران زمین بفرستد.

روداب

پرسید.

پیش از هرچیز بمن بگو چرا مهراب ترا که یک زن هستی برای این ماموریت انتخاب کرده ؟ آیا نوا رحدمتگزاران او هستی و یا از ارنزدیکانش ؟

سیندخت لحظه ای مردد ماند و سپس گفت:

— برای آنکه حقیقت را بگویم، پهلوان باید به من امان بدهند...

سام خندید و گفت:

— تو در هر صورت در امانی چون مهمان من هستی...

— اکنون باید عرض کنم که من نیز از بستگان ضحاک هستم و لابد از نظر شما باید کشته شوم. من سیندخت همسر مهراب و مادر رودابه هستم و حاضرم کشته شوم بشرطی که دخترم به آرزویش برسد و مردم سرزمینم بیهوده قربانی نشوند...

سام از جا برخاست ، دست سیندخت را گرفت و او را در کنار خود نشاند و گفت:

— خوشا بحال مهراب که همسر شایسته ای چون تو دارد ... دختری که مادری چون تو داشته باشد الحق سزاوار آنست که مادر نوه‌ی جهان پهلوان من باشد...

سیندخت خندید و گفت:

— نوه‌ی جهان پهلوان ! شما با چنین خوش بینی به آینده می‌نگرید ؟

— البته ! من میدانم که از پیوند دختر تو و پسر من پهلوانی بدنیا خواهد آمد که گیتی هرگز نظیرش را ندیده و نخواهد دید...

— پیوند دختر من و پسر شما ؟...... شما هنوز در اندیشه ی این پیوند هستید ؟ اما من چیزهای دیگری شنیده‌ام !

سام خندید و دست سیندخت را بدست گرفت و گفت :

— همه‌ی آنچه شنیدید درست است اما امیدوارم عملی نشود ... من زال را با نامه‌ای سراپا خواهش و تمنا نزد شاهنشاه ایـــران فرستاده‌ام و یقین دارم که دیدار زال و خواندن نامه‌ی من رای و عقیده‌ی منوچهر شاه را تغییر خواهد داد... بهرصورت من بتو قول میدهم که جز به دلخواه شما و پسرم زال ، کاری نکنم... اما شما هم باید کاری برایم انجام دهید ؟

— چه خدمتی از کنیز ساخته است ؟

— شما باید رودابه را بمن نشان بدهید... میخواهم دختری را که توانسته دل از پسر پهلوان من برباید و او را چنین دلباخته و شیفته‌ی خود کرده از نزدیک ببینم...

— چه کاری آسانتر از این ... شما به ما افتخار بدهید و سرزمین ما را به قدوم خود مزین کنید و میهمان ما باشید تا رودابه را بگوییم که شخصاً از شما پذیرائی کند...

— این دعوت را با کمال میل می‌پذیرم...

— سپاسگزارم . چه موقعی منتظرتان باشیم ؟

— بمحض اینکه زال از نزد شاهنشاه ایران برگشت بدیدارتان می‌آییم ... اکنون شما خسته‌اید و بهتر است بروید و استراحت کنید...

سام آنگاه خدمتگزاران را صدا کرد و دستور داد وسایل آسایش و استراحت سیندخت و همراهانش را فراهم کنند.

سیندخت دو روز میهمان سام بود و روز سوم، نزد او آمد و گفت :

— این دو روز بهترین روزهای زندگی من بود . اینک اجازه می‌خواهم که به کابلستان برگردم و مهراب را به الطاف شما امیدوار سازم که او سخت در تشویش بود.

سام دستور داد در گنجها را بگشایند و آنچه از ثروت و خواسته شایسته‌ی سیندخت و رودابه است برگزینند و بهمراه سیندخت به کابلستان بفرستند... و هنگام بدرود به سیندخت گفت:

— به مهراب اطمینان بده که هرگز از سوی ما زیانی به او نخواهد رسید و به یقین مراحم شاهنشاه ایرانزمین شامل حال همه‌ی ما خواهد شد. مواظب عروس زیبای من باشید !

— از طرف خودم ، مهراب و رودابه از بزرگواری شما سپاسگزاری می کنم پهلوان ! اهورامزدا یار شما باشد . ما با بیقراری انتظار دیدار شما را در کابلستان می کشیم . بخاطر عروستان رودابه هم که شده نگذارید این انتظار طولانی شود...

— خدانگهدار !

«ادامه دارد»

کارگری

که دبیر انجمن ادبی است

گهگاه خبرهائی از گوشه و کنار ایران بدستمان میرسد که شوق انگیز است و خوشحال کننده. درجامعه کارگری ایران، کارگران فراوانی داریم که در رشته های غیر از رشته کارگری خودشان، به موفقیت هائی رسیده‌اند. اینبار از کارگری حرف میزنیم که درشهر خود، از سرشناسان محافل هنری و ادبی است و برای مردم شهر خود چهره‌ای دوستداشتنی و آشنا بشمار میرود.

حسن کاشانی کارگر کارخانه قند مرودشت فارس است، ولی عنوان های بعدی او نیز جالب است:

- دبیر انجمن ادبی مرودشت
- سرپرست جلسات شعرخوانی درقهوخانه های شیراز.
- عضو فعالیت های شعرخوانی وابسته به اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس.
- عقیده او درمورد کارهایش اینست:
- کارهای نگارنده در قسمت های مختلف ادبی، سرودن شعر به سبک کهن ونو، نوشتن داستان، به ویژه داستانهائی به لهجه محلی (شیرازی) قطعات کوچک، ترجمه ونقاشی میباشد.

حسن کاشانی درمسابقه داستان نویسی مرکز فعالیت های هنری وزارت کار و امور اجتماعی شرکت کرد و برنده اول شناخته شد، که همه اینها نشانه ایست از موفقیت وفعالیت کارگر ایرانی دررشته های غیرحرفه خود.

دراینجا یک شعر این کارگر هنرمند را بنام بهار شیراز همراه با نقاشی زیبائی که روی آن کشیده، برای شما چاپ میکنیم.

آنانکه بامداد بهشت آرزو کنند
خوبست دربهارشیراز رو کنند

بایک کرشمه دختر کان سیاه چشم
تاراج هوش و غارت دل ازدوسو کنند

کلچهرگان بچشمه سعدی گشاده موی
عریان شوند و غوطه زنان شستشو کنند

رشک بهشت، باغ ارم، قصر دلگشا
جنات را مجسم درپیش رو کنند

همت طلب زسعدی وحافظ که عالمی
تکریم این دوشاعر آوازخو کنند

نازم بر اهل فارس که بهر معاشرت
هرجا رسند اهل دلی جستجو کنند

دندانه های کاخ خشایارشا هنوز
ازشوکت قدیمی خود گفتگو کنند

دلدادگان کعبه زرتشت را بگوی
اول درآب چشمه زنگی وضو کنند

راه بندان ها

خوب باین عکس نگاه کنید، آنکه وسط خیابان باعصبانیت نسبت به عمل رانندگان از خود راضی اعتراض میکند، مامور راهنمائی است ودرطرف دیگر یک پلیس راهنمائی ناظر برجریان است وحتی موتور خود را درست وسط خیابان گذارده که اتومبیل ها به خط دیگر تجاوز نکنند، ولی عکس گویای اتفاقی است که افتاده، یعنی یک راننده از خود راضی ازخط میانی

مستقیم — مستقیم — مستقیم

ازوقتیکه یک اتومبیل ساخت وطنمان گیر آوردیم که مرتباً هم خرج روی دستمان میگذاشت، سوار تاکسی نشده بودیم و بهمان دردسر اتومبیل داشتن میساختیم، تااینکه «بالکل» اتومبیل از کار افتاد. بگذریم که دنگاه دار خدا شناس یک اتومبیل چپه شده را بجای اتومبیل نو به ماقالب کرده بوده بهر حال باتوجه به اینکه اتومبیلی در کار نبود روز اول هیچ تاکسی هم ما راسوار نکرد که بسر کارمان برویم و پیاده براه افتادیم باز روز دوم راه را نصف کردیم و باز هم اثری نبخشید با خودمان گفتیم پس مردم چطور سوار تاکسی میشوند؟ به گوش ایستادیم و تازه دریافتیم همه مردم به محلی میروند بنام مستقیم، و وقتی دو دو تا چهارتا کردیم، دیدیم عجب فکری بکری! مسافرین حرفه‌ای تاکسی یک راه را چند بخش می کنند و مرتباً سوار و پیاده میشوند تا به کارشان برسند، فی‌المثل اگر کسی میخواهد از میدان ۲۴ اسفند به میدان ولیعهد برود، میگوید« مستقیم» سرچهار راه پهلوی پیاده میشود، بعد میآید داخل خیابان پهلوی میایستد و باز میگوید مستقیم و به میدان ولیعهد میرود. حالا فکر کنید اگر کسی بخواهد چندین خیابان را طی کند، چند مستقیم باید برود. البته ما کردیم و نتیجه گرفتیم،

نقاشی قهوه خانه در شهرما

حتماً به هنگام صرف ناهار و یا برای رفع خستگی و دمی آسودن، سری به قهوه‌خانه‌ها زده‌اید و حتماً هم بدرود یوارتابلوهای بزرگ نقاشی را دیده‌اید، ولی میدانید رشته نقاشی های قهوه‌خانه یکی ازاصیل‌ترین کارهای نقاشی است که مثل هرمینیاتور مورد توجه قرار گرفته است؟ ... گروه نقاشان قهوه‌خانه‌ای، ازسه نفر تجاوز نمی کنند، آدم هائی مثل اسمعیل‌زاده — حسین همدانی وبلوکی‌فر — البته سردمدار هنر نقاشی قهوه‌خانه‌ یی مدبر و قولر آغاسی بوده‌اند. خبر مهم اینستکه یکی ازگالری‌های تهران در صدد برپائی یک نمایشگاه دو باره از کار نقاشان قهوه‌خانه است که زندگیشان و کارشان را روی شاهنامه و شاهنامه کشی گذارده‌اند.

کارگران هنرمند در عرصه هنر تاتر

دیدار دوباره‌ای دست داد با کارگران هنرمندی که شور و شوق بازیگری تآتر را در سر دارند و در موقعیت فعلی تاتر ایران که هنرمندان فرنگ رفته و کلاس دیده هنوز راه اصلیشان را پیدا نکرده‌اند، اینها پابرجای واستوار در راه رسیدن به آرزوهایشان قدم برمیدارند. کار اینها سوای سودای هنرمندان روزگار ما است. اینها

کارخانه‌های تهران هستند. پر کارترین و مشهورترین آنان عبارتند از:
محمدعلی فرهنگ (کارگر نساجی کارگردان وبازیگر)، جلال آهنیان، کارگر بسته‌بندی گروه صنعتی بهشهر (کارگردان و بازیگر).

عزت‌اله زنگنه

جلال آهنیان

کریم خنجری

محمدعلی فرهنگ

روزها بدون هیچ ادعائی صمیمانه چرخ کارخانه‌ها را به گردش درمیآورند و بعد از پایان

کار، درمرکزآموزش هنری وزارت کار، بتمرین می‌نشینند وشبهای متوالی تمرین میکنند تاحرفه تازه‌ای را علاوه بر حرفه کارگری داشته باشند وخوشبختانه تاحال به موفقیت‌هائی نیز رسیده‌اند، ضبط نمایشنامه‌های تلویزیونی، اجرای برنامه‌های تاتری به سبک‌های مختلف در استادیوم کارگران، کارگردانی، بازیگری، نمایشنامه نویسی وعطا بر آن از فعالیت‌های آنان به شمار میرود. مشکل عمده‌ای که این کارگران هنرمند دارند، اینستکه ناچارند صرفاً نمایشنامه‌هائی را کار کنند که جنبه کارگری داشته باشد که متأسفانه کمبود نمایشنامه‌های کارگری مشکل را بیشتر می کند.

بطوریکه خبر شدیم اکبر زنجان پور، هنرمند ارزنده تاتر ایران، درحال حاضر مشغول کار کردن با بروبچه هاست که در آینده نزدیک دو تاتر تازه را بر روی صحنه بیاورند و این موقعیتی تازه است برای کارهای جدید.

هنرمندان سرشناس

کارگران بازیگر ازچهره های سرشناس در تهران (بازیگر)
علی رجب بلوکات، کارگر چیت سازی

کریم خنجری، کارگرنخ ریس چیت‌سازی (بازیگر)
علی اصغر غفاری، کارگر آب رسانی (بازیگر)

ماموریت هنری

نکته قابل توجه همکاری کار آمایان کارخانه های تهران است با گروه های هنرمند، بدینگونه که مثلا اگر کارگری باید سه روز متوالی د رضبط تلویزیونی شرکت داشته باشد. باو ماموریت هنری داده میشود و این همکاری در کارخانه ها خوشبختانه اثرات خوبی گذاشته وآنها را دلگرم تر کرده است. ولی نکته قابل توجه اینست که بعضی از این کارگران شب کار هستند ویا تمرین های بعد ازظهر کار شب برایشان طاقتفرسا است که بهتراست در این زمینه بانظر کارآمایان برنامه ریزی کاملی بعمل آورند، وازسوی دیگر نظر بعضی از آنان اینست که بهتراست وقت تمرین رانیز به حساب اضافه کار بگذارند. بهر تقدیر باتوجه به اینکه فصل تابستان فصل تاتری نیست، گروههای تاتری کارگران درحال حاضر تنها به تمرین پرداخته‌اند تابرای اوایل پائیز اولین نمایشنامه خودرابرروی صحنه بیاورند، باامید اینکه دراین برنامه‌ها امکانات بیشتری دراختیارشان قرار گیرد، برای روزهای بهتر وخبرهای تازه‌تر بانتظار می نشینیم.

خیابان تجاوز کرده و بدنبال او اتومبیل های دیگر خیلی راحت وارد سمت چپ خیابان شده‌اند. مشکل در ترافیک تهران کم است، این مشکل را هم خودمان اضافه میکنیم و راهی را که هنگام خلوت بودن — مثلا در شب — در دو دقیقه میرویم، بهنگام روز نیم ساعت و با این اتفاقات یک ساعت طی میکنیم. این شلوغ بازارشهر تهران است.

در اینجا تابلوئی از اسمعیل زاده را می بینیم

چند شکوفه هائی از باغ شعر

چند دوبیتی از: صائب

چهره را صیقلی از آتش می‌ساخته‌ای
خبر از خویش نداری که چه پرداخته‌ای
در سر کوی تو، چندان که نظر کار کند
دل و دین است که در یکدگر انداخته‌ای

* * *

فرهادم و ثبات قدم هست پیشه‌ام
ناخن دوانده، در جگر سنگ، ریشه‌ام
از ناخن، آب دشنه‌ی الماس برده‌ام
فرهاد را بکوه جهانده است تیشه‌ام!

* * *

خوشا دردی که هر موی تن من در خروش آید
به هر پهلو که غلطم ناله زخمی بگوش آید
به بزم عیش نتوان دید خالی جای جانبازان
چو بینم شیشه‌ی خالی زمی خونم به جوش آید

«ای عشق»

دریا تو را صدا می‌زد
با هر تپش، هر موج
دریا دکان عاشق تو
بربسته بار سفر
اینک
در جستجوی چهره تو هستند
در جستجوی نقش روش تو
نقشی که مانده به طلا را ابرهای سترون
— در ارتفاع خاموشی،
ای عشق!
ای صدای سبز همیشه!
بر کش نقاب زرخسارت!

حمید وزی زاده.

پیراهن گل

گفتمش گل، رخش دمید که من
گفتمش غنچه، لب گزید که من
گفتمش کیست، بنده قدتو
سرو از باغ سر کشید که من!
گفتمش ابروی تو را که غلام؟
قامت ماه نو خمید که من
گفتمش کیست بهتر از خورشید؟
پرده از روی خود کشید که من
گفتمش در هوای تو که پرد
مرغ هوش از سرم پرید که من
گفتمش بوی زلف تو که دهد؟
باد از بوستان وزید که من
گفتمش کیست تا بخون غلطد؟
اشک بر چهره‌ام دوید که من
گفتمش کیست بیخود، از رخ تو؟
گل بتن پیرهن درید که من
گفتمش کیست چون مثنت سینا
از همه چیز، دل برید که من

مصطفی قلیخان کردنی اصفهانی

تا با توام

ای آبی دو چشمت، هفت آسمان دیگر
خندیده در نگاهت رنگین کمان دیگر
ای در تن تو جاری، سیماب کهکشانها
تا با توام چه خواهم از کهکشان دیگر
پرواز بوسه‌ات را کاه فرزد و راحت
جز سینه‌ی سپیدم کو آشیان دیگر
چون شاخه‌ی بهاری از جوش عشق روید
بی تو نه از وجودم برگ جوان دیگر
ایثار و مردمی را تندیس اگر بسازم
غیر از تو کی پسندم در او نشان دیگر
دیوار اگر شکسته جز بر تو دل نبسته
نامهربان نشستم با مهربان دیگر
آهوی دست‌هایت در سبزه زار زلفم
هرگز نشان نبیند، از آهوان دیگر
دریاورم نباید دور از تو زندگانی
در پیکرم نگنجد غیر از تو جان دیگر

از: سیمین بهبهانی

بانوی شهر صنوبران
میدانستم
می‌آیی
مرغی بر بلند شاخسار
زمزمه‌ات کرده بود
و باد عطر تنت را
بر کوچه های شهر
می‌خواند

«نجا رپیشه»

همکاری کارگران باوزارت کار وخدمات درمانی، بنفع خود کارگران است

بقیه ازصفحه ۲۱

احمد نوروزی: ما هیچ حرفی نداریم که همانند کارگران کارخانجات باما معامله شود، یعنی بیایند برای ما متناسب با کارمان — که حتماً فنی است — ساعت کاربگذارند، مازاد از ساعت کار را هم که درمغازه بخدمت مشغول هستیم، بما اضافه کار بدهند، هیچگونه اعتراضی نخواهیم داشت.

حبیب‌اله حسامی: ابهام در کار آقایان سالهاست که وجود دارد، متاسفانه علیرغم جدیتی که داشته‌ایم نتوانسته‌ایم به نتیجه برسیم، این آقایان سه دسته هستند، یک عده کستار کننده و دسته دیگر مامورین حمل و دسته سوم همین فروشندگان هستند.

برطبق تعریف ماده ، قانون کار، کارگر به کسی اطلاق میشود که بدستور کارآما و یا بحساب او کاری را انجام دهد، اینها برطبق این تعریف نمیتوانند کارگر باشند، بلکه مقاطعه کار هستند کارشان هم ممکن است ۲ ساعت که ده ساعت و زمانی ۱۲ ساعت طول بکشد. ازطرفی سرمایه متعلق بصاحبان مغازه، گوشت را سازمان گوشت میفروشد و مخارج پرسنل دکان بعهده همین آقایان است. دراینجا اینان خودشان کارآما هستند، بدلیل اینکه اگر کارگر بودند، نمی‌بایستی مخارج مغازه را بدهند، ابتدا باید راجع به این امر باسازمان گوشت مذاکره کرد.

رستاخیز کارگران: آیا قانون درمورد این قبیل کارگران بسکوت برگزار کرده و تعیین تکلیف نکرده است؟

حبیب‌اله حسامی (پس از ایراد مطالب مشروحی دراین مورد): این آقایان همانطور که گفته شد، ازیک جهت کارمزدند به این دلیل که در قبال کارشان درصد حساب شده و بتوافق رسیده‌ای با کارآما را تقسیم کرده و به سخن دیگر وضعی شبیه بکارگران دارند. ازسوی دیگر هزینه و مخارج مغازه رامیپردازند، که این خود نوعی مقاطعه کاری است وآنها را بجای کارآما مینشاند، این تضاد وابهام که در کارشان وجود دارد، بایستی با سازمان گوشت حل شود و وضعشان روشن گردد که اگر کارگرند، ساعت کار، اضافه کار، حق اولاد و دیگر مزایای پرداختی بکارگران، برای آنها نیز منظور گردد و اگر نه بصورت دیگری بکارشان رسیدگی شود. این خود آقایان هستند که بتوافق نرسیده‌اند.

مسائل کارگران کارخانه‌داروسازی اسکویب

اندرانیک هارطونیان (رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران داروسازی اسکویب): من ازجهت دارو و درمان شکایتی ندارم، چون خوشبختانه تاکنون مریض نشده‌ام و از نظر بیمه هم هیچ گرفتاری ندارم، چون برطبق ضوابطی که برشئون کارما حاکم است ۷ درصد سهم کارگر و بقیه را کارآما و دولت پرداخت می‌کنند. مطلبی که به استحضار خواهم رسانید، به طبقه‌بندی مشاغل مربوط میشود. درجریان کار سندیکای قبلی این طرح بخوبی اجرا نشدودرسندیکای جدیدهم علیرغم کوششی که بعمل آورده‌ایم هنوز به‌نتیجه نرسیده‌ایم، با کارآما، چندین بار مذاکره کردیم، بعلت پاره‌ای ازگرفتاریها بتوافق نرسیدیم.

دکتر سعیداردوباری (نماینده کارآما): درمورد بعضی ازکارکنان که تا ۶۴۱۰ ریال حق بیمه به‌آنها تعلق نمیگیرد، ناگزیر شدیم بابیمه البرز قراردادی منعقد سازیم که بیمه‌ای خصوصی است. و از این طریق درمان کارگران راانجام دهیم.

دکتررحمانی: از وقتی که تشکیلات خدمات درمانی بوجود آمد، بتدریج بیمه، عمومیت یافته وهمچنان ادامه می‌یابد. ابتدا کارمندان دولت، بعد کارمندان بخش خصوصی وسپس کارگران بیمه‌شدند، البته آن تعداد ازکارگران که بیمه‌شده‌اند هم‌اکنون از سیستم درمانی غیرمستقیم استفاده میکنند.

در بخش خصوصی بیمه‌شدگان دودسته هستند، گروهی بصندوق حمایت وابسته هستند که ضوابطی‌مشخص دارند. گروه دیگر که وابسته به‌این صندوق نیستند، بزودی دفترچه خواهندگرفت، اگر کارگران شمااز دسته دوم باشند، مقدمات کارشان تمام شده و بهمین زودی دفترچه‌های مربوطه را خواهندگرفت، چون کار صدوردفترچه‌ها دارد بمرور انجام میشود وروزی هزاران دفترچه‌صادر میگردد درمورد کارمندان هم‌تاکنون دهها مؤسسه کارمندان خود را بیمه کرده‌اند، اصلا ازاین بابت مشکلی وجود ندارد، شما بمحض اینکه به‌قسمت بیمه‌گری مراجعه کنید، بلافاصله تقاضایتان انجام میشود ومیتوانید قرارداد بابیمه البرزرافسخ کنید.

منصورجان نثاری نائب‌رئیس سندیکای کارگران داروئی اسکویب: پدرمن بیمه بازنشسته است. او را بدرمانگاهی بردیم، بعدازمدتی اورا به بیمارستان کورش‌فرستادند. چون بسیگار معتاد است، پس‌از سه‌روز او را ازبیمارستان بیرون کردند، ناگزیر وی را دریک بیمارستان‌خصوصی بستری کردیم.

دکتررحمانی: این مسأله شخصی است و دراینگونه موارد بایستی بخود من مراجعه کنید. خواهشمندم مسائل کلی‌تری را مطرح بفرمائید، شمامیبایستی بلافاصله به‌نماینده کارگرتان مراجعه میکردید تاایشان میرفت وتوضیح میخواست، اگر توضیحات کافی و موجه نبود، آن‌وقت مااقدامات خودمان را شروع میکردیم، مااالان مشغول منطقه‌بندی هستیم.

اگر شما پدرتان را به‌بیمارستان خصوصی برده‌اید وچندروز او را بستری کرده‌اید، این دلیل نمیشود که بوضع او خوب رسیدگی نکنند، بلکه بمنظور دریافت‌حق بیشتر او را بستری کرده‌اند. لازم میدانم دراین جلسات مختصری درباره لیست انتظار صحبت کنم، درکشورهای مترقی دنیا برای بیمارانی از نوع بیماران مبتلا به‌بواسیر، فتق واز این‌قبیل مریضها یکسال نوبت میگذارند. متأسفانه درکشورما به‌محض اینکه کسی فتق داشت، بلافاصله میخواهدعمل کند. بستری کردن این بیماران، ممکن است جان یک‌مریض مشرف بمرگ را بمخاطره‌اندازد.

منصورجان نثاری: جمعه‌ها اکثراً بیمه‌ها نمی‌دهند و دارو نمی‌دهند.

دکتررحمانی: اینگونه بیماران بایدبه اورژانس مراجعه کنند. اگر در مورد حادثه شک نداشتیم، حق باشما بود. جمعه‌ها اصولا نمیتوان به‌مریضهائی که بیماریشان خطرناک نیست رسید. اگراورژانس در انجام وظیفه قصور کرده است، بگوئید تاتعقیبشان کنیم.

علی بوالقدر (دبیر سندیکای کارگران داروئی اسکویب): آقای دکتر رحمانی، این صحیح نیست که بیماری چهار روز دوندگی کند. تاورقه بیمارستان بدست آورد، آنوقت به‌بیمارستان که‌مراجعه کرد به‌او بگویند چندروز دیگر بیا. اجازه بدهید عرض کنم فعلا وضع دارووودرمان خوب‌نیست.

دکتررحمانی: بپذیرید که‌این یک‌ادعا هم‌میتواند باشد. اما مورد را بگوئید، تامن تعقیب کنم، دراتاق من بروی همه شما دوستان کارگر بازاست. شما بایدهمکاری کنید. اگرهمکاری شما نباشد چگونه‌میتوانیم برمشکلات فائق آئیم؟

دکتر اردوباری: طرح بسیار جامعی تهیه کرده‌ایم و به‌وزارت کارداده‌ایم که درآن‌امکان در جدول قرار دادن کارگرانی را که سطح حقوقشان بالا است، تسهیل میسازد و مورد تائید وزارت کارهم‌واقع شده‌است.

علی بوالقدر: برای کسانیکه خارج جدول هستند، البته باید کاری کرد. کارآما لازم است سالانه برحقوق این‌قبیل کارگران هم مبلغی اضافه کند.

دکتر اردوباری: کارآماهمواره بفکررفاه کارگران خواهد بود و هرگز مایل نیست کارگری را که مدتها حقوق ۶ هزار تومان یا بیشتر به او داده ازدست بدهد. مضافاً اینکه، این چنین کارگری سالیان درازوقت صرفش شده است تا تخصص راگرفته، بنابراین ممکن نیست به آسانی او را از دست داد. بطور قطع درمورد اضافه حقوق این گونه کارگران هم توجهی خواهدشد.

اندرانیک هارطونیان: فکر میکنم برای کسانیکه در جدول قرار نمیگیرند نشود تصمیمی گرفت، چون اغلب این کارگران ۲۰ تا ۳۰ سال خدمت کرده‌اند و نزدیک به‌سن بازنشستگی هستند، امکان این هست که کارآما بگوید اضافه حقوق نمیدهیم میل داری بکارت ادامه بده و نمیخواهی بازنشسته‌شو، این است که‌وزارت کاربایداقدامی بعمل آورد.

حبیب الله حسامی: نظیر این موارد بسیار است، فرمولی که ازطرف‌وزارت کارداده‌میشود شامل تمام حقوق بگیران است، اعم ازاینکه ده تومان حقوق بگیرد یا فی‌المثل سی‌هزار تومان. البته درگذشته این فرمول بسته میشد به این معنی که حقوق هفته ضرب در ۱/۱۷ میشد و بر اساس آن به کسانیکه در جدول قرار میگرفتند چیزی تعلق نمیگرفت، عده‌ای از کارآمایان گفتند ممکن است چون متخصصین ما متضرر میشوند بروند، ما هم ازحسن نیت آنها استقبال کردیم، زیرا آنها مایل به اضافه کردن حقوق بودند، ما هم هیچ مخالفتی نداشته ونداریم.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر طراحان برنامه پنجم را ارشاد فرمودند که بین حداقل وحداکثر مزد باید یک فاصله یک هشتم رعایت شود که یکی ازسیری و دیگری ازگرسنگی هلاک نشود. ما ازاین فرمان الهام گرفتیم و بر روی آن عمل کردیم.

درسال ۵۳ بطور آزمایشی فرمول را دادیم وگفتیم هر کس هزارتومان حقوق دارد، به‌نسبت هزار تومان و هر کس ده هزار تومان حقوق میگیرد، بهمین نسبت اضافه حقوق دریافت کند. باز در جریان عمل دیدیم آنکه کمتر حقوق میگیرد، اضافه حقوق زیادتر نصیبش میشود. درسال گذشته باز هم فرمولی دادیم و صاحبان کارگاهها را آزاد گذاردیم. یعنی همه از فرمول استفاده میکنند منتهی آزاد هستند که درسال حدود ۱۲ درصد اضافه حقوق را که تعلق میگیرد بپردازند. حال اگر کارآمائی دلش خواست احیاناً مبلغ بیشتری بدهد، مانعی ندارد ولی نمیتواند ۸۰۰ تومان مقرر را ندهد.

دکتر اردوباری: البته بیشتر دادن باید تحت یک‌ضابطه‌ای باشد، چون اگرفی‌المثل من بخواهم بیشتر بدهم و دیگری نخواهد، روی قیمتها اثر میگذارد، بعقیده من این سیاست وزارت کار بسیار عالی است.

تقی مولائی (خزانه دارسندیکا): دفترچه‌ای برای کارمندان تهیه شده، ولی باآنکه دوماه است که لیست کارگران تهیه شده، هنوز اقدامی برای آنها بعمل نیامده است.

دکتر اردوباری: شما بیمه هستید و بزودی بحق خود خواهید رسید.

این روزهای

بقیه ازصفحه ۳۷

نه مهندس، نه پلیس، فقط خلبان... آخه عموم خلبانه. قول داده یکروز منو ببره روآسمونا، این هواپیما روهم اون واسم خریده من خیلی دوستش دارم، چون خلبانی بلده.

از آقای ابوالفضل فرمهینی میپرسم که برادرش خلبان است؟... می‌گوید: برادرم تکنیسین پرواز است و همین سبب شده که هرگاه به خانه ما میاید، مدتها با محمد رضا راجع به هواپیما حرف بزند. محمد رضا هم سخت شیفته خلبان‌ها شده‌است.

تفریحات خانواده؟

حرف از تفریحات خانواده پیش می‌آید. خانواده‌فرمهینی گهگاه به‌سینما می‌روند. دوستدار فیلمهای اخلاقی هستند وازتماشای برنامه‌های تلویزیون، بخصوص فیلمهای سینمائیش لذت می‌برند. بافامیل نیزمعاشرت‌می کنند و صدالبته که این نوع تفریحات را در حد محدودی دارند، چون ابوالفضل فرمهینی می‌گوید: حالا موقع کار کردن است چون جوانم وانرژی دارم. وقت تفریح خیلی درپیش داریم.

کارگرخوشبخت ایرانی درعصرانقلاب

خانواده خوشبخت فرمهینی، نمونه یک خانواده کارگر ایرانی درعصر انقلاب پر شکوه شاه و ملت است و چون این کارگر عزیز نوزده‌ساله است کار می‌کندو می‌تواند با دیدی روشن ازدیروزوامروزحرف بزند، سئوالی دراین باره عنوان میشود که پاسخ این است: «وقتی به گذشته برمی‌گردم و آن روزهای تلخ بیادم می‌آید که کارگران ایرانی تا چه حد ازحقوق خود محروم بودند، بخودمی‌بالم که زنده هستم و چنین روزهای پرافتخاری را بچشم می‌بینم و هر بار که نمازمی‌خوانم وخلوص نیت پیدا می‌کنم، برای سلامتی شاهنشاه آریامهر پدر تاجدارمان که باعث بوجود آمدن این موقعیت مطلوب هستند، دعامی کنم.»

با این خانواده کارگر ایرانی از هر دری حرف زدیم. وقت خدا حافظی رسیده است. محمد رضا همچنان سرگرم بازی باهواپیمای کوچکش است ووقتی ما را در حال رفتن می‌بیند، می‌گوید: «هر وقت خلبان شدم، شما رو می‌برم روآسمان»

کودکان را

بقیه ازصفحه ۵۹

موی سرخود را شانه بزنند. و یا راه بروند. تقلید کودکان بیشتر دربازی و ورزش ظاهر می‌شود و دراین فعالیت‌ها رفتارکسی که رهبری را به‌عهده دارد، بطور مدام الگوی بسیاری از پیروان و مقلدین او قرارمی‌گیرد، روشی که، به آن، رهبری کننده، توپ را می‌گیرد و عادت بخصوص او هنگام پوشیدن لباس ورزش و غیره، کودکان را بتقلید وامیدارد. کودک ازهرکسی که خوشش بیاید، تقلید می کند و این تقلید گاهی تکرار خصوصیات اخلاقی و اجتماعی رهبر است. مثلا چنانچه کودک معلم تاریخ را الگوی تقلید خود قرار دهد، بسیار امکان دارد که درراه رفتن وگفتگو، طرز راه رفتن وصحبت کردنش را تقلید کند.

جمعیت شیروخورشید سرخ ایران نیازمندان را یاری می‌بخشد. ۳ واحد بیمارستان صد تختخوابی سیار صحرائی در زمانی کمتر از یک هفته با ۳۰۰ تختخواب آماده پذیرش بیماران میشود. تیم پزشکی هر کدام ازین سه واحد بیمارستان متشکل ازچندین جراح، متخصص بیماریها و فوریتهای پزشکی مختلف آزمایشگاه، داروخانه، رادیولوژی

میدهد از این کمبود بری نیست و همین مشکل را احساس میکند و برای تربیت پزشک و رهائی از این کمبود و بالاتر از همه تربیت جوانان کشور بسازند و خدمت بخلق که والاترین خصیصه انسانی است جمعیت شیروخورشید سرخ ایران یک مجتمع پزشکی دائر کرده است.

ازحرکت کندقاطران حکیم باشی تا کشتی های مجهز

ایرانیان هنگام جنگ گروهی مدد کار جنگی داشتند که زخمی‌ها. حتی دشمن را، برای مداوا، و کشته‌شدگان را برای آلوده‌نشدن محیط ازمیدان‌های جنگ بسرعت دورمیکردند...

بازسازی بنیانی بیمارستانها سبب بهبود کیفیت درمانی این مراکز گردید.

اززمان صدور فرمان واگذاری تاکنون جمعیت شیروخورشید سرخ ایران ۱۱۶ واحد بیمارستان و ۵ مرکز اورژانس را با ۷۸۹۷ تختخواب تحویل گرفته و مورد استفاده قرار میدهد. بنابراین با محاسبه‌ای که درمورد بیمارستانهای امدادی نمودیم. بیمارستانهای واگذاری که در اختیار جمعیت هستند میتوانند سالانه در حدود ۲۴۰/۰۰۰ نفر را بپذیرند.

پراکندگی بیمارستانهای جمعیت در سراسر کشور تسهیلات درمانی فراوانی در اختیار مردم میهن مان قرار میدهد.

درمانگاهها

۱۹۸ واحد درمانگاه جمعیت که بطور مجزا یا در کنار بیمارستانها دایر شده‌اند نقش مؤثری در بهبود کیفیت امر درمانی در کشور ایفا میکنند. آمار رسیده حاکی است که سالانه چندین میلیون نفر از مردم ایران بطور سرپائی در این درمانگاهها تحت معالجه قرار میگیرند. با توجه باینکه برای استفاده از خدمات درمانی جمعیت شیروخورشید سرخ ایران افرادی که استطاعت مالی چندانی ندارند مبلغ بسیار ناچیزی میپردازند خدمتی که شیروخورشید سرخ ازاین راه بخلق میکند قابل توجه است.

مراکز انتقال خون

برای تأمین خون مورد نیاز بیمارستانها و مراکز درمانی جمعیت ۴۵ مرکز انتقال خون در سراسر کشور تأسیس شده است. نیاز بخون در حوادث و سوانح و فوریتهای پزشکی اهمیت حیاتی باین مسأله می‌بخشد در حال حاضر مراکز انتقال خون جمعیت روزانه ۱۵۰ لیتر خون آماده توزیع دارد. بعضی گروههای کمیاب خون که در مواقعی بسیار ضروری می‌نماید در این مراکز آماده انتقال است. با توجه باینکه روزانه ده‌ها عمل جراحی مهم در هریک از بیمارستانهای جمعیت شیروخورشید سرخ ایران انجام میگیرد. نیاز باین مراکز به‌روشنی احساس میشود. گروههای سیار متخصص برای دریافت خون از داوطلبان اهداء خون بنقاط مختلف میروند و خون مورد نیاز را فراهم می‌نمایند اتومبیلهای مجهز به یخچالهای مخصوص میتوانند خون مورد نیاز را تا دورافتاده‌ترین مناطق برسانند. یادآور میشویم کسانی که حتی برای یکبار در سال خون خود را اهداء نمایند خود و خانواده‌شان مادام‌العمر برایگان خون مورد نیاز را از این مراکز دریافت نمایند:

بیمارستانهای سیارصحرائی

در پیش‌آمدهای ناگوار مانند سیل، زلزله، وازین قبیل حوادث که رساندن کلیه مجروحین به بیمارستان‌ها امکان‌پذیر نیست. بیمارستان‌های سیار صحرائی سریعاً آماده خدمت میگردند.

علاوه برپیش‌آمد حوادث، از سال ۱۳۴۷ جمعیت شیروخورشید سرخ ایران قسمتی از امر درمان و بهداشت زائران خانه خدارا با اعزام گروه پزشکی بالغ بر ۲۵۰ نفر بعهده میگیرند و تاکنون که هفتمین مأموریت آنان پایان یافته است. و همواره در این امر خیر موفق بوده‌اند. آمار حاکی است که سالانه صدها هزارتن از زائران خانه خدا ازین خدمات بهرمند میگردند.

کشتی بیمارستانی فارور

بمنظور تأمین درمان و بهداشت در بنادر و جزایر خلیج فارس جمعیت شیروخورشید سرخ ایران اقدام بخرید یک فروند کشتی بیمارستانی نموده است که ۵۰ تختخوابی بوده و مجهز به کلیه وسایل لازم یک بیمارستان است. آخرین آمار حاکی است که در یک مأموریت سه‌ماهه ۳۵۰۰۰ هزار تن از اهالی بنادر وجزایر خلیج فارس بوسط تیم‌پزشکی این کشتی مورد معالجه قرار گرفته‌اند که از این تعداد در حدود هزارمورد اعمال جراحی بوده‌است. با توجه باینکه ازبدو خرید این کشتی نهمین برنامه آن پایان گرفته است در حدود ۳۶۰۰۰ نفر از خدمات درمانی این واحد بیمارستانی دریائی استفاده کرده‌اند.

کلینوموبیل (کلینیک‌سیار)

کلینیک‌های سیار جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران درمواقع لزوم باحرکت در مناطقی که با شیوع بیماریهائی درخطر آلودگی قرار گرفته‌اند بدرمان بیماران می‌پردازند بعنوان مثال یکدستگاه کلینوموبیل مجهز بآخرین وسایل چشم‌پزشکی در سطح استان فارس مشغول مداوای بیماران است.

گفتیم که آموزش کادر پزشکی برای مراکز درمانی یکی از وظایف مهم این جمعیت این است که با تأسیس مدارس پرستاری، بهیاری ومامائی ومجتمع آموزش پزشکی این مهم انجام یافته است.

آمار وارقام موجود حاکی است که در حال حاضرعللی گوناگون کمبود پزشک در مراکز استان و بویژه شهرستانها اشکال بزرگی در امر بهداشت و درمان بوجود آورده است بنابراین جمعیت شیروخورشید سرخ ایران که در دور افتاده‌ترین نقاط کشور و نیز در همه امارات خلیج فارس بیمارستان و درمانگاه دارد و یا به‌توسط کشتی بیمارستانی خود تمام جزایر و بنادر خلیج فارس را زیر پوشش درمانی خود قرار

مجتمع اموزش پزشکی

آموزش پزشکی جمعیت شیروخورشید سرخ ایران ازسال تحصیلی ۲۵۳۴—۲۵۳۵ که درسه دانشکده پزشکی خود در استان گیلان — سیستان و بلوچستان و کرمانشاهان تأسیس گردیده هرکدام سالانه ۲۰ دانشجومیپذیرد.

مرکز پزشکی رضاشاه کبیر در استانهای یاد شده علاوه برآن که به تربیت پزشک‌یاری می‌دهند، این امکان را به‌جوانان شیر و خورشید سرخ میدهند که در تهران یا مراکز دیگر دانشگاهی تحصیل کنند و به تحصیلات خود ادامه دهند.

جمعیت شیروخورشید سرخ ایران برای تأمین پرستاران مورد نیاز بیمارستانهای خود اقدام به‌تأسیس مدرسه پرستاری نموده‌است:

از سال ۱۳۲۶ مدرسه پرستاری رضاشاه کبیر با پذیرش ۲۰ دانشجو کار خود را آغاز کرد و تا امروز که ۳۰ سال‌از تأسیس آن میگذرد ۸۰۷ پرستار تحصیل کرده برای خدمت در بیمارستانها تربیت کرده است با در نظر گرفتن آمار پرسنل پرستاری بیمارستانهای شیروخورشید سرخ میتوان گفت که در حال حاضر اکثریت قریب باتفاق پرستاران بیمارستانهای جمعیت شیروخورشید سرخ ایران را فارغ التحصیلان همین مدرسه عالی تشکیل میدهد. ارزش تحصیلی مدرسه عالی پرستاری رضاشاه کبیرلیسانس است.

جمعیت درنظر دارد برای بالا بردن سطح دانش آنان دوره‌فوق لیسانس نیز دایر نماید در حال حاضر ۱۴۰ دانشجو در مدرسه پرستاری رضاشاه کبیر مشغول تحصیل هستند. ناگفته نماند که شیروخورشید سرخ ایران با تأسیس این‌مدرسه علاوه برتأمین نیروی انسانی آزموده در امور درمانی درراه یک امرمهم اجتماعی نیز پانهاده‌است.

چه، دختران جوانی که تحصیلات دبیرستانی خود را به پایان میرسانند با ورود بمدارس پرستاری جمعیت شیروخورشید سرخ ایران علاوه براینکه در راه یکی از شریفترین خدمات انسانی پای می‌نهند امکان تحصیلات عالی را نیز می‌یابند. مدرسه پرستاری رضاشاه کبیر درتهران بصورت‌شبانه روزی اداره‌میشود بنابراین دانشجویانی که ازشهرستانها بتهران میآیند میتوانند از مزیت داشتن محل اقامت نیز برخوردار باشند.

مدرسه عالي پرستاری اصفهان

مدرسه عالی پرستاری اصفهان بصورت یک مجتمع اداره میشود که مدرسه عالی مامائی وآموزشگاه بهیاری نیز جزو این مجتمع میباشند. مجتمع فوق‌الذکر بصورت شهرکوچکی از دختران جلوگراست که تمام خصوصیات یک شهر را دارد. این شهر بانک—سینما—فروشگاه تعاونی — آرایشگاه — باشگاه ورزشی و حتی شهرداروداد گاه قضائی وحقوقی داردوجالبترین وسایل آموزشی دراختیاردانشجویان‌میباشد.

از سال ۱۳۵۳ این مدرسه اقدام به پذیرش دانشجو کرده است و درحال حاضر ۳۹ دانشجو در سال اول و دوم مشغول تحصیلند دانشجویانی که ازاین دو مدرسه فارغ‌التحصیل میشوند کمبود کادرپرستاری را تقریباً ازبین میبرند.

یادآور میشویم که شیروخورشید سرخ ایران اخیراً اقدام باستخدام پرستاران خارجی کرده‌است والبته این اقدام بمنظور بهبود بیشتر کیفیت درمانی جمعیت در سراسر کشور بوده است. ناگفته نماند که کادرآموزشی مدارس بهیاری و حتی مدارس پرستاری اکثراً از فارغ‌التحصیلان مدرسه پرستاری رضاشاه کبیر است که علاوه بر اخذ لیسانس ازین مدرسه تحصیلات‌عالیه‌نیز کرده‌اند.

مدرسه پرستاری شیراز

از دیماه ۱۳۵۴ مدرسه پرستاری شیراز با پذیرش ۲۵ دانشجو کار خود را آغاز کرده است دوره‌تحصیلی درین مدرسه فلافوق دیپلم است و تا پایان اولین دوره دانشجویان اقدام به برقراری دوره‌لیسانس نیزخواهد نمود.

آموزشگاههای بهیاری

آموزشگاههای بهیاری که تعداد آنها در حاضر ۱۲ واحد میباشد با تربیت بهیاران تحصیلکرده نیروی انسانی وسیعی را برای انجام اموردرمانی تربیت می‌نماید بهیاران بادوره‌های تئوری وعملی که دراین آموزشگاهها میگذرانند پرستاران را درانجام وظایف مربوطه یاری میدهند.

آموزشگاههای بهیاری از بدوتاسیس تا کنون ۲۸۵۸ فارغ‌التحصیل داشته‌اند و در حال حاضر نیز ۱۱۹۵ نفر در این آموزشگاه مشغول تحصیلند. جمعیت شیروخورشید سرخ ایران درشهرهای شیراز—اصفهان—آبادان—رشت — رضائیه — تبریز — گرگان — یزد — زنجان—شاهرود—سمنان—خرم‌آباد—کرمان — سنندج — قزوین — لاهیجان — شهرری — بیرجند — دبی — مرند — سبزوار — آموزشگاه بهیاری دارد. خدمات بهیاران درکنارمسئولیت سنگین پرستاران بیمارستانها در زمینه معالجه بیماران دارند قابل توجه است. چه دراکثر موارد کارهای عملی بخشها بعهده بهیاران است. توجه بتعداد فارغ‌التحصیلان بهیاری نشانگراینست که جمعیت شیروخورشید سرخ تا چه اندازه در کار اموردرمانی به تربیت کادر آزموده پرداخته‌است.

مدارس عالی مامائی

تربیت ماماى تحصیلکرده برای خدمت در بیمارستانها بعهده دو مدرسه عالی مامائی است که یکی دراصفهان و یکی درتهران دایر است. مدارس عالی مامائی تاکنون ۱۱۳ فارغ‌التحصیل داشته است و درحال حاضر ۵۰ دانشجو در مدرسه عالی رضاشاه کبیر و ۸۵ دانشجو درمدرسه عالی مامائی اصفهان مشغول تحصیل هستند.

مدرسه عالی مامائی بیستون در کرمانشاه که وابسته بوزارت بهداری و بهزیستی است در اجرای طرح واگذاری بیمارستانها در اختیار جمعیت قرار گرفته است. فارغ‌التحصیلان مدارس عالی مامائی گرچه مهارت پزشک زنان را ندارند لیکن برای انجام امورعادی مامائی آموزشهای لازم را دیده‌اند و بی‌گمان کمک شایان توجهی به بهبود کیفیت درمانی

بیمارستانهای زنان و بخش زنان در بیمارستانهای جمعیت مینمایند.

مراکز فنی ارتوپدی و بازسازی

۵ مرکز فنی ارتوپدی و تهیه اندامهای مصنوعی جمعیت شیروخورشید سرخ ایران یکی از انسانی‌ترین وظایف اجتماع را برعهده دارند. کسانی که بعللی از نعمت داشتن اعضای سالم فعاله بدن محرومند در این مرکز دوباره جان میگیرند وبفعالیت میپردازند. این افراد دو گونه‌اند یا از بدو تولد قادر بکار نیستند ویا در اثر حوادث وسوانح علیل میشوند که گروه اخیر اکثراً از میان صنعتگران هستند. بی شک کسی که بعلت از داشتن دست ویا پا محروم است مانند یک انسان سالم امید به سازندگی ندارد. ویا کسی در یک لحظه دست خود را در اثر بی احتیاطی یا حادثه‌ای ناخوانده وناگوار از دست میدهد یکباره همه چیز را باخته می‌بیند.

درمراکز فنی ارتوپدی برای چنین کسانی اندامهای مصنوعی تهیه میشود. دست وپای مصنوعی که برای اشخاص فلج ساخته‌میشود دراکثر موارد والبته دراثر تمرین های فراوان مانند دست وپای طبیعی عمل میکند. درحال حاضر هستند کسانی که بااستفاده از دست مصنوعی ظریف ترین کارهای صنعتی وهنری را انجام میدهند.

مرکز فنی ارتوپدی تهران در هر روز ۵۰ الی ۶۰ نفر مراجعه دارد که برای ۳۰ الی ۳۵ نفر ازین عده دست وپای مصنوعی میسازد. البته کار این مرکز بلافاصله پس از نصب اندام پایان نمیگیرد تمرینهای پس از نصب ویا کارهائی که پیش از نصب اندام مصنوعی انجام میگیرد ودر بعضی مواقع تا ۸۰ ساعت طول میکشد، از خدمات شایان توجه این مراکز است. اساتید متخصص آموزش های لازم رابرای استفاده ازین اندامها باشخاص میدهند. بنابراین مشاهده میشود که تنها در تهران ماهانه قریب به هزارتن از این خدمت شیرو خورشید سرخ بهره‌ور میشوند وچه بسا افرادی که بدون استفاده ازین خدمت عاطل و باطل در گوشه‌ای افتاده‌اند وسر بار جامعه میشدند ویا قدم در راههای ناصواب می‌نهادند در زمره مسببین انحطاط جامعه در می‌آمدند. بدینطریق دوباره بزندگی شرافتمندانه خود بازمیگردند و سازندگی را از نو آغاز میکنند.

۳—تربیت جوانان

جوانان ونیروی سازنده وفکر پذیرنده آنان مسأله‌ای بوده است که از دیر باز مورد توجه شاهنشاه خردمند ما ومقامات مملکت بوده‌است، فرمایشات ودستورات داهیانه رهبر عظیم‌الشان ایران درمورد تعلیم وتربیت جوانان همواره بر این بوده است که هرچه بهتر وبیشتر در بهبود کیفیت این وظیفه خطیر سعی و کوشش بعمل آید تا جوانان که بحق سازندگان آینده کشور و گردانندگان چرخهای جامعه مترقی‌تر ایران فردا هستند در محیطی سالم آموزش و پرورش یابند ویکی از هدفهای عالی وانسانی جمعیت شیروخورشید سرخ ایران که همواره مورد توجه وعلاقه رهبر عالیقدر ایران بوده ومیباشد تربیت نیروی فعاله وآینده ساز ایران یعنی جوانان کشور میباشد. پرورش روحی وفکری این گروه اجتماعی که بضرورت سنی نیاز فراوان به تربیت صحیح در کنار آموزش دارند امری بس خطیر مینماید. دور نگاهداشتن جوانان از پاره‌ای ناهنجاری ها که لاجرم منجر به انحطاط فکری آنان میگردد مستلزم وجود دستگاهی است که از نخستین سالهای تحصیل ودرحقیقت ورود نوباوگان کشور باجتماع کوچک دبستان که آنان را ساعاتی از جامعه خانواده جدا میکند و مسیری به تربیت آنان میدهد. آموزش و پرورش را توأماً در اختیار آنان بگذارد وزندگی مشحون از انسانیت را بآنان بیاموزد. سازمان جوانان جمعیت شیر وخورشید سرخ ایران در اجرای این منظور وبعنوان یکی از ارکان این جمعیت تأسیس یافته است واعضای آن جوانان و نوجوانان کشور هستند که از بدو ورود بدبستان یا دبیرستان قبول عضویت می‌نمایند. جوانان عضو شیر وخورشید سرخ در مدارس جلسات منظم خودرا تشکیل میدهند ودر زمینه هدفهای این سازمان بحث وگفتگو می‌نمایند. واگذاری مسئولیت بآنان ونظارت در نحوه کارشان موجب میشود که جوانان از ابتدا به مدیریت و احساس مسئولیت عادت کنند ودر هر کاری فکر صحیح وسازنده داشته باشند تقویت روح انساندوستی، شفقت بزیر دستان، دلجوئی از بیماران و نیازمندان، کمک دربهسازی محیط و... از جمله فعالیت هائی است که جوانان عضو همزمان با تحصیل را می‌نمایند. سازمان جوانان شیر وخورشید سرخ ایران برای پیشبرد هر چه بیشتر وسریعتر هدفهای خود اقدام به تأسیس خانه های جوانان نیز نموده است که بمرور زمان در سراسر کشور کار خود را آغاز میکنند با تأسیس این خانه‌ها وآموزش وپرورش جوانان ونیروی کافی برای کمک به همنوع در زمان حوادث وسوانح تدارک دیده وروح انساندوستی ونوعپروری را در وجود آنان پرورش میدهند.

خانه های جوانان

گفتیم که جمعیت شیروخورشید سرخ ایران برای آموزش وپرورش جوانان کشور اقدام به تأسیس خانه های جوانان مینماید، ماده یک آئین نامه خانه های جوانان می‌گوید:

به پیروی از نیات عالیه اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه آریامهر وبمنظور اجرای اوامر والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی ریاست عالیه جمعیت شیروخورشید سرخ ایران درامور مربوط به تربیت جوانان، مرکزی بنام «خانه جوانان شیروخورشید سرخ» از طرف جمعیت شیر وخورشید سرخ ایران در شهرستانهای مختلف ایجاد وزیر نظر سازمان جوانان شیروخورشید سرخ ایران اداره میگردد. بر اساس همین نامه خانه های جوانان شیرو خورشید سرخ ایران اجرای هدفهائی بشرح زیر را برعهده دارند.

۱— ایجاد فرصتهای لازم بمنظور پرورش استعداد ها وافزایش مهارتها وآگاهی جوانان از طریق فعالیتهای خلاق وسالم در اوقات فراغت وبیکاری جوانان بامشارکت آنها.

۲— آشنائی جوانان با فلسفه‌های ملی و میهنی واهداف انقلاب شاه وملت وایجاد و تحکیم حس شاهدوستی ومیهن پرستی وتحکیم روابط دوستی وتفاهم بین جوانان کشور و جوانان دیگر کشور های جهان در جهت کمک به تحکیم مبانی صلح جهانی از طریق ترتیب سخنرانیها وگردشهای علمی وبازدید از پیشرفتهای مملکتی ونظائرآن.

۳— آشنا ساختن جوانان با فلسفه‌های تعاون وهمکاری دستجمعی وبالا بردن سطح شعور وبینش اجتماعی وتقویت حس نوعدوستی و جلب مشارکت آنان در اجرای برنامه‌های انسانی شیر وخورشید سرخ بنحویکه آنها نیز بسهم خود برای خدمت بدیگران انجام خدمات امدادی اجتماعی آماده گردند.

۴— ایجاد وتقویت حس مسئولیت رهبری چوب همین کمیته ها انجام میگیرد. فعالیت خانه های جوانان در ۵ شاخه زیر خلاصه‌میشود.

۱— فعالیت در جهت برنامه های امدادی جمعیت شیروخورشید سرخ ایران

۲—فعالیتهای هنری واجتماعی

۳— فعالیت در زمینه آموزشهای مقدمات حرفه‌ای

۴— فعالیتهای آموزشی [illegible]

۵—فعالیت‌های ورزشی

با آگاهی از رئوس فعالیتهای خانه‌های جوانان بهتر است توضیحی هم درباره خود این خانه‌ها بدهیم.

تأسیس خانه‌های جوانان معمولا شهرهائی از نظر تعداد اعضاء وموقعیت خاص محلی نسبت به جاهای دیگر اولویت دارند آغاز شده و بتدریج افزایش می‌یابد. معمولا بناها در زمینهای وسیع ساخته میشود که هر نوع امکانی برای فعالیتهای گوناگون داشته باشد چنانچه این امکان بعللی وجود نداشته باشد و برای تأسیس خانه جوانان بالاجبار از ساختمانهای استیجاری استفاده شود سازمان جوانان بوسیله تماس بامسؤولان ورزشی و هنری کشور [illegible] هنری مربیان [illegible] اکثر خانه جوانان توسط جمعیت شیر و خورشید سرخ تأسیس میشود و کلیه تأسیسات [illegible] دارا است بعنوان مثال خانه جوانان [illegible] زمینی بمساحت ۵۰۴۰ متر مربع ساخته شده است که ۵۵۰ متر مربع زیر بنا دارد. دو زمین بسکتبال— یک میدان فوتبال، یک زمین والیبال، سالن نمایش و سالن سخنرانی، اتاقها و کلاسهای مختلف امکان هر نوع فعالیت را به اعضاء می‌دهد. گفتیم که برای اجرای هر چه دقیق‌تر و بهتر اهداف خانه‌های جوانان و برای ایجاد تحرک و نظم کامل در فعالیتهای خانه‌های جوانان کمیته هائی تشکیل میشود و چون کار کمیته‌ها ارزیابی و به نسبت فعالیتشان امتیاز داده میشود بنابراین رقابت سالم در همین کمیته ها کار را بهتر و موفق‌تر پیش میبرد خانه‌های جوانان کمیته هائی بشرح زیردارند.

* کمیته خدمات شیروخورشید سرخ وامداد
* کمیته هنری واجتماعی
* کمیته ورزشی
* کمیته آموزش مقدمات حرفه وفن
* کمیته فعالیتهای آموزشی

— کمیته خدمات شیر و خورشید سرخ که وظیفه‌اش تشکیل کلاسهای کارآموزی در خدمات امدادی و کمکهای نخستین و راهنمائی جوانان در امور بهداشتی و تغذیه صحیح و تشکیل گروههای داوطلب خدمات انسانی برای خدمت به مردم شهر و اجتماع خود میباشد.

دربخش امداد گفتیم که فعالیت امداد‌گران شیر و خورشید سرخ چگونه یاری بخش نیازمندان و آسیب دیدگان حوادث وسوانح میشود. در کلاسهای آموزشی امداد از کلیه وسایل و ابزار آموزش مدرن استفاده میشود. نمایش فیلم واسلاید شرکت در برنامه آتش‌نشانی، حمل بیمار نجات غریق جزء این آموزشها بشمار میرود بعنوان مثال در آتش سوزی مهیبی که در همدان بوقوع پیوسته بود امدادگران جوانان خانه جوانان این شهر قسمت اعظم فعالیت‌های آتش نشانی را برعهده داشتند.

— کمیته هنری واجتماعی که وظیفه‌اش تنظیم طرح و اجرای برنامه و مسابقاتی در زمینه‌های سینما، تئاتر، موسیقی فن بیان، نقاشی، مجسمه سازی، هنرهای دراماتیک. و مدیریت در جوانان از طریق شرکت آن در کمیته های مختلف ورزشی امداد و کمکهای نخستین، شرکت در امور مختلف شهر ونظائرآن وواگذاری اختیارات لازم بآنها جهت انجام وظائف مربوط،

[illegible] اجرای صحیح این هدفها کمیته هائی در خانه‌های جوانان تشکیل می‌یابد که تماماً ازجانب خود جوانان اداره میشود وفعالیتهای خانه‌های جوانان در چهار [illegible] نویسندگی، کتاب خوانی، مبادله کتاب و مجلات بین جوانان در شهرستانهای مختلف بررسی اصول انقلاب شاه وملت ازطریق تشکیل کلاسها و سخنرانیها در باره هدفهای ملی و میهنی و ایران باستانی و آشنا ساختن جوانان با پیشرفتهای کشور از طریق بازدیدها و گردشهای علمی و بطور کلی افزایش آگاهی و شعور اجتماعی و بینش سیاسی وفرهنگی آنان [illegible]

کمیته ورزشی که وظیفه‌اش عبارتست از پیشنهاد تشکیل آموزش در رشته‌های مختلف ورزشی که مورد توجه جوانان است و تنظیم برنامه و اجرای مسابقات در رشته هائی نظیر والیبال، فوتبال، ژیمناستیک، شطرنج تنیس، بدمینتون هاکی، تنیس روی میز، [illegible] کاراته وجود و سایر رشته‌های ورزشی مورد توجه جوانان بین اعضاء و تیمهای خانه با تیمهای ورزشی سایر خانه‌ها ونظائران.

کمیته آموزشهای مقدماتی حرفه‌ای و فنی که وظیفه‌اش پیشنهاد تشکیل کلاسهای ماشین نویسی، حسابداری، خیاطی، صنایع دستی، سیم پیچی و سیم کشی برق، تعمیر رادیو تلویزیون، باغبانی، جنگلکاری و پرورش گل و [illegible] رشته هائی که آنان را آماده خدمتگذاری به اجتماع خویش نماید، میباشد.

— کمیته آموزشی که وظیفه داراست در مورد تشکیل کلاسهای تقویت دروس اعضاء مطالعه و پیشنهادات خود را تسلیم سرپرست مربوطه بنماید. تشکیل کلاسهای درس در خانه های جوانان و درفصل امتحانات کمک بزرگی به دانش آموزان کشور میکند و همچنین دانش‌آموزانی که بعللی نتوانسته اند درامتحانات خردادماه موفق شونداز کلاسهای تجدیدی استفاده میکنند. اردوهای جوانان که در سال ۱۳۴۰ برای اعضای سازمان جوانان و از سال ۱۳۵۲ برای اعضاء خانه جوانان و بطور جداگانه درسراسر تشکیل میشود امکانی است که جوانان زحمت کشیده در طول سال، بتوانند در تابستان تفریحی هم کرده باشند، برنامه های گوناگون آموزشی، تفریحی و مسابقات ورزشی و هنری که در این اردوها انجام میگیرد در زمره برنامه سازمان جوانان قراردارد.

از این عده ۵۰۰۰ دختر و ۱۲۴۵۰ پسر را اعضاء ۱۲۰ خانه جوانان شیرو خورشید سرخ تشکیل میدهند و هماهنگی که کمیتم با گذراندن ساعات بیکاری خود در خانه‌های جوانان بفراگیری اهداف انسانی شیروخورشید سرخ و دیگر مسائل مفید میپردازند در اینجا لازم است که از نقش بسیار مؤثر امدادگران جوانان که دانش آموخته های سازمان جوانان شیرو خورشید سرخ ایران هستند یاد بنمائیم آنان، که تحت نظر مربیان خود خدمات امدادی میگیرند در سوانح، حوادث و بطور خلاصه در کلیه مواردی که نیاز بخدمتشان باشد ازجان و دل بفعالیت میپردازند سازمان جوانان شیرو— خورشید سرخ ایران بابهره گیری ازفراگرفته‌های ۱۲۴۶۹ نفر مربی و ۲۳۳ نفر رهبر به تربیت جوانان میپردازد.

این بود مختصری از تلاشهای ارزنده وچشمگیر سازمان جمعیت شیروخورشید سرخ ایران.

در سینمای [illegible] به چشم می‌خورد. از جمله توجه به سوژه‌های [illegible] قصه‌های قدیمی [illegible] فیلمبرداری این [illegible]
[illegible] اصلی خود را از دست بدهد و خود بدل به [illegible] شود.
[illegible] این فیلم را محمدعلی عرفی [illegible] است.

«اکی»
درفعالیت مجدد

«اکی» خواننده‌ای که به معیارهای موسیقی قدیمی توجه بیشتری از خود نشان داده، با همه درگیری‌ها و شکایت‌های پی در پی توانست به راه خود ادامه دهد.

از نکات قابل توجه در زندگی این خواننده، درگیری با تهیه کنندگان و کارگردانان سینما بود که تا این لحظه «اکی» در مقابل پیشنهادات آنان مخالفت کرده و عقیده دارد در خانوده بنائی نباید بیش از یک هنرپیشه وجود داشته باشد و پوری بنائی خواهرش این سهم را بعهده دارد، ولی ترجیح میدهد همان موسیقی و ترانه خوانی را دنبال کند.

بهرحال این روزها «اکی» و گروه دیگری از خوانندگان، از جمله هایده، گوگوش، سرهنگ زاده و پوران سرگرم اجرای ترانه‌های قدیمی پرداخته‌اند و به تکرار موسیقی فعلی بی در و دروازه دلخوش نکرده‌اند. باید دید آینده درباره این گروه خوانندگان چه قضاوتی خواهد کرد.

کارگران

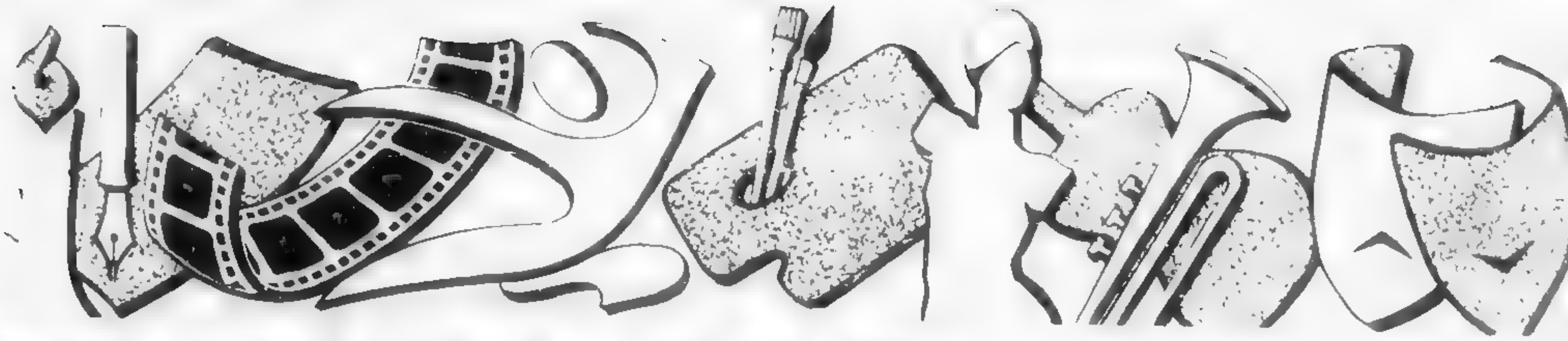

گوگوش د

گوگوش [illegible]
[illegible] زندگی دختری است که [illegible] شروع [illegible] زندگی [illegible] های او [illegible] زندگی [illegible]
[illegible] ویک ترانه‌ساز را دراختیار [illegible] ترانه و آهنگ جدید را [illegible] که از اوایل همه اینها دارد [illegible]

[illegible] بهترین ترانه‌ها [illegible] شهرت [illegible] برای [illegible] کار داده است.

در هرصورت [illegible] کار خوانندگی [illegible] و تولیدهای [illegible] خوانندگی پرداخت [illegible] روی آورد.

[illegible]...

لیلا فروهر و رابطه جوانی

لیلا فروهر خواننده [illegible] از راه رسیده، اخیرا جلب توجه [illegible] کرده، که البته دلیل عمده‌اش [illegible] جوان برای ایفای نقش‌های جوان است. لیلا فروهر دختر جهانگیر فروهر و فرنگیس فروهر است که هردو در فیلم‌ها بازی می کنند و خود وی از زمانیکه طفل خردسالی بیش نبود، در فیلم‌ها بازی میکرد و بهترین بازی دوران کودکیش را «سلطان قلب‌ها» میدانند. این خواننده یا هنرپیشه قدیمی، بعد از یک سکوت از دوران نوجوانی تا جوانی، توسط یک کاباره‌دار به دنیای هنر روی آورد و بعد از خواندن چند ترانه به شهرت رسید و دوباره به کار سینما مشغول شد. جدیدترین فیلم لیلا فروهر «رابطه جوانی» نام دارد که در پائیز آینده بنمایش گذاشته خواهد شد.

سپیده و شایعات جدید

سپیده، بازیگر جوان سینمای ایران، دراین ماهها سخت درگیر با شایعاتی بود که پیرامون وی براه انداخته بودند. از جمله این شایعات ازدواج او با یک کارگردان جوان سینما بود که بعدا معلوم شد از حد حرف تجاوز نکرده و وی ترجیح داده همان کار بازیگری در سینما ادامه دهد و زندگی زناشوئی را بگذارد برای بعد. سپیده درحال حاضر مشغول بازی در فیلم «شمر» در کنار جمشید مشایخی است.

برای آشنائی کارگران با اقتصاد و مسائل اقتصادی از: د. کسرئ. بهمان

تولید

فعالیت اقتصادی

در شماره گذشته ضمن بحث در مورد فعالیتهای اقتصادی گفتیم مجموعه فعالیت‌ها و کنش‌هائی که در چارچوب فعالیتهای یک جامعه انجام میپذیرد تا از آن نتیجه و ثمره‌ای مولد حاصل گردد، فعالیت اقتصادی آن جامعه شمرده میشود.

و بیان شد که یکی از اشکال فعالیتهای اقتصادی و در واقع مهمترین آن تولید است و درواقع هدف اساسی هرجامعه رفع نیازهای آن جامعه است و این امر نیز ازطریق استفاده از منابع و ثروتهای موجود و تغییرشکل آن و ایجاد منابع و ثروتها و کالاهای دیگر برای رفع نیاز-های زندگی جامعه امکان می‌یابد، زیرا بسیاری از ثروتها و منابع موجود، بشکل فعلی آن قابل استفاده نیست و برای اینکه انسان ازآن استفاده و بهره‌گیری کند لازم است که آنرا تغییر دهد، تکمیل کند و یا بشکل دیگری درآورد و آن را باثروتهای دیگر درآمیزد تابشکلی درآورده که مورد استفاده باشد. فی‌المثل نفت‌خام به تنهایی مورد استفاده جامعه نیست، باید آنرا تصفیه کرد و مواد مختلف آن را یکایک ازآن جدا ساخت و بدین‌طریق است که نفت‌سفید، بنزین، گازوئیل، وصدهانوع محصول دیگر ازآن بدست می‌آید و مورداستفاده قرارمیگیرد.

یا پشم‌گوسفند بشکل موجود آن مورد استفاده نیست: باید رشته و بافته شود و بصورت پارچه مورداستفاده قرارگیرد.

گندم بشکل خام آن خورده نمیشود. باید آنرا آرد کرد و خمیر، و سپس پخت که بتوان آن راصرف کرد.

این قبیل نمونه‌ها، بسیار زیاد است که نشان میدهد انسان به تولید نیاز دارد و بدون آن زندگی اش کامل نخواهد بود.

ولی با توجه به تعریفی که کردیم، نباید تصور کرد که تولید تنها شامل کالا و محصول است و اگر انسان قادر بود که مقداری محصول – با اشکال مختلف آن – تولید کند، کارتمام است. مسلماً جواب منفی است زیرا تولید خود منتج به دو نتیجه میگردد: تولید کالا، تولید خدمات.

تولید کالا بمنظور فراهم‌آوردن کلیه اشیاء و لوازم و محصولات مورد نیاز جامعه انجام می‌یابد، و«کالا» به تمامی اشیاء طبیعی و یا ساخته شده که بتواند یکی از نیازهای جامعه را مرتفع سازد گفته میشود.

ولی انجام تولید کالا نیاز به یک رشته خدمات و فعالیتهای دیگر دارد و بدون این خدمات، بدست‌آوردن کالا و تولید کالا امکان‌پذیر نیست.

هرگاه سیر جریان تولید کالائی را مورد توجه قرارد هیم، میبینیم که هیچگاه خدمات و فعالیتهای خدماتی از کار تولید جدا نیست و همواره تولید بدان نیازی سخت دارد. فرض کنیم برای تولید پارچه، تهیه پشم و خریداری آن کاری خدماتی است. حمل آن به محل کار، کارخدماتی است. فراهم‌آوردن مقدمات رنگ‌آمیزی آن، کار خدماتی است، ولی رشتن و تبدیل آن به نخ تولید بشمار میرود. پس فراهم‌آوردن مقدمات تبدیل نخ به پارچه کارخدماتی است و ایجاد پارچه کار تولیدی است. عرضه پارچه ببازار و حمل آن کار خدماتی است و همچنین فروش آن.

هر مثال دیگری که در این زمینه آورده شود، باز هم مبین آنست که در هر کار تولیدی یک رشته کار خدماتی نیز وجود دارد. بدین ترتیب میتوان گفت خدمت خود نوعی کار است که بدون بکاربردن ثروتهای نادر مگر بصورت ابزارهای فرعی کار، انجام میپذیرد. فی‌المثل حمل و نقل کالا از محلی بمحلی دیگر برای عرضه و فروش نیاز به بازاریابی و فراهم‌آوردن وسیله‌نقلیه و انبارکردن کالا دارد و بطوریکه ملاحظه میشود، در این امر نیاز زیادی بمواد و سرمایه و ثروتهای اولیه وجود ندارد. مثلا وقتی به آرایشگر مراجعه میکنیم، تنها ابزار کاروی قیچی و شانه است و آنها را بعنوان ابزار کار مورد استفاده قرار میدهد و دیگر ثروتهای نادر در این زمینه مورد استفاده قرار نمیگیرد.

تولیدوچگونگی آن

بطوریکه بیان شد، برای اینکه انسان بتواند از ثروتهای محدود، خواستها و تمنیات و حاجتهای فراوان خود را برآورده سازد، باید در ثروتهای موجود تغییر دهد و آنرا با ثروتهای دیگر ترکیب کند تا آن را برای انسان مورد استفاده سازد. کالاها و خدماتی را که تولید میشود، می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: اموال و کالاها و خدمات مصرفی، اموال و کالاها و خدمات تولیدی.

اموال و کالاها و خدمات مصرفی آنهائی هستند که مستقیماً نیازهای جامعه را مرتفع میسازند، مانند نان که میخوریم و لباسی که میپوشیم و یا خدمتی که خدمتگزار برای ما انجام میدهد. کالاها و محصولات و خدمات تولیدی آنهائی هستند که برای تولید و فراهم آوردن کالای دیگر مورد استفاده قرار میگیرد و انسان مستقیماً آنرا مورد استفاده قرار نمیدهد. نکته‌ای را که باید بدان اشاره کرد، اینست که در گذشته برخی از اقتصاد دانان و از جمله «آدام اسمیت» برخی از خدمات را خدمات تولیدی نمیدانستند. خدمت مدیران، حقوقدانان، پزشکان و غیره. اینان معتقد بودند که نتیجه کار این افراد بلافاصله زائل میشود و از عمل ایشان چیزی درخارج منعکس نمیگردد و تولید نمیشود. این نظر بدون تردید، نادرست است، زیرانتیجه کارهمه این افراد رامیتوانیم درخارج بخوبی لمس کنیم. زیرا فعالیت یک مدیر در یک واحد تولیدی بصورت درست اداره شدن واحد تولیدی خود نمائی میکند و اگر مدیریت صحیح در واحد تولیدی وجود نداشته باشد، اصولاً امر تولید انجام نمی‌پذیرد، یا یک طبیب با طبابت خود جان انسانی را نجات میدهد و صحت و سلامت او را باز میگرداند. اثر یک موسیقیدان همواره در یک جامعه باقی است و لذا تمامی خدماتی که ازآن نام بردیم، نیازی را در جامعه مرتفع میسازد و لذا دارای ارزش می‌باشد از این جز خدمات تولیدی محسوب میگردد. حال که مسائل مربوط به تولید و خدمات را بطور خلاصه بیان داشتیم، به بینیم تولید چگونه انجام میپذیرد و عوامل تولید چیست.

برای تولید تعدادی عوامل لازم است. درموارد عوامل تولید نظرهای مختلفی ازگذشته وجود داشته است. علمای اقتصادی در گذشته ثروتهای طبیعی مانند زمین، کارانسان و سرمایه راازجمله عوامل تولید برمیشمردند.

برخی دیگر اعتقاد داشته که ثروتهای طبیعی نیز خود در زمره سرمایه هستند و لذا کار و سرمایه به تنهائی جزوعوامل تولید هستند. عده‌ای از اقتصاد دانان گفتند که سرمایه در نتیجه کار و فعالیت ایجاد میشود و لذا تنها عامل تولید کار است و کار عبارتست از تلاش مولد ولی امروزه‌عامل دیگری‌به عوامل مذکور افزوده شده وآن مدیریت است و کاملا به تجربه رسیده است که بدون مدیریت امر تولید امکان پذیر نیست. بنا بر این سرمایه‌های طبیعی، کار، سرمایه‌ومدیریت و یا بعبارتی دیگرسرمایه کار و مدیریت را میتوان جزوعوامل تولید دانست. برخی معتقدند که مدیریت نیز خود نوعی کاراست. کارفکری درمقابل کاربدی ولذا بازهم معتقدند که عوامل تولید عبارتند از کاروسرمایه، معذلک باید پذیرفت که عوامل تولید عبارتند از سرمایه، کار و مدیریت. مادرشماره آینده به بحث درباره عوامل تولید میپردازیم.

کارگران چاپخانه‌ها

بقیه ازصفحه ۹

چه‌چاپ هیچگاه نمی‌تواند از ادبیات‌وفرهنگ هیچ ملتی بدور باشد. اولین چاپخانه کشور به‌طور یقین مشخص نیست، ولی گفته‌می‌شود سی از... سال پیش چاپخانه‌ای دراصفهان دایر شد که چاپ سنگی می کرد، ولی بهرحال باآمدن چاپ به کشور ما، دانش هموطنان از دنیای اطراف فزونی گرفت

و یکی از علل بوجود آمدن حکومت مشروطه درایران همین بیداری ایرانیان بر اثر خواندن متون و مقالات چاپی بود، که آن زمانها روزنامه و شبنامه‌هائی چاپ می‌شدو در اختیار مردم قرار می‌گرفت. از آن پس چاپ به‌تدریج گسترش و پیشرفت بسیار پیدا کرد، تاریخچه چاپ در کشورمان خود بحث مفصلی دارد که درحوصله این گزارش نمی‌گنجد واشاره کوتاهی که به آن شد می تواند اهمیت آن راباز گو باشد.

اولین چاپخانه‌هادرکشورمان چاپسنگی می کردند که هنوزآثار بسیاری ازآنها باقیست، چاپ اورالید و در پی آن حروفچینی درگارسه و چاپ مسطح ازجمله سیر نحوی پیشرفت صنعت چاپ در کشور بود و اکنون در چاپخانه های بزرگ کشورمان از ماشینهای بزرگ رتاتیو، افست و هلیوگراور برای امر چاپ کمک‌گرفته می‌شود وچاپ مسطح کمتر مورد استفاده قرار می گیرد بویژه که این روزها بسیاری از ... هم بوسیله افست بچاپ می‌رسد. چاپخانه‌های کوچک برای چاپ کارتهای ویزیت و یا کارت عروسی وبروشورازچاپ مسطح استفاده‌می کنند

ماشینهای چاپفعلی با سرعت‌بسیار کار می کنند تا جوابگوی نیاز بسیارمردم باشند، ... چاپخانه‌ها چه در کار انتشار کتاب و یا روزنامه و مجله بیشتر هدفشان صفحه‌بندی زیبا باگراورهای جالب و عرضهٔ آن در اسرع وقت است.

باید اضافه کرد که اکنون غیر از کتاب و مطبوعات پاره‌ای از چاپخانه‌ها کار چاپ بر روی قوطی های مقوایی، نایلون وحتی الیاف نخی را انجام می‌دهند و رشته چاپ ازتنوع و دگرگونی بسیاری برخوردار است.

وام مسکن افزایش مییابد

بقیه ازصفحه ۱۳

[illegible]

خبرنگاران ما.. بقیه از صفحه ۱۲

شکل میگیرند و به قسمتهای دیگر منتقل میشوند.

در قسمت بعدی، یحیی شیر آشتیانی و وجیه‌الله قراگزلو و موسی براتی مشغول کار هستند. هر سه از با سابقه‌ترین کارگران کارخانه ارج هستند.

۰ ۶ساله، هنوزمجرد است!

یحیی، ۲۸ ساله است. هشت سال سابقه کار دارد و روزانه ۰ ۶ تومان دستمزد میگیرد، او صاحب همسر و یک دختر است. وجیه‌الله ۰ ۶سال از سنش میگذرد، اما هنورمجرد است.! موسی براتی ۳۵ ساله، دارای یک همسر و سه فرزند است. قیافه آنها جدی‌تر از کارگران جوان بنظر میرسد. زیاد هم با هم حرف نمیزنند، فقط یک بار یحیی به طرف موسی برمیگردد، دستی به پیشانیش می کشدومیگوید:

—خیلی گرمه، عجب تابستونی!

موسی سرش را تکان میدهد، اما حرفی نمیزند.

وجیه‌اله قره‌گزلو ناگهان بحرف می‌آید. میگوید:

—ازبدشانسی به خورده بارون هم نمیاد. سالهای پیش بارونی می‌آمد. امسال که اصلا خبری نیست.

اروردانس میکشم

در اینموقع سرکارگر قسمت وارد میشود و به یحیی میگوید:

— از فردا یک «کمک» برات می‌یاد. دیگه خیالت راحته.

یحیی سرش را تکان میدهد و می گوید: خیلی ممنون. اقلا از فردا نفسی میکشم.

سرکارگربه طرف موسی میرود. چند کلمه هم با او صحبت میکند. بعد از آنجا دورمیشود.

جنب و جوش در کارخانه اوج میگیرد، صدای غرش موتورها گوش را فشار میدهد. حرکت چرخهای دستی، جراثقال‌های کوچک وآمدورفت کارگران لحظه‌ای قطع نمیشود..

گرما هم لحظه به لحظه بیشترمیشود..

وجیه‌اله مثل اینکه از شدت گرما دنبال چیزی میگردد که او را لحظه‌ای از تاثیر هوا راحت کند، چون ناگهان به موسی میگوید:

—چند سال پیش رفته بودم همدان، توی راه نزدیکی های «آوج» اتوبوس خراب شد. ناچار مسافرها تا تمام شدن کار تعمیر اتوبوس پیاده شدند. من هم رفتم کنار جاده. همینطور که داشتم قدم میزدم، چشم به قطعه سنگ قهوه‌ای رنگی افتاد. حس کردم نباید یک سنگ معمولی باشد. آن را برداشتم، اما بعد یادم نیست توی اتوبوس یا جای دیگر گمش کردم. پریشب پشت ویترین یک جواهرفروشی نگینی برنگ همان‌سنگ دیدم وفکرمیکنم.....

موسی نمی‌گذارد حرف او تمام شود. به یحیی نگاه‌میکند، میزند زیرخنده. بعدمیگوید:

— بابا، من و تو که شانس این چیزها را نداریم. وبس کن بابا من...

سرکارگردوباره می‌رسد. میگوید:

—فردا باید دستگاه را روغن کاری کنیم.

موسی سرش را تکان میدهد. یک ساعت بعد، دستگاهها یکی یکی از کار می‌افتد، کارگران در گروههای متعدد بسوی سالن ناهارخوری‌میروند.

دست‌در گردن یک پاکستانی

یک کارگر جوان در حالیکه دستش را به گردن یک جوان پاکستانی انداخته، به خبرنگار‌عکاس مجله میگوید:

— آقا، از ما دو تا یک عکس بگیر. این رفیق‌سبزه‌روی ما خیلی جالب‌است.

کارگر دیگری به سه، چهار نفر از همکارانش میگوید: بچه‌ها، دارند فیلمبرداری‌میکنند.

یکی از رفقایش جواب میدهد: تو هم رل اولش راداری!

کارگر اولی خنده‌ای میکند، و بعد میگوید: آره، درسته. تو هم رل مقابل من را بعهده‌میگیری!

باین ترتیب کار صبح بپایان می‌رسد و نزدیکی های‌ساعت ۱۲، صف‌طویلی برای گرفتن ناهار تشکیل میشود. یکی از میان صف داد میزند: آشپز باشی، امروز نمکش زیادتره یا فلفلش؟ چند لحظه بعد کارگران پشت میزهای ناهارخوری مینشینند بوی چلو وخورش تمام فضا را پر کرده است. صف بسرعت از سمت جلو بریده میشود و باز ازسمت عقب برآن اضافه میگردد. همه چشمها به دوربین است. صدای رهبر، خبرنگارعکاس مجله بلند میشود: آقایان خواهش میکنم بدوربین نگاه نکنید.

یک کارگر که درسمت جلو سالن نشسته است، میگوید: بچه ها، مثل اینکه امروزبرنجش زیادتره!

جان تو، کارمن نیست!..

در همین موقع کارگر میان سالی میرسد، بالای سر یکی از همکارانش می‌ایستد و داد میزند: ای کلک! نمیگذارم بخوری. پاکت سیگارم رو باز کش رفتی!»

کارگر دومی میخندد: جان تو، کار من نیست!

—جان‌خودت، چرا جان‌من؟!

—خب، جان خودم.

گفتگوی شوخی آمیز بین این دو نفرادامه دارد.... کم کم کارگرانی که ناهارخود را تمام کرده‌اند، از در بیرون میروند. وسط حیاط کارخانه، عده‌ای از کارگران دور هم جمع شده گپ‌میزنند، ویکی از همکارانشان‌میرقصد.

همه با هم‌ در نماز ظهر

قدری دورتر، درجنگل مصنوعی کارخانه، عده‌ای از کارگران زیر درختان دراز کشیده‌اند تا چند دقیقه‌یی پس از صرف ناهار استراحت کنند، اما صفرعلی رحمانی و محمد جوراب‌لو، مرتباً به سرو کول هم می‌زنند. آنها، از نوعی شادی‌وشورسرشارند.

چند کارگر جوان، قدری دورتر مشغول نمازگذاردن هستند. آن‌ها بدور از شوخی‌ها و حرکات همکاران خود، دردنیائی ازجلوه‌های روحانی فرو رفته‌اند...

در اینموقع یک جوان پاکستانی که در اینجا کارمی کند، سرمیرسد، یکی از کارگرها که با او صمیمیتی دارد، به طرفش میرود و او را روی هوا بلند میکند. جوان پاکستانی، در حالیکه غش غش می خندد، فریاد می‌زند تا همکارش او را بگذارد زمین، کارگری که او را بروی دست بلند کرد، می‌گوید: شاخه درخت رابگیرو مثل تارزان‌طناب بازی کن.

نیمساعت بعد، همه به کارگاهها برمیگردند و دیگر بار تلاش تازه آغاز میشود، نیروی تازه‌ای آنها را به کوشش بیشتر تشویق میکند.

احمد حق‌وردی، به صفرعلی رحمانی میگوید: امشب‌بریم‌سینما.

—موافقم.

ولی مرتضی فهیم‌پور میگوید: توی این گرما که سینما رفتن فایده نداره، بریم دربند هوائی‌بخوریم...

گفتگو ادامه پیدا می کند، و سرانجام اکثریت به‌سینما رفتن رأی‌میدهند...

سرساعت چهارو نیم، سرویسها یکی بعد از دیگری پر میشود. بسیاری از کارگران که متاهل هستند، هدفی جز رسیدن به منزل ندارند. گروهی به سینما میروند و گروهی هم گردش در پارک‌ها یا حومه‌های شهر را ترجیح میدهند، چرا که بهرحال خستگی بعد از هشت ساعت کار را باید ازتن زدود.

خواست‌خدای ایران‌و... بقیه از صفحه ٤

آدوله‌مرده میکند!

در تمام این حادثه آفرینی ها هدف اصلی درهم کوبیدن هر نوع تدبیر انضباط گرانی و شیرازه دهی و سامان بخشی بود تا نگذارند سر رشته کار ها بدست ناخدای اصلی کشتی توفان‌زده‌ی کشور بیفتد....

براثر کمبود مواد غذائی که قسمتی براثر وقوع حادثه هولناک جنگ و اشغال ایران، فلج شدن نیروهای دهقانی و تولیدی کشورو قسمتی دیگر که عمداً بعلت قاچاق محصولات غذائی ایران بخارج، این کمبود را بوجود آورده بودند و از سوئی با ورود میکرب بیماریهای گوناگون بوسیله مهاجران صادراتی کشورهای جنگ زده، انواع بیماریهای خطرناک و همه گیر در کشور بصورت‌واگیر بوجود امد که با کمبود دارو و پزشک و بیمارستان واقعاً یک مصیبت بزرگ‌درمقابل مملکت‌قدعلم کرده‌بود....

عقب‌ماندگی های اخلاقی دیگراز یک‌سو موجب برقراری مسابقه ثروت اندوزی و طبعاً سوء استفاده شده بود که این خود بلائی عظیم بود. همه چیز را نایاب و باباب میکردند، همه چیز راگران میکردند، همه چیز را همه کس از همدیگر میدزدیدند، روزگارو افسا که شنیده و خوانده‌اید در کشور بوجود امده بود، یعنی چنان‌حالتی را کارشناسان مسائل تخریب ملی (درهر لباس و با هروابستگی که بود) بوجود می‌آوردند و براین مملکت تحمیل میکردند... در چنان حالتی یکباره میدیدیم که شاه جوان بطور ناگهانی و بدون اطلاع (و شاید گاهی ناشناس) درمحله صابون‌پزخانه و یا گود عربها و سرقبرآقا و پای ساعت مشیرالسلطنه و یا هر جای پرجمعیت (و احیاناً دوراز‌چشم مسؤولان) حاضر می‌شد و از نزدیک با درد دل مردم و با گرفتاریهای ملتش آشنا میشد. با پول خود برایشان چاه آب عمیق برای تهیه آب مشروب سالم بوجود می‌آورد، درمانگاه میساخت، در کنار اشکشان اشک میریخت.

تسلیت

اطلاع یافتیم که با کمال تأسف آقای دکتر جعفر ناصر امینی، ریاست بیمارستان شماره ۲ سازمان تأمین خدمات درمانی، خواهرخود را ازدست داده‌اند.

رستاخیز کارگران:

این مصیبت رابه بازماندگان، بویژه آقای دکتر ناصرامینی صمیمانه تسلیت‌میگوید.

با درنظر گرفتن شرایط اقلیمی بعضی از شهرها بانک‌رفاه کارگران درشهر زاهدان ۹۲ دستگاه‌واحدمسکونی‌ساخته‌وبه کارگران تحویل داده است و در بندرعباس ۶۰ دستگاه و بوشهر ۴۳ واحد مسکونی در دست ساختمان دارد که تا اواخر امسال به کارگران تحویل میشود.

در کرمان ساختمان ۶۵۶ دستگاه خانه‌های انفرادی رو به اتمام است ومقدمات احداث پانصد واحد مسکونی برای کارگران رضائیه انجام شده و درمشهد نیز ۱۸۹۰ واحد مسکونی در زمینی بمساحت‌دویست‌وبیست و هفت هزارمترمربع در دست ساختمان است و با پایان سال آینده ازآنها بهره‌برداری خواهدشد. ضمناً درشهرستان‌شاهی برای کارگران این شهر درزمینی بمساحت ششصدهزارمتر مربع هزارو چهارصدو هفتاد واحد مسکونی انفرادی خانه سازی شده که در چند ماه آینده به کارگران تحویل دادهخواهدشد.

مجیدی سپس به طرح عظیم خانه‌سازی این بانک‌درشهرصنعتی تبریزاشاره‌می کندومی‌گوید کارخانه سازی پنج‌هزاروچهارصد واحد مسکونی [illegible] درشهر [illegible] شروع شده [illegible] ترانزیتی تهران — تبریز [illegible] و پنج بلوک چهارطبقه درزمینی بمساحت یک میلیون مترمربع احداث خواهدشد و ازاین [illegible] کارگران این شهر [illegible]

وی آنگاه به تأسیسات این شهرک [illegible] اشاره کرده اظهارمیدارد: [illegible] [illegible] مسکن کارگران به آنها و [illegible] [illegible] کارگران [illegible] خود [illegible] خواهند رسید.

[illegible] مجیدی [illegible] تعاونی مسکن کارگران به آنها و [illegible] میکردند. [illegible] آن از کارگران گرفته میشود و بقیه بصورت اقساط [illegible] میسود.

در پایان این گفتگو از آقای مجیدی می‌پرسم: «هم‌اکنون بکارگران حداکثر تا ۷۵ هزار تومان وام جهت خرید مسکن داده میشود. شما فکر نمیکنید با افزایش قیمت واحدهای مسکونی باید در این‌مبلغ تجدید نظر شود، تا کارگران بیشتری بتوانندصاحب‌مسکن شوند؟»

او درپاسخ می‌گوید: «بانک‌رفاه کارگران ابتدا سی‌و پنج هزار تومان، بعد ازمدتی پنجاه هزار تومان و ۳ سال است که ۷۵ هزار تومان وام جهت خرید ساختمان بکارگران پرداخت میکند در‌حال حاضر چنین تصمیمی نداریم ولی درآینده این مبلغ به صدهزار تومان خواهد رسید که بمدت ده سال از کارگران بصورت اقساط‌ویا بهره هفت درصد پس گرفته میشود.»

دراین جا با آرزوی موفقیت برای ایشان و با امید اینکه اکثر کارگران ازمسکن ارزان قیمت برخوردارشوند، با دکتر مجیدی خداحافظی میکنیم.

نامه به سردبیر

کرمان — آقای حشمت‌الله سرباری زاده

[illegible] سلام [illegible] که تا امروز برای [illegible] خبرنگار [illegible] شده‌اند که [illegible] وجود [illegible] نگردد. [illegible] به حضور [illegible] آقای [illegible] که بدون [illegible] مصاحبه‌هایی [illegible] خبرنگاران ما در جریان نوشتن [illegible] نامه‌نگاران [illegible] کارگران [illegible] بدون [illegible] در مجله درج شد.

درباره [illegible] و [illegible] خبرنگاری که اشاره فرموده‌اند، متأسفانه نوشته و [illegible] در دست نیست. [illegible] تصور می‌شود خبرنگار نشریه دیگری [illegible] در جریان نوشتن [illegible] کارگران مصاحبه کرده و [illegible] تصور نموده‌اند که خبرنگار مجله خودشان، یعنی رستاخیز کارگران بوده است. در پایان سلام [illegible] صمیمانه [illegible] مجله رستاخیز کارگران [illegible] نامه [illegible] که در مصاحبه با خبرنگار نشریه دیگری مطرح کرده‌اند و [illegible] درج شده [illegible]

مشهد مقدس — آقای پرویز متینی

[illegible] سلام و [illegible] به عرض می‌رسانیم که بدون شک [illegible] و [illegible] و [illegible] نگیرند.

از [illegible] نامه [illegible] تشکر [illegible] نکرده‌اند.

خلاصه کلام، [illegible] مشهد و سلام هم در دست دارند [illegible] و [illegible] امور [illegible]

تشریح کنید [illegible] به نظر ما نمی‌رسد. چرا که [illegible] اعلام شده و [illegible] استحقاق داشته باشند و حرف حساب [illegible] را خواهند [illegible] ضمناً از [illegible] کارگری [illegible] نگاه [illegible]

تهران — خانم عادله — الف

بسیار کار خوبی کردی، دخترجان. اگر ما که خدمتگزار طبقه کارگر کشور هستیم به داد دل کارگر زادیی مانند تو نرسیم پس احساس مسئولیت و انجام وظیفه چطور می‌شود؟ ضمناً این را هم برای چندمین بار توضیح می‌دهم که لازم نیست نویسندگان نامه به مجلهٔ رستاخیز کارگران، حتماً خود کارگران باشند. گذشته از اینکه فرزندان و تمامی افراد خانواده کارگر می‌توانند با ما مکاتبه کنند، حتی قدم و قلم مردم عادی و غیر کارگر نیز روی چشم ماست.

[illegible] درباره مشکلی که برایت پیش آمده است باید بگویم آنطور که تو نوشته‌ای متأسفانه مادر توچون تنها نان‌آور و سرپرست خانواده است، در حال حاضر به یگانه چیزی که توجه دارد، [illegible] است و بس. روی همین اصل [illegible] خواستگار [illegible] عوارض و رویدادهای بعدی [illegible] نمی‌کند که [illegible] مورد نظرش ازدواج کنی. [illegible] ازدواج یک دختر ۱۵ ساله [illegible] با مردی مسکین و بنجاه و پنج ساله مطلقاً فرجام و عاقبت خوشی ندارد. مضافاً به اینکه نوشته‌ای این مرد صاحب همسر و چهار فرزند است. با توجه به [illegible] خواستگار [illegible]

ازدواج [illegible] که چندین سال است قانون [illegible] خانواده [illegible] زوجات را منع کرده است، مگر [illegible] همسر اول، مضافاً اینکه [illegible] ازدواج هم [illegible] که تو نوشته‌ای مادرت قصد دارد تو را بدون اطلاع همسر خواستگارت شوهر دهد که [illegible] غیر قابل جبران خواهد [illegible] اگر از [illegible] به دستور [illegible] و هرگز [illegible]

ازدواج مده. چرا که بدون شک این جناب خوش سلیقه [illegible] از چشم همسرش نیز با تو [illegible]، پس از چند ماه عذرت را خواهد خواست. آنهم به آسانی آب خوردن، زیرا که [illegible] نمی‌تواند عقد کند و زن صیغه‌یی را [illegible] طلاق دادن [illegible] دردسری ندارد. [illegible] برای چندمین [illegible] عرض می‌کنم که [illegible] و مادرت را راضی کن برای تو [illegible] را از صفحه خودت [illegible]

[illegible] را که [illegible] از [illegible] داده‌ام [illegible] موفق و مؤید باشی.

اراک — خانم ح

با ابراز سلام متقابل به عرض سرکار علیه می‌رسانیم که متأسفانه ارسال پاسخ خصوصی برای ما مقدور نیست و از قول ما به دوستان بگویید که این قصور و کوتاهی ما را ببخشند. ضمناً خاطر مبارکشان را مستحضر دارید که دست از قهر کردن بشویید و پس از این خودشان مستقیما با ما مکاتبه کنند که ایجاد مزاحمت برای سرکار علیه باعث ناخشنودی خداوند قادر و متعال می‌گردد. و اما در بارهٔ داستان ارسالی ایشان ناگزیر از ذکر توضیح هستیم که بدبختانه آن مطلب، واجد شرایط لازم برای چاپ در مجله نبود. یعنی بزرگترین اشکالش دو شماره‌یی شدنش بود که گذشته از ایجاد محظورات فنی در روال کار ما نیز خدشه‌هایی بوجود می‌آورد. بنابر این اگر قصد دارند برای ما داستان بفرستند، بهتر است قصه‌هایی را انتخاب کنند که حتی‌المقدور مختصر و مفید باشد. سخن آخر اینکه چاپ چند بارهٔ نوشته‌های خواننده‌یی در یکی از نشریات کشور، دلیل و ملاك درج دیگر نوشته‌های وی در سایر نشریات نمی‌شود. چرا که ممکن است مجله یا روزنامه‌یی بسبب نداشتن امکانات مالی و سرمایه کافی ناگزیر از چاپ هر نوشته‌یی، ولو عادی و معمولی بشود، اما نشریات دیگر برای چاپ مطالب خود دارای ضوابط و اصولی باشند. ضمناً سلیقه و نحوهٔ دید و برداشت گردانندگان نشریه را نیز باید به حساب آورد. بهر حال از رنجش مجدد آن دوست بزرگوار، مجدداً پوزش می‌طلبیم!

پیشنهاد می‌کنیم که

*جناب آقای سردبیر،

بنده در چند شماره اول هر وقت که این صفحه را مرور می‌کردم چنین بنظرم می‌رسید که مطالب صفحه نامه به سردبیر باید مثلا منحصر باشد به سؤال و جوابهای محدود و تا حد زیادی شوخی [illegible]. اما [illegible] متوجه شدم که تمام موارد این صفحه شوخی نیست و بسیاری از گفت‌وگوها جنبهٔ جدی دارد. چندین بار تصمیم به نامه نگاری گرفتم، اما [illegible] نوشتن را نداشتم. زیرا سوادم کم است و نمی‌توانم آنچه را که بزبان می‌آورم به صورت نوشته ابراز کنم. تا اینکه در یکی دو شماره قبل مقدمه‌یی بالای این صفحه دیدم که طی آن از همه خوانندگان کارگر خواسته شده بود، هر که نظر یا پیشنهادی در مورد مطالب مجله یا اصولا مسائل کارگری دارند برای مسؤول صفحه نامه سردبیر بنویسند. نکته‌یی که بسیار خوشحال‌کننده بنظرم آمد، این بود که شما تأکید کرده بودید طرز نوشتن نامه از لحاظ دستوری و درست بودن عبارات مطرح نیست، چرا که نامه‌های رسیده هر چه باشد توسط [illegible] تنظیم و [illegible] می‌شود. [illegible] از ماهها [illegible] و دو دلی [illegible] نامه [illegible] را [illegible] و [illegible] می‌خواهم بگویم [illegible] و ضروری [illegible] نکرد. [illegible] دارند، نمی‌دانند برای مردم [illegible] نوشتن نامه چقدر [illegible]. بهرحال خواهشم این است حالا که این لطف را در حق ما کرده‌اند [illegible] فرموده‌اید کارگران بخواهند درباره [illegible] محل کارشان، و اصولا آنچه که در [illegible] بنظر می‌رسد، برای شما بفرستند [illegible] مجله پس از چک و اصلاح آن را برای چاپ در اختیار شما بگذارند. شاید ندانید وقتی فردی مانند من بیند نوشته‌اش به عنوان نظریه‌یی قابل توجه در مجلهٔ معتبری مثل این مجله چاپ شود، چقدر خوشحال می‌شود. در پایان سلامت و سعادت سرکار و تمام همکارانتان را آرزو می‌کنم.

شیراز — حسن عقده‌گشا

*دوست گرامی،

با ابراز تشکر از توجه عمیق شما نسبت به مندرجات مجله باید بگوییم که جدا لحن سرشار از صفای سرکار مرا شدیدا تحت تأثیر قرار داد. مطمئناً ابراز لطف و عنایت شما دوستان است که ما را در [illegible] هر چه بیشتر مجله یاری می‌دهد. بهر تقدیر، در بارهٔ پیشنهاد سرکار ناگزیر از ادای توضیح هستیم که ما در شماره‌های گذشته بارها این نکته را با خوانندگان خود مطرح کردیم و از همهٔ خوانندگان ارجمند کارگر خواستیم که در تدوین مندرجات مجله با ما همکاری کنند. از این رو در اجرای پیشنهاد جنابعالی با تمامی وجود آماده‌ایم و انتظار دریافت مطالبتان را داریم. تنها خواهش ما اینست که سعی کنید نوشته‌ها حتی‌المقدور مختصر و پرنکته باشد. تندرستی و کامیابی شما را مسئلت داریم.

*آقای سردبیر ارجمند،

من از بدو انتشار این مجله تا این تاریخ تمام شماره‌های آن را [illegible] و رغبت مطالعه کرده‌ام. [illegible] مطالب را مطابق ذوق تمام خوانندگان مطرح می‌کنید، بی‌نهایت سپاسگزارم. [illegible] قانون [illegible] است، از آنجایی که اجازه داده‌اید گفتنی‌ها را با شما درمیان نهیم، بنده مطلبی دارم که فکر می‌کنم چاپش برای جامعه ضروری باشد. بی‌تردید همه افراد صاحب نظر اذعان دارند که بقاء و دوام اجتماع به اخلاق و ادب افراد جامعه بستگی کامل دارد. بنابراین تقاضا می‌کنم تا آنجا که امکان دارد مقالاتی پیرامون این نکته و آشنا ساختن مردم با شیوهٔ زندگی اجتماعی درج فرمائید ولو هرقدر کوتاه و مختصر باشد. زیرا بطوری که

نامه به سردبیر

عمگان شده ایم، چندی است مردم ما از این بهمه عامل شده اند. با تشکر قبلی از ابراز لطف حتمی [illegible].

ارادتمند: علی عزیزیان، کارمند جهت سازی بهشهر

* [illegible]

[illegible]

*** آقای سردبیر محترم،**

بدون شک ورزش از ضروریات زندگی است، و جامعه ای که از سلامت جسم برخوردار [illegible]، همواره در پیشرفت خود دستخوش سستی و رکود خواهد شد. روی همین اصل من معتقدم که شما بایستی صفحات ورزشی خود را نسبت به دیگر مطالب مجله بیشتر کنید تا بدینوسیله شوق پرداختن به ورزش را در طبقه کارگر افزایش دهید. ضمناً این را هم عرض کنم که تنها اضافه کردن صفحه و انباشتن آن از مطالب یکنواخت ورزشی کافی نیست، بلکه باید در آن تنوع ایجاد شود تا خواننده را بخود جلب کند. بنابراین بنظر شما آیا بهتر نیست در این بخش از مجله، مطالبی بصورت مسابقه بگذارید و خوانندگان ورزش دوست را نیز در تهیه مطالب ورزشی شرکت دهید؟ به عنوان مثال یک یا دو ماه پس از آغاز مسابقات مهم ورزشی، به نظرخواهی از مردم در بارهٔ نتیجه بازی ها بپردازید. مثلاً اگر مسابقه فوتبال در پیش است از ورزش دوستان و ورزش شناسان بخواهید پیش گویی کنند که کدام تیم برنده میشود [illegible] نظر به چیست؟

البته این یک مورد زیادی است که بنده وجودش را در صفحه لازم میدانم. بدون شک [illegible] شما هستید که باید ستون‌های دیگری مانند این بخش باز کنید و کارگران را شیفته مطالب ورزشی خود سازید.

درصورت انجام این پیشنهاد، مطمئن [illegible] که صفحات ورزشی مجله، پرخواننده‌ترین قسمت مجله خواهد شد. با آرزوی توفیق همه [illegible].

تبریز — یوسف شمسایی، کارگر چاپخانه

* آقای شمسایی عزیز،

از اینکه تا این حد در فکر سلامت هموطنان و پیشرفت مجله خودتان هستید، بی‌نهایت خرسندیم. پیشنهاد شما را عیناً به سرویس ورزشی مجله فرستادیم تا بررسی کنند. در انتظار همکاری [illegible] ارزنده شما هستیم.

مکتب کارگر

تهران — دوشیزه مهوش زنگاری

اگر غلط نکنم مهوش خانم شما باید اهل

[illegible]

مشهد مقدس — آقای جواد سکاره‌ای

آره والله آق جواد جون، در هیچ جای ایران جایی به زیبایی و دلانگیزی [illegible] مشجر مشهد نمی‌شود پیدا کرد. [illegible] که در روز رنگ نقره بخود می‌گیرد. [illegible] وجود برگ های درختان سر بفلک [illegible] که نور آفتاب را تجزیه می‌کنند و به زمین می‌رسانند. خلاصه کلام، خوش بحالت که ساکن مشهد هستی. خصوصاً در جوار مرقد مطهر امام هشتم. [illegible] عرصه [illegible] ظهور [illegible] خصایص و [illegible] علیه‌السلام باعث شد که مأمون [illegible] عباسی از ایشان که توسط او به ولایتعهدی برگزیده شده بودند، به وحشت بیفتد. بهمین علت وی ناجوانمردانه حضرت را مسموم کرد که در نتیجه آن حضرت به سال ۲۰۳ هجری در مشهد به شهادت رسیدند.

لاهیجان — خانم شیرین جیم

خواهرجان، باور کن با ورود بوی کباب از پنجره مقابل، خیال خوردن حب جیم ورفتن به ناهارخانه را داشتم که این هیبت اله همکار نازنین مخلص، مرقومه شریفه سرکارعلیه را گذاشت جلو چشمان فدوی. بهمین علت با اجازه شما ضمن درزگرفتن نامه مبارک تان. از دو سؤال خصوصی موجود در مرقومه صرفنظر می کنم و آنگاه بعرض شما می‌رسانم که:

اولا، ماجرای اصحاب کهف حقیقت دارد، چرا که از این واقعه در تمام کتابهای آسمانی یاد شده است. بخصوص که در کتاب آسمانی ما قرآن مجید چندین بار به این افراد و خصوصیاتشان اشاره شده است بهر تقدیر، قضیه بطور اجمال اینست که در زمان دقیانوس، مردم بطرز عجیب و دردآوری مورد آزار و شکنجه قرار می گرفتند. از این رو هفت تن از مردم آزاده شهر، [illegible] را نیاوردند و به غاری پناه بردند.

این افراد که هفت تن بودند و سگی نیز به همراه داشتند، از فرط خستگی فوراً بخواب رفتند.

طبق روایت موجود، اصحاب کهف سیصد و نه سال در خواب بودند و هنگامی که بیدار شدند تصور کردند، تنها چند ساعت به خواب رفته‌اند. ضمناً از آنجایی که درباره محل غار روایت مختلفی هست و در چند مأخذ وجود این غار را در اردن و ترکیه وغیره دانسته‌اند، بنابراین دقیقاً نمی‌شود گفت غاری که اخیراً در

[illegible]

کرمان — آقای بهمورث مهرآسا

قربان اجازه فرمائید پس از اینکه حضرتعالی کرمان مرا برای املای اسم «بهمورث» بخشیدید، خودم به عرض‌تان برسانم که بخداوندی خدا حیف است نام وشهرت به این تمیزی که فارسی خالص خالص است با «ط» که نشانهٔ خالص الفبای عرب است نوشته بشود. بنابراین خواهش می کنم که نه تنها موافقت خود را با این املاء اعلام فرمائید، بلکه لطف فرموده، خودتان هم [illegible] «[illegible]» بنویسید. [illegible] با نهایت عجز و ناتوانی خاطر عالی را مستحضر می دارد که کشور بلغارستان با حکومتی از نوع جمهوری سوسیالیستی است.

ضمناً پایتخت این کشور شهر صوفیه است و زبان مردمش نیز بلغاری و ترکی است. خوب شد پس با اجازه شما و همهٔ سروران خودم مرحمت عالی برزیاد!

پاسخ های کوتاه ومتفرقه

اصفهان. آقای روح الله صفریان

[illegible]

[illegible]

خوزستان — آقای حسنعلی کاهکش

[illegible]

سرا — آقای محسن اوجی

[illegible]

خیامی :

«برد یا باخت مطرح نیست»

جسم سالم بازدهی بیشتر دارد و تولید بیشتر رفاه بیشتر برای کارگران همراه میآورد.

بجای جایزه، قهرمانان را به کشورهای اروپائی میفرستم، تا از نزدیک با محیط ورزشی آنان آشنا شوند.

باشگاه ورزشی ایران ناسیونال در چهارده رشته ورزشی فعالیت دارد.

کارگران ورزشکار این باشگاه هر ساله در چند رشته از مسابقات کارگری مقام اول را در میان دیگر کارخانجات ایران کسب می کنند.

امسال مسابقات ورزشی کارخانجات ایران ناسیونال، بخاطر آئین بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی جلوه و شکوه بیشتری دارد.

* هفته گذشته ششمین دوره مسابقات داخلی کارگران ورزشکار ایران ناسیونال با حضور آقای محمود خیامی، مدیر عامل کارخانجات ایران ناسیونال افتتاح شد.

طبق دعوت قبلی، ساعت چهار بعد از ظهر بود که باستادیوم ورزشی بزرگ کارخانجات ایران ناسیونال رسیدیم. در محل برگزاری مسابقات شور و هیجان بیش از حد تصور، بچشم میخورد.... دسته، دسته ورزشکاران بالباس‌های مخصوص و شعارهائی که نمایانگر هرتیم وابسته به قسمتهای مختلف کارخانه از قبیل رشته‌ی‌های اتاق سازی — تودوزی — پرس — نقاشی و دیگر واحدهای کارخانه بود بچشم میخورد....

چون لحظاتی به شروع افتتاح مسابقات مانده بود، آقای «جمال قائم‌مقامی» مدیر امور اداری، نویسندگان و گزارشگران رستاخیز کارگران را از نزدیک با فعالیتهای ورزشی کارخانجات ایران‌ناسیونال آشنا نمود. در قسمت دیدار از زورخانه، «قائم‌مقامی» توضیح داد بخاطر علاقه شدیدی که آقای خیامی به‌پهلوان نامدار ایران، پهلوان اکبر خراسانی دارند، زورخانه را به‌نام این رادمرد خراسان نامگذاری نمودند....

از آن گذشته، باید بگویم که نام ایران ناسیونال و نام‌آوران ورزشی کارخانجات ایران ناسیونال، همیشه و در همه حال در صدر بوده و امید است که این صدرنشینی را همیشه حفظ کنند.

کارگران ورزشکار این باشگاه هرساله در چند رشته از مسابقات کارگری مقام اول را در میان کارخانجات کسب می کنند.

مدیر امور اداری کارخانجات ایران‌ناسیونال افزود:

ورزشکاران ما همه ساله مسابقات دوستانه داخلی دارند که امسال دوستان کارگر ما با شوق و شکوه بیشتری خود را برای این مسابقات آماده می کنند. از اینرو باشکوه و شوق بیشتری میگویم که این مسابقات مقارن باآئین ملی بزرگداشت پنجاه سلطنت شاهنشاهی دودمان پهلوی است.

باشگاه ورزشی ایران ناسیونال امسال در چهارده رشته ورزشی فعالیت دارد. این ورزش ها عبارتند از: کشتی — شنا — فوتبال — بسکتبال — والیبال — دوچرخه‌سواری — کوهنوردی — کاراته — بکس — شطرنج — طناب کشی — بسکتبال — واترپولو — کوهنوردی..

آقای «قائم‌مقامی» افزودند که همه‌ساله کارگران ورزشکار کارخانجات ایران‌ناسیونال مسابقات دوستانه‌ای بین کارگاههای مختلف این کارخانه برگذار می کنند و پس از پایان، کارگران برنده به‌دریافت جوایز و عنوان‌هائی نائل میشوند..

مسابقات از هفته گذشته آغاز شده و تا پایان سال جاری ادامه دارد و هفته‌ای سه‌روز پس از پایان کار کارخانه کارگران به‌استادیوم ورزشی میروند و مشغول ورزش و زورآزمائی میشوند..

مسابقه دوستانه کشتی بین دو کشتی‌گیر ایران ناسیونال

پس از آشنائی مختصری در زمینه‌های مختلف ورزشی به‌استادیوم رفتیم.... استادیوم مملو از ورزشکاران بود. هر دسته و رشته‌ای با لباسهای مخصوص به خودشان برای رژه آماده بودند...

تا آن که ساعت ۵ بعد از ظهر با همراهی موزیک، رژه ورزشکاران ایران ناسیونال با شور و هیجان چشمگیری شروع شد.

پس از رژه، کاراته بازان نمایش جالبی ارائه دادند. مسابقه طناب کشی بین دو دسته از ورزشکاران ایران ناسیونال شروع شد، که بسیار دیدنی بود و در حدود بیست نفر از قوی ترین کارگران ورزشکار در آن شرکت داشتند. آنگاه به تقاضای آقای «دماوندی» سرپرست ورزش و تفریحات سالم کارخانجات ایران ناسیونال آقای «خیامی» مدیر عامل کارخانجات ایران ناسیونال رشته‌ی کلام را بدست گرفت و گفت:

دوستان ورزشکار،

در آغاز سخن، از این که خود را در میان شما می‌بینم، بسیار خوشحالم. گرچه کار بسیار بمن فرصت نمی‌دهد تا بیش از پیش در میان شما دوستان باشم...

ولی وقتی خبر دادند که امروز روز افتتاح ششمین دوره مسابقات کارگران است، با تمام کمبود وقت، این دعوت را با خوشحالی پذیرا شدم .. امیدوارم که مسابقات در یک سطح

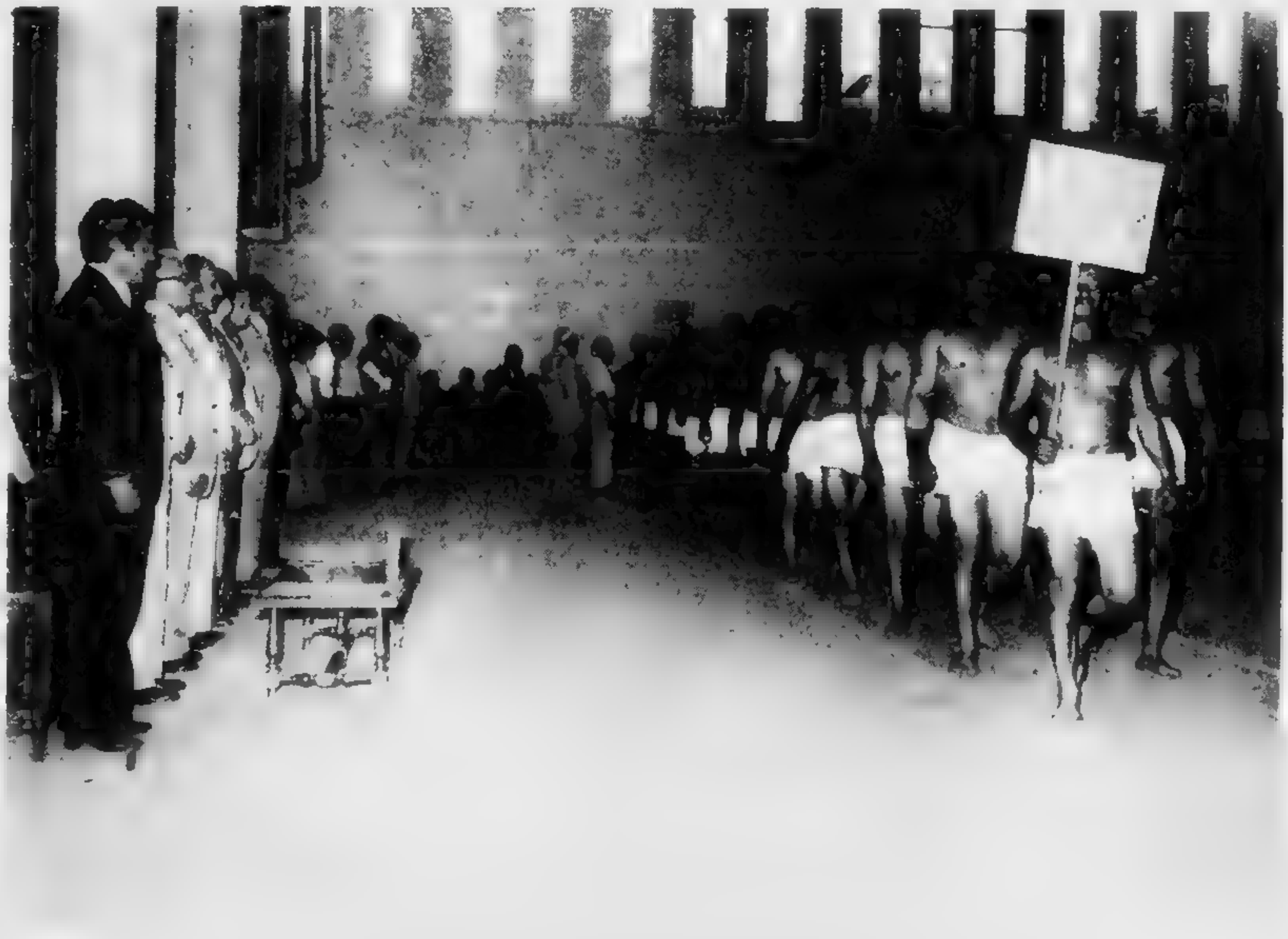

رژه‌بدن کاران در مراسم افتتاح ششمین دوره مسابقات داخلی

رقابت سالم مطرح است

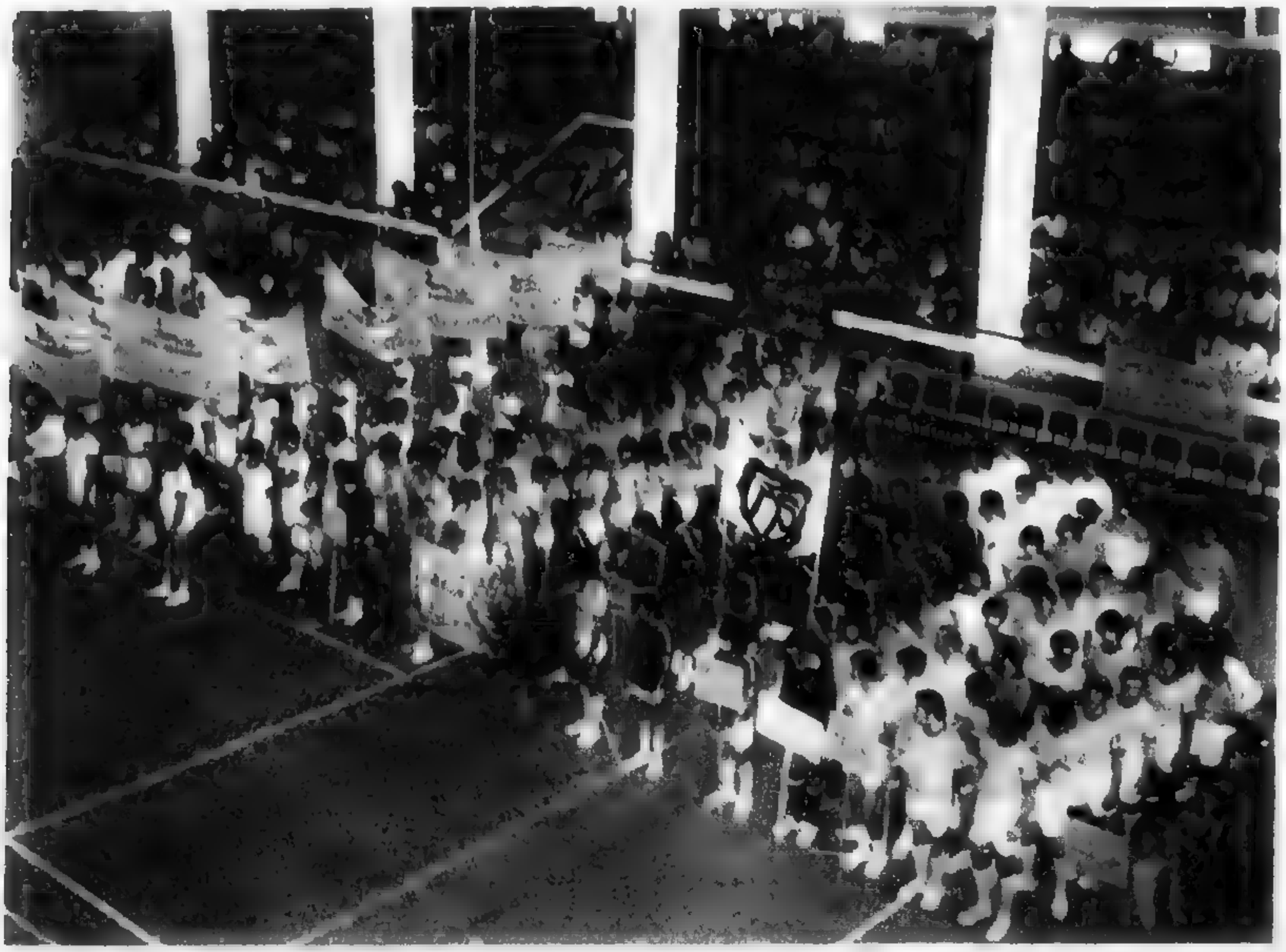

مراسم افتتاح ششمین دوره مسابقات داخلی ایران‌ناسیونال

... برگزار شود و با همین هیجان و شور و نشاطی که در نخستین روزها از خود نشان دادند، در روز اختتام هم همین روحیه را در ... حفظ نمایند.

در اینجا بهتر است به این نکته اشاره کنم ... به فرد فرد ... ورزشکاران عزیز که ... احمر در نخستین ... در ... ورزشکاران ... داشته‌اند افتخار ... کنم .. برای من برد یا باخت مطرح نیست ... امر در درجه اول تلاش دوستانه ... رقابت سالم مطرح است.

امیدوارم در ساعاتی که مشغول ورزش ... می‌توانند با روحیه‌ای عالی و انرژی ... به قوی کردن جسم خود بپردازند ... های دور ... امروز ضرب‌المثل فکر ... در بدن سالم ... کوتاهی برای ما ... بوده ... شما برادران کارگر ... داشته باشند ... بازدهی بیشتری از ... دارند. بازدهی بیشتر بدون شک ... بیشتری برای یک یک شما همراه دارد.

دیگر این که برای برندگان این دوره از ... فکر تازه‌ای دارم و آن این که ... برای برندگان جوائزی در نظر گرفته ... شود. بلکه بجای آن قهرمانان را به کشورهای ... بفرستیم تا از نزدیک با دیگر ورزشکاران ... دنیای غرب و محیط ورزشی آنان آشنا ... شوند. تا تجربه‌های خود را در اختیار دیگر ... کارگر قرار دهند.

در خاتمه سخنانم امیدوارم که در فرصتهائی که دست میدهد، خودم هم در میان شما به ورزش ادامه دهم و همچنین روز اختتام مسابقات، همدیگر را در زورخانه پهلوان اکبر خراسانی با پیروزی‌های درخشان ببینیم راستش، من علاقه زیادی به این پهلوان نام‌آور ایران دارم و از همین رو نام آنرا زورخانه پهلوان اکبر خراسانی گذاشتم و به مسئولین امر یادآور شدم که از یکی دو تن از نویسندگان خواهش نمایند که زندگی این پهلوان را بنویسند تا آنرا در تیراژ وسیعی چاپ نموده در اختیار دیگر کارگران ایران بگذاریم.

از اینها گذشته، به تمام همکارانم سپرده‌ام که هر گونه تسهیلاتی که ورزشکاران بخواهند، در اختیارشان گذارده شود.

... امید فردای بهتر برای یک یک ...

... افتخاری ... فدراسیونهای ورزشی اهدا ... و ... ایران ... ایران ناسیونال و ... خواهان ... می‌باشد ... که ... و ... بود.

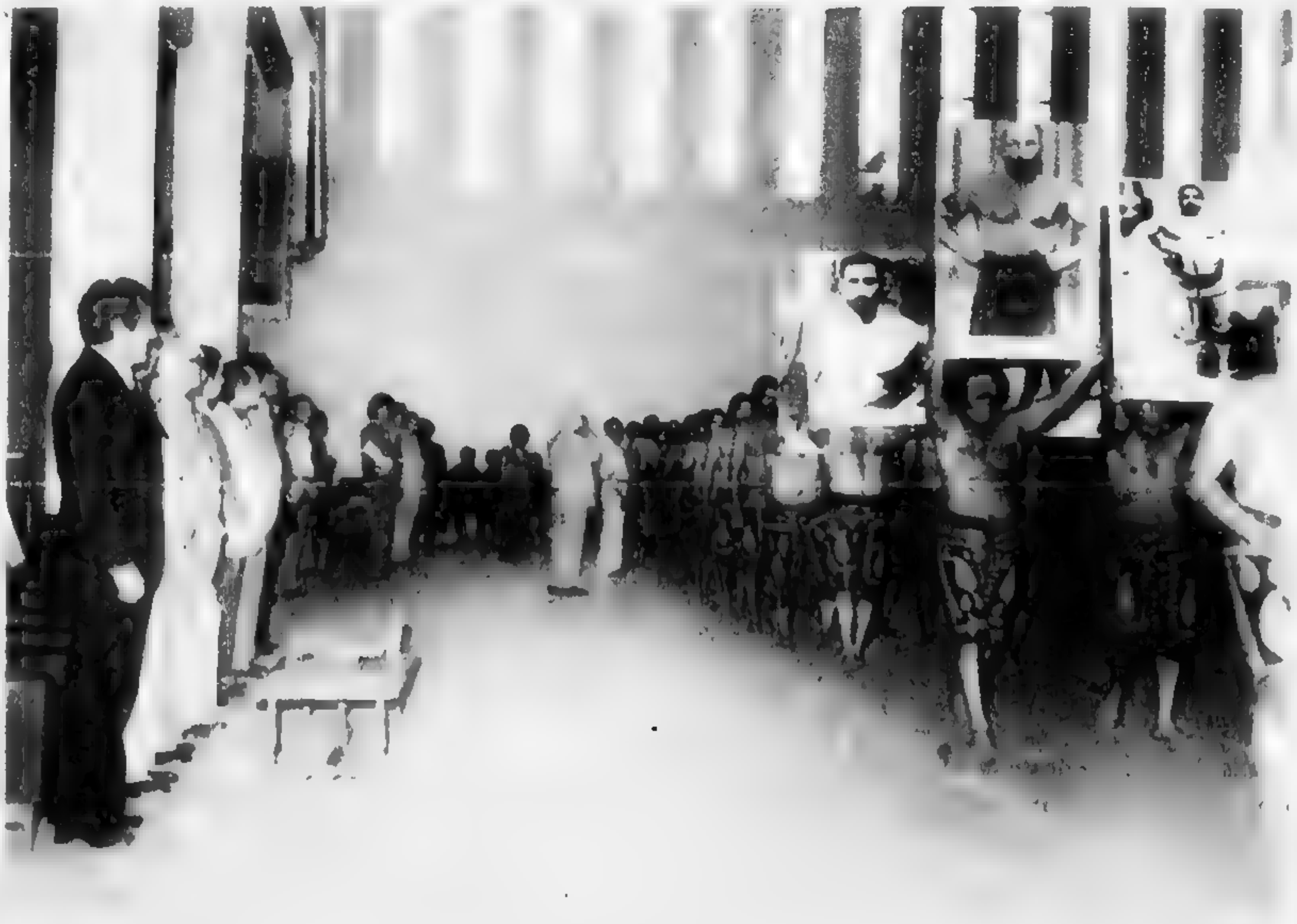

رژه باستانی‌کاران ایران ناسیونال در مراسم افتتاح ششمین دوره مسابقات داخلی ایران‌ناسیونال در حضور آقای خیامی مدیرعامل کارخانجات ایران‌ناسیونال

ورزش کارگر

دهها خبر و مطلب!

«رستاخیز کارگران»، برای آنکه خوانندگان خود را در جریان المپیک مونترال قرار دهد، دبیر سرویس ورزشی، اسماعیل یگانگی را که از متخصصان و مفسران معروف ورزشی است، روانه مونترال کرد. ما با آگاهی به این امر که خبر رویدادهای بزرگ ورزشی در المپیک، بیدرنگ بوسیله رسانه‌های گروهی (رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها) در سراسر جهان منتشر می‌شود و خوانندگان عزیز ما هم از آن آگاهی می‌یابند، از یگانگی خواسته‌ایم بیشتر به مطالبی که در حاشیه این اجتماع جهانی ورزشکاران روی می‌دهد، بپردازد... و انشاءالله چنانچه قهرمانان ایران، بویژه قهرمانان کارگر موفقیت کسب کردند، با آنان گفتگوی اختصاصی برای «رستاخیز کارگران» بعمل آورد و برای ما بفرستد...
آنچه در این شماره می‌خوانید، مطالبی است که یگانگی، تا آخرین لحظه که چاپ مجله امکان می‌داد، برای ما فرستاده است.

تایوان، مسئله‌ساز، کناره گرفت

بالاخره تایوان که چند روزی قبل از بازیها المپیک در دنیا سروصدائی ایجاد کرده بود، بکنار رفت. علت اصلی این امر نیز بخاطر چین بود، ولی قبل از شروع بازیها، درست یک روز قبل از آغاز، دولت تایوان در پس یک جلسه طولانی مقامات این کشور در تایپه اعلام نمود که با نام تایوان حاضر به شرکت در بازیها نیست و ترجیح میدهد که از بازیها امسال صرفنظر کند.

بعد از تایوان نوبت به اعراب و اسرائیل رسید

پس از مسئله تایوان که چند روزی اضطرابی در دل ورزشکاران دنیا ایجاد کرده بود، اکنون نوبت اعراب و اسرائیل شده است عرب‌ها و اسرائیل همیشه در المپیک‌ها مشکل ساز بوده‌اند.

علت اصلی ناراحتی این روزها اعراب و اسرائیل بعلت تدابیر سخت امنیتی است که برای اسرائیل و کشورهای عربی از نظر محافظت و مراقبت می‌شود. «داوید شانی» مربی تیم فوتبال اسرائیل گفته است ناراحتی ما فقط درباره‌ی مراقبت شدید از بازیکنان ما است، ولی همین، شرایط سختی برای ما بوجود می‌آورد که باعث ناراحتی بچه‌های ورزشکار ما می‌شود.

چرا کیسینجر دعوت کانادا را برای شرکت در مراسم افتتاح بازیها المپیک رد کرد؟..

هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه امریکا دعوت کانادا را برای شرکت در مراسم افتتاح بیست و یکمین دوره بازیهای المپیک رد کرد.

گفته میشود علت اصلی رد کردن دعوت برای شرکت در مراسم المپیک، بخاطر مسئله تایوان بدلیل اینکه کانادا اجازه شرکت در بازیها را به تایوان نداد، هنری کیسینجر به این کشور نرفت.

امریکا از ترک بازیها صرفنظر کرد

شایعاتی که قبل از شروع بازیهای المپیک در میان مردم و کشورهای شرکت کننده در المپیک مونترال یعنی بر ترک امریکا از بازیهای المپیک بود، بکلی از میان رفت.

«فیلیپ کروم» رئیس کمیته ملی المپیک ایالات متحده در مونترال گفت پس از تصمیم دولت کانادا مبنی بر پذیرش ورزشکاران تایوان در بازیها، که این تصمیم برای امریکا نیز تکری عاقلانه و قابل قبول است، کمیته المپیک ایالات متحده از فکر تحریم المپیک مونترال و ترک بازیها صرفنظر کرد.

بچه‌ها به فوتبال کمی امیدوار شدند

آنروز عصر که بچه‌های تیم فوتبال ایران با تیم فرانسه مسابقه دوستانه داشت، تیم فوتبال ایران براستی خوب درخشید و خوب درک کرد که چه کاری باید در روزهای آینده کرد.

شگرد فرانسویان در بازی فوتبال برابر ایرانیان کار نو و تازه‌ای بود، ولی استقامت و ایستادگی بچه‌های فوتبالیست ایرانی نیز در خور توجه بود—

اگرچه تیم فوتبال ایران برای سومین بار به المپیک جهانی راه یافته است، خوب درمی‌یابد که برای بهتر شدن چه باید کرد.

برای ایران المپیک توکیو شروعی بود، چون در آن سال ایران جزو یکی از ۱۶ کشوری بود که به جرگه فوتبال بازان دنیا درآمده بود.

ولی در المپیک مونترال، لهستان فاتح بازیهای فوتبال مونیخ —و نیجریه و احتمالا کلمبیا در انتظار فوتبالیست های ما هستند. و با توجه به دیگر تیم‌های فوتبال همگرد خودمان، در دو دوره پیش، این بهترین زمانی است که بتوانیم به مرحله یک چهارم نهائی برسیم.

و به نظر عده‌ای واقعاً لهستان و ایران سزاوار این هستند که در گروههای بالاتری قرار گیرند.

تیم فوتبال ایران که عنوان ملی ... در بازیهای بر... در المپیک حضور می‌یابد، نشان خواهد داد که واقعاً سزاوار برنده شدن هست.

می‌توانید حدس بزنید امسال چه کشوری برنده خواهد بود.

در بازیهای المپیک ۱۹۷۲ مونیخ، شوروی با اختلاف ۵ مدال در مجموع امریکا را در پشت سر گذاشت و به مقام اول دست یافت. رده‌بندی مدال ها در سال ۱۹۷۲ بشرح زیر است

	طلا	نقره	برنز	مجموع
۱ شوروی	۵۰	۲۷	۲۲	۹۹
۲ امریکا	۳۳	۳۱	۳۰	۹۴
۳ جمهوری دمکراتیک آلمان	۲۰	۲۳	۲۳	۶۶
۴—آلمان فدرال	۱۳	۱۱	۱۶	۴۰
۵—ژاپن	۱۳	۸	۸	۲۹
۶—استرالیا	۸	۷	۲	۱۷
۷—لهستان	۷	۵	۱۰	۲۲
۸—مجارستان	۶	۱۳	۱۶	۳۵
۹—بلغارستان	۶	۱۰	۵	۲۱
۱۰—ایتالیا	۵	۳	۱۰	[illegible]
۱۱—سوئد	۴	۶	۶	۱۶
۱۲—بریتانیای کبیر	۴	۵	۹	۱۸
۱۳—رومانی	۳	۶	۷	۱۶
۱۴—کوبا	۳	۱	۴	۸
۱۵—فنلاند	۳	۱	۴	۸
۱۶—هلند	۳	۱	۱	۵
۱۷—فرانسه	۲	۴	۷	۳

اسکارلست درگذشت

«اسکارلست» پیر مردی که ۴۶ سال بر مقام دبیری فدراسیون جهانی وزنه‌برداری تکیه زده بود، درگذشت. بعد از غوغائی که از حد وقت قبل در فدراسیونهای وزنه برداری رخ داده بود، بالاخره دبیر کهنسال رفتنی شد.

جای او اکنون «توماس اکن» عهده‌دار کارها خواهد بود، به این ترتیب سالهای پایان کار پیر مرد انگلیسی در فدراسیون وزنه‌برداری جهان به پایان رسید. از ایران نیز کدخدا زاده دبیر فدراسیون وزنه برداری به عضویت کمیته فنی فدراسیون بین‌المللی برگزیده شد.

مسعود برومند، رئیس فدراسیون ایران در انتخاب هیئت رئیسه که حضور دارد با ۲ رای کمتر هشتم شد، و از راه یابی به هیئت رئیسه جهانی وزنه برداری محروم گردید.

هر ۱۲ هر ورزشکار ایرانی در یک ...

مسئله جا برای ورزشکاران مسئله روز شده.

[illegible]

... بهترین مربی خواهد شد

[illegible]

[illegible] معنوی تیم ملی بسکتبال شوروی شد.

حال بار هم دو حریف در اندیشه ... کرده‌اند. شوروی بار هم در فکر و اندیشه بردن مدال است و از سوی دیگر امریکا فکر انتقام. باید صبر کرد تا نتیجه دیدارهای این دو تیم معلوم شود.

ورزش ... ایرانیها خواهد بود

[illegible] ... بعنوان سرپرست ... برگزیده شده. این تصمیم در جلسه کنگره کمیته‌های المپیک که ۳ نماینده از هر قاره و ۱ نماینده از کمیته بین‌المللی المپیک و یک نماینده از استرالیا داشت بصورت قطع اعلام شد.

فرار بچه‌ها از تمرین

دیدنیهای دهکده المپیک این روزها فراری است که بچه‌ها چیزی که یادشان نیست تمرین است. بچه‌ها فرصت از تمرین کردن شانه خالی می کنند. نماینده اعزامی ... از مونترال گزارش میدهد بعد از اینکه ... بخاطر ... انضباطی ... مشت زنی اخراج و به تهران اعزام شود، پرویز بادپا نیز مورد سرزنش مربی خود قرار گرفت یکی از کشتی گیران هم به دلیلی از کشتی گرفتن امتناع کرده بود که قضیه بخیر گذشت، و فقط جریمه شد.

بعضی دیگر از بچه‌ها فقط مشغول خرید سوغاتی هستند و به خرید بیشتر از تمرین اهمیت میدهند.

آیا تایلند میزبان بازیهای آسیائی است؟

در این روزها که همه جا صحبت از المپیک جهانی است، دوستداران بازیهای آسیائی دست اندر کار مقدمات برگزاری بازیهای آسیائی هستند. با اینکه در تهران قرار شده بود که

Montreal '76

ز المپیک مونترال...

[illegible] سرپرستان هشتمین دوره بازیهای [illegible] شود، ولی بعلت‌های [illegible] [illegible] درخواست وا [illegible] [illegible] درخواست

[illegible] را در کشورخود [illegible] است. [illegible] [illegible] در سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۷۰ [illegible] بازیهای آسیائی بوده است.

[illegible]

بالاخره [illegible] [illegible] معروف ایران [illegible] [illegible] در مونترال [illegible] از همه [illegible] او در جمع بچه‌های [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] با [illegible] مخصوص خودش [illegible] سنگ می‌رود و با بچه‌ها به تمرین می‌پردازد [illegible] در مسابقات هم شرکت کند. [illegible]

[illegible]

برطرف میشود

این روزها گفته می‌شود اگر ورزشکاران

شرکت بچه‌ها در مراسم رژه

چندساعتی قبل از مراسم رژه، تیم المپیک ایران در یکی از گوشه‌های میدان مشغول تمرین بود. این یکی از عکسهائی است که خبرنگار «رستاخیز کارگران» برایمان از مونترال ارسال داشته است. در آن روز برهیجان بچه‌های ایرانی شور وحال دیگری داشتند، شوق به پیروزی و هیجانی زایدالوصف.

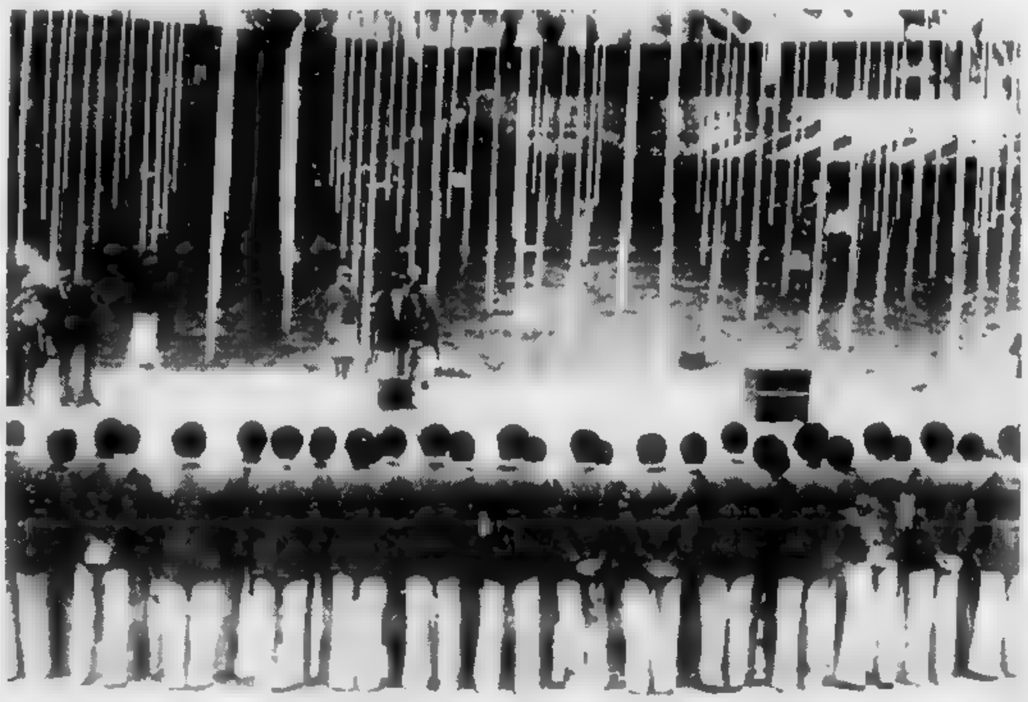

پس از آنکه ورزشکاران ایرانی به مونترال رسیدند، پرچم ایران در جوار پرچمهای دیگر کشورهای جهان باهتزاز درآمد. پرچم ایران باحضور اعضای تیم المپیک ایران در میدان [illegible] دهکده المپیک بالا رفت.

در این مراسم که شهردار دهکده المپیک نیز در آنجا حضور داشت، شهردار کلید دهکده المپیک را به ورزشکاران ایرانی داد.

افریقائی، در بازیهای المپیک شرکت نکنند- که شرکت هم نکردند — مسئله کم‌جائی برای تعدادی از دیگر ورزشکاران برطرف خواهد شد.

با رفتن افریقائی‌ها از المپیک مونترال، ۵۵۹ جای خالی باقی ماند.

افریقائی‌ها بدقولی نکردند.

هر ۱۶ کشور افریقائی که قرار بود بازیهای المپیک مونترال را بخاطر حضور «زلاندنو» تحریم کنند، در مراسم افتتاح بازیهای المپیک شرکت نکردند و بقولی که داده بودند وفا کردند. اگرچه شایعات زیادی در مورد شرکت آنان قبل از مراسم در گوشه و کنار شنیده می‌شد، ولی در هنگام رژه از شرکت آنان خبری نبود.

۱۶ کشوری که در بازیها شرکت نکردند، عبارتند از: چاد، کنیا، ولتای علیا، ساحل عاج، نیجریه، توگو، الجزایر، کامرون، مراکش، سنگال، نیجر، زامبیا، جمهوری کنگو، اتیوپی، اوگاندا و سودان.

ورزش کارگر

کارنامه محمد نصیری

۱۹۶۸	مکزیکوسیتی	مدال طلا
۱۹۷۲	مونیخ	مدال نقره
۱۹۷۶	مونترال	مدال برنز

بدنبال سه ساعت پیکاری سنگین، ساعت پنج بامداد روز دوشنبه بیست و هشتم تیرماه گذشته نتیجه مسابقه‌های وزنه برداری بیست و یکمین دوره بازیهای المپیک مونترال روشن شد و محمد نصیری امید شماره یک کاروان ورزش ایران، با مجموع ۲۳۵ کیلو مقام سوم المپیک را بدست آوردو برنده مدال برنزشد.

ساعت ۲ بامداد بوقت تهران، وزنه برداران دسته مگس وزن، وارد صحنه شدند که نصیری (از ایران)، و رونین (از شوروی)، اسمالچرز، (از لهستان) و کثورکی (از مجارستان) چهره‌های شاخص این وزن با استقبال پرشور تماشاچیان روبرو شدند.— والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی ریاست کمیته ملی المپیک ایران باتفاق همسرشان والاحضرت منیژه پهلوی، و نیز گروه بیشماری از ایرانیان برای تشویق نصیری در سالن حضور داشتند.

بعد از پایان کار قهرمانان با رکورد کمتر، نوبت مبارزه به‌مدعیان اصلی رسید.

محمد نصیری در اولین حرکت یکضرب، مقابل وزنه ۹۵ کیلو گرم نا کام شد، ولی رقیب مستقیم وی، «آلکساندر ورونین» درحرکت اول یکضرب ۱۰۰ کیلورا براحتی بالا برد.

«اسمالچرز» لهستانی هم درسه نوبت متوالی نتوانست صد کیلوگرم را بزند و درنتیجه از دور مسابقات حذف گردید و این یکی از بزرگترین رویدادهای ورزشی شب اول برای وزنه‌برداران جهان در دسته مگس وزن بازیهای المپیک مونترآل بود. بعد از خارج شدن قهرمان لهستانی، نصیری با قدرتی شگفت انگیز در حرکت دوم یکضرب یکصد کیلو را بالا برد وسه چراغ سفید بعنوان قبولی بدرقه راهش شد. «کثورکی» از مجارستان در نخستین حرکت ۱۰۲/۵ را زد و مرتبه دوم درمقابل ۱۰۷/۵ کیلو نا کام شد، ولی درنوبت سوم این وزنه را با موفقیت بالا برد، نصیری درحرکت سوم ۱۰۲/۵ کیلو را انداخت و ورونین بعد از موفقیت درضربه دوم، ۱۰۵ کیلو در نوبت سوم مقابل وزنه ۱۰۷/۵ کیلوگرم با عدم موفقیت روبرو شد. در پایان حرکت یکضرب، رکورد قهرمانان مورد بحث چنین بود: کثورکی ازمجارستان ۱۰۷/۵ کیلو، ورونین ازشوروی ۱۰۵ کیلوو محمد نصیری از ایران ۱۰۰ کیلو. درحرکت دوضرب کثورکی از مجارستان ازیکصدوسی کیلوشروع کرد، موفق شد «ورونین» درسه حرکت ۱۳۰ و ۱۳۵ و ۱۳۷/۵ کیلورا باموفقیت بالا برد وبا مجموع ۲۴۲/۵ کیلو موفقیت خود را تثبیت کردو«کثورکی» ازمجارستان درمرتبه دوم ۱۳۰ کیلو را بالا برد، و درنوبت سوم روی وزنه ۱۳۵ کیلو با شکست روبرو شد و با مجموع ۲۷۳/۵ کیلو به کار خود پایان داد. همه ایرانیان حاضر درسالن به حرکت‌دو ضرب نصیری امید بسته بودند که شگرد اوست، و دراین حرکت ازمهارتهای لازم برخورداراست نصیری درحرکت اول دوضرب ۱۳۵ کیلو را انداخت. درمرتبه دوم این وزنه را با موفقیت بالا برد و مجموع ۲۳۵ کیلو را برای خود قطعی کرد.

حالا برای نصیری یک حرکت باقی مانده بود. او اگر می‌خواست صاحب مدال نقره بشود، به راحتی میتوانست برای نوبت سوم وزنه ۱۳۷/۵ کیلو را انتخاب کند، ولی او مکانهائی بالاتر را برای خود جستجو میکرد و درمیان بهت وحیرت تماشاچیان برای حرکت سوم وزنه ۱۴۲/۵ کیلو را برایش گذاشتند. این صحنه همه را به یاد المپیک مکزیک انداخت که نصیری در دسته خروس وزن با بلند کردن ۱۵۰ کیلوگرم درمرتبه سوم دوضرب باشکست رقبا برنده‌مدال طلاشد. درهرحال نصیری مثل همیشه با عزمی راسخ و اراده‌ای پولادین برابر وزنه ۱۴۲/۵ کیلوقرار گرفت تاآن را بالا ببرد و درمجموع با «ورونین» مساوی کندو به خاطر وزن کمتر عنوان اول المپیک را به دست بیاورد. نصیری این بارگران را با قدرت فوق‌العاده‌ای به روی سینه کشید، و خیلی سریع آن را بالا برد و روی بازوان نیرومندش استوار کرد، ولی پاهایش دراین مهم با او همراهی نکردند وقهرمان دوران ما نامتعادل شدودرنهایت حسرت‌فشاراین باسنگین او را مغلوب کرد، تا برای سومین بار در بازیهای المپیک بر روی یکی از سکوهای سه‌گانه قرارگیرد و این بارمکان سوم و مدال برنز را متعلق به خودسازد.

بعدازسلماسی و نامجو که ازافتخارآفرینان جهان‌وزنه برداری برای ایران بودند. محمد نصیری واقعاً یکی از پدیده‌های بزرگ عالم وزنه برداریست که ازالمپیک ۱۹۶۴ ژاپن تا امروزبه طور پی‌گیر و منظم درالمپیک ۶۸ مکزیک و ۱۹۷۲ مونیخ وحالا ۱۹۷۶ مونترال‌شرکت داردونیز با حضوری منظم درمسابقه‌های جهانی تاکنون بیش از هفت بار عنوان قهرمانی جهان را بدست آورده است. نصیری دربازیهای المپیک ۱۹۶۴ ژاپن با وزن بدن ۵۲ کیلو دردسته خروس‌وزن با ۳۱۰ کیلو پانزدهم شد. در بازیهای المپیک مکزیک با مجموع ۳۶۷/۵ کیلو (دوضرب ۱۵۰ کیلوئی) اولین مدال طلای المپیک را برای ایران بدست آورد. دربازیهای المپیک ۱۹۷۲ مونیخ محمد نصیری با آن که دوکیلوونیم بیش از مجموع المپیک مکزیک (۳۷۰ کیلو) تحصیل کرد، مع‌الوصف مغلوب رقیب دیرینه‌اش «فولدی» ازمجارستان‌شد که با ۳۷۲/۵ کیلو برنده‌مدال طلاشده بود.

با این ترتیب نصیری در المپیک مکزیک مدال طلا در المپیک مونیخ نقره‌و درالمپیک مونترال صاحب یک مدال برنز شده‌است.

کارگران‌ورزشکارایرانی، درالمپیک‌مونترال

گواینکه همه سفیران ورزشی ایران در بیست‌ویکمین دوره بازیهای المپیک ایرانی‌ومتعلق بجامعه ایران‌میباشند، ولی ازحق نباید گذشت که مواهب انقلاب شاه وملت، درطول سالهائی که ازآغازآن گذشته، این امکان را بوجود آورده است تا همه طبقات درمبارزات ورزشی حضور داشته باشند، که طبقه کارگر ایرانی نیز با موجبات و امکاناتی که انقلاب شاه و ملت برایش بوجود آورده، توانسته است درحد توانائی واستعداد خود درزمینه ورزش نیز موفقیت‌های چشمگیری کسب کندو راهی المپیک شود....
و دراین دوره از بازیها برگزیدگان ورزشکار از طبقه کارگر در مونترال بشرح زیرحضوردارند:
منصوربرزگر—پرویز بادپا—رمضان خدر—غلامرضا قصابه حبیب فتاحی—حسن فرد.

نگاهی کوتاه به تاریخ بازی‌های المپیک

بعد از پانزده قرن سکوت وتعطیل بازیهای المپیک باستان» در سال ۱۸۹۶ روی تلاش وپایمردی یک نجیب‌زاده فرانسوی بنام «بارون پیردو کو برتن» نخستین دوره بازیهای المپیک نوین درشهر آتن برگزار شد. اولین کنگره المپیک درسال ۱۸۹۴ در سوربن فرانسه تشکیل گردید وباحمایت کشورهای آمریکا وانگلستان وپشتیبانی شخصیت‌هائی چون پادشاه بلژیک و ولیعهد انگلیس وهمچنین ولیعهد سوئد ونخست‌وزیر انگلستان «بارون پیردو کوبرتن» بریاست کمیته بین‌المللی المپیک انتخاب گردید، و در همین جلسه تصمیم گرفته شد تا اولین دوره بازیهای المپیک نوین بسال ۱۸۹۶ در «المپیاد» نزدیک شهر آتن انجام شود که زادگاه باستانی این بازیها بود. در نخستین دوره بازیهای المپیک ۹۵ ورزشکار از کشورهای مختلف شرکت داشتند وچهار سال بعد (۱۹۰۰) پاریس میزبانی بازیها را برعهده داشت وبترتیب در سالهای ۱۹۰۴ (سنت لوئیز) - ۱۹۰۸ لندن - ۱۹۱۲ استکهلم - ۱۹۲۰ بلژیک - ۱۹۲۴، آمستردام- ۱۹۳۲ لس‌آنجلس - ۱۹۳۶ برلین -۱۹۴۸ لندن - ۱۹۵۲ هلسینکی -۱۹۵۶ ملبورن - ۱۹۶۰ رم- ۱۹۶۴ توکیو- ۱۹۶۸ مکزیک ۱۹۷۲ مونیخ بازیهای المپیک را برگزار کردند وحالا برای بیست ویکمین دوره، شهر مونترال کانادا افتخار برگزاری این دوره از بازیها را برعهده گرفته است. نفوذ سیاست با آنکه هدف بنیانگذار المپیک نوین صلح و دوستی وتظاهرات ورزشی بدور از تأثیر مسائل سیاسی بود، مع‌الوصف سیاست به‌اشکال مختلف در سالم‌ترین جشن‌های ورزشی جوانان سراسر گیتی رخ نمود، که بازیهای المپیک ۱۹۳۶ برلین سرآغاز نفوذ سیاست در ورزش بود. در این زمان که‌هیتلر در تلاش تحمیل فلسفه برتری نژاد ژرمن بمردم جهان بود، در مقابل یک سیاهپوست آمریکائی بنام «جس‌اونس» ناگزیر به‌تسلیم شد و چهار بار نظاره‌گر برافراشتن پرچم ایالات متحده برای خاطر پیروزی این سیاه‌جاودانی باشد که در دوصدمتر و دویست‌متر وپرش طول و چهاردرصدمتر امدادی با برتری قابل ملاحظه‌ای حریفان خودرا مغلوب وپوچی فلسفه برتری نژادی رابه بهترین شکل ممکن به «هیتلر» ثابت کرد.

برای دومین بار بازهم آلمان مرکز یکی از جنجالی‌ترین وخونین‌ترین مسائل سیاسی درامر ورزش گردید. بیستمین دوره بازیهای المپیک که درسال ۱۹۷۲ درشهرمونیخ برگزارشد، سیاست با سخت‌ترین شکل ممکن در دهکده المپیک چهره نامطلوب خودرا نشان داد و عده‌یی از ورزشکاران اسرائیلی را کماندوهای فلسطینی به گروگان گرفتند، ودرعملیات نجات این ورزشکاران یازده‌تن ازآنان کشته شدند.

قبل‌از آغاز بیست ویکمین دوره بازیهای المپیک که هفته گذشته درشهرمونترال آغاز شدو هنوز هم ادامه دارد، سیاست با موضوع طرح اخراج تایوان چهره نمود، تاآنجا که آمریکا وچند کشور دیگر را در آستانه ترک بازیهای المپیک‌قرار داده بود که خوشبختانه بخیرو خوشی گذشت وآمریکا حاضر به شرکت شد و نیجریه با سماجت بخاطر «زلاندنو» که با ورزشکاران کشور نژادپرست افریقای‌جنوبی مسابقه داده است بازیها را ترک گفت... و بدنبالش تعداد زیادی از کشورهای آفریقائی وچند کشورعربی‌مونترال راترک گفتند.

ایران دربازیهای المپیک از۱۹۴۸ تا۱۹۷۶

حضورایران دربازیهای المپیک از۱۹۳۶ برلین آغازشده است. البته در این دوره بازیها گروهی از دانشجویان ایرانی که در فرانسه و آلمان تحصیل میکردند، مثل دکترچهرازی، دکتربصیر، مهندس‌شاهمیر و... بعنوان ناظر موفق بتماشای بازیهای برلین شدند. بعد از بازیهای برلین بدنبال تعطیل بازی‌های المپیک درسال ۱۹۱۶ (جنگ بین‌المللی اول) در سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۴۴ بازیهای المپیک نیز بعلت جنگ جهانی دوم انجام **نشد و ورزشکاران ایرانی بطور رسمی در چهاردهمین دوره بازیهای المپیک در لندن حضوریافتند وبعنوان یکی ازکشورهای‌صاحب نام در ورزش، بویژه در کشتی و وزنه‌برداری شایستگی و لیاقت خود را به کرات ثابت و آشکار نمودند.**

۱۹۴۸ لندن المپیادچهاردهم

با کمک و مراحم شاهنشاه آریامهر که هزینه سفر ورزشکاران را تقبل فرمودند ۵۰ تن ازورزشکاران وسرپرستان ایرانی شانس شرکت در بازیهای المپیک را برای نخستین بار پیدا کردند. یعنی اگر لطف‌و مرحمت رهبر عالیه ورزش ایران شامل حال قهرمانان ایرانی نمیشد نام جعفر سلماسی هم بعنوان نخستین ورزشکار ایرانی که بنام ایران در بازیهای لندن افتخار آفرید، بمیان نمی‌آمد. رهآورد کاروان ورزش ایران ازاین سفر یک مدال برنز دردسته پروزن وسیله جعفر سلماسی بود، در حالیکه مثل المپیک مونترال که همه امید ها به نصیری بسته شده بود، درآنموقع هم امید شماره یک ایران «نامجو» بود که در حرکات پرس و یکضرب از حریفان عقب افتاده بود، ولی در دوضرب بر همه پیشی گرفت (و سال بعد هم در مسابقه های جهانی لاهه ۱۹۴۹، قهرمان جهان شد) وعنوان پنجم را بدست‌آورد.

۱۹۵۲ هلسینکی المپیاد پانزدهم

در این دوره از بازیها محمود نامجو که سالها قهرمان جهان بود، درخروس‌وزن‌مدال نقره‌گرفت ودرهمین وزن علی میرزائی تهران، صاحب یک‌مدال برنزشد.

در کشتی، محمود ملاقاسمی، ناصر گیوه‌چی، جهانبخت توفیق‌و عبداله مجتبوی مدال برنز گرفتند و غلامرضا تختی برنده مدال نقره شد.

۱۹۵۶، ملبورن، المپیاد شانزدهم

۱۷ ورزشکار ایرانی با هفده سرپرست در المپیاد ملبورن شرکت کردند. با توجه به نسبت ورزشکاران و پیروزیهای درخشان و قابل توجهی که بدست آوردند، میتوان گفت که المپیادملبورن یکی‌ازپربارترین بازیهای‌المپیک المپیک برای ورزشکاران ایرانی بود، دراین دوره ازبازیها، امامعلی حبیبی و غلامرضا تختی برای نخستین بار در تاریخ ورزش ایران موفق بدریافت مدال طلاشدند و بخاطر پیروزی این دو نفر دوبار پرچم ایران با هتزازدرآمد وسرودایران نواخته شد. بدنبال این دو، محمد علی خجسته‌پور و مهدی یعقوبی نیز صاحب مدال نقره‌شدند. در وزنه‌برداری نیز «نامجو» ازجمع نه‌حرکت قانونی، درسه حرکت با مجموع ۳۳۲/۵ کیلو برنده مدال برنز شد که این برای ورزشکار با چهل سال سن، فوق‌العاده افتخارآمیز بود که در نظر نظر بگیریم رقبای نامجو در همین وزن «استوگف» ازشوروی و «وینسی» ازآمریکا که هرکدام نصف سن نامجورا داشتند با ۳۴۲/۵ و ۳۳۷/۵ تبلواول ودوم‌شدند.

۱۹۶۰ رم‌المپیاد هفدهم

دراین دوره‌ازبازیها ۵۲ ورزشکار ازایران شرکت داشتند. کشتی گیران ایرانی مسابقه‌های مقدماتی را با پیروزیهای درخشان پشت سرگذاردند، ولی در دیدار های نهائی مغلوب حریفان شدند. تنها غلامرضا تختی برنده مدال نقره‌شد و نیز محمد ابراهیم سیف پور، مقام سوم رابدست آورد و یک‌مدال برنز گرفت ودر کشتی فرنگی هم محمد پدیرائی موفق بدریافت یک مدال برنز گردید. دروزنه برداری تنها اسمعیل علمخواه برسکوی‌سوم (مدال برنز) قرارگرفت.

۱۹۶۴ توکیوالمپیاد هیجدهم

دربازیهای توکیو گروه عظیم ورزشکاران ایرانی که باسرپرستان بیش ازصد نفر بودند، نتایج خوبی تحصیل نکردند. فقط حیدری و صنعتکاران در کشتی آزاد صاحب مدال برنز شدند. دروزنه‌برداری با ناکامی کامل روبرو شد. درفوتبال که برای نخستین بارشانس شرکت را دربازیهای المپیک پیدا کردیم، با دوشکست از جمهوری آلمان و رومانی و یک مساوی با بلژیک از دور مقدماتی حذف شدیم.

۱۹۶۸، مکزیکوسیتی، المپیادنوزدهم

بعد از بازیهای ملبورن باید گفت که نتایج حاصل ازشرکت ورزشکاران ایرانی در نوزدهمین دوره بازیهای المپیک، پربا روقابل توجه بود. در کشتی آزاد سیدعباسی وطالبی برنز گرفتند و عبداله موحد به نخستین مدال طلای خود دربازیهای المپیک دست یافت. در وزنه‌برداری محمد نصیری با مجموع ۳۶۷/۵ کیلو قهرمان المپیک و برنده مدال طلا شد و جلایر با ۴۲۲/۵ کیلوعنوان دوم المپیک را بدست آورد. لازم یادآوری است که دراین دوره‌ازبازیها محمد نصیری درحرکت دوضرب با بلند کردن ۱۵۰ کیلوبه رکوردی‌افسانه‌ای دست یافت که همچنان درجهان وزنه برداری روی آن بحث وگفتگومیشود.

۱۹۷۲، مونیخ المپیادبیستم

حاصل کارقهرمانان‌ایرانی دراین دوره‌از بازیها، دو مدال نقره محمد نصیری و رحیم علی‌آبادی دروزنه برداری و کشتی فرنگی بود و نیز ابراهیم جوادی برسکوی سوم قرار گرفت و برنده‌مدال برنزشد.

گوشه‌ای ازتأسیسات مونترال

ورزش کارگر

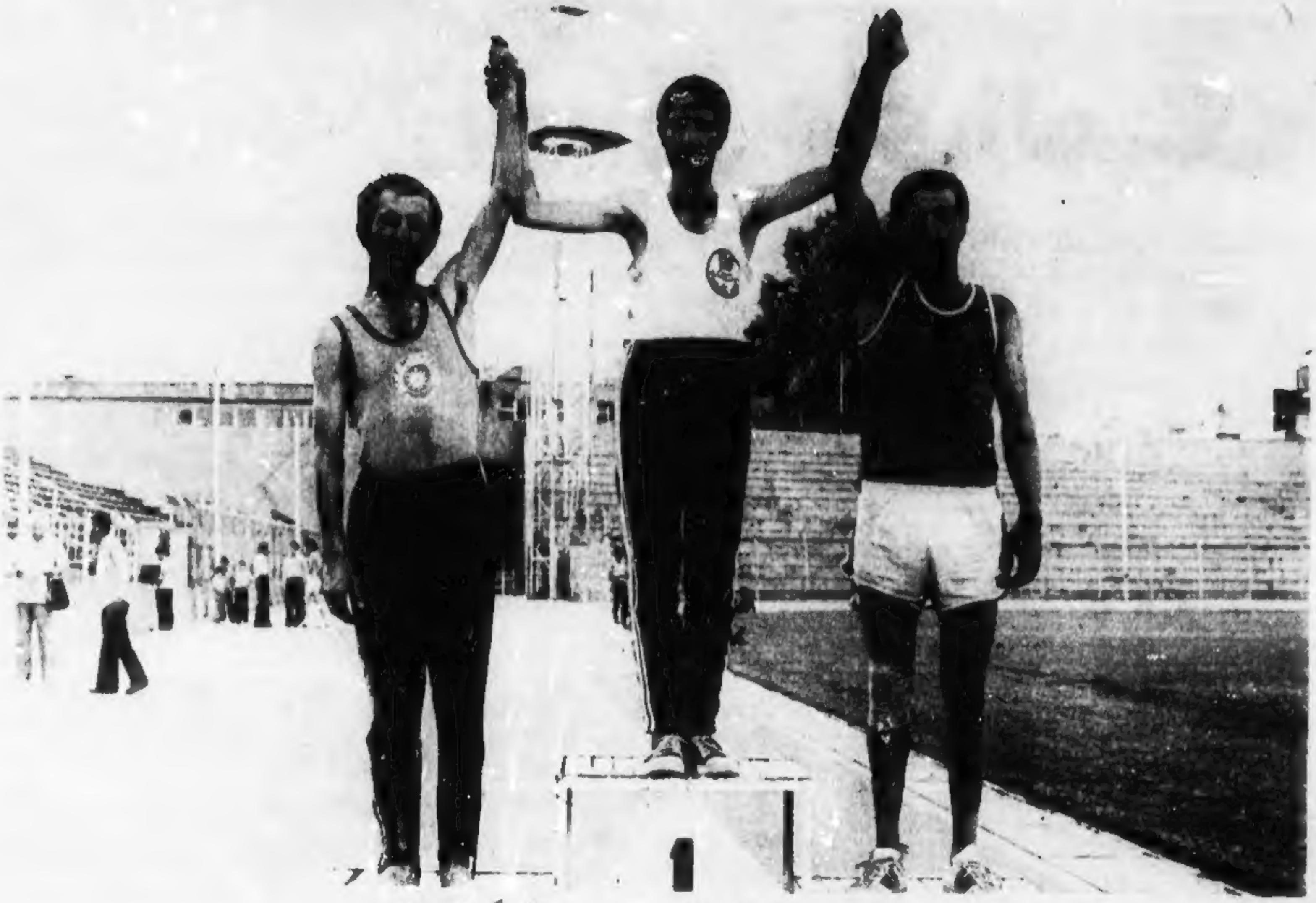

نفرات اول تا سوم مسابقه دوی ۵۰۰۰ متر کارگران تهران

دونده های کارگر

سکوهای سوت و کور امجدیه را رنگ و روئی بخشیدند

دوومیدانی ما، از ساکت‌ترین و بی‌رمق‌ترین ورزش هاست، درحالیکه، در دنیای پیشرفته، این ورزش را «مادر» ورزشهای دیگر می‌دانند که پایه و اساس دیگر ورزشها را تشکیل میدهد.

مسابقه‌های قهرمانی دوومیدانی کارگران کشور، در حد خود، باعث شور و هیجان در دوومیدانی ما شده و پیست‌های خالی و سکوهای سوت و کور را رنگ و روئی بخشیده است.

هفته پیش، به منظور انتخاب تیم دوومیدانی کارگران تهران جهت شرکت در مسابقه‌های قهرمانی دوومیدانی کارگران مسابقه انتخابی با همکاری فدراسیون دوومیدانی در ورزشگاه امجدیه برگذار شد. در این مسابقه دونده‌های کارگر کارخانجات ایرانا — ارج — پروفیل نیمه سبک — پارس الکتریک — زاگرس، شرکت نفت، بلنداکس، فایزر، فیلیپس شرکت داشتند و نتایج زیر حاصل مبارزات سخت و فشرده این کارگران می‌باشد.

۱۰۰ متر

۱ — جواد عسکری از پروفیل نیمه سبک
۲ — ناصر قنبری از فیلیپس
۳ — سید محسن حسینی شکرابی از ایرانا
۴ — براتی از ناست
۵ — هوشنگ علیمحمدی از زاگرس

۴۰۰ متر

۱ — اکبر دارستانی از پروفیل نیمه سبک
۲ — ناصر قنبری از فیلیپس
۳ — اکبر مصطفی پور از ایرانا
۴ — هوشنگ علیمحمدی از زاگرس
۵ — جواد عسکری از پروفیل نیمه سبک
۶ — عزیز علی محمدی از زاگرس

۱۵۰۰ متر

۱ — اکبر دارستانی از پروفیل نیمه سبک
۲ — علی بیک تن از پروفیل نیمه سبک
۳ — مهدی حیدری از ایرانا
۴ — اکبرزاده از بلنداکس
۵ — محمد رضازاده از ایرانا
۶ — علی یگانه از ناست

۵۰۰۰ متر

۱ — اسلام عباسی از ایرانا
۲ — حسن کیا از شرکت نفت
۳ — علی بیک تن از پروفیل نیمه سبک
۴ — محمد رضازاده از ایرانا
۵ — مسعود عبادزاده از بلنداکس
۶ — محمدرضا کشاورز از پروفیل نیمه سبک

پرتاب نیزه

۱ — فرخ فرجاد از ایرانا
۲ — صادق حدادی از ارج
۳ — منصور احمدی از ایرانا
۴ — علی آسترش از پارس الکتریک

پرتاب دیسک

۱ — محمدعلی عبدالهی از ارج
۲ — داود بداقی از ارج
۳ — ناصر احمدی از ایرانا
۴ — فرخ فرجاد از ایرانا
۵ — علی آسترش از پارس الکتریک

شرکت کنندگان درمسابقه دوومیدانی کارگران

پرتاب وزنه

۱ — محمدعلی عبدالهی از ارج
۲ — ناصر احمدی از ایرانا
۳ — فرخ فرجاد از ایرانا
۴ — علی بیک تن از ایرانا
۵ — صادق حدادی از ارج
۶ — اکبر ذبیحی از فیلیپس

پرش طول

۱ — اکبر دارستانی از پروفیل نیمه سبک
۲ — داود پیربداغی از ارج
۳ — اکبر گل محمدی از فایزر
۴ — محسن حسینی شکرابی از ایرانا
۵ — اکبر ذبیحی از فیلیپس
۶ — هوشنگ علیمحمدی از زاگرس

پرش سه گام

۱ — محمود نیرومند از ایرانا
۲ — محمدعلی عبدالهی از ارج
۳ — مهدی حیدری از ایرانا
۴ — مهدی احمدی از پروفیل نیمه سبک
۵ — رضا رادمنش از پروفیل نیمه سبک

پرش ارتفاع

۱ — سید محسن حسینی شکرابی از ایرانا
۲ — رضا ثانی از ناست
۳ — رضا رادمنش از پروفیل نیمه سبک

در نتیجه تیم ایرانا با ۴۷ امتیاز اول تیم پروفیل نیمه سبک با ۴۵ امتیاز دوم تیم ارج با ۳۶ امتیاز سوم و تیمهای فیلیپس — زاگرس — شرکت نفت مقامهای چهارم تا ششم را کسب نمودند.

بدست یک کارگر کوهنورد، نشان مخصوص جشنهای پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی برفراز کوه های آلپ نصب میشود

یک کارگر کوهنورد، برای صعود به فتح قلل مونبلان وماترهورن راهی فرانسه میشود. کارگر کوهنورد ایرانی که بجمع دیگر دوستان خود می پیوندد، آرم جشنهای فرخنده بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی را با خود حمل وآنرا برتارك قله مونبلان نصب خواهد کرد. این کارگر شجاع سید محمود مرتضوی نام دارد و کارگر کارخانه شیشه سازی قزوین است. مرتضوی قبلا هم ارتفاعات آلپ رازیرپاگذاشته بود.این کوهنورد ۲۸ ساله عضوتیم همالیای ایران است که در سالهای اخیر به دوقله مرتفع از کوههای همالیا صعود کرده است. وی در سال گذشته نیز با صعود به قله مونبلان نشانی را برای ایران بارمغان آورد.

مرتضوی در دفتر مجله « رستاخیز کارگران» گفت: من از چهارده سالگی به کوهنوردی مشغول شده ام. در ایران نیز تقریباً به وضع کوهها آشنائی دارم و کمتر کوهی است که من به آن صعود نکرده باشم.

چند بار به قله دماوند وارتفاعات زرد کوه بختیاری،جنوب علم کوه و لشکرك صعود کرده ام.

من اغلب با کوهنوردان خارجی که به ایران می آیند همراه وهمسفر هستم ومیتوان گفت در سال جاری با کوهنوردان ژاپنی،آلمان فدرال،وفرانسه به این کوهها صعود کرده ام.

وی درشب قبل ازمسابقات المپیک آسیائی درایران ، پرچم المپیک آسیائی را در قله دماوند برافراشت.

کارگر جوان ما که با خوشحالی از سفر هیجان انگیز خود حرف میزد ، گفت:

—امید دارم که بتوانم آرم جشنهای بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی را بر روی قله مونبلان نصب کنم.

این کارگر که از پیشقدمان گروه نجات کوهنوردان ایران است و از نجات چندین کوهنورد که براثر سوانحی به کمک نیاز داشتند، سخن گفتند وافزود: « گروه نجات همیشه آماده خدمت به کوهنوردانی است که بــــه کوهنوردی میپردازند» برای محمود مرتضوی آرزوی موفقیت مینمائیــــــــم.

کشتی گیران ذوب آهن آریامهر، درمسابقات قهرمانی کارگران خوش درخشیدند

مصطفی توکلی

سیدابوالحسن میرواحدی

سیدمرتضی قسیمی

قنبرعلی مدانلو

محمدسلمانی

درششمین دوره مسابقات قهرمانی کشتی های فرنگی و آزاد کارگران کشور، کشتی گیران ذوب آهن آریامهر، درخشش چشمگیری از خود نشان دادند و امتیازات فراوانی نصیب تیم های کشتی منطقه یک کارگری کشور نمودند.

در رشته کشتی آزاد ، قنبر علی مدانلو ، کارگر انبار بخش نورد ذوب آهن آریــامهر (۵۷ کیلوگرم) به مدال طلادست یــــافت همچنین در وزن ۸۲ کیلوگرم مصطفی توکلی تراشکار بخش نورد ذوب آهن آریامهر مقام دوم را کسب کرد.

سید ابوالحسن میر واحدی کارمند واحد طراحی شهرسازی شرکت ملی ذوب آهن ایران در وزن ۱۰۰ کیلوگرم اول شد ومدال طلا گرفت این کشتی گیر در رشته فرنگی نیز در وزن ۹۰ کیلو گرم شرکت نمود و با شایستگی مدال نقره نیزبدست آورد.

در وزن فوق سنگین محمد علی کتیرائی قهرمان با سابقه کشور نیز بکسب مدال نقره نائل آمد. کتیرائی در وزن ۱۰۰+ کیلو گرم کشتی فرنگی نیز قهرمان شد.

در رشته کشتی فرنگی ، سید مرتضی قسیمی تراشکار مهندسی فن مکانیک ذوب آهن آریامهر و محمود سلمانی جوشکار پایگاه صنعتی ذوب آهن آریامهر بترتیب مدال طلای وزن ۵۷ کیلوگرم ومدال برنزوزن ۸۲ کیلوگرم را تصاحب نمودند.

پیروزیهای این کشتی گیران مرهون زحمات وعلاقه فراوان مربی با تجربه ذوب آهن آریامهر (قهرمان سابق تیم ملی کشتی آزاد ایران) آقای قاسم جعفری است.

دوچرخه سواری یزد

کارگران دوچرخه سوار یزد ، بــــرای انتخاب تیم دوچرخه سواری شهر خـــــود جهت شرکت درمسابقه های منطقه ای ونهائی، یک مسابقه ۲۰ کیلو متری انجام دادند که در نتیجه میرزا محمد تقی بنا فتی زاده کارگـــــر مخابرات بمقام نخست رسید.

محمد خرابیان (از کارخانه افشار) محمد علی پیرمداح (از کارخانه افشار) و رضا ثمری زاده (از کارخانه یزد باف ، مقام های دوم تا چهارم رابدست آوردند.